



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه

رساله ماستری

محصل: احمد شاکر "رحیمی"

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی - حفظه الله -

سال ۱۳۹۷ هـ ش - ۱۴۴۰ هـ ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصيلات عالی

معینیت امور علمی

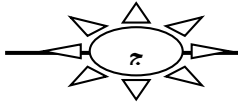
صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه

رساله ماستری

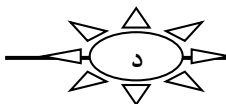
محصل: احمد شاکر "رحیمی"

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی - حفظه الله -

سال ۱۳۹۷ هـ ش - ۱۴۴۰ هـ ق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم احمد شاکر ولد محمد رحیم ID: SH-MST-96-209 محصل دور سوم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه به روز دوشنبه تاریخ ۶/۲۳ / ۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۶ (نمره به عدد) هشتاد و شش (نمره به حروف) گردید.

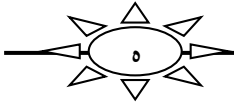
موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم :

نمبره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد مزمل اسلامی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد یونس ابراهیمی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... آمر بورده ماستری

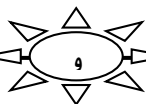


اهداء

می خواهم که این رساله خویش را اهداء و تقدیم نمایم:

- ✓ به پدر بزرگوار؛ مهربان، مشفق، بردبار و حامی ام که رشد زندگی خود را از همکاری ها و رهنمایی های ایشان می دانم.
- ✓ به مادر دلسوز، مشفق و مهربانم که زندگیم را مدیون رحمت، شفقت؛ مهر و عطف او می دانم.
- ✓ به برادر عزیز و یکدانه ام و ارجمندانم که همیشه در زمینه ی رشد و ترقی تحصیلی همراه همیشگی و پشتوانه های زندگیم بوده اند.
- ✓ به خواهر یکدانه ام که همیشه ما را در کارهای نیک همکاری نموده اند.
- ✓ به خانم عزیزم که همیشه در زمینه رشد معنوی ام در زندگی حامی ام بوده است.
- ✓ خصوصا به استادان محترم عالیقدر پوهنتون سلام چنانچه ایشان در دوره تحصیلی و آموزشی بنده از هیچ نوع سعی و تلاش در آموزش دریغ نورزیدند.
- ✓ خاصهً به استاد عالیقدر جناب پوهاند دکتور محمد اسماعیل (لبیب بلخی)؛ زیرا بدون رهنمایی و همکاری ایشان تکمیل این پایان نامه برایم بسیار مشکل می بود.

احمد شاکر (رحیمی)

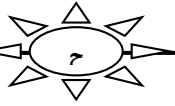


سپاس گزارى

سپاس خدای عزوجل را که بندهء عاجزش را قادر گردانید تا این اثر ناچیز را به پایه ی اکمال برساند و تقدیم راهروان علم و اندیشه نماید، سپاس و امتنان فراوان از رهبری وزارت تحصیلات عالی، پوهنتون سلام، و استادان معزز دوره ماستری و تمامی استادان محترم که بنده را در نگارش این رساله کمک نموده و به خصوص استاد محترم و عالیقدر جناب پوهاند دکتور محمد اسماعیل (لبیب بلخی) که به صفت استاد رهنما و رئیس هیأت تحکیم جلسه ارزیابی، در تهیه و ترتیب این پایان نامه از هیچ گونه همکاری دریغ نفرمودند و همچنان از استادان مناقش و اعضای هیأت تحکیم جلسه هر یک دکتور محمد یونس (ابراهیمی) و دکتور محمد مزمل (اسلامی) که در ترتیب و اصلاح هر چه بیشتر رساله رهنمایی های عالمانه فرمودند، و از فامیل عزیزم که بنده را همیشه همکاری نموده و از هیچ نوع کمک مادی و معنوی در دشوارترین شرایط دریغ ننمودند، و در هر مرحله ی زنده گی دستم را گرفتند و مارا تنها نگذاشتند، و در اخیر از تمام کسانی که به گونه یی در زندگی ام تأثیر گذار بودند، و مایه پیشرفتم در زندگی شدند سپاس می کنم، و از الله متعال برای همه یی ایشان اجر بی پایان خواستارم و برای خودم نیز توفیق خداوند متعال را در راستای پیشرفتم و عمل به علم خود خواهانم.

خلاصه بحث

این تحقیق، پایان نامه بی دوره ماستری بنده از بخش تفسیر موضوعی می باشد که آنرا تحت عنوان «صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه» به مشوره استاد مشرف معزز و محترم جناب «پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی» انتخاب نموده ام، رساله خود را به سه فصل تقسیم بندی کردم، که در فصل اول به مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی پرداخته ام که آنرا به سه مباحث تقسیم بندی نموده ام، در مبحث اول روی تعریف اولیه سوره توبه را از لحاظ لغت و اصطلاح به بحث گرفته ام، مبحث دوم پیرامون ایمان و مؤمن، و مبحث سوم پیرامون نفاق و منافقین را به بحث گرفته ام، در فصل دوم صفات مؤمنان در سوره توبه و سرانجام آنها در دنیا و آخرت را به سه مباحث تقسیم بندی نموده ام، در مبحث اول صفات قلبی مؤمنان، در مبحث دوم صفات بدنی مؤمنان، در مبحث سوم صفات مالی مؤمنان را به بحث گرفته ام، در فصل سوم صفات منافقین در سوره توبه و سرانجام آنان را با تمام فروع آن به چهار مباحث تقسیم بندی نموده ام، در مبحث اول صفات عقیدوی و قلبی منافقان در سوره توبه، در مبحث دوم سلوک و صفات عبادی منافقان، در مبحث سوم صفات خلقی منافقان، در مبحث چهارم سرانجام منافقین در همین سوره را به بحث گرفته ام، به امید اینکه برای خوانندگان گرامی مفید واقع گردد، گرچند تحقیق در مورد یک سوره قرآنکریم، از سطح علمی بنده خیلی بالا است و شخصاً خود را از آن عاجز می دانم، اما باز هم کوشیده ام تا به اندازه بی توانایی بشری خود در زمینه مطالعات و تحقیقاتی خود را انجام دهم امید وارم که خداوند متعال این اقدام بنده را قدمی نیک برای خدمت در راه دین مقدس اسلام از ما بپذیرد، و این رساله کوچک را مفید برای اجتماع بسازد، اهمیت موضوع هذا در این است که سوره توبه صفات مؤمنان و همچنان نشانه و علامات منافقان را به روش های بیان نموده است که یک انسان به آسانی می تواند از صفات نیک مؤمنان استفاده نماید و از صفات زشت و قبیح منافقان دوری نماید، چون زندگی انسان با هم نوعان آن در دنیا داخل یک چوکات است که تمام حرکات، گشت و گذار، نشست و برخاست او داخل آن سنجیده می شود، از این لحاظ اخلاق و صفات نیکو عامل محبوبیت و برخوردار از موقف ارزنده بی در جامعه برای انسان می باشد که همه بی اینها از صفات ویژه مؤمنان است و برعکس آن اخلاق زشت و صفات مذموم و برخوردارهای ناپسند عامل سقوط وزن و اهمیت انسان در جامعه و سبب نارسایی های اخلاقی و رفتاری برای خود شخص و دیگران در جامعه می شود از جمله صفاتی که سبب نارسایی ها و مشکلات در جامعه و موجب عداوت، دشمنی و بدبختی مردم می شود پدیده بی نفاق است، ناهنجاری ها و نارسایی ها در جامعه برخلاف طبیعت بشر و برخلاف فطرت انسانی بوده اند، از این جهت پیامبرگرامی اسلام (صل الله علیه وسلم) از صفات منافقان بشدت منع فرموده است، اگر اشخاص و افراد جامعه به همان نکات تربیتی این سوره خود را ملزم



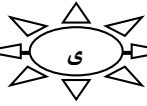
بسازد هرگز ما شاهد مشکلات فردی و اجتماعی در جامعه خویش نمی باشیم، به همین دلیل این موضوع دارای اهمیت زیاد است و آن را منحصراً موضوع رساله خویش انتخاب نمودم، روش تحقیق این رساله کتابخانه‌ای و استقرائی می باشد و شیوه تحقیق موضوعی و قسملاً توصیفی و تحلیلی می باشد که در نوشتن بکار گرفته ام و یافته‌های مهم بنده از تحقیق موضوع صفات مؤمنان و منافقان در سوره توبه این است که الله متعال از خلال این سوره می خواهد ما را انسانی تربیت کند که هیچ گونه ناآرامی در درون خود نداشته باشیم برادرانه و صمیمانه در جامعه زندگی نماییم قسمی که همگی نیک فکر کنیم و گمان بد در مورد هیچ کس نداشته باشیم و دیگر این که الله متعال از خلال این سوره علت پسمانی مسلمانان را بیان می کند که همان کمبود ایمان و اخلاق نیکویشان است، و راه بیرون شدن از این بدبختی را نیز بیان داشته که همان ایمان واقعی به الله متعال، و مبادرت ورزیدن در اعمال صالح است، و بالآخره در این سوره الله متعال برای ما یک سلسله آداب فردی و اجتماعی را بیان نموده است که با عملی کردن این آداب زندگی فردی و اجتماعی نیک خواهیم داشت، و در فردای قیامت در پیشگاه الله متعال کامیابی نصیب ما خواهد شد.

واژه های کلیدی:

صفات. مؤمنین. و منافقین. سوره. توبه.

فهرست موضوعات

اهداء.....	۱
سپاس گزاری.....	۱
خلاصه بحث.....	۱
مقدمه.....	۲
الف: بیان موضوع.....	۲
ب: اهمیت موضوع:.....	۴
ج: اسباب اختیار موضوع:.....	۴
د - مشکلات تحقیق:.....	۶
ز- سوال اصلی تحقیق.....	۶
ح - سوالات فرعی تحقیق.....	۶
و - پیشینه تحقیق.....	۷
ه - روش تحقیق:.....	۸
ظ - اهداف تحقیق :.....	۹
م - خطه و پلان تحقیق:.....	۹
تمهید.....	۱۳
فصل اول در مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی.....	۱۵
مبحث اول پیرامون تعارف سوره توبه:.....	۱۵
مطلب اول معنای لغوی توبه:.....	۱۵
مطلب دوم معنای اصطلاحی توبه:.....	۱۷
مطلب سوم وجه عدم ذکر تسمیه در آغاز این سوره:.....	۱۸
مطلب چهارم وجه تسمیه آن به سوره توبه و نامهای این سوره:.....	۲۲
مطلب پنجم سبب و تاریخ نزول سوره توبه:.....	۲۴
مطلب ششم اصل شأن نزول این سوره:.....	۲۶
مبحث دوم پیرامون ایمان و مؤمن:.....	۲۹
مطلب اول شناخت معنای لغوی و اصطلاحی ایمان:.....	۲۹
مطلب دوم معلومات عمومی در مورد ایمان:.....	۳۲
مطلب سوم معنای لغوی و اصطلاحی مؤمن:.....	۳۵
مطلب چهارم بیان ویژگی های مختصر و کوتاه مؤمنان:.....	۳۷
مطلب پنجم چند مقایسه میان مؤمنان و کافران در پرتو قرآن:.....	۴۱
مبحث سوم پیرامون نفاق و منافق:.....	۴۳
مطلب اول شناخت معنای لغوی و اصطلاحی نفاق:.....	۴۳
مطلب دوم وجه نام گزاری منافق و مناسبت میان کفر و نفاق:.....	۴۷



- مطلب سوم انواع و اقسام نفاق: ۵۰
- فصل دوم در صفات مؤمنین در سوره توبه و سر انجام آنها در دنیا و آخرت ۵۷
- مبحث اول صفات قلبی مؤمنان در سوره توبه: ۵۷
- مطلب اول ایمان به الله تعالی و به روز آخرت: ۵۸
- مطلب دوم ترس و خوف از الله متعال: ۶۰
- مطلب سوم هدایت یافته: ۶۲
- مطلب چهارم محبت و صمیمیت میان هم: ۶۵
- مطلب پنجم توکل به الله تعالی جَلَّ: ۶۸
- مطلب ششم خوشحالی به پیروزی مسلمانان و شکست کافران: ۷۰
- مطلب هفتم معیت و همراهی با راستگویان: ۷۱
- مبحث دوم صفات عملی مؤمنان در سوره توبه: ۷۴
- مطلب اول آباد سازی و تعمیر مساجد: ۷۴
- مطلب دوم برپاداری نماز و داشتن روزه: ۷۶
- مطلب سوم جهاد کردن: ۷۹
- مطلب چهارم امر به معروف و نهی از منکر: ۸۲
- مطلب پنجم فرمان برداری از الله تعالی جَلَّ و رسولش: ۸۴
- مبحث سوم صفات مالی مؤمنان در سوره توبه: ۸۵
- مطلب اول پرداخت زکات: ۸۵
- مطلب دوم اعمار مساجد: ۸۸
- مطلب سوم انفاق در راه جهاد: ۸۹
- فصل سوم صفات منافقین در سوره توبه و سرانجام آنان ۹۱
- مبحث اول صفات عقیدوی و قلبی منافقین در سوره توبه: ۹۱
- مطلب اول دوستی و محبت با کفار و جاسوسی برای آنها: ۹۲
- مطلب دوم خوشحالی به شکست مسلمانان و غمگین شدن به کامیابی آنها: ۹۵
- مطلب سوم دشمنی با الله و پیغمبر او و عدم رضایت به تقسیم الله و پیغمبرش: ۹۷
- مطلب چهارم تکذیب الله جَلَّ و پیامبرش و استهزاء به الله آیاتها و رسولش: ۹۸
- مطلب پنجم شک و تردید در دل ایشان و تمرد در فساد و نفاق: ۱۰۰
- مبحث دوم سلوک و صفات عبادی منافقین در سوره توبه: ۱۰۲
- مطلب اول تکلم به کلمه کفر و اعراض از دین اسلام: ۱۰۲
- مطلب دوم سستی و تنبلی در نماز و باکراهت و (ناخوشی) انفاق در راه الله متعال: ۱۰۴
- مطلب سوم کراهت و بد دیدن جهاد و مخالفت از خروج به آن: ۱۰۵
- مطلب چهارم امر به منکر و نهی از معروف: ۱۰۹

۱۱۰	مطلب پنجم ممانعت از راه الله متعال و اذیت رسول الله صلی الله علیه و سلم :
۱۱۲	مبحث سوم صفات خلقی منافقین در سوره توبه:
۱۱۲	مطلب اول نادیده گرفتن قرابت و دوستی و عهد شکنی:
۱۱۳	مطلب دوم چاپلوسی و به دروغ قسم خوردن:
۱۱۵	مطلب سوم فساد و فتنه انگیزی و تفرقه در میان مسلمانان:
۱۱۷	مطلب چهارم دروغ گویی، وعده خلافی، بخیلی و حرص متاع دنیا:
۱۱۹	مطلب پنجم ناسزاگویی:
۱۲۱	مطلب ششم عذر خواهی به دروغ و راضی نمودن مسلمانان با قسم های دروغین:
۱۲۳	مبحث چهارم سر انجام منافقین در سوره توبه:
۱۲۳	مطلب اول خود را در هلاکت انداختن:
۱۲۴	مطلب دوم احاطه کردن جهنم بالای آنها:
۱۲۵	مطلب سوم گرفتن روح آنها در حالت کفر:
۱۲۶	مطلب چهارم نابود شدن اعمال آنها:
۱۲۷	مطلب پنجم ملعون شدن از طرف الله تعالی جل جلاله:
۱۲۸	مطلب ششم خساره مند شدن در دنیا و آخرت:
۱۲۹	مطلب هفتم نداشتن کدام دوست و کمک کننده در آخرت:
۱۳۰	مطلب هشتم معذب شدن به عذاب دائمی و ابدی:
۱۳۱	مطلب نهم جاهل ماندن به دین اسلام:
۱۳۲	مطلب دهم عدم قبول شدن صدقات و نفقات آنها:
۱۳۳	مطلب یازدهم مردار و پلید بودن آنان:
۱۳۵	نتیجه گیری
۱۳۷	پیشنهادات
۱۳۸	فهرست آیت های قرآنی
۱۴۸	فهرست احادیث
۱۴۹	فهرست اعلام
۱۵۰	فهرست مراجع و مصادر
۱۵۸	Summary of the Research:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِلَهِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحَمْدُ دَائِمًا أَبَدًا وَلَهُ الْحَمْدُ بِالْإِيمَانِ وَلَهُ الْحَمْدُ بِالْإِسْلَامِ وَلَهُ الْحَمْدُ بِالْقُرْآنِ الْمُنْفَرَدِ بِالْجَلَالِ وَالْكَمَالِ الْمُتَنَزَّهِ عَنِ الشُّرْكِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَمْثَالِ الَّذِي حَبَّبَ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِهِمْ وَكَرَّرَهُ إِلَيْهِمْ أَلْكَفَرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعَصِيَانَ وَجَعَلَهُمْ مِنَ الرَّاشِدِينَ، وَأَفْضَلَ الصَّلَاةِ وَأَتَمُّ التَّسْلِيمَاتِ عَلَى رَسُولِهِ الْأَمِينِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَّقِينَ الصَّادِقِينَ الْمُوَحِّدِينَ وَسَيِّدِ الثَّقَلَيْنِ الْمُبْعُوثِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ الَّذِي حَقَّقَ التَّوْحِيدَ وَصَدَقَ مَعَ رَبِّهِ وَأَجْلَى حَقَائِقِ الْإِيمَانِ وَالذِّينِ وَعَلَّمَ أَصْحَابَهُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ وَصِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَامَةَ النِّفَاقِ وَصِفَاتِ الْمُنَافِقِينَ خَاصَّةً فِي سُورَةِ التَّوْبَةِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْعَزَّ الْمَحْجَلِينَ الْكَرَامِ الْمَيَامِينَ الَّذِينَ نَتَقَرَّبُ إِلَى رَبِّنَا بِحُبِّهِمْ أَجْمَعِينَ، وَالتَّابِعِينَ الْعِظَامِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَالَّذِينَ التَّبَعُواهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، فَإِنَّ أَصْدَقَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَخَيْرُ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ، وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ.

وبعد!

سپاس فراوان الله متعال را که ما را از میان مخلوقاتش انسان آفرید و تاج کرامت را بر سر ما گذاشت اگر خداوند متعال از لطف، کرم و رحمت خودش ما را انسان نمی آفرید و به جز انسان در میان هر مخلوق دیگری که پیدا می شدیم کرامتی که امروز داریم اصلاً آنرا نمی داشتیم، باز هم سپاس گذاری می کنیم از خداوند کریم و رحیم که به لطف و مهربانی و سببش بخاطر رهنمایی ما قرآن عظیم شان را فرستاد، و درود بی پایان بر رحمت جهانیان حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم، که با زحمات و تکالیف بی شمارش انسانیت و بشریت را از گودال هلاکت نجات داد، و برای شان راه راست و مستقیم را نشان داد، و شاگردانی را تربیت نمود که هر کدام ایشان شایستگی رهبریت، قیادت و خلافت را داشتند، و الگو برای تمام امت مسلمه بودند، و هم چون اسلام زنده در میان انسانهای دیگر گشت و گذار می نمودند.

الف: بیان موضوع

قرآن کریم چون که آخرین کتاب آسمانی است، و برای تربیت همه بی انسان ها نازل شده است، و هر سوره آن در واقع یک مکتب تربیتی خاص برای بشریت است، مسلمانان به آن یقین و باور دارد و به عنوان گنجینه ی الهی و خط مشی همه بی خدا شناسان، دانشمندان جهان اسلام، و مسلمانان بوده است که آنرا کلام مقدس میدانند، قرآن کریم از دیدگاه مسلمانان، بعنوان کلام الهی، قانون الهی، اندیشه فکری مسلمانان، حکمت و فلسفه جامع زندگی بشر است که آنچه ضرورتاً به انسان و زندگی آن ارتباط دارد

در برگرفته است مسلمانان اعتقاد دارد که قرآنکریم امروز نیز می بایست محور زندگی اخلاق مدار و محیط پرورانان باشد. هم چنان در تفاسیر و کتب معتبره بی احادیث مکتوب است که قرآنکریم از آغاز نزول تا پایان نزول خود به فراهم سازی جهان بینی اسلامی بی کم وکاست، بر مبنای اصل توحید، اندیشه، تفکر و تدبیر در کائنات، حس انسان دوستی، حس همکاری، و حس نیکوکاری همواره چنین نقشی را ایفا نموده است، در واقع مجموعه ارزشهای که انسان قائل به آنها است، چگونگی رفتار، کردار، گفتار، اخلاق، و باورهای او نسبت به جامعه بشری شکل و تصویر می دهد، از این رو میتوان گفت که هر نظریه دیگری بغیر از اندیشه اسلامی و اخلاق اسلامی اندیشه مُدرن جامعه بشری را به چالش می کشاند، از سوی دیگر انسان یک موجود اجتماعی مدنی الطبع است، در تمام ابعاد زندگی با رفتار و گفتار خود گاهی از همنوع خود فاصله می گیرد یا سبب اُنس و محبت وی می شود اینگونه صفات الله متعال در قرآنکریم در جاهای مختلف ذکر نموده است که این قسم صفات در رفتار و گفتار بعضی از افراد جامعه پدید می آید، و افراد دیگر جامعه با مشاهده چنین موارد تحت تأثیر قرار می گیرد؛ بناءً در این پایان نامه تحصیلی خود مسایلی که مربوط به صفات مؤمنان و منافقان در سوره توبه می شود جمع آوری نموده ام؛ زیرا پدیده ایمان برای مؤمنان یک پدیده بی پراهمیت است، و هم چنان پدیده نفاق در جوامع بشری یک پدیده بی شوم و خیلی خطرناکی است، و عواملی که سبب بروز این پدیده شوم و مهلک می شود مورد بحث و تحقیق قرار خواهم گرفت، این تحقیق پایان نامه دوره ماستری بنده از بخش تفسیر موضوعی می باشد که آن را تحت عنوان: «صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه» به مشوره استاد مشرف خویش استاد معزز و مکرم جناب «پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی» انتخاب نموده ام رساله خود را به سه فصل تقسیم بندی نموده ام که در فصل اول به مباحث مقدماتی پرداخته که آن را به سه مبحث تقسیم بندی نموده ام در مبحث اول پیرامون تعریف اولیه عنوان خویش {یعنی سوره توبه} را به بحث گرفته ام، و در مبحث دوم پیرامون ایمان و مؤمن را به بحث گرفته ام و در مبحث سوم پیرامون نفاق و منافق را به بحث گرفته ام، و فصل دوم که شامل صفات مؤمنین است در سوره توبه به سه مبحث تقسیم بندی نموده ام در مبحث اول صفات قلبی مؤمنان در مبحث دوم صفات بدنی مؤمنان در مبحث سوم صفات مالی مؤمنان را به بحث گرفته ام، و فصل سوم آن که شامل صفات منافقین است در سوره توبه به چهار مبحث تقسیم بندی نموده ام، صفات عقیدوی منافقین، صفات سلوکی منافقین، صفات خلقی منافقین و سرانجام آنان در آخرت مورد بحث قرار گرفته ام، به امید اینکه برای خوانندگان گرامی مفید واقع گردد قبل از پرداختن به اصل موضوع تحقیق لازم است تا شناخت اجمالی از موضوع تحقیق مانند: اهیت موضوع، سبب اختیار موضوع، طرح تحقیق، روش تحقیق، سوالهای تحقیق، و پیشینه تحقیق بطور اجمالی بدست آید، تا با ذهنیت روشن اصل موضوع بررسی شود؛ زیرا بحث تحقیق به این موضوعات از ارتباط تنگاتنگ برخوردار می باشد.

ب: اهمیت موضوع:

چون زندگی انسان با هم نوعان آن در دنیا داخل یک چوکات است که تمام حرکات، گشت و گزار، نشست و برخاست او داخل آن سنجیده می شود، از این لحاظ اخلاق و صفات نیکوعامل محبوبیت و برخورداری از موقف ارزنده در جامعه برای انسان می باشد که همه بی اینها از صفات ویژه مؤمنان است و برعکس آن اخلاق زشت و صفات مذموم و برخوردارهای نا پسند عامل سقوط وزن و اهمیت انسان در جامعه و سبب نارسایی های اخلاقی و رفتاری خود شخص و دیگران در جامعه می شود، از جمله صفاتی که سبب نارسایی ها و مشکلات در جامعه و موجب عداوت، دشمنی و بدبختی مردم می شود پدیده نفاق است، ناهنجاری ها و نارسایی ها در جامعه برخلاف طبیعت بشر و برخلاف فطرت انسانی بوده اند؛ از این جهت پیامبر گرامی اسلام (صل الله علیه وسلم) از صفات منافقین بشدت منع فرموده است، پدیده نفاق یک صفتی است که در روشنایی دین مبین اسلام با فطرت انسان سازگار نیست، تمام ناهنجاری های که در جامعه بروز می کند پدیده نفاق در آن سهم بزرگی دارد، به امید اینکه بحث بنده باعث اصلاح جامعه و افکار علاقه مندان قرآن و سنت شود عمل ارزنده و از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود، تا از این مرض مهلک خود داری شود.

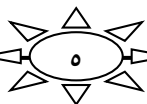
ج: اسباب اختیار موضوع:

گرچند اسباب و عواملی که مرا و ادار ساخت تا این موضوع را اختیار نمایم زیاد است، اما عمده ترین آنها قرار ذیل است:

۱- در سوره توبه اعلان برائت و بیزارى از همه بی کفّار ذکر شده است خاصهً از گروه مشرکین و منافقین به مسلمانان اطمینان می دهد که اگر از فقر و گرسنگی ترس و هراس دارید بزودی خداوند متعال شما را به فضل خود غنی می سازد.

۲- در سوره توبه خداوند متعال اسرار و رازهای منافقین و نقشه های پنهانی آنها را آشکار می سازد تا مسلمانان شکار فریب آنها نشود.

۳- شناخت صفات مؤمنین و منافقین، خاصهً در سوره توبه یک عملی ارزنده و از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ زیرا داوری و قضاوت نسبت به اشخاص بسیار کاری سخت و دشوار بوده از سوی دیگر زندگی اجتماعی انسان مقتضی این معنا است که انسان باید نسبت به دیگران داوری و قضاوت کند تا بتواند موقعیت، شخصیت ارزنده، و برنامه درست زندگی خود را بر اساس آن سازماندهی کند.



۴ - شناخت صفات مؤمنین برای ایجاد تقوی، پرهیزگاری، صداقت، عدالت اجتماعی، صمیمیت و اخلاق نیکو است در جامعه اما شناخت صفات منافقین زیاد ضروری است؛ زیرا چهره های اصلی منافقان برای بسیاری از مردم ناشناخته است مبارزه و درگیری صریح با آنها کاری مشکلی است؛ زیرا آنان پیوندهای مختلفی با مؤمنان دارد پیوندهای سببی و نسبی... وجود همین پیوندها باعث شده تا مبارزه با آنها پیچیده ترسازد.

۵ - منافقان اکثراً در متن جامعه زندگی می کنند و از تمام اسرار و رازهای جامعه باخبراند گاهی خود را در لباس دوست نشان می دهد که مردم اصلاً احساس دشمنی با آنها نمی کند آنها از پشت خنجر می زند و ضربات شان غافل گیرانه و ناجوان مردانه است، روی همین عوامل و وجوهات دیگری سبب می شود که آنها خسارات جبران نا پذیری بر پیکر اسلام وارد کند؛ لذا برای دفع شرور از آنها باید به برنامه های طرح ریزی شده ای دقیق و عمیق قرآنی توجه گردد.

۶ - مسأله ایمان و مؤمنان، نفاق و منافقان و مواصفات اینها تنها مخصوص به زمانه پیامبر صلی الله علیه وسلم نبوده بلکه در هر عصر و زمانه این دو گروه موجود است خاصکر جوامع انقلابی به آنها زیاد روبرو هستند منافقان در هر شرایط برای ادامه ای برنامه های شوم شان با تغییر تاکتیک های خود را تغییر می دهد که قضاوت و داوری در مورد آنان دشوار می سازد اما قرآن کریم بالخصوص سوره توبه نشانه ها و نقشه های آنها را به طور گسترده و مفصّلانه بیان نموده است.

۷- در ضمن بیان صفات مؤمنین و منافقین دوست داشتیم تا اهداف عمده ای سوره توبه را تحقیق نمایم که عبارت است از:

الف : شناسایی ایمان و مؤمنان .

ب : شناسایی نفاق و منافقان.

ج : در ضمن شناسایی کفر و کافران.

۸- در مورد سوره توبه کتاب های زیادی به زبان های مختلف خصوصاً به زبان عربی نوشته شده بود که تنها صفات منافقان را ذکر کرده بود اما صفات مؤمنان نبود خواستیم هر دو صفات مؤمنین و منافقین را بشکل تقابل به زبان فارسی برای جامعه خویش تقدیم نمایم تا مردم بتواند بسهولة از آن استفاده نماید بناءً یکی از اسباب اختیار موضوع همین بود.

۹- چون از قبل علاقه مندی زیادی به سوره توبه داشتیم همین علاقه مندی باعث شد که این سوره را انتخاب نمایم.

۱۰- یکی از رسالت های ما نسبت به دیگران اینست که ما دیگران را از فساد عقیده وی، فساد فکری، فساد اجتماعی، فساد اخلاقی جلوگیری نمایم و در اعماق آنها حس تقوی، حس نیکو کاری، حس اخلاص، حس همکاری، حس اخوت و برادری را ایجاد نمایم تا حد اقل یک مسئولیت دینی خود را در قبال جامعه خود انجام داده باشیم.

د - مشکلات تحقیق:

در هر تحقیق ممکن است که باحث به یک سلسله مشکلات روبرو شود من نیز در جریان تحقیق به یک سلسله مشکلاتی روبرو شدم از جمله می توان به نبود برخی از کتابهای مربوط موضوع در ساحه عدم وجود مراجع به زبان فارسی، نبود انترنت کافی، وهم چنان مشکلات دیگر اجتماعی مانند: شیوع مرض کرونا، ومحدودیت های قرنطین و بسته شدن کتاب خانه ها... با وجود تمام مشکلات ها باز هم یکی از مشکلات مهم جوامع بشری در هر دوره ای نارسایی های اخلاقی و رفتاری بوده است که در هر دو ساحات فردی و اجتماعی قطع نظرا از آسیب های اُخروی و معنوی طعم زندگی دنیوی را نیز درکام بشریت تلخ نموده است بحران اخلاقی و معنویت انسانی در عصر حاضر پیش از پیش می طلبد که به امور اخلاقی و رفتاری توجه جدی صورت گیرد از این جهت لازم و ضروری به نظر می رسد تا موضوع پایان نامه تحصیلی خود را بعنوان (صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه) را از بخش تفسیر موضوعی انتخاب نمایم؛ زیرا شناخت صفات منافقین ضروری بوده تا مؤمنان و منافقان را به اساس علامات و صفاتی که در قرآن کریم خصوصاً در سوره توبه بیان شده است شناخته و از آن ها دوری جویند وهم صفات مؤمنین را شناخته با شناخت صفات هر یکی از این دو گروه با مشخصات گروه منافقین بیشتر آشنا شده مؤمنان را با منافقان خلط ننمایند.

ز- سوال اصلی تحقیق

صفات مؤمنین و منافقین چه پیامدهای اجتماعی باخود دارد و ثمره آن در دنیا و آخرت چیست؟

ح - سوالات فرعی تحقیق

- ۱- آیا شناخت صفات مؤمنین و منافقین یک امر ضروری است؟
- ۲- آیا نیکی شناسی خواست همه بی اُمت مُسلمه است؟
- ۳- سوره توبه دربرگیرنده کدام محتویاتی اصلی است؟
- ۴- از طریق رفتار و کردار چگونه میتوان شخصیت انسان را ارزیابی کرد؟
- ۵- آیا زندگی اجتماعی انسان مقتضی داوری نسبت به دیگران است؟

و - پیشینه تحقیق

وقتی به پیشینه تحقیق در مورد سوره توبه نظری بیاندازیم درمیابیم که در زمینه صفات مؤمنین و منافقین در سوره های مختلف قرآنکریم ذکر شده است طوری که به غرض تحقیق در این موضوع تلاش نمودم با نوشتارهای زیادی در این موضوع برخوردیم که به زبانهای مختلف و عناوین مختلف و متفاوتی مانند: رساله، مقاله، موضوع، جورنالها و غیره در تمام قرآنکریم و در سوره های مختلف یا تنها صفات مؤمنان یا تنها صفات منافقان نوشته شده است، میتوان به طور نمونه چندی از آن نوشته ها را نام برد.

● ظاهرة النفاق و خيانة المنافقين فی التاريخ د/ عبدالرحمن حسن حبنکه رساله موسوعی درباره صفات منافقین.

● السمات الشخصية للمنافقين فی ضوء القرآن والسنة النبوية الباحثه/ جمالات محمود نایف الجرایده رساله موسوعی در باره شناخت شخصیت های منافقین.

● صفات المنافقين فی سورة التوبه د/ غسان عبد السلام حمدون بشكل رساله.

● النفاق والمنافقون فی ضوء سورة التوبه د/ محمد بن سریع بن عبد الله السریع بشكل مقاله درباره صفات منافقان.

● موقف المنافقين من الجهاد من خلال سورة التوبه دراسة موضوعية د/ یا سینج جیمه.

● صفات المنافقين من خلال سورة التوبه /الباحث /فؤاد حسن علی احمد حبا جه بحث موضوعی.

● تحذیر المؤمنین من صفات المنافقين / شبکه الوکه.

● صفات منافقین در کتاب و السنة مقاله است.

● عدد صفات المنافقین فی سورة التوبه رساله است.

● صفات المؤمنین فی سورة البقرة رساله است.

● صفات المؤمنین فی سورة التوبه رساله است.

در مورد صفات مؤمنین و منافقین کارهای زیادی انجام شده است، اما از نظر محتوایی که با عنوان این بحث تحقیقی منطبق باشد کاری انجام نشده است و پرداختن به آثار فردی و اجتماعی ایمان شناسی و نفاق شناسی از نظر قرآنکریم در قالب یک پژوهش علمی و به صورت منسجم ترتیب نشده بود، البته موضوع که برای بنده به عنوان پایان نامه تحصیلی غرض تحقیق انتخاب شده است، بعد از مطالعه و بررسی همه جانبه تلاش نموده و معلومات راجع به این موضوع را جمع آوری نموده ام، تا یک موضوع ارزنده، پر ارزش و سهل الحصول برای همه گان باشد لذا این موضوع را به حیث بحث تحقیقی خویش انتخاب نمودم.

ه - روش تحقیق:

بعد از کمک الهی، موادی که در نوشتن این اثر مرا کمک نموده: در قدم اول قلم و کتابچه که این دو یار همدم انسان در هنگام تحقیق می باشد، در قدم دوم کتب تفاسیر، احادیث، لغت و دیگر کتب مفید علماء بزرگ اُمت اسلامی است که در نوشتن این رساله از آنها استفاده نموده ام روش تحقیق مطالعه قرآنی است که در نوشتن این رساله بکار گرفته ام با مطالعه نمودن خود سوره توبه و سپس مطالعه تفسیر این سوره در تفاسیر مختلف این رساله را نوشتم و در نوشتن آن روش های ذیل را در نظر گرفته ام:

اول: آیات قرآن را مُشکل ذکر نموده و تمام آیات را با ترجمه ذکر کرده ام.

دوم: ترجمه آیات را از تفسیر نور اثر د/ مصطفی خرم دل استفاده نموده ام.

سوم: تفسیر آیات را از تفاسیر معتبره اخذ نموده ام.

چهارم: تعریف واژه ها را از کتب معتبره لغت و برخی از تفاسیر و از سایت های معتبره گرفته ام.

پنجم: معانی کلمات را از کتب معتبره و معروف لغت اخذ نموده ام.

ششم: در شیوه نگارش این رساله کوشش نموده ام تا به زبان ساده و عام بحث نمایم تا خواننده به ساده گی حل مطلب نماید.

هفتم: شیوه ویرایش و ویراستاری را طبق مقررات پوهنتون سلام ترتیب و تنظیم یافته است.

هشتم: روش گرد آوری اطلاعات کتاب خانه یی و استقرائی می باشد و شیوه تحقیق موضوعی و قسماً توصیفی و تحلیلی می باشد نخست مباحث جمع آوری و عند اللزوم تحلیل می شود به این ترتیب که بعد از طرح عناوین به آیات استناد شده و ترجمه شده درباره صفات مؤمنان و منافقان از منظر آیات گاهی روایات، اطلاعات، داده ها با توجه به منابع اسلامی از جمله کتب تفاسیر، احادیث، معاجم، و غیره در اسات از دانشمندان اسلام گرد آوری نموده و مورد بررسی قرار می گیرد.

نهم: نظام پاورقی به شکل درست طبق معیارهای تحقیق تنظیم یافته هر موضوع به مرجع اصلی آن حواله داده شده است اعلام ترجمه شده و در آخر فهرست اعلام ترتیب یافته است.

دهم: چهار نوع از فهارس: فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام، فهرست منابع و مصادر ترتیب یافته که البته فهرست موضوعات در آغاز کتاب ترتیب یافته است و نتیجه گیری، پیشنهادات و توصیات در بحث اضافه گردیده است.

ظ - اهداف تحقیق :

هدف از این پژوهش دقیق در مورد صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه است که استفاده از کتب لغت، تفاسیر مختلف، کتب حدیث، و کتاب های مفید علماء این تحقیق را آغاز نمودم و باید گفت که اهداف بزرگی که در نگارش این اثر داشتم قرار ذیل است:

- ۱- اولین هدفم در قسمت نوشتن این رساله خدمت به کتاب معظّم الله متعال است.
- ۲- هدف دیگری از نوشتن این رساله خدمت نمودن برای جامعه خود می باشد.
- ۳- شناخت اهم موضوعات سوره توبه.
- ۴- آشنایی افراد جامعه درباره صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه.
- ۵- گسترش و توسعه آگاهی درباره آثار و پیامدهای روحی، روانی و اجتماعی نفاق است.
- ۶- پاک و صاف نمودن جامعه از اخلاق ذمیمه و رذیله منافقین.
- ۷- تبیین جایگاه و اهمیت ایمان و صفات مؤمنین از نظر قرآن.
- ۸- تبیین خطر نفاق و صفات منافقین از دیدگاه قرآن.
- ۹- سهم گیری فعال در مورد اصلاح جامعه.
- ۱۰- ممارست و تمرین پژوهش برای محقق این تحقیق.
- ۱۱- اهمیت تدبر و تفکر در اوصاف قرآنی.
- ۱۲- تبیین انواع نفاق و ضررهای آن در جامعه.

م - خطه و پلان تحقیق:

بحث خود را به مقدمه و سه فصل و خاتمه قرار ذیل تقسیم نموده ام:

مقدمه که شامل حمد و سپاس و درود، بیان موضوع، اهمیت موضوع، اسباب اختیار موضوع، مشکلات تحقیق، سوالهای تحقیق، پیشینه تحقیق، روش تحقیق، اهداف تحقیق، خطه و پلان تحقیق می باشد.

فصل اول: مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی این فصل شامل سه مبحث است.

مبحث اول پیرامون سوره توبه، این مبحث دارای شش مطالب است:

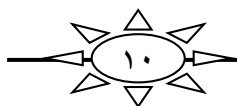
مطلب اول: معنای لغوی توبه

مطلب دوم: معنای اصطلاحی توبه

مطلب سوم: وجه عدم ذکر تسمیه در آغاز این سوره.

مطلب چهارم: وجه تسمیه آن به سوره توبه و نام های این سوره.

مطلب پنجم: سبب و تاریخ نزول سوره توبه .



مطلب ششم: اصل شأن نزول این سوره.

مبحث دوم: پیرامون ایمان و مؤمن این مبحث دارای پنج مطلب می باشد.

مطلب اول: شناخت معنای لغوی و اصطلاحی ایمان.

مطلب دوم: معلومات عمومی در مورد ایمان.

مطلب سوم: معنای لغوی اصطلاحی مؤمن.

مطلب چهارم: بیان ویژگی های مختصر و کوتاه مؤمنان.

مطلب پنجم: مقایسه میان مؤمنان و کافران در پرتو قرآن.

مبحث سوم: پیرامون نفاق و منافقین این مبحث دارای سه مطلب می باشد.

مطلب اول: شناخت معنای لغوی و اصطلاحی نفاق.

مطلب دوم: وجه نام گذاری منافق و مناسبت میان کفر و نفاق

مطلب سوم: انواع و اقسام نفاق

فصل دوم

صفات مؤمنین در سوره توبه و سر انجام آنها در دنیا و آخرت، این فصل شامل سه مبحث می باشد

مبحث اول: صفات قلبی مؤمنان در سوره توبه این مبحث دارای هفت مطلب می باشد:

مطلب اول: ایمان به الله تعالی و به روز آخرت

مطلب دوم: ترس و خوف از الله متعال

مطلب سوم: هدایت یافته

مطلب چهارم: محبت و صمیمیت در میان هم

مطلب پنجم: توکل به الله متعال

مطلب ششم: خوشحالی به پیروزی مسلمانان و شکست کافران

مطلب هفتم: معیت و همراهی با راستگویان

مبحث دوم: صفات عملی مؤمنان در سوره توبه این مبحث دارای پنج مطلب می باشد.

مطلب اول: آبادسازی و تعمیر مساجد

مطلب دوم: برپاداری نماز و داشتن روزه

مطلب سوم: جهاد کردن

مطلب چهارم: امر به معروف و نهی از منکر

مطلب پنجم: فرمان برداری از الله تعالی و رسولش

مبحث سوم: صفات مالی مؤمنان در سوره توبه این مبحث دارای سه مطلب می باشد.

مطلب اول: پرداخت زکات

مطلب دوم: مصرف کردن مال در اعمار مساجد

مطلب سوم: انفاق در راه جهاد

فصل سوم

صفات منافقین در سوره توبه و سرانجام آنان این فصل شامل چهارمبحث می باشد.

مبحث اول: صفات عقدی و قلبی منافقان در سوره توبه این مبحث دارای پنج مطلب می باشد.

مطلب اول: دوستی و محبت با کفار و جاسوسی برای آنها

مطلب دوم: خوشحالی به شکست مسلمانان و غمگین شدن به کامیابی آنها

مطلب سوم: دشمنی به الله و پیغمبر او و عدم رضایت به تقسیم الله و رسولش

مطلب چهارم: تکذیب الله و پیغمبرش و استهزاء به الله، آیاتها و رسولش

مطلب پنجم: شک و تردید در دل ایشان و تمرد در فساد و نفاق

مبحث دوم: سلوک و صفات عبادی منافقان در سوره توبه، این مبحث دارای پنج مطلب می باشد.

مطلب اول: تکلم به کلمه کفر و اعراض از دین اسلام

مطلب دوم: سستی و تنبلی در نماز و باکراهت و ناخوشی انفاق در راه الله متعال

مطلب سوم: کراهت و بد دیدن جهاد و مخالفت از خروج به آن

مطلب چهارم: امر به منکر و نهی از معروف

مطلب پنجم: ممانعت از راه الله متعال و اذیت رسول الله صلی الله علیه وسلم

مبحث سوم: صفات خُلقی منافقان در سوره توبه این مبحث دارای شش مطلب می باشد.

مطلب اول: نادیده گرفتن قرابت و دوستی و عهد شکنی

مطلب دوم: چاپلوسی و به دروغ قسم خوردن

مطلب سوم: فساد و فتنه انگیزی و تفرقه در میان مسلمانان

مطلب چهارم: دروغگویی و عده خلافی، بخیلی و حریص بودن به متاع دنیا

مطلب پنجم: ناسزاگویی

مطلب ششم: عذر خواهی به دروغ و راضی نمودن مسلمانان به قسم های دروغین

مبحث چهارم: سر انجام منافقان در سوره توبه، این مبحث دارای یازده مطلب می باشد.

مطلب اول: خود را در هلاکت انداختن

مطلب دوم: احاطه کردن جهنم بالای آنها

مطلب سوم: گرفتن روح در حالت کفر

مطلب چهارم: نابود شدن اعمال آنها

مطلب پنجم: ملعون شدن از طرف الله متعال

مطلب ششم: خساره مند شدن در دنیا و آخرت

مطلب هفتم: نداشتن کدام دوست و کمک کننده در آخرت

مطلب هشتم: معذب شدن به عذاب دائمی و ابدی

مطلب نهم: جاهل ماندن به دین اسلام

مطلب دهم: عدم قبول شدن صدقات و نفقات آنها

مطلب یازدهم: مردار و پلید بودن آنان

نتیجه گیری و پیشنهادات در این بخش نتایجی را که از بحث خویش به آن دست یافته ام ذکر نموده ام.

فهرس: در این بخش چهار فهرست را ذکر نموده ام.

۱- فهرست آیات

۲- فهرست احادیث

۳- فهرست اعلام.

۴- فهرست منابع ومصادر

أسأل الله العظيم أن ينفعي و القارئین بهذا البحث، و أن يرزقنا الاخلاص فی القول و العمل و صلی الله

علی نبینا محمد و علی آله و اصحابه أجمعین.

تمهید

سوره توبه در مدینه منوره نازل شده است و دارایی یکصد و بیست و نو آیات، و شانزده رکوع است. به اعتبار نزول کاملاً از آخرین سوره های قرآن کریم به شمار می رود، یکی از خصوصیات این سوره در این است که در ابتداء ایشان (بسم الله الرحمن الرحيم) ذکر نشده در حالی که در دیگر سوره های قرآن کریم چنین نیست، در ابتداء هر سوره بسم الله موجود است هرگاه جبریل علیه السلام وحی می آورد مطابق دستورات الهی می گفت این آیه را در فلان سوره بعد از فلان آیه و فلان سوره بنویسید، طبق فرمان رسول کریم صلی الله علیه وسلم به کاتبان وحی راهنمایی می شد که چنین بنویسید و هم چنان یک سوره به پایان می رسید و سوره دیگری آغاز می شد قبل از آغاز سوره بسم الله نازل می شد از آن فهمیده می شد که سوره قبلی به پایان رسیده و سوره دیگری آغاز شده است، اما سوره توبه طبق دستورات عمومی نه بسم الله نازل شد و نه رسول کریم صلی الله علیه وسلم به کاتبان وحی درباره راهنمایی فرمود در همین حالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم از دنیا رحلت فرمود در این مورد از صحابه کرام رضی الله عنهم سه نظر وجود دارد:

اول: سوره توبه سوره مستقلی نیست بلکه جزء از سوره انفال است.

دوم: اینکه طبق دستورات الهی وحی نشده است.

سوم: آنچه از حضرت علی رضی الله عنه بروایت حضرت ابن عباس رضی الله عنه منقول است که بسم الله برای امان است در حالی که این سوره برای رفع امان از تمام کفار مذکور آمده این یک لطیفه ای است که منافی سبب اصلی نیست این سوره دارایی نامهای زیادی است، مثلاً توبه و براءة: براءة از این جهت گفته می شود که در این سوره بیزاری از همه یی کفار آمده است، و توبه: از این جهت گفته می شود که در این سوره بیان قبول توبه مسلمانان ذکر شده است در مجموع سوره توبه مرتبط به چند واقعات و غزوات در ضمن بسیاری از احکام و مسائلی که پیش آمده بیان گردیده است که در اصل این همه واقعات سبب اصل نزول این آیات ها و سوره می گردد مثلاً به پایان رسانیدن معاهدات تمام قبایل عرب رفتار جوانمردانه و بینظیر مسلمانان فاتح هنگام فتح مکه چگونگی برخورد کریمانه با گروه سرسخت مشرکین و همه یی کفار بعد از فتح مکه و شرایط برقراری روابط اخوت اسلامی با پذیرندگان اسلام و چگونگی یی قربان کردن همه تعلقات دنیوی در مقابل تعلق والای ایمان و اسلام فتح مکه در سال ۸ هجری غزوه حنین در همین سال غزوه تبوک در ماه رجب در سال ۹ هجری خلص یک نگاه کلی به آیات سوره توبه این نکته را روشن می سازد که این سوره سه اهداف را تعیین میکند:

الف: شناسایی کفر و کافران.

ب: نفاق و منافقان.

ج: ایمان و مؤمنان و روابط آنان.

وهم چنان این سوره مبارکه نظر به تعیین اهداف فوق الذکر دارای چهار مضامین است:

بخش اول سوره: از ابتداء الی ۲۷ در این آیات سه نوع مشرکین و کفار و حکم آنان بیان شده است اما موضوع اصلی برانگیختن مؤمنان برای مقابله قاطعانه با کفار، مشرکین، منافقین و بیان برخی نکات مهم آن است.

بخش دوم سوره: از آیه ۲۸ الی ۳۷ در این آیات بیان اهل کتاب و معاونین آنها و برخورد با ایشان ذکر شده است.

بخش سوم سوره: از آیه ۳۸ الی ۹۹ در این آیات اظهار قباحت منافقین و بدون تکرار (۷۶) ویژگی های منافقین در نفاق ذکر شده است.

بخش چهارم سوره: از آیه ۱۰۰ الی ختم این سوره سه نوع از مؤمنین ذکر شده است.

الف: مجاهدین فی سبیل الله و مؤمنین مخلصین.

ب: مسلمانان ماندگان از جهاد که بزودی توبه ایشان قبول شد.

ج: مسلمانان ماندگان از جهاد که بزودی توبه ایشان قبول نشده و در ضمن بعضی زواجر برای منافقان هم ذکر شده است.^(۱) شایان ذکر است که سوره توبه در سال نهم هجری یعنی یک سال بعد از فتح مکه نازل شده است، در این سوره بیان بیزاری مؤمنان از تمام گروه کافران و بیان قبولیت توبه از همه بی مؤمنان و خصوصاً سه نفری که از غزوه تبوک بازمانده بودند و دعوت بسوی توبه است.

^۱ عثمانی محمد شفیع ۱۸۷۹-۱۹۷۶ تفسیر معارف القرآن مؤلف/دانشمند عالم اسلام علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی /مترجم محمد یوسف حسین پور ج/۶ ص ۲۲۴- ۲۲۵- ۲۵۷- ۲۹۱ چاپ اول انتشارات ششخ الاسلام احمد جام ۱۳۷۷-۱۳۷۹ ۱۳۸۰

فصل اول:

مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی:

این فصل بر سه مبحث مشتمل است، مبحث اول پیرامون تعارف سوره توبه، مبحث دوم پیرامون ایمان و مؤمن و مبحث سوم پیرامون نفاق و منافقین بحث خواهد شد.

مبحث اول پیرامون تعارف سوره توبه:

مبحث نخست شامل شش مطلب است که در مطلب اول معنای لغوی توبه، در مطلب دوم معنای اصطلاحی توبه، در مطلب سوم وجه عدم ذکر تسمیه در آغاز این سوره، در مطلب چهارم وجه تسمیه آن به سوره توبه و نام های این سوره، در مطلب پنجم سبب و تاریخ نزول سوره توبه و در مطلب ششم اصل شأن نزول این سوره بحث خواهد شد.

مطلب اول معنای لغوی توبه:

قبل از اینکه به معنای لغوی توبه بپردازیم می خواهیم (سوره) را به طور مختصر معرفی نمایم، مرتضی زبیدی^(۱) می فرماید: سُورَةُ [مفرد] جمعها سُورَات و سُورُوهِی فِی اللُّغَةِ: (مَا طَالَ مِنَ الْبِنَاءِ وَحَسَنٌ) و (الشَّرْفُ) و (الْعَلَامَةُ) و (المجد) و (الْفَضْلُ) و (الرَّفْعَةُ) وَقَالَ الْمَصْنَفُ: سُمِّيَتْ سُورَةُ الْقُرْآنِ تَشْبِيهًا بِسُورِ الْمَدِينَةِ لَكُونَهَا مُحِيطَةً بِآيَاتٍ وَأَحْكَامٍ إِحَاطَةَ السُّورِ بِالْمَدِينَةِ. وَ بِه سُمِّيَتْ سُورَةُ الْقُرْآنِ (لشرفه) و (فضله) و (مجده) و (لإجلاله) و (رَفَعْتَهُ).

سوره: مفرد که جمع آن سورات و سورا است. در لغت به چند معنا ذکر شده است: دیوار خوب و بلند، شرف، علامه، بزرگی، فضیلت، رفعت، مصنف رحمه الله می فرماید: سوره های قرآن کریم به سوره مسمی شدن از جهت مشابهت آن به یک دیوار که بالای شهر احاطه کرده باشد، بخاطریکه سوره هم احاطه کرده به آیات و احکام و غیره همانند احاطه کردن دیوار بالای شهر. و فی الاصطلاح: (السورة: هي طائفة من القرآن المسماة باسم خاص توقيفاً وأقله ثلاث آيات) در اصطلاح سوره: عبارت از یک حصه قرآن کریم مسمی به اسم خاص توقیفی که کمتر آن سه آیات باشد است. اقوال علماء در مورد مفهوم لغوی توبه قرار ذیل است: ابن فارس^(۲) می فرماید: (تَوَبَّ) التَّاءُ وَالْوَاوُ وَالْبَاءُ كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ تَدُلُّ عَلَى الرَّجُوعِ يَقَالُ تَابَ مِنْ ذَنْبِهِ، أَيْ

۱ - مرتضی الزبیدی: محمد پسر محمد پسر عبد الرزاق الحسینی، أبو الفیض، ملقب بمرتضی، الزبیدی (متوفی: ۱۲۰۵ هـ) محقق: مجموعة من المحققين - ناشر: دار الهدایة - در کتاب خود. تاج العروس من جواهر القاموس ج/ ۱۲ ص/ ۱۰۲

۲ - ابن فارس: ابوالحسن احمد بن زکریا بن محمد بن حبیب امام علامه عالم لغت صاحب معجم المقاییس اللغة محدث قزوینی به رازی شهرت داشت امام ذهبی گفته که از جمله علمای بزرگی اهل سنت والجماعت به شمار می رود. در سرزمین ری درسده

رَجَعَ عَنْهُ يُتُوبُ إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً وَ مَتَابًا فَهُوَ تَائِبٌ وَ التَّوْبُ التَّوْبَةُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَ قَابِلِ التَّوْبِ) ترجمه خداوند که پذیرنده توبه است {تا و او بآء} کلمه ای واحدی است که دلالت می کند بر معنای (رجوع کردن) در محاوره گفته می شود، تاب من ذنبه ای رجع عنه یعنی رجوع کرد از گناه خود و يتوب الى الله توبَةً و متاباً یعنی به خداوند جَلَّ به توبه کردن رجوع کرد فهو تائب یعنی اوتوبه کننده است، و هم چنان لفظ التوب مانند توبَةً است. طوری که الله تعالی جَلَّ می فرماید: (وَ قَابِلِ التَّوْبِ)^(۱) ترجمه: خداوند که پذیرنده توبه است. و هم چنان صاحب مختار الصحاح توبه را چنین تعریف نموده است: (التَّوْبَةُ) الرَّجُوعُ عَنِ الذَّنْبِ وَ بَابُهُ قَالَ وَ (التَّوْبُ) أَيْضًا يَعْنِي التَّوْبَةَ بِهَ مَعْنَى رَجُوعِ كَرْدَنِ اذْغَنَاهُ اسْتِ، كِه اذْبَابِ قَالِ يَعْنِي اذْجُوفِ اُوِي اَمَدِه اسْتِ.^(۲) و هم چنان (التوب) همانند توبه است. ابن منظور^(۳) در کتاب خود لسان العرب چنین می نگارد: (توب) التوبة الرجوع من الذنب وفي الحديث (الندم توبة) ^(۴) و التوب مثله این تعریف همانند: تعریف سابق است. امام اخفش^(۵) در کتاب مختار الصحاح می فرماید: (التوب جمع توبة مثل عزيمة وعزم و تاب الى الله يتوب توباً و توبَةً و متاباً) که تمام این صیغه ها دلالت می کند بر معنای رجوع کردن از گناه بسوی طاعت و بنده گی الله تعالی جَلَّ (توبه): در لغت مطلق رجوع را گوید: در محاوره گفته می شود، تاب ای رجع اگر نسبت توبه به الله تعالی جَلَّ شود مراد از آن رجوع به انعامات و الطافات پروردگار است بالای بنده گانش. اگر نسبت توبه به انسانها شود مراد از آن رجوع کردن از ذلالت و گناهان است به طرف ندامت و پشیمانی.^(۶)

۳۹۵ هجری وفات نموده است، محقق: عبدالسلام محمد هارون، دار الفكر: بيروت. كتاب التاء باب التاء واواو والباء مادة توب: ۱ / ۳۵۷. معجم الأدباء ج/ ۴ ص/ ۸۰: وفيات الاعيان ج/ ۱ ص/ ۴۹: شذرات الذهب ج/ ۳ ص/ ۱۳۲
۱- سوره غافر: آیه ۳.

۲- الرازی، زين الدين أبو عبدالله محمد بن أبي بكر. عبدالقادر حنفي الرازی (۱۴۲۰هـ). صاحب مختار الصحاح، سنه وفات ۶۶۶ هجری محقق: يوسف الشيخ محمد، طه، مكتبة العصرية: بيروت. باب التاء ۱/ ۴۷ معجم الادباء ج/ ۴ ص/ ۸۲

۳- ابن منظور. محمد بن مكرم بن علي صاحب لسان العرب از نسل رويغ بن ثابت الانصاري بوده در مصر تولد شده بعضی گفته در طرابلس غرب تولد شده است. در دفتر ديوان الانشاء قاهره وظيفه را انجام داده بعدا در طرابلس بحيث قاضي ايفای وظيفه نموده در عمر اخير كور شده بود. پس به مصر برگشته در مصر در سنه ۷۱۱ هـ وفات نموده كتابهای زیادی را تصنيف نموده که مشهورترین آن لسان العرب، المحکم و الصحاح، مختار الاغانی، مختصر مفردات، اخبار ابی نواس و لطایف الذخیره است. لسان العرب ج/ ۱ ص/ ۱ - كتاب لسان العرب، بيروت، دار صادر. ماده (توب) فصل التاء. ج/ ۱ ص/ ۳۳۳

۴ - ابن ماجة أبو عبد الله محمد بن يزيد القرويني. (ب.ت). سنن ابن ماجه، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، حلب: دار إحياء الكتب العربية. ج/ ۲ ص/ ۴۰۷. باب التوبة.

۵ الاخفش: سعيد فرزند مسعدة عالم به لغت و آدب. مجاشعی بلخی. بصری ابوالحسن. مشهور به اخفش اوسط نحوی بوده زیرا بنام اخفش زیاد بوده اصلا از بلخ بوده در بصره سکونت داشت. عربی را از سیبویه گرفته بود. تصانیف زیادی داشت. مانند: شرح ابیات المعانی. تفسیر معانی القرآن معانی الشعر. کتاب الملوك در علم عروض بحر (الخب) راز یاد نموده است در سنه ۲۱۵ هجری وفات نمود. است مختار الصحاح ج/ ۱ ص/ ۴۷

۶- الفارابي، أبو نصر إسماعيل بن حماد الجوهري. (ب.ت). منتخب من صحاح الجوهري، الشاملة الذهبية. باب التاء ماده توب . ۵۳۰/۱

مطلب دوم معنای اصطلاحی توبه:

محمد بن علی ابن القاضی^(۱) توبه را در اصطلاح چنین تعریف نموده اند: (الندم علی معصیة من حیث هی معصیة مع عزم أن لا یعود إليها إذا قدر علیها) ترجمه: توبه عبارت است از ندامت و پشیمانی به گناه از جهت گناه بودنش با إرادة قوی که به گناه باز بر نمی گردد در صورت قدرت داشتن به گناه. در تعریف مذکور به چند نکات اشاره شده است: اول لفظ "الندم" اشاره است به همان حدیث که قبلاً ذکر شده است الندم توبه، دوم "علی معصیة" اشاره است به این که اگر ندامت و پشیمانی به یک عمل مباح باشد توبه گفته نمی شود، سوم "من حیث هی معصیة" اشاره است به این که اگر ندامت و پشیمانی مثلاً از شراب، زنا، از جهت سردردی، یا مرض ایدز، یا از ترس ضیاع مال، یا از ترس از بین رفتن حیثیت اجتماعی بوده توبه گفته نمی شود و این شخص تائب نیست، چهارم "مع عزم أن لا یعود إليها" این قید برای زیادت تأکید است؛ زیرا تائب به کسی گفته می شود که به گناه باز نگردد، پنجم "اذا قدر علیها" اشاره است به این که به گناه قدرت داشته باشد اگر به گناه کردن قدرت نداشت به نزد معتزله توبه گفته نمی شود.

علامه آلوسی^(۲) چنین تعریف کرده است: (التوبة الرجوع عن الطريق المعوج الی الطريق المستقیم). ترجمه: رجوع کردن از راه کج به راه راست، امام غزالی^(۳) چنین تعریف نموده است: علم داشتن به بزرگی گناهان، ندامت و عزم داشتن به ترک آن فی الحال و در آینده، و تلافی از گذشته ها.

^۱ محمد پسر علی پسر القاضی محمد حامد پسر محمد صابر تهانوی فاروقی متوفی سنه ۱۱۵۷ هجری تحقیق آن د/ علی دحروج نقل اصل متن فارسی به عربی د/ عبدالله خالدی. طبعه اول ۱۹۹۶ م ناشر مکتبه لبنان بیروت - در کتاب موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم باب حرف التاء ج/ ۱ ص ۵۲۴

^۲ آلوسی، محمود شکری فرزند عبدالله فرزند شهاب الدین محمود آلوسی الحسینی مفسر مؤرخ عالم بالادب والدين در صافه بغداد سنه ۱۲۷۳ تولد شده علوم ابتدائی از پدر و کاکا خود گرفته تابه منصب تدریس و تألیف نشست تقریباً ۵۲ کتاب تألیف نمود مانند روح المعانی، تاریخ نجد، فتح المنان، تجرید اللسان و غیره .. در سنه ۱۳۴۲ هجری در بغداد وفات نموده است. سیر اعلام . ۱۷۲/۷ . مکفرات الذنوب فی القرآن و السنة، الشاملة الذهبية ج/ ۱۵ ص ۳۳۳

^۳ حجت الإسلام، أبو حامد الغزالی، محمد فرزند محمد فرزند محمد الغزالی الطوسي، عالم فیلسوف فقیه اصولی در خراسان سنه ۴۵۰ تولد شده برای طلب علم به نیشابور سفر نموده تصانیف زیادی دارد مانند: احیاء علوم الدین، المستصفی تهافت فلاسفه و غیره در سنه ۵۰۵ وفات نموده. سیر اعلام ۳۲۲/۱۹ . در کتاب خود احیاء علوم الدین، دار المعرفة: بیروت.. ۳/۴.

مطلب سوم وجه عدم ذکر تسمیه در آغاز این سوره:

وجه عدم ذکر (بسم الله) در ابتداء این سوره شایان ذکر است که چرا در آغاز سوره توبه بسم الله الرحمن الرحیم ذکر نشده؟ در پاسخ به این سؤال علماء اقولی را ارائه نموده اند: امام قرطبی (رحمه الله) (۱) آنرا در پنج قول خلاصه نموده است، قول اول: از امام مبرد (۲) است می گوید: که عادت قبلی عرب ها در زمانه ای جاهلیت طوری بود که در بین آنها وقوم دیگری عهد و (پیمانی) می بود و می خواست آنرا نقض کند برایشان مکتوب می فرستاد بسم الله در آن نوشته نمی کرد، وقتی که سوره براءة برای نقض پیمانی که در بین پیامبر صلی الله علیه وسلم و مشرکین بود نازل شد پیامبر صلی الله علیه وسلم حضرت علی (رضی الله عنه) را به تعقیب ابو بکر صدیق (رضی الله عنه) با ده آیات از اول سوره توبه روان کرد، تا آنها را برای مشرکین ابلاغ نماید. حضرت علی (رضی الله عنه) آن را در موسم برای مردم ابلاغ نمود و در آن بسم الله را نخواند یعنی سوره را به بسم الله آغاز نکرد. (۳)

قول دوم: از امام نسائی (۴) است که از ابن عباس (۵) (رضی الله عنه) نقل می کند او میگوید: از حضرت عثمان (رضی الله عنه) (۶) پرسیدم چه باعث شده که سوره انفال را با سوره توبه یکجا نموده در حالی که سوره انفال از جمله سوره های مثنائی است و سوره توبه از جمله سوره های مؤنن است، هر دو سوره را یکجا نموده از جمله سوره های سبع طوال نمودید؟ حضرت عثمان (رضی الله عنه) در پاسخ گفت: زمانی که بالای پیامبر صلی الله علیه وسلم چیزی نازل می شد، یکی از کاتبین وحی را فرامی خواند و برایشان امر می کرد این آیه

۱- امام قرطبی: ابو عبدالله محمد فرزند احمد فرزند ابوبکر فرزند فرح انصاری، خزرجی، اندلسی، قرطبی عالم بزرگ تقوی دار از جمله بزرگان مفسرین فقیه و صاحب تصانیف زیادی بود از اهل قرطبه در سنه ۵۷۸ هجری تولد شده و در سنه ۶۲۶ هجری در ماه ذوالقعدة در اسکندریه وفات نموده. سیر اعلام . ۳۲۲/۵ در الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی. ج ۸/ ص ۶۳ چاپ دوم ، (۱۳۸۴ هـ - ۱۹۶۴ م). تحقیق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفیش . ناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة.

۲- امام مبرد: ابو العباس محمد فرزند یزید فرزند عبد الاکبر فرزند عمیر فرزند حسان فرزند سلیمان فرزند سعد فرزند عبد الله فرزند مالک فرزند حارث فرزند عامر فرزند عبدالله فرزند بلال فرزند عوف فرزند اسلم ثمالی فرزند احجن فرزند کعب فرزند عبد الله فرزند نضر فرزند اسد فرزند غوث الازدی بصی مشهور به مبرد نحوی امام در نحو، لغت، و علم ادب بود در بغداد سکونت داشت کتابهای زیادی را تصنیف نموده مانند لکا مل. کتاب الروضة روز دوشنبه سنه ۲۰۷ تولد شده و در ماه ذوالحجه سنه ۲۸۵ در بغداد وفات و در کوفه دفن گردیده و نماز جنازه بالای آن محمد یوسف بن قاضی یعقوب آدانده است. وفيات الاعیان . ج ۴/ ص ۳۱۳

۳- الشوکانی، محمد علی بن محمد. (ب.ت). تفسیر فتح القدير الجامع بین فنی الروایة و الدراية من علم التفسیر، دار الفکر: بیروت. ۳۳۱/۲ سوره توبه.

۴- امام نسائی: ابو عبدالرحمن احمد پسر علی پسر شعیب فرزند علی فرزند سنان فرزند بحر فرزند دینار فرزند عبد الرحمن النسا ئی صاحب السنن قاضی الحافظ شیخ الاسلام اصل از نساء خراسان زمین بود به مصر سفر نمود در همان جا مسکن گزین شد از آن جا به فلسطین سفر نمود کتابهای زیادی را تصنیف نموده مانند سنن الکبری و سنن الصغری الصغفاء و المتروکین .. در بیت المقدس در سنه (۳۰۳) وفات نموده است. سیر اعلام النبلاء: ۲۱۲

۵- ابن عباس: عبدالله پسر عباس پسر عبد المطلب حبر الامة فقیه العصر امام الفسرين ابو العباس صحابی مشهور جلیل القدر پسر کاکای پیامبر صلی الله علیه وسلم در سنه (۶۸) هجری وفات نموده است سیر اعلام النبلاء: ۱۱۳

۶- عثمان: امیر المؤمنین حضرت عثمان پسر عفان پسر ابی العاص پسر أمیه بن عبد شمس پسر عبدمناف ابو عمرو یا ابو عبدالله خلیفه سوم مسلمانان و داماد پیامبر صلی الله علیه وسلم است. در سنه ۳۵ هجری وفات نموده است سیر اعلام النبلاء: ۱۱۴

را در فلان سوره و بعد از فلان آیه درج نماید، و سوره انفال از جمله سوره هایی بود که در اوائل نازل شده بود، و سوره توبه از جمله سوره های است که در آخر نازل شده است مگر قصه ها و مضامین هر دو سوره با هم مشابهت داشت و رسول الله صلی الله علیه و سلم از دنیا رحلت نمود اما برایم در این مورد چیزی نه گفت پس ما گمان کردیم که سوره توبه بخشی از سوره انفال است از همین جهت هر دو سوره را یکجا نموده و در بین آنها سطر بسم الله الرحمن الرحیم را ذکر نکردیم.

قول سوم: هم چنان از حضرت عثمان (رضی الله عنه) است به نقل قول مالک^(۱) از ابن وهب^(۲) ابن القاسم^(۳) ابن عبد الحکیم^(۴) از طریق ابن عجلان^(۵) برای شان رسیده که سوره براءة برابر سوره بقره یا قریب آن بود زمانی که بعضی حصه آن منسوخ شد و از ذهن مردم برداشته شد بسم الله الرحمن الرحیم هم در اوائل آن نوشته نشد و سعید ابن جبیر (رحمه الله)^(۶) هم این قول را تأیید نموده که سوره توبه برابر سوره بقره بود اما بعضی حصه آن منسوخ شد.

قول چهارم: از خارجه^(۷) و ابو عصمة^(۸) غیر هم است اینها میگویند: در زمانه خلافت حضرت عثمان (رضی الله عنه) وقتی که قرآن کریم جمع آوری می شد در بین صحابه کرام در این مورد نوعی از اختلاف پدید آمد، بعضی از آنها به این نظر بودند که سوره توبه و سوره انفال یکی هستند و بعضی از آنها به این نظر بودند که سوره توبه و انفال هر کدام آنها مستقل سوره هستند، در بین اینها خالی گاه گذاشتند نظر به رأی کسانی که می گفتند هر دو سوره های جداگانه است و در بین اینها بسم الله الرحمن الرحیم را ترک نمودند نظر به رأی کسانی که می گفتند هر دو سوره یکی هستند، هر دو گروه به همین فیصله راضی شدند و دلیل هر دو گروه در مصحف بجا ماندند.^(۹)

۱- مالک پسر اسماعیل پسر زیاد پسر درهم ابو غسان النهودی، الکوفی، الحافظ، الامام ابن زیاد سنه وفات ۲۱۱-۲۱۹-۲۲۰. تاریخ الاسلام - ت - بشار ج/۵ ص/۴۵۶

۲- ابن وهب: پسر وهب ابوالبختری ابن کثیر عبدالله پسر ربیعہ فرزند الاسود فرزند المطلب فرزند اسد فرزند عبد العزی قریشی قاضی در بغداد سنه وفات ۲۰۰ کتاب الجرح والتعديل ابن ابی حاتم التراجم والطبقات . ۲۵/۹

۳- ابن القاسم: یوسف فرزند القاسم فرزند الفارسی فرزند سوار المیانجی قاضی دمشق الشافعی ابی الحسن علی فرزند نعمان سنه وفات ۳۷۵ هجری کتاب وفيات الاعیان . ۱۲۱/۲۹ .

۴- عبدالحکیم فرزند ابی الحسن فرزند عبدالمالک فرزند یحیی از اهل معرفت و اهل علم بود فقیه و عالم بالاصول بود سنه وفات ۷۲۳ کتاب التراجم والطبقات . ۴۲/۲

۵- ابن عجلان: محمد فرزند احمد فرزند عثمان ابو عبدالله فرزند القیسی الغزی سال تواد ۶۴۸ در نزدیک های ایلیه سنه وفات ان ۷۲۴ کتاب المقفی الكبير . ۱۲۳/۵

۶- سعید ابن جبیر کنیه آن ابو عبدالله فرزند هشام الاسدی مولی بنی والیه فرزند حارث کتاب طبقات المفسرین للداودی . ۸۴۴/۱

۷- خارجه فرزند حارث فرزند رافع فرزند مکیت الجهنی فرزند عبد الرحمن فرزند مهدی فرزند خالد فرزند مخلد فرزند عبدالله الاسدی الصیرفی تاریخ بخاری قال فهو حسن. الجرح والتعديل ج/۱ ص/۲۰۸

۸- ابو عصمه نوح فرزند ابی مریم یزید فرزند جعونة المروزی خراسانی قاضی در مرو.

۹- کتاب التراجم وطبقات . ۳۷۵/۳ احیاء التراث بیروت و هم چنان الاستغناء فی معرفت المشهورین . ۸۴۴/۲

قول پنجم: از عبد الله ابن عباس (رضی الله عنه) است (۱) می فرماید: از حضرت علی (رضی الله عنه) (۲) پرسیدم چرا در سوره توبه بسم الله... نوشته نشده؟ در پاسخ برایم گفت: بسم الله الرحمن الرحيم امان است و سوره توبه به شمشیر نازل شده که در آن امان وجود ندارد.

قول ششم: اینکه افتتاح سوره توبه با "بسم الله" نشده؛ زیرا "بسم الله..." برای خیر است و اول این سوره وعید است و برای نقض پیمان نازل شده است، از همین جهت به بسم الله افتتاح نشد (۳) این قول از خود امام قرطبی است میگوید در مورد عدم ذکر تسمیه در اول سوره توبه درست این است که جبریل علیه السلام در اول این سوره بسم الله را نیاورده یعنی اصلاً بسم الله نازل نشده، (۴) علمای محققین همین قول را ترجیح داده اند و صاحب جمل (۵) هم در این مورد می نگارد که متبع در این مورد وحی الهی و توقیف است، به رأی هیچ کس مدخلی نیست؛ زیرا عدم بیان در موضع بیان دلالت بر عدم می کند و نظر اکثر علماء در این مورد چنین است که اصل در این مسأله توقیف است. (۶)

شیخ طنطاوی (۷) (رحمه الله) می فرماید: صحیح این است که امر پیامبر صلی الله علیه و سلم به وضع نمودن سوره توبه پس از سوره انفال توسط وحی صورت گرفته و هم چنان حذف نمودن بسم الله الرحمن الرحيم از اول همین سوره هم توسط وحی صورت گرفته عقل و رأی در این مورد مدخلی ندارد و می افزاید اقوال پنجگانه بی که امام قرطبی در مورد سقوط بسم الله از اول سوره توبه نقل نموده یکی از این اقوال هم قابل اعتماد نیست؛ زیرا در مورد قول اول که از امام مبرد نقل نموده مبتنی بر عادت و رسم عربهای بوده که در نقض پیمان در مکتوباتی خود بسم الله الرحمن الرحيم را نمی آورد این یک تعلیل عقلانی و اجتهادی است و هم چنان قول پنجم که از عبدالله ابن عباس (رضی الله عنه) از حضرت علی (رضی الله عنه) نقل می کند که بسم الله برای امان است و سوره براءة برای نقض همان عهد و پیمان نازل شده و در نقض پیمان امان نمی باشد هم تعلیل عقلی علی سبیل الاجتهاد برای بیان حکمت آن است.

۱- عبد الله ابن عباس: حبر الامة فقيه العصر امام المفسرين ابو العباس صحابي مشهور جليل القدر فرزند عباس فرزند عبد المطلب پسر کاکای پیامبر صلی الله علیه و سلم بود.

۲- حضرت علی پسر ابی طالب پسر عبدالمطلب صحابی جلیل القدر مشهور خلیفه چهارم مسلمانان داماد و پسر کاکای پیامبر صلی الله علیه و سلم است

۳ کتاب سنن ابن ماجه بحث توبه . ۱۴۲۰/۲ - ۱۴۲۱ صحیح و اسناد آن هم صحیح است. زیرا ابن حبان از جمله ثقات ذکر نموده است.

۴- مرجع قول امام قرطبی: تفسیر الجامع لاحکام القرآن . ۸ / ۶۱-۶۲-۶۳ - مشهور به تفسیر قرطبی.

۵- عبد الرحمن پسر اسحاق النهاوندی ابوالقاسم الزجاجی النحوی صاحب جمل اصلاً از منطقه صیمر بوده به بغداد رفت پیش ابو اسحاق النحوی برای حصول علم النحو بعداً به طرف حلب سفر نمود از آن جا به دمشق سفر نمود در سنه ۳۴۰ وفات نمود و فیات الاعیان . ۱۲۲/۳۰

۶- کتاب صاحب جمل حاشیه جمل علی الجلالین . ۱۸۰/۲ مطبوعه عیسی الحلبي.

۷- الشيخ طنطاوی الجوهری عالم بزرگ مصری صاحب تفسیر الوسيط الجواهر بود تعلیم خود را در جامعه ازهر نموده و از اهل تصوف متأثر شده بود در سنه ۱۳۵۸ هجری وفات نموده است. اعلام زرکلی . ۴۲/۱ .

قول دوم که امام نسائی و ترمذی روایت نموده ضعیف بلکه هیچ اصل و اساس ندارد؛ زیرا در سند آن یزید الفارسی آمده مجهول است معلوم نیست که یزید الفارسی ابن هُرْمُوز است یا شخصی دیگری و امام بخاری هم درضعفاً ذکر نموده پس معلوم می شود که چیزیکه درمقابل قطعی الثبوت واقع شود موضوعی است؛ زیرا تمام اوائل سوره هابه تواتر ثابت است قراءه سمعاً و کتابتاً، و هم چنان از روایت مذکور معلوم می شود که گویا حضرت عثمان (رضی الله عنه) رأی و نظر خود را در قرآن کریم گنجانیده است یعنی چیزی را که خواسته ثابت نموده و چیزی را که خواسته نفی کرده به نظر شخصی خود درحقیقت این طور نیست بهتر است بگویم این روایت درست نیست و اصل اساس ندارد.

قول سوم که سوره توبه همانند سوره بقره بود وقتی که بعضی حصه آن ساقط شد بسم الله همرايشان ساقط شد این قول هم ضعیف است و سند ندارد قابل اعتبار نیست.

قول چهارم که در مورد سوره انفال و سوره توبه در بین صحابه کرام اختلاف بود گروهی به این نظر بودند که سوره انفال و توبه یکی است و بعضیها می گفت هر دو سوره های جداگانه است این قول هم قابل اعتبار نیست؛ زیرا برای صحابه کرام معلوم بود که هر دو سوره های مستقل بوده و هر کدام آنها از موضوعات خاص بحث می کند مثلاً: سوره انفال از واقعه غزوة بدر و از متعلقات آن که در سال دوم هجری صورت گرفته بود بحث می کند، و سوره توبه از غزوة تبوک و از متعلقات آن که در سال نهم هجری صورت گرفته بود بحث می کند و هم چنان زمان نزول و مکان نزول هر دو سوره ها متفاوت است و اطلاق سوره انفال به سوره توبه نمی شود و اطلاق سوره توبه به سوره انفال نمی شود و هم چنان تعدد اسماء سوره توبه به استقلالیت دلالت می کند بنابر دلالتی که ذکر شد قول کسانی که هر دو سوره را یکی میدانند قول شان قیمت ندارد.

وقول راجح هم این است که اثبات بسم الله در اوائل همه یی سوره ها و سقوط آن توسط وحی الهی صورت گرفته و به تواتر ثابت است و بس. (۱)

^۱ کتاب التفسیر الوسیط للقرآن الکریم لطنطاوی، (۱۹۹۷-۱۹۹۸م)، ط ۱، دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزیع، الفجالة - القاهرة. ۱۸۰/۱ - ۱۸۴.

مطلب چهارم وجه تسمیه آن به سوره توبه و نامهای این سوره:

امام سیوطی^(۱) در مورد تسمیه سوره توبه می فرماید: وجه تسمیه این سوره بدان جهت توبه نامیدند، که بحث توبه و تائبین در این سوره در آیات مکرر آمده است همانند:

- (فَإِنْ تَبُوءْا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ)^(۲)
- (فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ)^(۳)
- (ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ)^(۴)
- (عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)^(۵)
- (وَأَخْرَجُوا مُرَجُوزَ الْأَمْرِ لِلَّهِ إِمَّا يَعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)^(۶)

اینها و آیات های دیگری هم موجود است.

یا بدان جهت سوره توبه نامیده شد که در آن بیان توبه مؤمنان عموماً و بیان توبه تخلف کننده گان از جنگ تبوک خصوصاً مطرح شده است.^(۷)

نام های این سوره:

این سوره دارای نامهای زیادی است مثلاً:

اول التوبة: (بمعنای رجوع کردن) وجه تسمیه این سوره به توبه از این جهت است که ذکر توبه مؤمنان و خاصه سه نفری که از غزوه تبوک مانده بود است.^(۸)

دوم براءة: (بمعنای بیزارى) وجه تسمیه به براءة از این جهت است که در این سوره اعلان بیزارى از تمام کفار و خصوصاً از مشرکین قریش آمده است.

سوم المقشقة: (بمعنای براءة حاصل کردن) وجه تسمیه به مقشقة از این جهت است که در این سوره برای مؤمنان از نفاق براءة می دهد.

^۱- السیوطی: جلال الدین ابوالفضل عبد الر حمن پسر ابی بکر پسر محمد پسر سابق الدین پسر الفخر عثمان بن ناظر الدین محمد پسر سیف الدین خضر پسر نجم الدین ابی الصلاح ایوب پسر ناصرالدین محمد بن پسر الشیخ همام الدین الهمام الخضیری الامام الحافظ السیوطی سال تولد آن درسنه ۸۴۷ هجری و سال وفات آن درسنه ۹۱۱ هجری صورت گرفته کشف الظنون . ۱۹۷۰/۲

^۲- (سوره توبه آیه ۳)

^۳- (سوره توبه آیه ۱۱)

^۴- (سوره توبه آیه ۲۷)

^۵- (سوره توبه آیه ۱۰۲)

^۶- (سوره توبه آیه ۱۰۶)

^۷- السیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۶هـ). الإیتقان فی علوم القرآن، تحقیق: سعید المنسوب، ط ۱، دار الفكر: بیروت. ۱۳۶/۲.

^۸عبد القادر پسر ملا حویش السید محمود ال غازی العانی متوفی سال ۱۲۹۸ هجری.

چهارم الفاضحة: (بمعنای رسواکننده) وجه تسمیه به فاضحه از این جهت است که در این سوره رسوایی و (شرمنده گی) منافقین ذکر شده بسبب آشکار نمودن رازهای قلبی آنان.

پنجم المشرّدة: (بمعنای تیت و پراکنده کننده) وجه تسمیه به مشرّده از این جهت است که در این سوره بحث تشرّد منافقین آمده است. (۱)

ششم سورة العذاب: (عذاب دهنده) وجه تسمیه به عذاب از این جهت است که این سوره برای تعذیب منافقین در دنیا و آخرت نازل شده است. (۲)

هفتم المنقرّه: (بمعنای کندن یک چیز به منقار خود) وجه تسمیه به منقره از این جهت است که قلبهای منافقان را می کند و رازهای خاصی از آنها را آشکار می سازد همانند پرنده که زمین را به منقار خود می کند. (۳)

هشتم المثيرة: (بمعنای آشکارکننده) وجه تسمیه به مثیره از این جهت است که شرمنده گی های منافقان را آشکار می نماید. (۴)

نهم الحافرة: (بمعنای چقرکننده) وجه تسمیه به حافره از این جهت است که نفاق منافقین برای مسلمانان آشکار می سازد.

دهم المبعثرة: (بمعنای آشکار نمودن اسرار و رازها) وجه تسمیه به مبعثره از این جهت است که رازهای پنهان و پوشیده قلبی منافقان را آشکار می سازد.

یازدهم البحوث: (بمعنای کندن قلبها) وجه تسمیه به بحوث از این جهت است که در این سوره بحث تفحص از احوال منافقین ذکر شده است. (۵)

دوازدهم المخزية: (بمعنای رسواکننده) وجه تسمیه به مخزیه از این جهت است که الله تعالی جلاله در این سوره کافران و منافقان را شرمنده و (ذلیل) می سازد.

سیزدهم المنکلة: (بمعنای نکوهش دهنده) وجه تسمیه به منکله از این جهت است که در این سوره تنکیل منافقان ذکر شده است.

چهاردهم المدممة: (بمعنای هلاک کننده) وجه تسمیه به مدممه از این جهت است که نزول این سوره سبب هلاکت کفار، مشرکین و منافقین بوده است. (۶)

۱- کتاب العانی، عبدالقادر بن ملا حویش. (۱۳۸۲هـ). بیان المعانی مرتب حسب ترتیب النزول، ط ۱، مطبعة الترقی: دمشق. ۴۰۱/۶.

۲- ابن عاشور: محمد طاهر پسر محمد پسر محمد طاهر پسر عاشور متوفی سال ۱۳۹۳ هجری

۳- مرجع نام های ششم و هفتم: التحرير والتنوير لابن عاشور . ۹۶/۱۰ تعداد اجزاء ۳۰ ناشر دارالتونس للنشر - تونس

۴- ابن جوزی: جمال الدین ابوالفرح عبدالرحمن پسر علی پسر محمد الجوزی قریشی حنبلی محدث فقیه صاحب تصانیف کثیره متوفی سال ۵۹۷ هجری وفيات الاعیان . ۱۴۰/۳

۵- مرجع نام های هشتم - نهم - دهم - یازدهم - - زادالمسیر فی علم التفسیر . ۲۳۰/۲ سوره توبه آیه ۱.

۶ مرجع نام های ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - - فتح القدیر لشوکانی . ۲۷۸/۲ سوره توبه آیه ۱.

این همه اسماء با هم معنای متقارب و نزدیکی دارد با تفاوت لفظی در بین آنها همه این نامها به این موضوع اشاره نموده که تمرکز اصلی این سوره به آشکار نمودن حقیقت و واقعیت های نفس الامری منافقین و نکوهش آنها است.

مطلب پنجم سبب و تاریخ نزول سوره توبه:

بطور فشرده برای فهم بیشتر به چند موضوعاتی مختصری که مرتبط به این سوره می شود می پردازیم: آیا این سوره مکی هست یا مدنی؟ یکجایی نازل شده یا به طور متفرقه؟ و تعداد آیات های این سوره چند است؟ و اول آیه نازل شده ابتداء و آغاز نزول این سوره اقوال مختلف در مورد اصل نزول، و ذکر بعضی واقعات که مربوط به اصل نزول می شود تعیین اهداف و مضامینی که این سوره در برگیرنده آن است مختصراً به بحث آن می پردازیم: ابن عاشور^(۱) در تفسیر خود التحریر و التنویر چنین می نگارد: سوره براءة مدنی است مگر دو آیه آخر آن که مکی است باعتبار نزول آخرین سوره قرآن کریم است اتفاقاً، بعد از سوره فتح نازل شده است از جمله سوره های است که تقریباً یکجایی نازل شده است، جمهور علماء به این نظر اند که سوره توبه دفعهً واحدهً (یکجایی) نازل شده همانند سوره انعام اما نظر به تفسیر بعضی آیات این سوره معلوم می شود که متفرقه نازل شده است اکثر مفسرین به این باور اند که غیر متفرقه نازل شده است یعنی از آغاز نزول تا ختم نزول در بین شان سوره یی دیگری نازل نشده برخی از مفسرین به این نظر اند که سیزده آیه پی در پی نازل شده است که این قول متفق علیه است و برخی از مفسرین به این نظر اند که سی آیه و برخی از مفسرین به این نظر اند که چهل آیه پی در پی نازل شده است اما نازل شدن تمام سوره یکجایی دور از صحت نیست تعداد آیات این سوره به نزد اهل مکه، مدینه، بصره، و شام ۱۳۰ آیات است و به نزد اهل کوفه ۱۲۹ آیات است، اول آیه نازل شده در مدینه منوره در این مورد چند اقوال ذکر شده است:

قول اول: از امام مجاهد است^(۲) می فرماید: اول آیه نازل شده (لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ...) ^(۳) است.

۱- ابن عاشور محمد الطاهر پسر محمد الطاهر پسر عاشور مشهور به الطاهر ابن عاشور در سال ۱۲۹۶ هجری ۱۸۷۹ م در اندلس در یک فامیل علمی اصولی به دنیا آمد پس از حملات تنصیر به تونس سفر نمود و در یکی از مدارس در همان جا بنام (الزیتونیه) مشغول تعلیم و تدریس شد و بعداً مصروف تدریس شد و کتاب های زیادی را تصنیف نموده است - در تفسیر خود التحریر و التنویر ج/ ۱۰ ص/ ۹۷ - ۹۸ می نگارد

۲ امام مجاهد ابوالحجاج مجاهد پسر جبر تابعی، مکی و قریشی متوفی سنه ۱۰۴ در تفسیر خود ذکر کرده . ۳۶۳/۱ سوره توبه آیه ۱

۳ (سوره توبه آیه ۲۵)

قول دوم: از ابوالضحی و ابومالک^(۱) است می فرماید: اَوَّل آیة نازل شده: (انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ...)^(۲) است.

قول سوم: از امام مقاتل است^(۳) می فرماید: اَوَّل آیة نازل شده: (إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْعَارِ...)^(۴) است شروع و آغاز نزول این سوره ابن جوزی^(۵) در تفسیر خود از امام بغوی^(۶) و از امام الزهری^(۷) نقل می کند که اَوَّل نزول سوره توبه در ماه شوال آغاز شده است.

قول چهارم: از امام بیهقی نقل می کند^(۸) در کتاب (دلائل النبوة) که پیامبر صلی الله علیه و سلم در آخر ماه رمضان سال نهم هجری از تبوک برگشت نازل شده است و در ماه ذوالحجه ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) را بحیث امیر حج فرستاد وقتی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم از تبوک برگشت قصد نمود تا فریضه یی حج را در سال نهم هجری آداء نماید مگر از جهت بعضی از مصلحت ها ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) را امیر حج و حضرت علی (رضی الله عنه) را بحیث مبلغ روان کردند نازل شده است و بعضی نصوص مطلقاً دلالت می کند که قبل از برگشت تبوک نازل شده است.

۱- اول ابوالضحی: مسلم پسر صُبیح العطاری، الهمدانی مولی سعید بن العاص در خلافت عمر بن عبد العزیز در سنه ۱۰۰ وفات نوده است در سیر اعلام . ۷۱/۵ دوم ابو مالک غزوان پسر عتبه پسر غزوان الغفاری الکوفی تابعی مُحَدَّث ثقه در . تهذیب الکمال ۱۰۰/۲۳ .

۲- سوره توبه آیه ۴۱ .

۳- ابوالحسن مقاتل پسر سلیمان پسر بشیر الأزدی بالولاء بلخی متوفی سنه ۱۵۰ در تفسیر خود یعنی تفسیر مقاتل . ۱۵۶/۲ در سوره توبه آیه ۱-۲ می نویسد.

۴- ابن عاشور، محمد طاهر. (ب.ت). تفسیر التحرير والتنوير . ۹۵/۱۰ سوره توبه آیه ۱-۲ . الشاملة الذهبية.

۵- الامام الحافظ ابوالفرح . جمال الدين عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي القرشي البغدادي الفقيه الحنبلي العالم بالتاريخ . والحديث . والتفسير الواعظ وكثير التصانيف سنه وفات ۵۹۷ المكتبة الاسلاميه بيروت لبنان الطبعة الاولى . تفسیر زاد المسیر ج / ۳ ص / ۳۸۸ - ۳۸۹

۶- محیی السنة ابو محمد الحسین پسر مسعود پسر محمد پسر الفراء بغوی شافعی صاحب معالم التنزیل مشهور به تفسیر بغوی متوفی سنه ۵۱۰

۷- ابن شهاب الزهری محمد پسر مسلم پسر عبدالله پسر عبدالله پسر شهاب پسر عبدالله بن الحارث پسر زهره پسر کلاب پسر مره الامام عالم حافظ الزمان ثقه ابوبکر القریشی الزهری المدنی سنه تولد ۵۰۱-۵۰۰ سنه وفات آن ۱۲۴ هجری است . التراجم والطبقات ج/ ۶ ص/ ۲۲۲

۸- امام بیهقی: احمد پسر حسین پسر علی پسر موسی ابوبکر الامام البیهقی شافعی صاحب سنن الکبری در سال ۳۸۴ تولد شده و در سال ۴۵۸ وفات نموده است التراجم والطبقات . ۲۲۰/۶

مطلب ششم اصل شأن نزول این سوره:

امام مقاتل^(۱) در تفسیر خود می نگارد که سوره توبه در حق سه قبیله قریش نازل شده است بنی خزاعه، بنی مدلج، و بنی خزیمه پیامبر صلی الله علیه و سلم در صلح حدیبیه با آنها برای ده سال عهد و (پیمان) بسته بود که الله تعالی جل جلاله آنرا به چهار ماه محدود گشتاند بعد از نزول این سوره پیامبر صلی الله علیه و سلم با هیچ قبیله عهد و پیمان را امضا نکرد برای فهم بیشتری از نزول سوره توبه دانستن چند واقعاتی که سبب اصلی نزول این سوره بشمار میرود ضروری است تا به توضیحی مختصری از آن واقعات پردازیم: در مجموع سوره توبه چند غزوات و واقعات مرتبط به آنها اند، و در ضمن بسیاری از احکام و مسائل بیان گردیده است مثلاً: به پایان رسانیدن معاهدات تمام قبائل عرب، فتح مکه، غزوه حنین، غزوه تبوک، و از جمله این واقعات فتح مکه از همه پیشتر در سال ۸ هجری و سپس غزوه حنین در همین سال و سپس غزوه تبوک در ماه رجب سال نهم هجری و اعلان ختم معاهدات از تمام قبائل عرب در ماه ذوالحجه سال نهم هجری به وقوع پیوستند، مطالبی که در این سوره در پیرامون معاهدات مشرکین و عهد شکنی آنها، و به پایان رسانیدن همان معاهدات ذکر شده خلاصه یی آنها این است که در سال ۶ هجری رسول الله صلی الله علیه و سلم به قصد عمره عازم مکه شد، لیکن مشرکین قریش از اجازه ورود به مکه مکره انکار نمودند که آخر الامر در مقام حدیبیه صلح برقرار شد، و میعاد این صلح تا ده سال به امضاء رسید، در مکه مکره علاوه بر قریش قبائلی دیگری هم سکونت داشتند و یکی از مواد صلح این بود که علاوه بر قریش از قبائلی دیگری هرکسی بخواهد حلیف و (هم پیمان) قریش باشد، و هر کسی بخواهد می تواند حلیف (و هم پیمان) رسول الله صلی الله علیه و سلم باشد، طوری که قبیله بنی خزاعه حلیف رسول الله صلی الله علیه و سلم و قبیله بنی بکر حلیف قریش شدند، طبق دستور این معاهده تا ده سال نه با هم بجنگد و نه حمایت حلیف یکی دیگری را بکند، زیرا حمایت از حلیف یکی دیگر خلاف معاهده به شمار میرود بنوبکر بالای خزاعه حمله آور شدند، قریش بنوبکر را به سلاح و نیرو یاری نمودند که در حقیقت این عمل نقض معاهده صلح حدیبیه بود پس از آگاه شدن از عهد شکنی قریش علیه آنها به آمدگی جنگ پرداختند طوری که ابوسفیان مأیوس پس به مکه برگشت ترس و هراس بر قریشیان چیره شد بالاخره مکه مکره فتح شد^(۲) پیامبر صلی الله علیه و سلم مطابق به روایت ابن کثیر به تاریخ دهم رمضان سال ۸ هجری با جمع کثیر از صحابه کرام جهت حمله مدینه منوره را به قصد مکه مکره ترک گفتند که **الله الحمد! مکه مکره فتح**

۱- الأزدی البلخی، أبو الحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر. (۱۴۲۳هـ). تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲ / ص ۱۵۶ - محقق: عبدالله محمود شحاته، ط ۱، دار إحياء التراث: بیروت. ۱۵۶/۲ سوره توبه آیه ۱-۲ ترجمه آن قبلاً ذکر شده است.

۲- الجوزی، جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی. (۱۴۲۲هـ). زاد المسیر فی علم التفسیر، ط ۱، دار الکتب العربی: بیروت. ۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳ سوره توبه آیه ۱-۲.

شد، و مسلمانان بالای مشرکین چیره شدند و برای مشرکین امان داده شد. اما آنها دارایی احوال مختلف و موقعیت های مختلفی بودند، یکی از آن گروهی بود که در صلح حدیبیه با آنان معاهده منعقد شده بود که آنرا نقض نمودند و همین امر موجب این شد که مکه مکرمه بدست مسلمانان فتح گردد، گروه دوم افرادی بود که نسبت به معاهده صلح وفا دار مانده بود همانند دو قبیله کوچکی بنی ضمیره، و بنی مدلج از بنی کنانه که در هنگام نزول سوره توبه از میعاد صلح آنان نو ماه باقی مانده بود، گروه سوم کسانی بود که بدون تعیین وقت با آنان صلح منعقد شده بود، گروه چهارم نیز کسانی بود که با آنان هیچ گونه معاهده صلح منعقد نشده بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم نظر به داشتن تجارب تلخی از آنها و سوابق عهد شکنی و خصومت طلبی آنها در نتیجه تصمیم گرفتند تا در آینده با هیچ یک از آنان معاهده را امضا ننماید و جزیره العرب را به صورت دژی محکم برای مسلمانان در آورد، برای همین هدف تمام معاهدات را محدود نمود و تمام این امور را به منظور اجرای حکم ربّانی پیامبر صلی الله علیه و سلم در مراسم حج سال نهم هجری حضرت ابوبکر صدیق و حضرت علی (رضی الله عنهما) را به مکه مکرمه گسیل داشتند تا در میدان منی و عرفات همان فرمان و حکم رب العالمین که برای این هدف نازل شده بود رسماً به همه بی مردم اعلان نماید.^(۱) و اگر اینها برخلاف این حکم عمل کند مستحق قتال خواهد بود و در موسم حج سال آینده هیچ مشرک و کافری حق ندارد وارد حدود حرم شود.^(۲) سوره براءة: به چند واقعات و غزوات در ضمن بسیاری از احکام و مسائلی که پیش آمده بود مرتبط است که در حقیقت این همه واقعات سبب اصل نزول این آیت ها و سوره می گردد مثلاً به پایان رسانیدن معاهدات تمام قبایل عرب، رفتار جوانمردانه و بی نظیر مسلمانان فاتح هنگام فتح مکه، چگونگی برخورد کریمانه با گروه سرسخت مشرکین و همه بی کُفار پس از فتح مکه، و شرایط برقراری روابط اخوت اسلامی با پذیرندگان اسلام، و چگونگی قربان نمودن همه تعلقات دنیوی در مقابل تعلق والای ایمان و اسلام، فتح مکه در سال ۸ هجری، غزوه حنین در همین سال، غزوه تبوک در ماه رجب در سال ۹ هجری خلص یک نگاه کلی به آیات سوره توبه این نکته را روشن می سازد که این سوره سه اهداف را تعیین می کند:

الف: شناسایی کفر و کافران.

ب: شناسایی نفاق و منافقان.

ج: شناسایی ایمان و مؤمنان و روابط آنها باهم دیگر.

^۱ - ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل پسر عمر پسر کثیر قریشی بصری دمشقی عالم حافظ مفسر صاحب تفسیر القرآن العظیم مشهور به تفسیر ابن کثیر متوفی سنه ۷۷۴ هجری (۱۴۳۶ هـ). تفسیر ابن کثیر. سوره توبه - ج/ ۴ ص/ ۱۰۳ - ۱۰۴ - چاپ دوم، انتشارات المکتب العصریه: بیروت.

^۲ مؤلف: مفتی شفیع شیخ القرآن. والحديث دانشمند بزرگ اسلام مولانا علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی - تفسیر معارف القرآن مترجم حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور. ج/ ۶ ص/ ۱۸۵ - ۱۹۴

و هم چنان این سوره مبارکه نظر به تعیین اهداف فوق الذکر دارایی چهار مبحث عمده بی است:

بخش اول: این سوره از ابتداء آیه الی ۲۷ در این آیات از سه نوع: مشرکین، کفار، منافقین و از احکام آنان بحث می کند اما موضوع اصلی برانگیختن مؤمنان برای مقابله قاطعانه با کفار... و بیان برخی نکات مهمی آنها است.

بخش دوم: این سوره از آیه ۲۸ الی ۳۷ در این آیات اهل کتاب و منافقین آنها و برخورد با ایشان بحث می کند.

بخش سوم: این سوره از آیه ۳۸ الی ۹۹ در این آیات از آشکار نمودن قباحت منافقین و بدون تکرار از (۷۶) صفات منافقین بحث می کند.

بخش چهارم: این سوره از آیه ۱۰۰ الی ختم این سوره از سه نوع مؤمنان بحث می کند: اول مجاهدین فی سبیل الله مخلصین دوم: مسلمانان ماندگان از جهاد که بزودی توبه ایشان قبول شدند سوم: مسلمانان ماندگان از جهاد که بزودی توبه ایشان قبول نشدند در ضمن بعضی زواجر برای منافقان. (۱)

^۱تفسیر معارف القرآن ج/۶ ص/۶۵ از مفتی محمد شفیع سوره توبه آیه اول: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام کتاب خانه ملی ایران چاپ دوم - چهارم .

مبحث دوم پیرامون ایمان و مؤمن:

مبحث دوم دارایی پنج مطلب می باشد که در مطلب اول شناخت معنای لغوی و اصطلاحی ایمان، در مطلب دوم معلومات عمومی در مورد ایمان، در مطلب سوم معنای لغوی و اصطلاحی مؤمن، در مطلب چهارم بیان ویژگی های مختصر و کوتاه مؤمنان و در مطلب پنجم، مقایسه میان مؤمنان و کافران در پرتو قرآن بحث خواهد شد.

مطلب اول شناخت معنای لغوی و اصطلاحی ایمان:

چونکه عقیده درست و صحیح اساس و بنیاد دین مقدس اسلام بوده و تمام اعمال انسان مبتنی بر عقیده درست و کامل اوست؛ زیرا کسانی که عقیده ایشان درست بوده عمل آنها نیز درست می باشد، و کسانی که عقیده ایشان فاسد بوده عمل آنها نیز فاسد می باشد درست نیست دین و عمل یک شخص قبول شود مگر به ایمان درست و صحیح آن حالاً بطور خلص و مختصر در مورد معنای لغوی و اصطلاحی ایمان، مسئی ایمان، ایمان چیست؟ اصل ایمان، تحقق ایمان، نقش ایمان در زندگی فردی مؤمن بحث می نمایم.

واژه ایمان در لغت:

واژه ایمان: در اصل ماخوذ از باب مجرد «أَمِنَ يَأْمَنُ أَمْنًا وَ أَمَانَةً» است به معنای در اُمن شدن، امانت نگه داشت، امین بود، امانت داری کرد مطمئن و بی ترس و بیم شد، اما از باب مزید به معنای پناه دادن، معتقد شدن و در نتیجه اعتقاد تسلیم و مطیع او شدن (الایمان) اعتقاد، گرویدن، اذعان و باور داشتن ضد و نقیض آن کفر است ابن منظور^(۱) در مورد معنای لغوی ایمان می فرماید:

أمن ضد خوف و ترس بوده و امانت ضد خیانت است و ایمان ضد کفر است و ایمان به معنی تصدیق بوده که ضد آن دروغ گویی است و هم چنان ابن فارس^(۲) می فرماید:

ایمان در لغت دارایی دو معنای اصلی است:

الف: امن

ب: تصدیق

^۱ ابن منظور، محمد بن مکرم بن منظور الأفریقی المصري، تولد، ۶۳۰ هـ وفاته ۷۱۱، الكتاب: لسان العرب. ماده أمن ج/ ۱۲ ص/ ۲۵

^۲ ابن فارس، أبي الحسين أحمد بن زكريا، كتاب: معجم مقاييس اللغة، ج/ ۱ ص/ ۱۳۸ - ماده أمن. تحقيق: عبد السلام محمد هارون، ناشر: دار الفكر، مصر، قاهره، طبع اول: ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، اتحاد الكتاب العرب، طبع دوم: ۱۴۲۳ هـ = ۲۰۰۲ م، عدد الأجزاء: ۶.

الف: الأمان:

الأمان: به معنای دادن امن و امان و اطمینانی که در مقابل آن خوف است، آمنتی که مقابل اخفته است الله تعالی می فرماید (وَأَمَّنْهُمْ مِنْ خَوْفٍ) ^(۱) ترجمه: امن برایشان داده ام از ترس و هراس. بناءً (امن) داخل شدن در امن را گوید (استأمن الیه) به معنی در امان او داخل شد (والأمانة، والأمانة) ضد خیانت است از همین ماده اسم مبارک الله تعالی (المؤمن) است؛ زیرا الله تعالی بنده های خود را امن میدهد از ظلم کردن بالای آنها، خلاصه اینکه یک معنای ایمان امن است.

(ب) التصدیق:

تصدیق: همان چیزی است که عمل را به قول وصل می سازد وقتی که بنده ای الله تعالی جَلَّ جَلَّاهُ بگوید آمنت بالله رباً من تصدیق نمودم به ربوبیت الله تعالی چنانچه الله تعالی می فرماید:

(قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا..) ^(۲)

ترجمه: بگوئید: ایمان داریم به خدا و آنچه (به نام قرآن) بر ما نازل گشته.

و(أَقْتَضَمُونَ أَنْ يَوْمِنَا لَكُمْ وَ..) ^(۳)

ترجمه: آیا امیدوارید که (یهودیان به آئین اسلام و) به شما ایمان بیاورد هم چنان برادران یوسف علیه السلام به پدر گرامی خود چنین می فرماید:

(وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ) ^(۴)

ترجمه: تو هرگز (سخنان) ما را باور نمی داری هر چند هم راستگو باشیم (چرا که یوسف را بسیار دوست می داری و ما را بدخواه او می انگاری) تفسیر لفظ لازمی به متعدی درست است مثلاً: گفته می توانیم آمنت ای (صدقته) و لکن گفته نمی توانیم (آمنتی) بلکه گفته می توانیم (آمنت به، یا آمنت له) فلماذا اگر ایمان را به اقرار تفسیر نمایم بهتر است از تفسیر آن به تصدیق لیکن حقائق گاهی به تعریف شرعی شناخته می شود،^(۵) گاهی به لغت شناخته می شود و گاهی به عرف شناخته می شود اما اعتبار به معنای شرعی است؛ زیرا ما مکلف به عمل کردن به آن هستیم پس معنای مختار ایمان لغتاً: اقرار قلبی است که دارایی دو بخش بزرگی است:

اعتقاد قلبی، و عمل قلبی.

^۱ مجموع الفتاوی جلد ۷ / ص ۲۹۱ علامه ابن تیمیة رحمه الله تعالی . (۲) سوره قریش / آیه ۵

^۲ سوره بقره آیه ۱۳۶

^۳ سوره بقره آیه ۷۶

^۴ سوره یوسف آیه ۱۸

^۵ شرح العقيدة الواسطية .. ج / ۲ ص ۲۲۹

واژه ایمان در اصطلاح:

در تعریف اسلام انقیاد، تسلیم و اظهار خضوع بیشتر مطرح است که این اکثراً به ظاهر بدن صدق می کند اما در تعریف ایمان بیشتر اذعان، اعتقاد و باور قلبی قابل دید است و این بیشتر به درون تعلق می گیرد چنانچه زجاج می گوید: «ایمان عبارت است از اظهار خضوع و قبول کردن شریعت و دستورات که پیامبر صلی الله علیه و سلم آورده و اعتقاد، باور و تصدیق قلبی به آن داشته باشد» پس کسی که بر این صفت ایمان آورده او مؤمن واقعی است بدون کدام ریب و شک و این گونه مؤمن معتقد می باشد که انجام دادن واجبات الهی فرض است، و در دل آن در این راستا هیچ نوع تردد راه ندارد.^(۱) و علامه دکتور زحیلی^(۲) در این مورد با کمی تفاوت واضح تر می فرماید: ایمان عبارت از تصدیق قطعی و یقینی است که همراه با تائید و قبول کردن نفس و قلب انسان بوده باشد: بطور اختصار ایمان نزد علماء السلف الصالح اهل السنة والجماعة چنین است ایمان: عبارت است از تصدیق جازم، اقرار کامل، و اعتراف تام، به وجود الله تعالی، به الوهیت الله تعالی، به وحدانیت الله تعالی، به ربوبیت الله تعالی، به اسماء الله تعالی، به صفات الله تعالی و به اینکه استحقاق عبادت تنها برای الله تعالی است، و حصول اطمینان قلبی بی که تأثیرات آن در سلوک و رفتار انسان ظاهر می شود و التزام به اوامر الله تعالی، و اجتناب (دوری) از تمام منهیات، و به اینکه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم رسول (فرستاده) الله تعالی است، و آخرین پیغمبر است، و قبولانندن تمام اخبارات که از جانب الله تعالی آورده اند، و از دین مقدس اسلام، و از امور غایبه، و تمام احکام شریعت، و به تمام مفردات دین مقدس اسلام، و اطاعت پیامبر علیه و سلم در تمام مأمورات و منهیات آن، ظاهراً، و باطناً، و اظهار خشوع و خضوع به تمام اینها خلص اینکه ایمان عبارت از تمام طاعات ظاهری، و باطنی است طاعات ظاهری همانند: افعال بدن که عبارت از تمام واجبات، منهیات، مندوبات و غیره است طاعات باطنی همانند: تمام اعمال قلب که عبارت از تصدیق قلب، اقرار قلب، و اعتماد آن می باشد.^(۳)

^۱ ابن منظور، پیشین - لسان العرب باب أمن، ج ۱۳، ص ۲۲.

^۲ زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر، باب التفسیر و البیان، ج ۱، ص ۷۳.

^۳ معجم اللغة؛ مادة (أمن): (تهذيب اللغة) للأزهري؛ ج ۱۵، ص ۵۱۳. و (الصاحح) للجوهري. ج ۵، ص ۲۰۷۱. و (القاموس المحيط) للفيروزآبادي؛ ص ۱۵۱۸. و (لسان العرب) لابن منظور؛ ج ۱۳، ص ۲۱-۲۷. و (مختار الصحاح) للرازي؛ ص ۱۸. و (مفردات ألفاظ القرآن) للأصفهاني؛ ص ۹۰. و (النهاية في غريب الحديث) لابن الأثير؛ ج ۱، ص ۶۹-۷۱.

مطلب دوم معلومات عمومی در مورد ایمان:

مسمی ایمان:

پس اطلاق مسمی ایمان نزد اهل سنت والجماعة به سه صفت مجموعی آن می شود که یکی از دیگر جدا نمی شود: اعتقاد قلبی، اقرار زبانی، عمل بدن، و به نزد علماء اهل سنت.

ایمان عبارت است از قول قلب، قول لسان، عمل قلب، عمل جوارح.

- قول قلب: عبارت از معرفت حق، اعتقاد حق، تصدیق حق، اقرار قلبی، و یقین است^(۱) طوری که الله

تعالی می فرماید: (وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ) (۲)

ترجمه: و کسانی که حقیقت و راستی را با خود آورده و آن را تصدیق نموده اینانند که پرهیزگارند.

- قول لسان: عبارت است از نطق به شهادتین، و به لوازم آن طوری که الله تعالی می فرماید.

(قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا...) (۳)

ترجمه: بگوئید: ایمان داریم به خدا و به آنچه بر ما نازل گشته.

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...) (۴)

ترجمه: کسانی که می گویند: پروردگار ما تنها خدا است، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به

وحدانیت است می ایستند، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می دهد، و بر این راستای خدا

پرستی تا زنده اند) پا بر جا و ماندگار می ماند، و در حدیث آمده: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَمَرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَإِذَا قَالُوهَا، عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ

وَأَمْوَالَهُمْ، إِلَّا بِحَقِّهَا، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ" (۵) ترجمه: از ابی هریره رضی الله تعالی عنه روایت

است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفت: امر شده ام که با مردم تا آنجا به جنگ ادامه دهم که بگویند:

لا اله الا الله، وکسی که لا اله الا الله، بگوید مال و جانش، جز به حق آن از من محفوظ داشته است و

حساب او بر خدای عزوجل است.

- عمل قلب: عبارت است از نیت، تسلیم شدن، اخلاص، اطاعت، انقیاد و التزام به آن و روی آوردن به

الله تعالی، توکل به الله، امید داشتن از الله تعالی، خشیت از الله تعالی، تعظیم الله تعالی، محبت الله تعالی.

- عمل جوارح: عبارت از فعل مأمورات، واجبات، و ترک منهیات، و محرّمات، و ممنوعات است.

^۱ شرح العقيدة الواسطية ج/۲ ص ۲۲۹

^۲ سوره زمر آیه ۳۳

^۳ سوره بقره آیه ۱۳۶

^۴ سوره فصلت آیه ۱۹

^۵ سنن ابن ماجه (۲/ ۱۲۹۵)

ایمان چیست؟

ایمان عبارت از دل‌بستگی نهایی هدفمند انسان به امور معنوی است که برای انسان مقدس و با اهمیت هستند و به ارزش آن حاضر است تا عشق، محبت، شجاعت و جوانمردی از خود نشان دهد.

و ایمان دو بعد اساسی دارد: (بعد علمی، و بعد عملی).

بعد علمی: به تنهایی با کفر هم قابل جمع است.

بعد عملی: به تنهایی با نفاق می تواند جمع شود. (۱)

در نتیجه باید هر دو ابعاد با هم جمع شود یعنی هم بعد علمی داشته باشد و هم بعد عملی داشته باشد.

درباره حقیقت ایمان چند نظریه وجود دارد: نظریه اشاعره، معتزله، فلاسفه متکلمین.

نظریه ی اشاعره: ایمان عبارت از تصدیق به وجود الله تعالی، و با پیامبران الله تعالی، و اوامر الله تعالی، و نواهی الله تعالی است .

نظریه ی معتزله: ایمان عبارت از عمل به تکلیف و وظیفه یی که الله تعالی برای ما بیان نموده است می باشد.

نظریه فلاسفه متکلمین: ایمان عبارت است از علم و معرفت نسبت به واقعیت های عالم و استکمال نفس از این طریق. (۲)

اصل ایمان:

انسان به وسیله اصل ایمان وارد اسلام می شود و سایر اعمال و رفتارش به اصل ایمان بستگی دارد، و هم چنان جایگاهی اصلی ایمان قلب است؛ زیرا صلاح و فساد اعمال به صلاح و فساد قلب بستگی

دارد رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: عَنْ عَامِرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ، يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "الْحَلَالُ بَيْنٌ، وَالْحَرَامُ بَيْنٌ، وَبَيْنَهُمَا مُشَبَّهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ أَتَقَى الْمُشَبَّهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ: كَرَاعٍ يَرَعَى حَوْلَ الْحِمَى، يُوشِكُ أَنْ يُوَاقِعَهُ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى، أَلَا إِنَّ حِمَى اللَّهِ فِي أَرْضِهِ مَحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً: إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ" (۳)

پس اصل ایمان در قلب می باشد و به سه چیز منعقد می شود - اقرار لسانی - قول قلبی - عمل قلبی

- اقرار لسانی: که عبارت است از بر زبان آوردن شهادتین.

- قول قلبی: که عبارت است از علم به معنا و مفاهیم شهادتین.

۱- عمر، اشقر: بنیان ایمان، جامعه المدینه، نشر عقده مترجم احمد الحامد سال ۱۹۸۵ ج/۱ ص/۷.

۲- مبادی اسلام. جلد ۱/ ص ۱۰ مؤلف سید ابو الاعلی مودودی رحمه الله تعالی پشاور نشر عقیده سال ۱۹۶۷

۳- صحیح البخاری - ط - ابن کثیر - باب فضل من استبرأ لدينه - وقال ابن ماجه اسناده صحيح - ج/۱ ص/۲۸ - شماره حدیث ۱۹۶۶م - ۱۵۹۹م

- عمل قلبی: که عبارت است از قبولانیدن توحید الله تعالی و بیزاری از اضداد توحید.

تحقق ایمان:

اعتقاد به اینکه این جهان یک آفریده گار یکتا دارد که در آفرینش، ملک، تدبیر، اداره اُمور، روزی دادن، زنده کردن، میراندن، نفع و ضرر رساندن و در داشتن هرگونه قدرت و صلاحیت در افعال، یکتا، تنها، و بی همتا است هر کسی را بخواهد عزت می بخشد، و هر کسی را بخواهد ذلت می بخشد، اختیار کل در تمام آسمانها و زمین در دست اوست، هر چه بخواهد به تنهایی انجام میدهد، و هر گونه بخواهد حکم می کند، بر هر چیز توانا، دانا است، و از همه بی نیاز است، و همه به او نیاز دارد، و هر امری از آن اوست، و هر خیر و سعادت در دست اوست، و در تمام افعال و کردارش شریک ندارد.^(۱)

نقش ایمان در زندگی فردی مؤمن:

مهمترین چیزی که فرد انسان برای خودش می خواهد و بسوی آن حرکت می کند و نهایت کوشش و تلاش خود را برای تحقق و پیدا کردن آن هدف های بزرگ و عالی بمصرف می رساند، چیست؟ آری: می توانیم فقط کافی است که به خود و به دیگر افراد بشر دور و بر خود بنگریم و حالات گوناگون انسا نها را در طول تاریخ نوین و دیرین بشر بطور فراگیر مطالعه کنیم، می توانیم در نتیجه به این مطلوب پی خواهیم بُرد که یک شخص انسان بودن خویش را احساس نماید، و با ویژه گی های انسانی زندگی کند، و شخصیت خود را احساس نماید، ارزش و بهای خود را در این جهان هستی احساس نماید، و هم چنان احساس نماید که برای بودنش هدفی است، در زندگیش رسالتی دارد، و امتیاز خود را از دیگر مخلوق احساس نماید، که در این زمین بیهوده و بی مصرف آفریده نشده است، و بی حساب و نسنجیده به او عقل، خرد، و قدرت بیان، ارزانی داشته نشده است بلکه همه ای اشیاء برای یک هدف مشخص برای آن ارزانی شده است که عبارت از سعادت دنیا و آخرت است.^(۲)

^۱ ارکان ایمان: مترجم عبد الله حیدری سال ۱۹۸۵ ج/۱/ص ۱۱ مرکز پژوهشهای اسلامی دانشگاه اسلامی مدینه منوره

^۲ نقش ایمان در زندگی: (الایمان والحیاء) یوسف قرضاوی مترجم: محسن ناصری نشر عقیده سال ۱۴۱۵ ه ق / ص ۷۱-۷۴

مطلب سوم معنای لغوی واصطلاحی مؤمن:

واژه لغوی مؤمن:

مؤمن: اسم فاعل از واژه ایمان و از ماده امن است "أمن" عبارت است از آرامش و رفع ترس و نگرانی، و ایمان عبارت است از خود یا دیگری را در امنیت و آرامش قرار دادن. پس مؤمن یعنی مطمئن، "أمن بالله" یعنی برای او اطمینان و آرامش نسبت به خداوند متعال حاصل شد متعدی شدن مؤمن با «ل» و «با»

واژه "أمن" اگر با «ل» متعدی شود به معنای تصدیق است و اگر با «با» متعدی شود به معنای اصطلاحی خواهد بود «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ...» ترجمه: پیامبر به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند.

(المؤمن: هو الذي صدق النبي صلى الله عليه وسلم في جميع ما جاء به عن الله تعالى مما علم مجيئه ضرورة مع الإقرار والانقياد) ^(۱) "یعنی" مؤمن کسی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم را تصدیق نموده در تمام آنچه که از نزد الله تعالی آورده که به یقین ثابت است، آوردن آن پیوسته با اقرار، و قبول نمودن آن (المؤمن: هو واهب الأمان) ^(۲) مؤمن: یعنی امنیت بخشنده امان دهنده (المؤمن: هو اسم من أسماء الله عز وجل وهو من (أمن) عباده من أن يظلمهم) و أصل (أمن) (أمن) بهمزتین و قد ورد اسم (المؤمن) جل و علا فی القرآن الکریم مرة واحدة، فقط مومن یکی از نام های الله تعالی است از ماده (أمن) گرفته شده است یعنی آرامش دهنده، و امنیت دهنده بندگان خود است از ظلم، اصل آمن (أمن) بود (المؤمن) نام الله تعالی است که در قرآن کریم یکبار ذکر شده است در سوره حشر: (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ...) ^(۳) ترجمه: خداوند کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست او فرمانروا، منزّه، بی عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده است.

واژه اصطلاحی مؤمن:

مؤمن: کسی است که به خدا ایمان دارد و این ایمان باعث آرامش او می گردد، مؤمن به کسی گفته می شود که خداوند، فرشتگان، فرستاده گان الهی، کتابهای آسمانی، و روز قیامت (آخرت) و غیب را پذیرفته باشد ^(۴) قرآن کریم می فرماید: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ

^۱ کتاب: التعريفات الفقهية. ج/ ۱ ص/ ۱۹۱ - لمؤلف: محمد عيم الإحسان المجددي البركتي. الناشر: دار الكتب العلمية (إعادة صف للطبعة القديمة في باكستان ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۶ م) (الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م عدد الأجزاء: ۱. أعدده للشاملة/ فريق رابطة النساخ برعاية (مركز النخب العلمية)

^۲ الرازي: محمد پسر ابوبکر پسر عبدالقادر الرازي متوفى سنة ۶۶۶هـ مختار الصحاح في مادة (أمن). ج/ ۱ ص/ ۲۰

^۳ سوره حشر، آیه ۲۳

^۴ ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، ج/ ۱ ص/ ۴۶۶. ابن منظور لسان العرب. باب آمن ج/ ۱۲ ص/ ۲۸۹

وَ كُنْتُمْ لَهُ رُسُلًا...»^(۱) ترجمه: «پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می باشد.) و همه ای مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستاده گانش ایمان آورده اند...» هم چنین می فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»^(۲) ترجمه: مؤمنان متقیان «کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می آورد پس مؤمنان در هر شرایطی چه در حالت شادی و چه در حالت اندوه حکم خداوند و رسولش را می پذیرد و بر آن گردن می نهد، و تسلیم و خاشع و خاضع آن را قبول می کند، منذری^(۳) در کتاب خود (الترغیب والترهیب) از ابی العباس روایت نموده: که مؤمن به معنای مُصَدِّق است، در روز قیامت خداوند گواهی بندگان مسلمان را تصدیق می کند زمانی که درباره دعوت و تبلیغ رسولان گذشته از امتیان آنها پرسان می شود آنها می گوید: (... ما جاءنا مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَذِيرٍ وَيَكْذِبُونَ أَنْبِيَاءَهُمْ...) پس در این هنگام خداوند اُمت پیامبر صلی الله علیه و سلم را میاورد، و ایشان گواهی به دعوت انبیاء ماضیه می دهد، خداوند متعال و پیامبر گواهی امت مسلمه را تأیید و تصدیق می کند، چنانچه الله تعالی می فرماید: (فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا)^(۴) ترجمه: (ای محمد! حال اینان) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملتی گواهی (از پیغمبران برای شهادت بر قوم خود) بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاهدی بر (قوم خود، از جمله) اینان (یعنی تنگچشمان و نافرمایان) بیاوریم.

^۱ سوره بقره آیه ۲۸۵

^۲ سوره بقره آیه ۳

^۳ الترغیب والترهیب ج/ ۱ ص/ ۲۳۰- ۲۳۵ المُنذِرُ ۶۵۶ - ۵۸۱ هـ = ۱۱۸۵ - ۱۲۵۸ م (عبد العظیم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين المنذري: عالم بالحديث والعربية، من الحفاظ المؤرخين. له " الترغيب والترهيب - ط " و " التكملة لوفيات النقلة - ط " أجزاء منه، و " أربعون حديثًا - ط " رسالة، و " شرح التنبيه " و " مختصر صحيح مسلم - ط " في الهند مع شرحه لصديق حسن خان، و " مختصر سنن أبي داود - ط " أصله من الشام، تولى مشيخة دار الحديث الكاملية (بالقاهرة) وانقطع بها نحو عشرين سنة، عاكفا على التصنيف والتخريج والإفادة والتحديث. مولده ووفاته بمصر. وصنف محقق كتابه " التكملة " بشار عواد معروف، كتاب " المنذري وكتابه التكملة لوفيات النقلة - ط " سير اعلام النبلاء: ۱۱۲).

^۴ سوره نساء آیه ۴۱

مطلب چهارم بیان ویژگی های مختصر و کوتاه مؤمنان:

ویژگی های مؤمنان زیاد است ما برای رعایت اختصار در اینجا، فقط به مهمترین این صفات اشاره می کنیم، شایان ذکر است که صفات انسانی آن گاه که از صفات معنوی والهی منشأ گیرد می تواند پشتوانه ای منطقی محکمی داشته باشد وگرنه بدون اعتقاد به جنبه های معنوی، صفات انسانی توجیه ناپذیر و بی پشتوانه است، در اینجا چند از اعمالی سخن می رود که از درون نشأت می گیرد.

شعراوی^(۱) در تفسیر خود، چند از صفات مؤمنان را تذکر می کند:

- چون نام الله تعالی در میان آید از هیبت و خوف به لرزه افتند.
- با شنیدن آیات و احکام الهی ایمان و یقین ایشان استوارتر شود.
- اعتماد و توکل اصلی آنها جز به خداوند بر احدی باقی نمی ماند.
- در پیشگاه او سر بندگی فرود آورد و با تمام وجود نماز را بر پا می دارد.
- دارایی و هستی خود را در راه الله جلّ جلاله صرف می کند، و اینانند مؤمنان کامل، صادق و راسخ و ایشانند که به مقامات و مراتب بزرگ قرب الهی فائز می گردند، الله تعالی می فرماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)^(۲)
- ترجمه: مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خداوند برده شود، دل‌هایشان هراسان می گردد. (و در انجام نیکیها و خوبیها بیشتر می کوشد) و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می شود، بر ایمانشان می افزاید، و بر پروردگار خود توکل می کند (و خویشان را در پناه او می دارد و هستی خویش را بد و می سپارد) الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ)^(۳)
- ترجمه: آنان کسانیند که نماز را چنان که باید می خوانند و از آنچه بدیشان عطاء کرده ایم، (مقداری را به نیازمندان) می بخشند الله متعال می فرماید: (أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ)^(۴)
- ترجمه: آنان واقعاً مؤمن هستند و دارایی درجات عالی، مغفرت الهی، و روزی پاک و فراوان در پیشگاه خدای خود می باشد.

^۱ الشعراوی: محمد متولی الشعراوی در سال (۱۹۱۱ م) در قریة دوقادوس، مرکز میت غمر در ولایت الدقهلیة در جمهوری اسلامی مصر عربی به دنیا آمده است. - و حفظ القرآن الکریم را در سن یازده سالگی کرده است باز تحصیلات عالی خود در قاهره تکمیل نموده است در سال (۱۹۴۱ م). باز استاد در جامعة أم القرى در مكة المكرمة در سال (۱۹۵۰). تا سال (۱۹۶۳ م) مقرر شد باز به مصر برگشت و به منصب مدیر مکتب شیخ الأزهر. مقرر شد. در تفسیر خود بنام تفسیر الشعراوی ج/ ۸ ص/ ۴۵۶۹ - ۴۵۷۵، - می نگارد.

^۲ سوره انفال آیه ۲

^۳ سوره انفال آیه ۳

^۴ سوره انفال آیه ۴

- مؤمنان نمازشان را با خشوع می خواند:
(قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ) (۱)
- ترجمه: مسلماً مؤمنان پیروز و رستگارند کسانی که در نمازشان خشوع و خضوع دارد.
- مؤمنان خود را با لغویات سرگرم نمی کند:
(وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ) (۲)
- ترجمه: و کسانی که از (کردار) بیهوده و (گفتار) یاوه روی گردانند (وزندگی را جدی می گیرد؛ نه شوخی).
- مؤمنان هر سال زکات اموالشان را می پردازد:
(وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ) (۳)
- ترجمه: و کسانی که زکات مال بدر می کند.
- مؤمنان دامنشان را از هر گونه استفاده نادرست حفظ می نماید:
(وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْروَجِهِمْ حَافِظُونَ) (۴)
- ترجمه: و عورت خود را حفظ می کند.
- مؤمنان اهل امانتداری و اهل عهد و پیمان هستند:
(وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ) (۵)
- ترجمه: و کسانی اند که در امانتداری خویش امین و در عهد خود بر سر پیمانند.
- مؤمنان مواظب نمازهایشان هستند یعنی نمازها را در هر حالت می خواند:
(وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ) (۶)
- ترجمه: و کسانی که مواظب نمازهای خود می باشد (و پیوسته آنها را در وقت خود اداء ارکان، اصول، خشوع و خضوع لازم را مراعات می نماید).
- مؤمنان اهل بهشت فردوس هستند:
(أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ. الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (۷)

۱سوره المؤمنون آیه ۱-۲

۲سوره المؤمنون آیه ۳

۳سوره المؤمنون آیه ۴

۴سوره المؤمنون آیه ۵

۵سوره المؤمنون آیه ۸

۶سوره المؤمنون آیه ۹

۷سوره المؤمنون آیه ۱۱

ترجمه: آنان مستحقان (سعادت) و فراچنگ آورندگان (بهشت) هستند آنان بهشت برین را تملک می کند و جاودانه در آن خواهد ماند.

- مؤمنان به محض شنیدن آیات الهی عاشقانه به سجده می افتد، تسبیح و ستایش الله را بیان می کند، متواضع و فروتن هستند از تکبر و غرور اجتناب می ورزد:

(إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) (۱)

ترجمه: تنها کسانی به آیات ما ایمان دارد که هر وقت بدانها پند داده شود (برای خدا) به سجده می افتند، وستایشگرانه به تسبیح پروردگارشان می پردازد، و تکبر نمی ورزد (انما) برای حصر است، یعنی هر کسی که دم از ایمان می زند، و دارای خصوصیت هائی که در این آیات آمده نباشد در صف مؤمنان واقعی حساب نمی باشد.

- شب بیداری و عبادت در آن لحظه ای که مردم همه خوابند یکی دیگر از صفات مومنین است:

(تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ) (۲)

ترجمه: پهلوهایش از بسترها به دور می شود (و خواب شیرین را ترك گفته و به عبادت پروردگارشان می پردازد و) پروردگار خود را با بیم و امید به فریاد می خواند، و از چیز هائی که بدیشان داده ایم می بخشد.

- دلهای مومنان با یاد خداوند آرامش می گیرد:

(الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (۳)

ترجمه: آن کسانی که ایمان می آورد، و دلهایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می کند هان! دلها با یاد خدا آرام می گیرد (و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای یزدان اطمینان پیدا می کند).

- مؤمنان از بدگمانی، غیبت، بدگوئی و تجسس دوری می کند:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يُعْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا...)

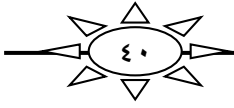
(۴) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید دوری گزینید از بعضی گمان های (بد)، که آن گمانها گناه است، و تجسس در عیوب دیگران نکنید (از چیز هائی که از بدی ایشان بر شما پنهان است) غیبت و بدگوئی از یکدیگر نکنید.

۱ سوره سجد آیه ۱۵

۲ سوره سجده آیه ۱۶

۳ سوره رعد آیه ۲۸

۴ سوره حجرات آیه ۱۲



مطلب پنجم چند مقایسه میان مؤمنان و کافران در پرتو قرآن:

قرآن کریم برای روشننگری هرچه بیشتری میان مؤمنان و کافران راه مقایسه را پیش می‌گیرد تا وجدانها در هر سطحی مسأله را درک نماید.

- ازدیاد ایمان مؤمنان به یاد الله تعالی مؤمنان به یاد خداوند ایمانشان زیاد می‌شود.

"إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا..." (۱)

ترجمه: مؤمنان تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌هایشان هراسان می‌گردد (و در انجام نیکیها و خوبیها بیشتر می‌کوشد) و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می‌شود، بر ایمانشان می‌افزاید. - ولی کافران کفرشان بیشتر می‌شود:

«وَأِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَّخِذُوا لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا» (۲)

ترجمه: من هر زمان که ایشان را دعوت کرده ام تا (ایمان بیاورد و) تو آنان را بیامرزی، انگشت های خود را به گوش‌هایشان فرو کرده اند (تا ندای حق را نشنود) و جامه‌هایشان را بر سر کشیده اند، تا قیافه مرا نبیند) و (در فسق، فجور، ظلم و زور بیشتر فرو رفته اند، و برکفر) پافشاری کرده اند و سخت سرکشی نموده و بزرگی فروخته اند.

- سرپرست مؤمنان الله تعالی است:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...» (۳)

ترجمه: «خداوند، ولی سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند».

- متولی و سرپرست کافران طاغوتها هستند:

«... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ الطَّاغُوتِ...» (۴)

ترجمه: «کسانی که کافر شدند اولیای آنها طاغوتها هستند».

- آرامش قلب مؤمنان: خداوند بر دل‌های مؤمنان، آرامش نازل می‌کند:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ...» (۵)

ترجمه: خداوند جل جلاله است که به دل‌های مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر داده است، تا ایمانی بر ایمان خود بیفزاید (یقین و باور خویش را تقویت نماید).

^۱ سوره انفال آیه ۲.

^۲ سوره نوح آیه ۷.

^۳ سوره بقره آیه ۲۵۷..

^۴ سوره بقره آیه ۲۵۷

^۵ سوره فتح آیه ۴

- ولی بر دلِ کفار ترس و وحشت می افکند:

« سَأَلِقَى فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ... » (۱)

ترجمه: بزودی در دلهای کافران ترس و وحشت می افکنیم .

- پیرو حق بودن مؤمنان، گروه مؤمنان، پیرو حق هستند:

« وَ أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ... » (۲)

ترجمه: و مؤمنان از حقی پیروی می کند که از سوی پروردگارشان آمده است.

- ولی گروه کافران پیرو باطل اند:

« الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ... » (۳)

ترجمه: کافران از باطل پیروی می کند.

^۱سوره انفال آیه ۱۲

^۲سوره محمد آیه ۳

^۳سوره محمد آیه ۳

مبحث سوم پیرامون نفاق و منافق:

مبحث سوم دارایی سه مطلب می باشد که در مطلب اول شناخت معنای لغوی واصطلاحی نفاق در مطلب دوم وجه نام گذاری منافق و مناسبت میان کفر و نفاق و در مطلب سوم انواع واقسام نفاق بحث خواهد شد.

مطلب اول شناخت معنای لغوی واصطلاحی نفاق:

مسأله نفاق و منافقان در اسلام از زمانی مطرح شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به مدینه منوره هجرت فرمود و تقریباً بعد از حادثه اُحد زمینه برای فعالیت منافقان آماده شد و این هنگامی بود که پایه های اسلام محکم و پیروزی آن آشکار شد، اما در مکه مکرّمه منافق وجود نداشت، در مدینه منوره اظهار مخالفت بطور آشکار مشکل و گاهی غیرممکن بود؛ زیرا دشمنان شکست خورده برای ادامه به برنامه های تخریبی خود تغییر چهره دادند، و ظاهراً به صفوف مسلمانان پیوستند اما درخفا به برنامه های شوم خود ادامه می دادند اصولاً طبیعت هر انقلابی چنین است که بعد از پیروزی چشمگیر با دشمنی منافقان روبرو خواهد شد و دشمنان سرسخت دیروز به صورت عوامل نفوذی امروز در لباس دوستان جلوه گر می شود، و از اینجاست که می توان فهمید چرا همه یی آیات مربوط به منافقین در مدینه منوره نازل شده است؟ و همچنان قیومی^(۱) می نگارد که نکته مهم دیگر اینکه خطر منافقان برای هر جامعه از خطر هر دشمنی بیشتر است چرا که از یک سو شناخت آنها غالباً آسان نیست و از سوی دیگر دشمنان داخلی هستند و گاهی چنان در تار و پود جامعه نفوذ می کند که جدا ساختن آنها کاری ساده نیست و از سوی دیگر روابط مختلف آنها با سایر اعضاء جامعه کار مبارزه را با آنها دشوار می سازد، نفاق و دورویی بزرگترین بیماری جامعه بشری بوده، و از جمله موضوعاتی است که سعادت و شقاوت انسان در دنیا و آخرت با آن گره خورده است، ما امروز به روشنی شاهد این واقعیت تلخ هستیم، که بدلیل دور شدن مردم از فرامین و قوانین الهی و ضعیف شدن ایمان، و نبود تقوا و خشیت الهی در قلبها بیماری نفاق در جامعه شیوع بسیار گسترده و وسیعی را پیدا کرده است، و تمام لایه های جامعه را دچار مشکلات و درمانده نموده است، این بدان دلیل است که نفاق تنها یک مرض عادی نیست، بلکه شامل مجموعه یی از امراض روحی و جسمی فراگیری است، مهم ترین راه درمان این بیماری شناخت علائم و نشانه های نفاق بطور دقیق به دنبال آن پرهیز نمودن از آن نشانه ها است^(۲) اگر شناخت علائم و نشانه های این بیماری برای تمامی انسانها ضروری می باشد به طریق اولی برای یک مسلمان

^۱ مؤلف: قیومی، أحمد بن محمد بن علی المقری، در کتاب خود المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج/ ۱ ص ۱۲۱ ناشر: المكتبة العصرية و المكتبة العلمية - دمشق - بیروت، عدد الأجزاء: ۲، سال ط، تاریخ ط، نامعلوم، الشاملة.

^۲ کتاب: حاشیه تفسیر ابن کثیر - ج/ ۱۸ ص ۵ - ۶ - ۷ الراجحی، عبدالعزیز بن عبدالله بن عبدالرحمن. (ب.ت). حاشیه نویسنده تفسیر ابن کثیر، دروس الصوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية اسلام وب.

ضروری تر و واجب تر است تا آن را بشناسد، و خودشان را از این صفات رذیله بدور نگه دارد بدین طریق می تواند، راه‌های کمال و سعادت دنیوی و اخروی را ببیند و جامعه خود را از فساد جلوگیری نماید.

تحلیل لغوی واژه نفاق:

نفاق: از لحاظ معنای اصلی و لغوی به معنای پنهان کاری، مخفی شدن، از بین رفتن، دورویی، مخالفت درون با بیرون، سوراخی پوشیده، خلاصه هر آن چیزیکه مناسب حال آن پوشیدگی همراه با زیرکی، نیرنگ و زشتی مخلوط باشد آن را نفاق گفته می شود، موارد کاربرد ماده (نفاق و نفاق) در قرآن کریم دوصد و پنجا و هشت جا گرفته شده است، ابن فارس^(۱) ابن درید^(۲) و ازهری^(۳) ذیل ماده «نفاق و نفاق» را ذکر نموده اند (النون والفاء والقاف) أصْلَانِ صَحِيحَانِ يَدُلُّ أَحَدُهُمَا عَلَى انْقِطَاعِ شَيْءٍ وَ ذَهَابِهِ وَالْآخَرَ عَلَى إِخْفَاءِ شَيْءٍ وَإِغْمَاضِهِ مِثْلُ: «نَفَقَ مَات... انْفَقَ الرَّجُلُ ذَهَبَ الْمَالُ مِنْ يَدِهِ وَصَرَفَهُ... نَفَقَ: بِهَ مَعْنَى مَرَدٍ انْفَاقِ كَرْدٍ يَعْنِي مَالًا بِمَصْرَفِ شِدْنِ أَيْ دَسْتِشْ بِيْرُونِ رَفْتِ طَوْرِيْكَهْ دَرِ قُرْآنِ كَرِيْمِ آمَدَهٗ»^(۴) خرج کننده مال در راه خدا با مصرف نمودنش مال را از دست می دهد (والنفاق: سرب في الارض مشتق الى موضع آخر...) نَفَقَ سوراخی در زیر زمین است که به جای دیگری راه دارد طوریکه می توانی جهت افتاع آنان راهی پیدا کنی و مثلاً نقبی در زمین بزنی^(۵) (والنفاق: حَجْرُ الضَّبِّ وَالْيَرْبُوعِ سُمِّيَ الْمَنَافِقَ مَنَافِقًا لِلْمَنْقَبِ وَهُوَ السَّرْبُ فِي الْأَرْضِ وَ قِيلَ إِنَّمَا سُمِّيَ مَنَافِقًا لِأَنَّهُ نَافِقٌ كَالْيَرْبُوعِ وَهُوَ دَخُولَةُ نَافِقَاهِ) ماده نفاق دو ریشه ای اصلی و معنوی دارد: اول بریده شدن و از میان رفتن چیزی، دوم: پنهان نگاه داشتن چیزی و پرده پوشی بر چیزی سپس می گوید: نفاق و نفاق هر دو از معنای دوم اند^(۶) نفاق به معنای لانه تمساح و موش است که دوراهی^(۷) داشته باشد، از یکی داخل و از دیگری خارج می شود، و به این ترتیب که جایی را در طرف آخر لانه اش بسیار سست و نازک می کند، که هرگاه به او از طرف درب اصلی حمله شود از راه نفاق خارج می شود، واژه نفاق مشتق از نفاق به معنای سوراخ زیر زمین و یا از نفاق است چون منافق با فریب کاری لانه یی چون موش صحرائی ساخته و در آن راهی برای فرار

^۱ ابن فارس، أبي الحسين أحمد پسر فارس پسر زكريا، القرويني الرازي متوفى سال ۳۹۵ هجرى صاحب معجم مقاييس اللغة - ج ۵ ص/۴۵۲ - ۴۵۳

^۲ مؤلف ابن دريد: ابوبكر محمد پسر حسن پسر دريد الازدي متوفى سنه ۳۲۱ هجرى جمهرة اللغة ج/ ۲ ص/ ۹۶۵

^۳ مؤلف: ازهرى: محمد پسر احمد پسر ازهرى الهروى ابو منصور نتوفى سنه ۳۷۰ هجرى - تهذيب اللغة، ج/ ۲ ص/ ۱۵۶ - ۱۵۷ المحقق: محمد عوض مرعب، دار إحياء التراث العربي: بيروت.

^۴ سوره ياسين، آيه ۴۷ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ..

^۵ سوره انعام، آيه ۳۵ (... أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ....

^۶ - كتاب معجم مقاييس اللغة باب "نفاق" . ۴۵۴/۵ - ۴۵۵ فصل النون

^۷ - كتاب جمهرة اللغة - لأزدي، ابوبكر محمد بن الحسن بن دريد. (۱۹۸۷)، المحقق: رمزي منير بعلبكي، دار العلم للملايين: بيروت. باب ف - ق و . ج/ ۹۶۷/۲

نهاده است، ابن فارس^(۱) در پایان احتمال می دهد که اصل معنای این واژه، بیرون رفتن باشد قیومی و خلیل ابن احمد درباره ماده «نفاق» آورده اند (نَفَقَ، نَفَقًا، نَفَقَ، نَفَقَ، نَفَقَ، نَفَقًا، نَفَقًا، نَفَقًا) و انفق الرجل با لالف فَنِي زَادُهُ و نَفَقَتِ الدابة من باب قعد ماتت و «نَفَقَتِ السَّلْعَةُ وَالْمَرْأَةُ نَفَقًا» بالفتح كَثُرَتْ لَبُّهَا وَخُطِّبَتْهَا... و «النَّفَقُ» بفتحيتين سرب في الأرض يكون له مخرج من موضع آخر و «نَافِقٌ» اليربوع إذا أتى النافق، و النافق موضع يرقفه اليربوع في جحره فإذا أخذ من قبل القاصعاء ضرب النافق برأسه فانفق منها و منه قيل نَافِقَ الرجل إذا أظهر الإسلام لأهله و أضر غير الإسلام و أتاه مع أهله فقد خرج منه بذلك و محلُّ النفاق القلب) نفاق به معنای از بین رفتن و نیز به معنای فنا شدن است، چنانچه در قرآن کریم آمده است: (لَأَمْسَكُنَّمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ...^(۲)) ترجمه: باز هم از ترس فقر بخل می ورزیدید؛ چرا که انسان طبعاً موجود بخیلی است، و گفته می شود: {نَفَقَتِ السَّلْعَةُ وَالْمَرْأَةُ} زمانی است که درخواست کننده گان سلعه، و خواستگاران زن زیاد شود، و نفاق اليربوع، هنگامی است که موش به نفاق خود پناه می برد، نفاق جای مستور و پوشیده می است خاک روی آنرا موش نازک می سازد اما زمانی که شکاری از درب قاصعاء بباید موش از درب نفاق فرار می کند، نَافِقَ الرَّجُلُ زمانی گفته می شود که شخص اظهار اسلام نماید و در دل خود غیر اسلام دین دیگری را اضمار نماید، و محل نشأت نفاق قلب است.^(۳)

واژه نفاق در اصطلاح:

در بحث مفهوم شناسی ذکر شده که نفاق در ساحه لغت به معنای پنهان کردن چیزی در باطن و نشان دادن خلاف و ضد آن است، البته که در آن امورات درونی پوشیده که نوعی از نقص وزشتی را دارا می باشد، و این مخفی کاری هم با یک فریب کاری و تزویر خلط شده باشد، نفاق دو رویی فعل منافق است منافق و منافقت آنست که کفر خود را پنهان و ایمان را آشکار کند.

جرجانی^(۴) در کتاب التعریفات درباره نفاق می فرماید: (النفاق هو اظهار الإيمان باللسان و كتمان الكفر بالقلب) نفاق در اصطلاح عبارت از اظهار ایمان به زبان و پوشاندن کفر در قلب است، دکتور وهبه الزحیلی^(۵) در مورد تعریف نفاق با تفاوت می گوید: (النفاق اسم شرعی جعل سمة لمن يظهر الإيمان و

^۱ اکتاب: معجم مقایس اللغة، ج ۵، ص ۴۵۵.

^۲ سوره الاسراء، آیه: ۱۰۰..

^۳ اکتاب المصباح المنیر للقیومی باب، ن ف ق، ج ۱، ص ۳۱۸. و فراهیدی ترجمه آن درص ۱۵ ذکر است خلیل، کتاب العین، باب القاف والنون والباء، ج ۵، ص ۱۷۸.

^۴ مؤلف: جرجانی علی پسر محمد پسر علی الزین الشریف الجرجانی متوفی سنه ۸۱۶ هجری التعریفات ج / ۱ ص / ۲۴۵ ، تحقیق: ابراهیم الأبیاری، دار الكتاب العربي: بیروت. باب النون، دارالکتب العربی: بیروت. لبنان.

^۵ زحیلی، دکتور وهبه بن مصطفى، الزحیلی. أستاذ ورئيس قسم الفقه الإسلامی وأصوله، بجامعة دمشق - کلیة الشريعة، کتاب: التفسیر المنیر فی العقیده والشريعة والمنهج، ج / ۱ ص / ۸۰ ط ۲، دار الفكر المعاصر: دمشق. ناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق، بی تا، عدد الأجزاء ۱۸ تحقیق و مفرس: أبو أكرم الحلبي.

یسر الکفر) واژه نفاق به مفهوم فوق یک واژه شرعی است که علامه (نشانه) قرار گرفته شده برای کسی که ایمان را آشکار و کفر خود را پنهان می کند، از جهت عدم استقلالیت و مردانگی آنها و در عین حال منفور بودن و زشت بودن چهره آنها حتی نام منافق به نزد خداوند معلوم است در معرفی نام از آنها نمی برد الله تعالی جلّه می فرماید: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ) (۱)

ترجمه: در میان مردم دسته ای هستند که می گوید ما به خدا و روز رستاخیز باور دارم در صورتی که باور ندارد و جزء از مؤمنان بشمار نمی آید علماء و مفسرین درباره شأن نزول آیه فوق الذکر می فرماید که این آیه درباره منافقان نازل شده است، و منافقان از این آیه مخفی و پنهان می شدند، و امام قتاده (۲) می فرماید: که در این آیه منافق معرفی گردیده است: (يعرف بلسانه وينكربقلبه ويصدق بلسانه ويخالف بعمله ويصبح على حالٍ و يمسى على غيرها و يتكفأ تكفأ السفينة كلما هبت ریح هبت معها) یعنی منافق آنست که به زبان شناخته می شود، اما به قلب نا شناخته است، به زبان باور و به کردار مخالفت می کند، صبح در حالی و بیگاه در حال دیگری می باشد، همانند کشتی مَلاق می خورد و به کدام طرف که باد به وَزَد به همان طرف می وَزَد و دَوْر و (چرخ) می خورد.

۱ سوره بقره آیه ۸

۲ امام قتاده: پسر عکابه پسر عزیز پسر کریم پسر عمرو پسر حارث پسر دوسی ابوالخطاب البصری متوفی سنه ۱۱۷ هجری کتاب: تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر. ۲۹/۱.

مطلب دوم وجه نام گزاری منافق و مناسبت میان کفر و نفاق:

وجه نام گزاری منافق:

وجه تسمیه منافق با این نام از این جهت است که منافق خلاف آن چیزیکه در درون دارد آشکار می سازد، و هویت خود را توسط آشکار سازی ظاهر اسلامی مخفی و پوشیده می دارد، چنانچه که در این مورد از ابوبکر الأنباری^(۱) و مرتضی الزبیدی^(۲) در وجه تسمیه منافق چنین منقول است: (إنما قيل له منافق لأنه يخرج من الإسلام من غير الوجه الذي دخل منه)^(۳) ابوبکر می فرماید منافق را از این جهت منافق گوید که همانند موش صحرائی منافقت می کند، یعنی موش صحرائی یک راه داخل لانه خود بنام "نافقاء" اما یک راه خروجی مخفی دیگری بنام "قاصعاء" دارد، زمانیکه او را از در "نافقاء" طلب شود از در "قاصعاء" فرار می کند و خارج می شود، و اگر از در "قاصعاء" بغرض گرفتاری آن صیاد برود او از در "نافقاء" بیرون می شود و فرار می کند، یعنی از راهی داخل می شود و از راهی دیگری خارج می شود بدین ترتیب صیاد را فریب می دهد، و منافق را هم باین لحاظ منافق گوید که او از اسلام خارج می شود، از غیر او راهی که به آن در اسلام داخل شده بود پس عملکرد منافق در اسلام آوردن و خارج شدنش از اسلام و به این ترتیب فریب دادنش مسلمانان را به مانند عملکرد موش صحرائی است.^(۴)

مناسبت میان کفر و نفاق:

از نظر فقهی نفاق با اسلام قابل جمع است و با ایمان قابل جمع نیست منافق تا ما دامی که عقیده خود را اظهار نکرده است مسلمان پس از اظهار کافر است، پس کفر اصطلاحی با نفاق اصطلاحی دو چیزی متباین است، و اما از نظر خطرناکی و عقاب الهی احتمالاً که نفاق از کفر بدتر باشد و یک رابط مفهومی بین کفر و ایمان که رابطه تباین است می باشد^(۵) پس در اینجا مناسبت میان آنها از نظر خطرناکی و عقاب الهی ذکر می گردد، چنانچه فخر الرازی در رابطه باین در تفسیر آیه: ۸ سوره بقره می فرماید: در میان دانشمندان علم تفسیر درباره ای اینکه مناسبت میان کفر و نفاق چیست؟ و کدام یکی از اینها یعنی کفر کافر قبیح است یا کفر منافق؟ در این باره دو نظر نقل شده است: اول کفر کافر قبیح تر است

^۱ مؤلف: ابوبکر الأنباری: محمد پسر قاسم پسر محمد پسر بشار متوفی سنه ۳۲۸ هجری صاحب کتاب الزاهر فی معانی کلمات الناس.

^۲ الزبیدی: محمد پسر محمد پسر عبد الرزاق الحسینی ابو الفیض ملقب به مرتضی الزبیدی متوفی سنه / ۱۲۰۵ هجری صاحب تاج العروس. ج/ ۱ ص/ ۱۲۱

^۳ کتاب الزاهر فی معانی کلمات الناس، الباب قولهم رجل منافق، ج ۱، ص ۱۲۰ محقق د/حاتم صالح الضامنی طبعه اول ۱۴۱۲ هجری قمری ۱۹۹۲ تعداد اجزاء ۲ ناشر: مؤسسه الرسالة بیروت.

^۴ - معجم مقاییس اللغة، ۴۵۰/۵.

^۵ - قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد. (۱۴۲۳هـ). الجامع لأحكام القرآن، دار عالم الکتب: الرياض. ۲۳۹/۱.

نسبت به کفر منافق؛ زیرا که کافر به قلب در مورد خداوند جَلَّ جَلَّ جاهل و به زبان دروغگو است، اما منافق به اعتبار قلب جاهل و به اعتبار زبان صادق و راستگو است، دوم: کفر منافق قبیح تراست؛ زیرا منافق هم از لحاظ زبان دروغگو است؛ زیرا که در میان مسلمانان خود را مسلمان وانمود می کند حال اینکه به عقیده اسلامی نیست؛ به همین اساس خداوند جَلَّ جَلَّ در سوره حجرات می فرماید: (قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلٌّ لَمْ نُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ... (۱))

ترجمه: بادیه نشینان گفتند که ما ایمان آوردیم خداوند به پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داد که برای شان بگو شما تا حال ایمان نیاوردید بلکه بگویید که اسلام آوردیم و تا حال ایمان در قلب شما داخل نشده، و رسوخ نکرده اند، و در سوره منافقون می فرماید: (۲) خداوند جَلَّ جَلَّ گواهی می دهد بر اینکه یقیناً منافقان دروغگو هستند سپس فخر رازی رحمت الله علیه در ادامه بحث مناسبت میان کفر و نفاق وجوهات زشت و بدتر بودن منافق را نسبت به کافر به شرح ذیل توضیح می دهد: "ثُمَّ إِنَّ الْمُنَافِقَ أُحْصِيَ بِمَزِيدٍ أُمُورٍ مُنْكَرَةٍ... أَنَّ كَثْرَةَ الْإِقْتِصَاصِ بِخَبَرِهِمْ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْإِهْتِمَامَ بِدَفْعِ شَرِّهِمْ أَشَدُّ مِنَ الْإِهْتِمَامِ بِدَفْعِ شَرِّ الْكُفَّارِ وَذَلِكَ يَدُلُّ عَلَى أَنَّهُمْ أَعْظَمُ جُرْماً مِنَ الْكُفَّارِ" (۳) سپس به منافق به بسیاری از امور زشت و قبیح اختصاص داده شده است، و واقعات زیادی که در مورد آنها ذکر می شود دلالت می کند، بر اینکه اهتمام به دفع شر از منافقان ضروری از دفع شر کافران است، این دلیل وانمود می سازد که جرم منافقان بزرگتر از جرم کافران است؛ زیرا اول منافق در ایمان خود قصد تلبیس را دارد، اما کافر اصلی چنین قصدی را نکرده است، دوم خوی و خواص کافر اصلی به مردها می ماند اما طبیعت و خوی خصلت منافق به خُنْثی (ایزک) می ماند.

سوم: کافر برای خود به دروغ گویی روا دار نیست بلکه از دروغ گویی انکار نموده است، و برای خود تنها به راستگویی راضی شده و بس، اما منافق برای خود به دروغ گویی راضی شده است. چهارم: منافق در پهلوی کفر و نفاقش استهزاء و تمسخر به دین نیز کرده است، برخلاف کافر اصلی که چنین نکرده اند، بنابر درشت و زشت بودنش کفر منافق قبیح تر از کفر کافر است، در این مورد خداوند جَلَّ جَلَّ می فرماید: (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ). (۴) ترجمه: یقیناً منافقان در پائین ترین طبقه از آتش می باشد.

^۱ سوره حجرات، آیه: ۱۴.

^۲ سوره منافقون، آیه: ۱. إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ. تفهیم نور

^۳ رازی، فخرالدین. (ب.ت). تفسیر مفاتیح الغیب، الشاملة الذهبية. ۲۲۴/۱.

^۴ سوره نساء، آیه: ۱۴۵.

پنجم: امام مجاهد^(۱) رحمت الله علیه می فرماید: که خداوند جلّ در ابتداء سوره بقره در چهار آیه بیان مؤمنان را نموده اند، و در دو آیه بیان کافران را نموده اند، باز در سیزده آیه بیان منافقین را نموده است، این اسلوب قرآنی خود بیانگر این است که منافقان نسبت به کافران جرم شان بزرگتر است^(۲) و زیادت بیان احوال و صفات بد اینها دلالت می کند بر اینکه دفع شر و فتنه های منافقان اولی و مهم تر است نسبت به دفع شر کافران و این هم دلالت می کند بر بزرگ بودن جرم و فساد اینها نسبت به عام کافران.

^۱ مجاهد ابوالحجاج مجاهد پسر جبر التابعی مکی قریشی متوفی سنه ۱۰۴ هجری .

^۲ - کتاب: الجامع لاحکام القرآن، ۲۳۹/۱.

مطلب سوم انواع و اقسام نفاق:

اقسام نفاق از دید علماء:

امام قرطبی، صالح بن فوزان، ابن کثیر، ابن جوزی، امام الرازی، و شیخ اکرام الدین بدخشانی^(۱) نفاق را بر دو گونه تقسیم نموده است.

الف: نفاق اعتقادی که در واقع آن نفاق اکبر است.

ب: نفاق عملی که در واقع آن نفاق اصغر است.

الف: نفاق اعتقادی:

نفاق اعتقادی: عبارت از ادعای ایمان داشتن و درحقیقت کافر بودن آن است چنانچه در سوره بقره خداوند

جل جلاله می فرماید: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ) ^(۲)

ترجمه: در میان مردم دسته ای هستند که می گوید ما به خدا و روز رستاخیز باور داریم در صورتی که باور ندارد و جزء مؤمنان بشمار نمی آید.

یعنی: هر کسی که مبتلا به این نوع نفاق باشد، در دنیا بر اساس این که تظاهر به اسلام نموده، و در

جامعه اسلامی زندگی می کند، و بعضی شعائر دینی را عمل می کند، در جمع مسلمانان شمرده می شود

واحکامات اسلامی بالایشان تطبیق و از امتیازات آن برخوردار می باشد، اما در آخرت جای بود باش

آنان در قعر جهنم است، همانند: کافران چنانچه خداوند جل جلاله در مورد ایشان می فرماید: (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي

الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ) ^(۳)

ترجمه: بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائین ترین مکان آن هستند و هرگز یاوری برای آنان

نخواهی یافت (تا به فریادشان رسد و آنان را برهاند). ^(۴)

ب: نفاق عملی:

نفاق عملی: عبارت است از انجام دادن عمل منافقین گرچه منافق نباشد.

۱- أبو عبدالله محمد پسر احمد پسر ابی بکر پسر فرح الانصاری الخزرجی شمس الدین القرطبی متوفی ۶۷۱ / ال فوزان، فضیلة الشيخ، صالح بن فوزان بن عبد الله، - عقيدة التوحيد، بی تا. / ابن کثیر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر القرشي الدمشقي، المؤلف: تفسير القرآن العظيم. مشهور به تفسير ابن کثیر، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، ط: سوم، تاريخ: ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، عدد الأجزاء: ۸. / ابن جوزي، أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي، المؤلف زاد المسير في علم التفسير، [۲۳۲/۴] (نسخة محققة)، القرن: السادس، تحقيق: عبد الرزاق المهدي، الناشر: المكتبة الإسلامية و دار الكتاب العربي- دمشق- بيروت، چاپ سوم: ۱۴۰۴ و چاپ چارم، در ۱۴۲۲هـ، عدد الأجزاء: ۹. / رازی، فخرالدین، ابن العلامة ضیاء الدین محمد بن عمر التمیمی، تفسير الفخر الرازی: المشتهر با التفسير الكبير و مفاتيح الغیب، ناشر: دار الفكر و دار الکتب العلمية - دمشق بيروت، طبع اول: ۱۴۱۹هجری - ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م، عدد الأجزاء: ۳۲. / بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، ۲۳/۱ چاپ: اول، تعداد: ۱۱۰۰، تاریخ چاپ: ۱۳۹۰هـ ش، محل چاپ: مکتبه اسلامیة، لاهور، پاکستان.

۲ - سوره بقره آیه ۸.

۳ - سوره النساء، آیه: ۱۴۵

۴ الجامع الاحکام القرآن . ج/ ۸ ص / ۲۱۴

نفاق عملی بر پنج قسم است:

- سخن بزند دروغ میگوید.
- وعده کند خلاف ورزی می کند.
- زمانی که امانت برایش سپرده شود خیانت می کند.
- زمانی که تعهد و یا پیمان ببندد آنرا می شکند.
- چون با کسی خصومت و جنجال نماید فحش و دشنام می دهد.

چنانچه روایتی از پیامبر صلی الله علیه و سلم منقول است: (قَالَ آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ.) و در روایت دیگری از عبد الله بن عمرو (رضی الله عنه) با چنین الفاظ آمده است: (قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ).^(۱) وقتی که این دو روایت در پهلوی هم قرار داده شود صفاتی که در آنها ذکر گردیده است جمعاً پنج صفات می شود.

نفاق و ریا کاری:

از جمع نفاق اصغر ریا کاری هم است گرچه از جمع نفاق اکبر نیست، و نفاق اکبر با ریا فرق دارد بدین شکل نفاق اکبر آنست که کفر را پنهان و ایمان را آشکار نماید، و هدف از این عمل جلب منافع دنیوی و ضرر رسانیدن به مؤمنان است، اما ریا کاری و خود نمایی آنست که کار خوب را انجام دهد، تنها بغرض جلب منافع و این که مردم او را ستایش کند چنانچه ابو هلال عسکری^(۲) در معجم خود در این مورد می فرماید: "أن النفاق الأكبر هو إظهار الإيمان مع إسرار الكفر... والرياء إظهار جميل الفعل رغبة في حمد الناس لا في ثواب الله تعالى".^(۳) ترجمه: نفاق بزرگ عبارت از آشکار نمودن ایمان با همراهی پنهان نمودن کفر است، و ریاء: آشکار نمودن عمل خوب خود بخاطر جلب توصیف مردم که آنرا توصیف نماید نه بخاطر اجرو ثواب از خداوند جل جلاله یعنی نفاق: عبارت از اظهار ایمان و پنهان داشتن کفر است به اساس مشابهت عمل منافق با عملکرد موش صحرائی به این نام مسمی شده است، و موش صحرائی لانه خود را قسمی می سازد که یک درب ظاهری می گذارد تا صیاد را گول بزند،

^۱ صحیح البخاری - باب من امر بإيجاز الوعد - ج/۳ ص/۱۸۰ - شماره حدیث ۲۶۸۲ النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری. (ب.ت). صحیح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربي. ۱/۴۱.

^۲ ابو هلال العسکری حسن پسر عبدالله پسر سهل پسر سعید پسر یحیی پسر مهران ابو هلال العسکری الغوی الادیب الشاعر المفسر نسبت آن به عسکر مکرّم از مناطق اهواز میباشد صاحب تصانیف زیادی است در سنه ۳۹۵ هجری وفات نموده شذرات الذهب . ۴۳۰/۴

^۳ کتاب معجم الفروق اللغویه، باب الفروق اللغویه، ج ۱، ص ۵۴۷. مؤلف: ابی هلال العسکری، الکتاب: معجم الفروق اللغویه الحاوی لکتاب ابی هلال و جزءا من کتاب السید نور الدین الجزائری، تحقیق: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، تنظیم: الشیخ بیت الله بیات و مؤسسة النشر الاسلامی، الموضوع: اللغة، عدد الصفحات: ۶۳۰، عدد الاجزاء: جزء واحد، طبع اول بتاریخ: شوال المکرّم ۱۴۱۲، المطبوع: ۲۰۰۰ نسخه، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

و یک سوراخ در باطن می ماند تا در صورت طلب و بروز مشکل از آن خارج شود، و اطلاق این اسم تنها به کسی می شود که ایمان را آشکار و کفر را پنهان نماید، نفاق، اسلام، و کفر واژه های اسلامی هستند زمانی که اسلام ظهور کرد و در مقابل آن کفر قرار گرفت در آن حالت در بعض از مردمان آشکار سازی یکی از آنها «اسلام» و پنهان کردن دیگری «کفر» پدید آمد، پس به آن مناسبت این کار بعض مردمان را نفاق نامیده شد، اما هرچه ریا کاری و خود نمایی آشکار ساختن عمل زیبا بغرض جلب تمجید و تحسین مردم است نه برای طلب ثواب و خوشنودی خداوند جل جلاله، پس ریا کاری از جمله نفاق اکبر نیست، اما به اساس مشابهت یکی از آن در جای و معنای دیگری استعمال می شود، پس میتوان آنرا از نفاق اصغر خواند، چون وعده خلافی، خیانت، پیمان شکنی، فحش گوئی، و ریا کاری انسان را به منافقان مشابهت می دهد مراد از شاخه های نفاق^(۱) همان پنج علامات بارز آنان است که به اصل دیانت انسان خدشه و (لگه) وارد می سازد، و آن عبارت از کذب، فحش گوئی، خیانت، خلاف وعده، و پیمان شکنی می باشد «کذب و فجر» اشاره است، به فساد قولی منافق، «خیانت» اشاره است به فساد فعلی منافق، «خلاف و وعده و پیمان شکنی» اشاره است به فساد نیت و خلوص منافق، شعبه های نفاق هر چند زیاد است که در سوره های مختلف به خصوص در سوره توبه بیان شده است اما این خصلتها بارزترین آنها است.^(۲)

نفاق اکبر و نفاق اصغر و تفاوت میان هر دو:

در میان نفاق اعتقادی «اکبر» و نفاق عملی «اصغر» به چند وجوه فرق و تفاوت وجود دارد چنانچه آلفوزان به چهار فرق میان آنها اشاره کرده است: «إن النفاق الأكبر يخرج من الملة والنفاق الأصغر لا يخرج من الملة...» اول: نفاق اکبر «اعتقادی» انسان را از دین و ملت اسلامی خارج می سازد، هرچه نفاق اصغر «عملی» از ملت خارج نمی سازد.

دوم: نفاق اکبر آنست که بیرون و نهانش با هم مختلف بوده باشد، اما نفاق اصغر آنست که درون و بیرون آن مختلف باشد، در اعمال نه در اعتقاد، سوم: نفاق اکبر از مؤمن واقعی صادر نمی شود، هرچه نفاق اصغر گاهی از مؤمن هم صادر می شود، چهارم: از نفاق اکبر غالباً صاحب آن توبه نمی کند اگر توبه هم کند در قبول شدن آن نزد حاکم و قاضی اختلاف است، بر خلاف نفاق اصغر مرتکب آن توبه می کند و توبه اش را خداوند جل جلاله قبول می کند.^(۳)

۱- مؤلف: فضیلة الشیخ دکتور صالح پسر فوزان پسر عبدالله الفوزان، الحمیضی عضو هیئت علماء کبار.

۲- ملکاوی، محمد أحمد محمد عبد القادر خلیل. (۱۴۰۵هـ). عقیده التوحید فی القرآن الکریم، مکتبة دار الزمان، ج ۱، ص ۶۵، ۶۶.

۳- عقیده التوحید، ج ۱، ص ۶۱-۶۵.

چنانچه ابن تیمیه رحمت الله^(۱) علیه گفته است: "و کثیراً ما تعرض للمؤمن شعبة من شعب النفاق ثم يتوبُ الله عليه..."^(۲) یعنی بسیاری اوقات برای مؤمن شعبه ها و موجبات نفاق عارض می گردد اما خداوند جلّ آنرا دفع می کند و توفیق توبه می دهد، و توبه آنرا قبول می نماید، گاهی انسان مؤمن به وسوسه های شیطانی و کفری مبتلاء می گردد که سینه آن تنگ می گردد، چنانچه که یاران رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتند: یا رسول الله! إن أحدنا ليجد في نفسه ما لئن يخر من السماء إلى الأرض أحب إليه من أن يتكلم به فقال: ذلك صريح الإيمان^(۳) ای پیامبر خدا! سخنان و وسوسه های دردل ما میاید که توان تکلم و لب گشایی به آن را نداریم، در روایتی دیگر چنین آمده است: {ما يتعاضم أن يتكلم به} لب گشایی به آن سخنان بزرگ دشوار می باشد پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: پیدا شدن وسوسه با چنین کراهت قلبی دال بر صراحت ایمان است، هرچه درباره اهل نفاق اکبر خداوند جلّ فرمودند: {صُمُّ بَكْمٌ عُمَى فَهَمْ لَا يَرْجِعُونَ}^(۴) ترجمه: (آنان همچون) کران و لالان و کورانند و (به سوی حق و حقیقت) راه بازگشت ندارد اینها بسوی حق و اسلام بصورت حقیقی بر نمی گردد، در جای دیگر خداوند جلّ در مورد منافقین اعتقادی می فرماید: {أولاً يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ}^(۵) ترجمه: آیا منافقان نمی بینند که در هر سالی يك یا دو بار (بلکه بیشتر) موارد آزمایش قرار می گیرد (بلاهایی از قبیل، کشف اسرار و ظهور احوال و پیروزی مؤمنان و شکست کافران می بیند، ولی) بعد از آن (همه گرفتاری ها و آزمونها از کرده ها و گفته های زشت خود دست نمی کشد) توبه نمی کند، عبرت نمی گیرد، و بیدار و هوشیار نمی شود، از این آیات معلوم می شود که اینها توبه نمی کند، اگر توبه هم بکند، در قبولیت توبه یی اینها در بین علماء اختلاف نظر وجود دارد چنانچه می فرماید: "وقد اختلف العلماء في قبول توبتهم في الظاهر لكون ذلك لا يعلم، إذ هم دائماً يظهرون الإسلام..."^(۶) علماء کرام در مورد قبولیت توبه و عدم توبه اینها (منافقان) اختلاف نظر دارد: بخاطریکه توبه اینها دانسته نمی شود؛ زیرا اینها برای همیشه تظاهر به اسلام می کند، و عده یی گفته اند که بشرط اخلاص توبه ایشان قبول می شود بدلیل این آیه: {إِلَّا

^۱ مؤلف ابن تیمیه شیخ الاسلام ابوالعباس تقی الدین احمد پسر عبدالحلیم پسر عبدالسلام پسر عبدالله پسر تیمیه ابی القاسم الخضر النمیری الحرانی دمشقی حنبلی امام فیلسوف وقت در منطقه حران در سنه ۶۶۱ متولد شده با همراهی فامیل خود دمشق مصر قاهره اسکندریه سفرهای داشتن بالای تمام علوم دست بالای داشت مانند تفسیر حدیث فقه علم کلام عقاید فلسفه فتوی تقریباً سه صد تصانیف دارد در محبس دمشق در سنه ۷۲۸ هجری وفات نمود امام ذهبی گفته در سنه ۷۴۴ وفات نموده است سیر اعلام . ۳۲۶/۵

^۲ کتاب مجموعه الرسائل و المسائل و الفتاوی، ط ۱، دار تحف للنشر و التألیف: الطائف. ۴۳۳/۱۵.

^۳ کتاب: سنن أبي داود، شماره حدیث. ۵۱۱۱، باب فی ردالوسوسية، صفحه ۳۲۹، مؤلف: أبو داود سليمان پسر الأشعث پسر إسحاق پسر بشیر پسر شداد پسر عمرو الأزدي . السجستاني. (متوفی: ۲۷۵هـ) - محقق: محمد محیی الدین عبد الحمید - ناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت - تعداد أجزاء: ۴

^۴ سوره البقرة آیه: ۱۸

^۵ سورة التوبة آیه: ۱۲۶

^۶ ملكوي، محمد أحمد بن محمد عبد القادر خليل. (۱۴۰۵هـ). در کتاب عقيدة التوحيد في القرآن الكريم، مكتبة دار الزمان. ۶۱/۱.

الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ^(۱) ترجمه: مگر کسانی (از ایشان) که توبه کند، و برگردد، و به اصلاح اعمال و نیات خود بپردازد، و به خداوند متوسل شود و آئین خویش را خالصانه از آن خدا کند، (فقط و فقط) اورا بپرستد و به فریاد خواند و خالق و رازق داند، پس آنان از زمره مؤمنان خواهد بود (و پاداش مؤمنان را خواهد داشت) و خداوند به مؤمنان پاداش بزرگی خواهد داد.

نفاق ساده و پیچیده:

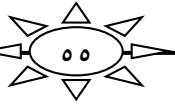
نفاق گاهی ساده و گاهی هم پیچیده می باشد نفاق ساده: به همان نفاقی گفته می شود که بعضی خصلت های منافق در آن موجود باشد مانند: دروغگویی، وعده خلافی، عهد شکنی و غیره. نفاق مرموز یا پیچیده امکان دارد از یک زبان علمی و دقیق برای پوشاندن باطن کفر آمیز در لفافه اسلام و یا از امکانات دیگری استفاده بکند، به این دو نوع نفاق الله تعالی در سوره توبه چنین می فرماید: (وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ تُمْ يَرْتَدُونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ)^(۲) ترجمه: در میان عرب های بادیه نشین اطراف (شهر) شما و در میان خود اهل مدینه منافقانی هستند که تمرین نفاق کرده اند، و در آن مهارت پیدا نموده اند، تو ایشان را نمی شناسی بلکه ما آنان را می شناسیم، ایشان را (در همین دنیا) دو بار شکنجه می دهیم، (یک بار با پیروزی شما بر دشمنان تان که مایه درد، حسرت، خشم و کین آنان می گردد، بار دوم با رسوا کردن ایشان به وسیله پرده برداری از نفاق شان)، سپس (در آخرت) روانه بی عذاب بزرگی می گردند) و به دوزخ گرفتار می آیند.

نفاق ابتدایی و ارتدادی:

تقسیم دیگری درباره نفاق این است که گاهی شخص یا اشخاصی که منافق هستند از ابتداء اسلام شان نفاق آمیز و مزورانه است، مانند نفاق ابی ابن سلول و امثال آن از اول تا آخر به اسلام معتقد نبودند و از روی إکراه و ترس ابراز اسلام نمودند، و در برخی موارد افراد در ابتداء مؤمن و معتقد بودند اما بعداً بر اساس انگیزه ها و عللی از نور ایمان خارج می شود، و در تاریکی کفر و شرک قرار می گیرد به این نوع نفاق از نظر اصطلاح فقهی «ارتداد» گفته می شود، که احکام خاص فقهی با خود دارد، و در قرآن کریم نیز بحث «ارتداد» از دین و «تولی» از دین آمده است که البته ارتداد به اصطلاح فقهی هم این نوع از نفاق را شامل می شود، چنانچه در این مورد خداوند جل جلاله می فرماید: (مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ

^۱ سوره النساء: ۱۴۶

^۲ - سوره توبه آیه ۱۰۱



فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...^(۱) ترجمه: هر کس از شما از آئین خود باز گردد (و از ایمان به کفر گراید کوچک ترین زیانی به خدا نمی رساند و در آینده) خداوند جمعیتی را (به جای ایشان بر روی زمین) خواهد آورد که خداوند دوست شان می دارد و آنان هم خداوند را دوست می دارند.

نفاق هدایت پذیر و هدایت نا پذیر:

منافقان از نظر شدت رسوخ کفر و شک در قلب آنها به دو گونه تقسیم می شود:

الف: کسانی که سراسر قلب شان سیاهی است و هوا و هوس ها چنان بر آنها تسلط یافته اند، که دیگر امید بازگشت آنها به هدایت نیست الله متعال در این مورد می فرماید: (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ)^(۲) ترجمه: این (نفاق و دروغگوئی و باز داشتن از دین) بدان خاطر است که (نخست با زبان) ایمان آورده اند، و سپس (با دل) کافر شده اند، پس بر دلهایشان مهر نهاده شد، و ایشان دیگر (حقیقت را درک نمی کنند، و از ایمان چیزی) نمی فهمند، یا در آیه: (...وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ)^(۳) ترجمه: خداوند کسان نافرمانبردار را (به راه سعادت) هدایت نمی کند.

ب: دردل گروهی از منافقان نقطه سفیدی وجود دارد، و امید بازگشت و نجات آنها هنوز است این گروه ضعفاء الایمان هستند نه منافقان کافر، در این آیه به آنها اشاره شده است: (وَأَخْرُوجُوا اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ)^(۴)

ترجمه: مردمان دیگری هم هستند که (نه از پیشگامان نخستین، و نه از منافقین بشمارند و) به گناهان خود اعتراف می کنند، و کار خوبی را با کار بدی می آمیزد، و گاهی به حسنات و زمانی به سیئات دست می زنند) امید است که خداوند توبه آنان را بپذیرد، (و احساس شرمندگی چنین کسانی از گناه، و هراس آنان از عقاب و عذاب، و تصمیم ایشان بر اینکه به سوی گناه نرود، سبب گردد که دیگر دچار معصیت نشود و مشمول مغفرت و مرحمت خدا شود) چرا که بی گمان خداوند داریی مغفرت فراوان و رحمت بیکران است البته به نزد عده ای از علماء این آیه اصلاً به منافقان اشاره ندارد.

محل نشأت نفاق:

ظهور نفاق برای اولین بار در مدینه منوره صورت گرفت، و به همین اساس می بینیم که صفات منافقین در سوره های مدنی بیشتر تذکر داده شده است؛ زیرا که در مکه مکرمه نفاق وجود نداشت، متفکران علوم اسلامی و قرآنی درباره آغاز پیدایش نفاق در مقطعی خاص از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اتفاق نظر ندارد و به دو طائفه تقسیم شده اند، گروهی پیدایش آنان را در «مدینه» و گروهی دیگر آنان پیدایش نفاق

^۱ سوره المائده آیه ۵۴

^۲ سوره منافقون آیه ۳

^۳ سوره مائده آیه ۱۰۸

^۴ سوره توبه آیه ۱۰۴

را در «مکه» می داند طایفه اول معتقدند که اثری از نفاق فردی و در ادامه آن در مکه شکل گیری جریانی سازمان یافته وجود نداشت، ایشان می گوید: در مکه تنها اخلاص، مجاهدت، و یک رنگی بوده اند و آغاز این پدیده را در مدینه هم زمان با تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می دانند، و عده ای از هوا پرستان از قبیل ابی ابن سلول و هواداران آن بروز کرده اند چنانچه صالح بن عبدالعزیز^(۱) می گوید: جریان به نام نفاق در برابر اسلام و مسلمین پیدا شد این در حقیقت مال مدینه است، اگرچه چند آیات عنکبوت، و آیات سوره حج، ومدثر مکی و درباره نفاق نازل شده است، اما آنها مومنان قوی نبودند، بلکه آنها اشخاصی ضعیف القلوب بودند که در برابر زجر و شکنجه های مشرکین تاب نیاوردند چنانچه اکثر مومنان پایدار ماندند و در مکه دو گروه بودند.

الف، مومنان مهاجرین:

ب: کافران معاندین و همه ای اینها از قبائل عرب بودند، اما ترکیب سکان مدینه متشکل از اوس، خزرج عربی، و قبائل از یهود که سر منشأ این مکروب و یروس نفاق را ایشان بذر کرد.^(۲)

سید قطب شهید رحمه الله^(۳) در این مورد می فرماید: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و سلم به مدینه منوره تشریف آور شد تعداد بسیاری انصار از قبیله ی اوس و خزرج به اسلام مشرف شده بودند اما از یهود جز عبدالله بن سلام (رضی الله عنه) هیچ کس اسلام را نپذیرفت؛ چون مسلمانان در این وقت از نیرومندی خاصی برخوردار نبودند که موجب نگرانی مخالفین گردد، بناءً در این مرحله نیز نفاق وجود نداشت ولی بعد از اینکه مسلمانان در جنگ سرنوشت ساز بدر پیروز شدند و به حیث یک نیروی قوی عرض اندام نمودند، و کلمة اسلام آشکار گردید ابی ابن سلول خزرجی از ریاست خود ناامید گشت، پس او وهم فکرانش با دلهای پُر از بغض و نفاق بناچاری در اسلام داخل شدند؛ از این جهت محل نشأت نفاق مدینه منوره و ماحول مدینه است که محل زیست اعراب بودند.^(۴)

۱ مؤلف: فضیلة الشیخ صالح پسر عبد العزیز پسر الشیخ عبد الرحمن پسر الشیخ حسین پسر شیخ الاسلام پسر عبدالوهاب عالم فاضل محقق صاحب کتاب النفاق خطره واضرارہ

۲ - کتاب النفاق خطره واضرارہ ... ج/ ۱ ص/ ۵ - ۷

۳ الشہید سید قطب پسر ابراهیم مفکر اسلامی ادیب مصلح الاجتماعی مصری یکی از بزرگانی اخوان المسلمین متولد سنہ ۱۳۲۴ فارغ التحصیل دارالعلوم قاهرہ تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۱۴۳

۴ - قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر. (۱۹۶۵م). تفسیر قرطبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت. ج/ ۶ ص/ ۳۵۷۲

فصل دوم:

صفات مؤمنین در سوره توبه و سرانجام آنها در دنیا و آخرت:

این فصل شامل سه مبحث می باشد که در مبحث نخست، صفات قلبی مؤمنان در سوره توبه، در مبحث دوم، صفات عملی مؤمنان در سوره توبه و در مبحث سوم، صفات مالی مؤمنان در سوره توبه بیان خواهد شد.

مبحث اول صفات قلبی مؤمنان در سوره توبه:

مبحث نخست، دارایی هفت مطلب می باشد که در مطلب اول ایمان به الله تعالی و به روز آخرت، در مطلب دوم ترس و خوف از الله متعال، در مطلب سوم هدایت یافته، در مطلب چهارم محبت و صمیمیت در میان هم، در مطلب پنجم توکل به الله متعال، در مطلب ششم خوشحالی به پیروزی مسلمانان و شکست کافران، و در مطلب هفتم معیت و همراهی با راستگویان، بیان خواهد شد.

تمهید:

ایمان روح عمل است هر عملی که هر چند خوب باشد ولی اگر از ایمان عاری باشد چون پیکری است بی روح و بی جان و فاقد ارزشی است، پس چنین اعمالی در رابطه با نجات از عذاب آخرت ارزشی ندارد؛ لهذا گروه اندیشه‌ی احیای مکارم اخلاق یکی از مهمترین اهدافی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم به عنوان رسالت خود به آن تصریح فرمودند در همین راستا کتاب الله مملوء از مضامین صفات اخلاقی است، که می توان صفات اخلاقی مؤمنان در این کتاب آسمانی بالخصوص در سوره توبه را به غایت رسالت معرفی کرد به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآنکریم خصوصیات اخلاقی در جهان معاصر دستخوش بحث‌های فراوانی شده است، تنها نظرازمباحث نظری در این حوزه کتاب آسمانی مسلمانان است که خصوصیات مؤمنان را بیان کرده است، صفات حمیده توسط جبریل خداوند جله در قرآنکریم بیان و ستوده است مسلمانان باید متصف به این اوصاف باشند، و داشتن آنها باعث سعادت در این جهان و زندگی جاویدانی در آخرت خواهد بود، بخشی از این صفات حمیده در همین سوره توبه در ضمن چند مباحثی به عنوان صفات قلبی مؤمنان، صفات عملی مؤمنان، صفات مالی مؤمنان، و سر انجام آنها در دنیا و آخرت در همین سوره بیان خواهد شد. (۱)

۱ الشیخ الشهید، سید قطب بن ابراهیم، تفسیر فی ظلال القرآن، ج/۱ ص/۳۴۵ تحقیق: علی بن نایف الشعود، ط ۱۷، ۱۹۸۹م. قاهره: دار الشروق.

مطلب اول ایمان به الله تعالی و به روز آخرت:

آیات هایی که در مورد ایمان به الله تعالی و روز آخرت در سوره توبه ذکر شده قرار ذیل است:

الله تعالی در مورد ایمان به الله تعالی و به روز رستاخیز چنین می فرماید:

(إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (۱)

ترجمه: تنها کسی حق دارد مساجد الله را (با تعمیر یا عبادت) آبادان سازد که به الله و روز قیامت ایمان داشته باشد، و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از الله نترسد امید است چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشد.

در این آیت مبارکه آبادی حقیقی مساجد آنست که در آنها عبادت خدای بی همتا طوری که سزاوار خداوندیش باشد اداء گردد هم چنان الله متعال می فرماید:

(أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (۲)

ترجمه: آیا (رتبه سقایت و) آب دادن به حاجیان و تعمیرکردن مسجدالحرام را همسان (مقام آن) کسی می شمارید که به الله و روز رستاخیز ایمان آورده است و در راه الله جهاد کرده است (و به جان و مال کوشیده است، هرگز منزلت آنان یکسان نیست، و در نزد الله برابر نمی باشد و خداوند مردمانی را که (به خویشتن به وسیله کفر ورزیدن و به دیگران به وسیله اذیت و آزار آنان) ستم می کند(به راه خیر و صلاح دنیوی و نعمت و سعادت اخروی) رهنمود نمی سازد.

یعنی: نوشانیدن آب به حاجیان و آباد کردن ظاهری مسجد حرام نتواند با ایمان بالله یا جهاد فی سبیل الله برابری کند، ذکر ایمان بالله یا جهاد در این جا یا برای آنست که فخر و غرور مشرکین را نیز جوابی باشد یعنی گفته شود که روح جمیع عبادات ایمان بالله است، و اگر این روح نسبت دادن آب و خدمت مسجد حرام جز عملی مرده چیزی نباشد، و اینگونه عمل با عملی که زندگی آن جاوید است نتواند برابری کند (۳) و هم چنان الله متعال می فرماید: (لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ) (۴)

^۱سوره توبه آیه ۱۸

^۲سوره توبه ۱۹

^۳ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن سید محمود آلوسی ج ۱- ص ۹۷: ۱۰۸۳.

^۴سوره توبه: آیه ۴۴.

ترجمه: آنان که ایمان به الله و روز رستاخیز دارد، در انجام جهاد با مال و جان در راه یزدان از تو اجازه نمی گیرد؛ زیرا جهاد واجب است، و در اداء واجبات کسب اجازه لازم نیست، این چنین مؤمنان راستینی که برای رفتن به جهاد اجازه نمی گیرد به طریق اولی برای نرفتن به جهاد درخواست اجازه نمی کند، و خداوند به خوبی افراد پرهیزگار را می شناسد، و از نیات و اعمال آنان کاملاً آگاه است. (۱) و هم چنان الله متعال می فرماید: (وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يَنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ) (۲)

ترجمه: در میان عربهای بادیه نشین کسانی هم هستند که به الله و روز رستاخیز ایمان دارد، و چیزی را که (در راه الله) صرف می کند، مایه نزدیکی به الله و سبب دعای پیغمبر (در حق خود) می داند و دعای پیغمبر مایه سعادت محسنان و خیر و برکت عمر و روزی ایشان است، هان بی گمان صرف پول در راه الله و دعاهاى رسول مایه تقرب آنان در پیشگاه خداوند است، به طور قطع خداوند آنان را غرق رحمت خود خواهد کرد؛ چرا که خداوند آمرزنده گناهان و مهربان در حق بندگان است، یعنی ایمان به الله تعالی جلاله زیر بنای تمام نیکی ها است، بحث کنونی در برگیرنده دو موضوع اساسی است، ایمان به الله تعالی جلاله، و ایمان به روز آخرت.

اول ایمان به الله تعالی جلاله:

ایمان به الله تعالی جلاله عبارت است: از یک امر شعوری زنده در اعماق مؤمن جا گرفته که بسبب آن عظمت، و جلال پروردگار، قدرت پروردگار، حکمت پروردگار، محبت پروردگار، خشیت از پروردگار را حس می کند که اثر این معرفت نظر به قوت و ضعف آن در سلوک و رفتار مؤمن ظاهر می شود ایمان آوردن به ذات الله تعالی جلاله یک امر ضروری است برای روح انسان مانند آب و هوا که ضروری است برای جسم انسان، و یک رکن اساسی و عنصر اساسی است برای تکوین یک شخص مسلمان در اسلام، بدون ایمان به الله تعالی جلاله ضیاع و بی فائده است، تنها ایمان به الله تعالی جلاله است که جواب گوی همان سؤالات است که تفکر و اندیشه بی انسانها را مشغول نموده اند بلکه در نهایت تحیر هستند من از کجا آمدم؟ برای چه آمدم؟ و مسیر من کجا است؟ آیا پس از زندگی حالی دیگری وجود دارد؟ دوم ایمان به روز آخرت:

ایمان به روز آخرت عبارت است از باور و یقین داشتن به زندگی پس از مرگ مسأله ایمان به روز آخرت از جمله قضایای اساسی اسلام است، پس از ایمان آوردن به وحدانیت الله تعالی جلاله در اکثر جاها

۱- تفسیر روح البیان سید محمد حسین شیرازی ج ۱۲- ص ۶۴۱: ۱۱۰۸.

۲ سوره توبه آیه ۹۹

ایمان به آخرت متصل ذکر می شود درحقیقت ایمان به ابتداء و إنتهای أمر است، که ایمان به روز قیامت، علامات قیامت، قبر و عذاب های آن، پل صراط، اعمال نامه، میزان، حساب، جنت و نعمت های آن، جهنم و عذاب های آن شامل است، کسانی که ایمان به آخرت دارد امید جنت ترس و هراس از عذاب جهنم دارد، اعمال نیک انجام می دهد، و از اعمال زشت دوری می کند، اما کسانی که ایمان به آخرت ندارد ایمان به وحدانیت هم ندارد، و به انجام دادن اعمال نیک هم باور ندارد آنها می گوید: (۱) (وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ) (۲)

ترجمه: منکران رستاخیز میگویند: حیاتی جز همین زندگی دنیائی که در آن بسر می بریم درکار نیست گروهی از ما می میرد و گروهی جای ایشان را می گیرد، و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی سازد! آنان چنین سخنی را از روی یقین و آگاهی نمی گویند، بلکه تنها گمان می برد و تخمین می زند.

مطلب دوم ترس و خوف از الله متعال:

یکی از بارزترین صفت از صفات مؤمنان مخلص خوف و خشیت الهی است، در هر حالت و در هر زمان و مکان از خدای خود می ترسد و همین خشیت الهی باعث می شود تا تمام اوامر الهی را بجا بیاورد، و از تمام منهیات دوری نماید؛ زیرا ایمان مؤمن تقاضا می کند که تنها از خدای خود بترسد از مخلوق هیچ گونه ترس و هراس نداشته باشد، اگر انسان از خدای خود بترسد تمام چیزها از آن خواهد ترسید، و اگر از خدای خود نترسد از هر چیز خواهد ترسید، یعنی ترس خدا را به ترس مخلوق همیشه ترجیح می دهد، الله متعال می فرماید: (... أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (۳)

ترجمه: آیا از ایشان می ترسید و به جنگ آنان نمی روید؟ در صورتی که سزاوارتر آن است که از خدا بترسید و از کیفر نافرمانی او بهراسید، اگر واقعاً ایمان دارید، و مؤمنان راستین هستید، هم چنان الله متعال می فرماید: (... وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (۴)

ترجمه: و جز از خداوند متعال نترسد امید است چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشد و هم چنان الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) (۵)

۱ - تفسیر معارف سوره التوبه ۹۹ ج/۶ ص ۲۲۲

۲ - سوره جاثیه آیه ۲۴

۳ - سوره توبه آیه ۱۳

۴ - سوره توبه آیه ۱۸

۵ - سوره توبه آیه ۱۱۹.

ترجمه: ای مؤمنان از خدا بترسید و همگام با راستان باشید، هم چنان الله متعال می فرماید: (...وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) (۱)

ترجمه: آنان را از مخالفت فرمان پروردگار بترساند، تا خویشان را از عقاب و عذاب الله بر حذر دارد و از بطالت و ضلالت خود داری کند، اما مورد نظر در آیه مذکوره ترس از فقر، مرض و شیر و ... نیست بلکه مراد از خوف ترس الهی است از همین جهت خایف برای کسی گفته می شود که گناه هان را ترک کند، امام راغب^(۲) می فرماید: خوف عبارت از ترس الهی، منع شدن و دوری نمودن از گناهان، و اختیار نمودن طاعات است، هم چنان خداوند متعال می فرماید: (فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِيَّانَا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)^(۳) ترجمه: پس از آنجا که شما به الله ایمان دارید بی باک و دلیر باشید، و از آنان مترسید، و از من بترسید اگر مؤمنان راستین هستید، و هم چنان خوف به چند قسم است که ابن قیم^(۴) برخی از آنها را ذکر نموده است:

اول: خوف اعتقادی همانند: ترس از بت ها، امراض، کاهش رزق و روزی، که بعضی مردم همه بی این ها را مؤثر می داند.

دوم: خوف عملی مانند: ترس جان خود به ترک مأمورات مثل ترک کردن امر به معروف و نهی از منکر. سوم: خوف طبعی مانند: ترس از حیوانات درنده ها و از چیزهای مضر.

چهارم: خوف الهی همانند: ترس و هراس از پروردگار خود تا هر اندازه علم و معرفت زیاد شود همان اندازه خوف و خشیت الهی زیاد می شود برخی از مردم در خوف الهی از حد تجاوز می کند تا این که از رحمت پروردگار نا امید می شود، از گناه دوری نمی کند، برخی از مردم معتدل می باشد، نه از رحمت پروردگار نا امید می شود، و نه در گناه از حد تجاوز می کند، بلکه مأمورات را اداء می کند و از منهیات منع می شود.^(۵)

۱- سوره توبه آیه ۱۲۲

۲ امام الراغب: حسین پسر محمد پسر الفضل ابوالقاسم الاصفهانی مشهور به الراغب ادیب از جمله علماء و حکماً اصفهان بود زیاد در بغداد سکونت کرده بود شهرت زیاد داشت از اوائل سنه پنج صد بود تصنیفات فراوان داشت از جمله جامع ال-تفسیر. مفردات فی غریب القرآن الاخلاق در سنه ۵۰۲ وفات نموده است - در کتاب المفردات فی غریب القرآن ج/ ۱ ص/ ۳۰۳ - ۳۰۴ - وهم چنان طبقات المفسرین ج/ ۱ ص/ ۱۵۸ و هم چنان کشف الظنون ج/ ۱ ص/ ۳۷۷ فرموده است.

۳- سوره ال عمران آیه ۱۷۵

۴ ابن قیم الجوزی: شیخ، امام علامه شمس الدین ابو عبدالله، محمد پسر ابی بکر پسر ایوب پسر سعد پسر حرز زرعی الاصل، دمشقی، حنبلی مشهور به ابن قیم الجوزی شاگرد ابن تیمیه، صاحب تصانیف زیادی است در علوم شرعی در سنه ۶۹۱ تولد شده، و در سنه ۷۵۱ در ماه ذی الحجه یا در سنه ۷۲۳ وفات نموده است. در کتاب مدارج السالکین ج/ ۱ ص/ ۵۱۳ - ۵۱۴. وهم چنان تعریفات از جرجانی ص/ ۳۳۵

۵ ابن قیم الجوزی: در کتاب مدارج السالکین ج/ ۱ ص/ ۵۱۳ - ۵۱۴. وهم چنان تعریفات از جرجانی ص/ ۳۳۵

مطلب سوم هدایت یافته:

هدایت پذیری یکی از صفات ویژه مؤمنان است؛ زیرا اصل و اساس هدایت توحید است، بزرگترین نعمت پروردگار بالای بنده خود هدایت کردن به دین اسلام است، راه رسیدن به رضامندی پروردگار و به جنت هدایت است، نشرو اشاعت هدایت در جامعه انسان را به نیکی ها می کشاند، و از بدی ها بدور می سازد، هدایت یافته گان به خداوند جل جلاله و مسلمانان خیلی نزدیک می باشند، اکثر اوقات پیغمبر علیه السلام برای اشخاصی که دعاء می کرد، دعای هدایت می کرد، الله متعال می فرماید: (... وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (۱)

ترجمه: و جز از خدا نترسد امید است چنین کسانی از زمره ای راه یافتگان باشد و هم چنان الله متعال می فرماید: (... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) (۲)

ترجمه: خداوند کسان نافرمانبردار را به راه سعادت هدایت نمی نماید، هم چنان الله متعال می فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (۳)

ترجمه: خدا است که پیغمبر خود (محمد) را همراه با هدایت و دین راستین (به میان مردم) روانه کرده است، تا این آئین (کامل و شامل) را بر همه ی آئینها پیروز گرداند، (و به منصفه ای ظهورش رساند) هر چند که مشرکان نپسندند و همچنان الله متعال می فرماید: (... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) (۴)

ترجمه: و خداوند گروه کافران مُصرِّ بر کفر را به راه سعادت هدایت نمی نماید، و همچنان (... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (۵)

ترجمه: خداوند مردمان ستم پیشه را به چیزی که خیر و صلاح ایشان در آن باشد هدایت نمی کند، اما در این جا مُراد از هدایت رهنمایی کردن به راهی که از شان آن رسانیدن به مطلوب باشد است، طوری که ابوالبقاء الحنفی (۶) می فرماید: هدایت نزد اهل حق عبارت است از رهنمایی کردن به راهی که از شان و حال آن رسانیدن به مطلوب باشد، برابر است که این وصول در وقت اهتداء حاصل شده باشد، یا حاصل

۱ - سوره توبه آیه ۱۸

۲ - سوره توبه آیه ۲۴

۳ - توبه: ۳۳

۴ - سوره توبه آیه ۳۷

۵ - سوره توبه آیه ۱۰۹

۶ مؤلف: ابو البقاء الحنفی أبوب پسر موسی الحسینی القریمی الکفوی، أبو البقاء الحنفی متوفی: ۱۰۹۴ هـ - الکلیات معجم فی المصطلحات والفروق اللغویة ج/۱ ص/ ۹۵۲ فصل (الهاء) باب (ه دی)

نشده باشد لفظ (الهدی) در قرآن کریم به چند معانی استعمال شده است، برخی از آنها امام سیوطی^(۱) در اتقان، و یحیی بن سلام^(۲) در التّصاریف ذکر نموده قرار ذیل است:

- ۱- به معنای بیان: (وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى) ای بیّنایا لهم^(۳) (أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ) ای اوّلّم بیّنایا لهم^(۴)
- ۲- به معنای دین اسلام: (إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ) ای علی دین مستقیم^(۵) (...قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ...) ای دین الله هو الاسلام^(۶)
- ۳- به معنای ایمان: (وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى) ای یزیدهم ایماناً^(۷) (أَنحُنُّ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ) ای عن الایمان^(۸)
- ۴- به معنای دعوت: (وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) ای داعیا^(۹) (وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ) ای یدعون^(۱۰)
- ۵- به معنای معرفت: (وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ) ای یعرفون الطریق^(۱۱)
- ۶- به معنای امر پیامبر علیه و سلم: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ) ای امر محمد صلی الله علیه و سلم^(۱۲)
- ۷- به معنای رهنمود: (عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ) ای یرشدنی^(۱۳) (وَإِهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ) ای آرشدنا^(۱۴)
- ۸- به معنای رسولان و کتب: (فَأِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ) ای کتاباً او رسلاً^(۱۵)

۱- السیوطی عبد الرحمن پسر ابی بکر، جلال الدین السیوطی متوفی سنه ۹۱۱ هـ در الاتقان فی علوم القرآن ج/۲ ص/ ۱۴۵ - ۱۴۷ فصل الهاء

۲- یحیی پسر سلام پسر ابی ثعلبه التیمی، بالولاء من تیم ربیعه، البصری ثم الافریقی، القیروانی متوفی سنه ۲۰۰ هجری در کتاب التّصاریف لتفسیر القرآن مما اشتبهت أسماؤه وتصرفت معانیه ج/ ۱ ص/ ۹۶ - ۱۰۳

۳- سوره فصلت آیه ۱۷

۴- سوره سجده آیه ۲۶

۵- سوره حج آیه ۶۷

۶- سوره ال عمران آیه ۷۳

۷- سوره مریم آیه ۷۶

۸- سوره سبأ آیه ۳۲

۹- سوره الرعد آیه ۷

۱۰- سوره اعراف آیه ۱۵۹

۱۱- سوره نحل آیه ۱۶

۱۲- سوره بقره آیه ۱۵۹

۱۳- سوره قصص آیه ۲۲

۱۴- سوره ص آیه ۲۲

۱۵- سوره بقره آیه ۳۸

(فَأَمَّا يَا تِيبُكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى) ای کتابا اور سولاً^(۱)

۹- به معنای قرآن کریم: (وَقَدْ جَاءَهُمْ مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَى) ای القرآن^(۲) (وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى) ای القرآن^(۳)

۱۰- به معنای تورات: (وَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى) ای التوراة^(۴) (وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ) ای التوراة^(۵)
۱۱- به معنای توفیق: (أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ) ای الموفقون للاسترجاع

^۶ (وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) ای یوفقه لایمان

۱۲- به معنای اقامت حجت: (وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)^(۸)

۱۳- به معنای توحید: (وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُنْخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا) ای التوحید^(۹) (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ) ای بالتوحید^(۱۰)

۱۴- به معنای سنت: (وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ) ای مستنون بسنتهم^(۱۱) (فَبِهَذَا هُمْ اقْتَدَوْهُ)^(۱۲)

۱۵- به معنای توبه: (وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُنَا إِلَيْكَ) ای تبتنا الیک^(۱۳)

۱۶- به معنای صلاح: (وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ) ای لایصلح^(۱۴)

۱۷- به معنای الهام: (رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) ای الهمنا^(۱۵)

۱- سوره طه ایه ۱۲۳

۲- سوره النجم ایه ۲۳

۳- سوره كهف ایه ۵۵

۴- سوره غافر ایه ۵۳

۵- سوره الم سجده ایه ۲۳

۶- سوره بقره ایه ۱۵۷

۷- سوره تغابن ایه ۱۱

۸- سوره بقره ایه ۲۵۸

۹- سوره قصص ایه ۵۷

۱۰- سوره فتح ایه ۲۸

۱۱- سوره زخرف ایه ۲۲

۱۲- سوره انعام ایه ۹۰

۱۳- سوره اعراف ایه ۱۵۶

۱۴- سوره يوسف ایه ۵۲

۱۵- سوره طه ایه ۵۰

مطلب چهارم محبت و صمیمیت میان هم:

از جمله صفات ویژه مؤمنان محبت و صمیمیت میان هم است الله تعالی جَلَّه می فرماید:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)^(۱)

ترجمه: محمد فرستاده الله است و کسانی که با او هستند، در برابر کافران تند و سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند، آیه که در این مورد در سوره برائت ذکر شده است، و هم چنان الله متعال می فرماید: (...وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ)^(۲)

ترجمه: و منازلی که مورد علاقه شما است اینها در نظر تان از الله و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوب تر باشد در انتظار باشید که خداوند کار خود را می کند، (و عذاب خویش را فرو می فرستد، خداوند کسان نافرمانبردار را به راه سعادت) هدایت نمی نماید، و هم چنان الله متعال می فرماید:

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...)^(۳)

ترجمه: مردان و زنان مؤمن برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند و هم چنان:

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ)^(۴)

ترجمه: بی گمان پیغمبری (محمد نام) از خود شما انسانها به سویه تان آمده است، هر گونه درد و رنج، و بلا و مصیبتی که به شما برسد بر او سخت و گران می آید به شما عشق می ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است.

حقیقت محبت:

امام راغب^(۵) می فرماید: حقیقت محبت عبارت است از تمایل نفس به همان چیزیکه فکرمی کند برایم خیر است، و بدو قسم است (طبیعی) که شامل انسانها و حیوانات است، (اختیاری) که مختص برای انسانها است یا "المحبة غلیان القلب عند الالتهياج إلى لقاء المحبوب" یعنی به جوش آمدن قلب هست هنگام ملاقات محبوب، محبت و صمیمیت در بین خانواده ها، در بین اقوام، در بین همه افراد جامعه کاری ضروری است؛ زیرا وقتی که در بین مردم محبت و صمیمیت باشد، در پهلوی یکی دیگری قرار می گیرد با همی یکی دیگر همکاری و کمک می کند، یکی دیگر را می پذیرد ظلم، حق تلفی، دشمنی، عداوت، جرم،

۱ - سوره فتح آیه ۲۹

۲ - سوره توبه آیه ۲۴

۳ - سوره توبه آیه ۷۱

۴ - سوره توبه آیه ۱۲۸

۵ الذریعة إلى مکارم الشريعة / الراغب ابوالقاسم الاصفهانی ج/ ۱ ص/ ۲۵۶ باب ماهیة المحبة

جنایت، تحقیر، توهین، استهزاء، نفاق، شقاق، نافرمانی، و تمام بدبختی ها از جامعه دور می شود بجای آن انصاف، عدالت، دوستی، مهربانی، شفقت، عاجزی، تواضع، احترام، نیکی، مهر، صداقت، اخلاص، ترحم، اخوت، برادری، همکاری، خیرخواهی، و همگرایی به میان می آید، یک فضای آرام بخش در جامعه حاکم می شود همانند فضای آرام بخش زندگی مسلمانان در صدر اسلام، از همین جهت الله تعالی جل جلاله بطور امتنان می فرماید: (إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (۱)

ترجمه: بدان گاه که برای همدیگر دشمنانی بودید، و خداوند میان دل‌هایتان انس و الفت برقرار و آنها را به هم پیوند داد، پس در پرتو نعمت او برای هم برادرانی شدید، و همچنین شما با بت پرستی و شرکی که داشتید بر لبه گودالی از آتش (دوزخ) بودید، و هر آن با فرا رسیدن مرگتان بیم فرو افتادن تان در آن می رفت، ولی شما را از آن رهانید و به ساحل ایمان رسانید خداوند این چنین برایتان آیات خود را آشکار می سازد، شاید که هدایت شوید، و همچنان الله تعالی می فرماید: (وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (۲)

ترجمه: و خداوند بود که عربها را با وجود دشمنانگی شدید شان در پرتو اسلام دگرگون کرد، و در میان آنان الفت ایجاد نمود، و دل‌های پرازحقد و کینه آنان را به هم نزدیک و مهربان کرد، به گونه که اگر همه آنچه در زمین است صرف می کردی، نمی توانستی میان دل‌هایشان انس و الفت برقرار سازید ولی خداوند با هدایت آنان به ایمان و دوستی و برادری میان شان انس، و الفت انداخت؛ چرا که او عزیز و حکیم است، و بر هر کاری توانا و کارش از روی فلسفه و حکمت انجام می پذیرد، و همچنان الله متعال می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) (۳)

ترجمه: بی گمان کسانی که ایمان می آورد و کارهای شایسته و پسندیده انجام می دهد، خداوند مهربان آنان را دوست می دارد، و حجت ایشان را به دل‌های شان می افکند و همچنان می فرماید:

(... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...) (۴)

ترجمه: و در آینده خداوند جمعیتی را به جای ایشان بر روی زمین خواهد آورد، که خداوند دوست شان میدارد، و آنان هم خداوند را دوست می دارد.

اسباب محبت و صمیمیت در بین مردم:

۱- سوره ال عمران آیه ۱۰۳

۲- سوره انفال آیه ۶۳

۳- سوره مریم آیه ۹۶

۴- سوره مائده آیه ۵۴

اسباب محبت در بین افراد جامعه زیاد است به طور مختصر برخی از آن ها را که دکتور محمد نصر الدین^(۱) در کتاب خود نگاشته، تذکر می نمائیم:

تحقق روابط نیک و دوستانه بین مردم، صحبت و همنشینی با افراد خوب؛ دوستی و محبت تنها بر بنیاد رضامندی الله تعالی جَلَّ؛ خیرخواهی و نصیحت برای مردم؛ کمک و همکاری همراهی مردم؛ تواضع و عاجزی همراهی مردم؛ خوش اخلاقی همراهی مردم؛ با مردم گمان خوب داشتن؛ قهر و غضب خود حذف کردن؛ همراهی مردم با پیشانی باز رفتار کردن؛ دوری از بغض و حسد؛ مردم را با القاب شیرین فرا خواندن، رازهای مردم را نگهداری نمودن؛ از نرمی کار گرفتن؛ جود و سخا داشتن؛ در بین مردم صلح و آشتی نمودن؛ حلم و بردباری داشتن؛ با عهد و پیمان وفا نمودن؛ از مردم غریب و قرضدار چشم پوشی نمودن؛ با مردم گمان نیک داشتن؛ کارهای خود را با مشوره پیش بردن؛ همیشه از مدارات کار گرفتن؛ از مجالس خراب خود داری نمودن؛ دفع کردن بدیها بانیکی ها؛ مردم را به نیکی فراخواندن و از بدی منع کردن؛ پوره کردن حوائج و ضروریات مردم؛ عدل و انصاف داشتن؛ عدم تتبع به اشتباهات مردم؛ سهم گیری فعال در هر کار خیر؛ شفقت بر کودکان و احترام بزرگان؛ رعایت نمودن احساسات مردم؛ زمینه سازی کسب و کار برای مردم؛ دوری از منافقت و دورویی؛ دوری از عصبیت و قومیت؛ دوری نمودن از فریب دادن؛ دوری از ظلم و ستم؛ دوری نمودن از توهین و تحقیر مردم؛ میانه روی در حالت انفرادی و اجتماعی؛ نیکی با اشخاص زبردستان؛ دوری از احسان فروشی؛ دوری از خصومت طلبی؛ اعزاز و اکرام یتیمان؛ دوری از بخل و بزدلی؛ دوری از ضرر رسانی مسلمانان؛ چشم پوشی به عیوب مردم.

^۱ مؤلف: دکتور محمد نصر الدین محمد عویضة، المدرس بالجامعة الخيرية لتحفيظ القرآن الكريم بجدة فرع مدركة ورهاط وهدي الشام

در کتاب: فصل الخطاب في الزهد والرفائق والأداب ج/ ۱۰ ص/ ۲۰۸ - ۱۱۰ باب آداب معاشره الاخوان. - تعداد اجزاء / ۱۰ / ۲۲ / ۱۴۱۸ هجریة

مطلب پنجم توکل به الله تعالی جَلَّ:

از مهمترین صفات مؤمنان توکل کردن به خداوند جل جلاله در تمام شؤون زندگی است در این مطلب از آیاتی که در مورد توکل در سوره توبه ذکر شده، و هم چنان حقیقت توکل را مورد بحث قرار خواهم گرفت، توکل به الله تعالی جَلَّ از جمله صفات ویژه مؤمنان است؛ زیرا توکل به الله تعالی جَلَّ جزء ایمان یا شرط ایمان است، کسی که توکل به الله متعال ندارد در حقیقت ایمان ندارد مؤمنان در این کره خاکی خیر و شر خود را نمی داند، به مصالح دنیوی و آخروی خود آگاه نیستند، الله تعالی جَلَّ به مصالح تمام انسانها آگاه و خیردار است، تمام انسانها برای زندگی خود به هر چیز نیاز دارد خداوند به هیچ چیز نیاز ندارد، بناءً ناگزیر است تا بر آن ذات اقدس توکل نماید، الله تعالی جَلَّ می فرماید: (قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)^(۱)

ترجمه: بگو هرگز چیزی از خیر و شر به ما نمی رسد مگر چیزی که خداوند برای ما مقدر کرده باشد این است که نه در برابر خیر مغرور می شویم و نه در برابر شر به جزع و فزع می پردازیم، بلکه کاروبار خود را به خداوند حواله می سازیم، و او مولی و سرپرست ما است، و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکل کند و بس؛ الله تعالی جَلَّ می فرماید: (فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ)^(۲)

ترجمه: اگر آنان از ایمان به تو روی بگردانند باکی نداشته باش و بگو خداوند مرا کافی و بسنده است، جز او معبودی نیست به او دلبسته ام و کارهایم را بدو واگذار کرده ام، و او صاحب پادشاهی بزرگ جهان و ملکوت آسمان است.

حقیقت توکل:

امام رازی^(۳) می فرماید: توکل عبارت است از سپردن تمام امور به الله متعال اعتماد کردن در تمام احوال به الله متعال، کسی که به الله تعالی جَلَّ توکل کند در تمام مهمات و سختی ها برایش بسنده است، الله تعالی جَلَّ می فرماید: (وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)^(۴)

۱- سوره توبه آیه ۵۱

۲- سوره توبه آیه ۱۲۹

۳ مؤلف: أبو عبد الله محمد پسر عمر پسر حسن پسر حسین تیمی الرازی ملقب به فخر الدین الرازی خطیب الری (متوفی: ۶۰۶ هـ) : در تفسیر مفاتیح الغیب مشهور به التفسیر الکبیر ج/ ۱۷ ص/ ۲۹۰ — ج/ ۲۰ ص/ ۲۱۰

۴ - سوره طلاق آیه ۳

ترجمه: هرکس بر خداوند توکل کند و کاروبار خود را بدو واگذارد، الله او را بسنده است، و همچنان عبد الله مرحول السواله،^(۱) در مورد حقیقت توکل می فرماید: حقیقت توکل عبارت از اعتماد قلب بر خداوند جلّاله در حصول همان چیزی که مفید است برای بنده از جمله امور دنیوی، و اخروی آن و دفع کردن همان چیزی که مضر است، برای بنده در امور دنیوی و اخروی آن، با همراهی همین اعتماد و یقین داشتن ناگزیر است، تا اسباب که الله متعال به اعتبار مقتضیات آشیاء از روی اندازه گیری شرعی مقرر نموده است استعمال نماید و تعطیل همین اسباب در حقیقت تعطیل حکمت تشریحی پروردگار، و کوتاهی در نفس توکل بشمار می‌رود، خلاصه اینکه توکل منافی استعمال اسباب نیست، بلکه مطابق حکمت تشریحی پروردگار است.

برخی از فوائد توکل کردن به خداوند جل جلاله قرار ذیل است:

- توکل کردن کمال ایمان و حسن اسلام است.
- توکل کمک، نصرت، و محبت خداوند جل جلاله را جلب می کند.
- توکل حفاظت و مانع از شر شیاطین انسی و جنی می باشد.
- توکل ایستادگی به حدود خداوند جل جلاله و مانع داخل شدن در حرام است.
- توکل ضامن راحت جان مؤمن و مسلمان است.
- توکل تحقق طاعت الله و رسولش می باشد.
- توکل از جمله اسباب وسعت و (فراخی) رزق انسان است.
- توکل کردن طمع و (توقع) در همان چیزی که پیش مردم است قطع می کند.^(۲)

^۱ مؤلف عبد الله مرحول السواله ، در کتاب : البركة في الرزق والأسباب الجالبة لها في ضوء الكتاب والسنة ج/ ۱ ص/ ۲۸۰

^۲ ابن قیم الجوزی - مدارج السالکین ج/ ۲ ص/ ۱۱۸ .

مطلب ششم خوشحالی به پیروزی مسلمانان و شکست کافران:

از مواصفات ویژه مؤمنان خوشی به پیروزی و (کامیابی) مسلمانان و خوشی بر شکست کافران است و همچنان خوشی به ایمان، خوشی به قرآن، خوشی به اسلام، خوشی به همه نعمت های پروردگار چه ظاهری باشد، و چه باطنی، دنیوی باشد، یا اخروی، اما خوشی کافران و منافقان بر عکس این موارد است، طوری که الله متعال می فرماید: (وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيْكُم زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ)^(۱)

ترجمه: هنگامی که سوره ای از سوره های قرآن نازل می شود کسانی از آنان (که منافقند از روی تمسخر و استهزاء برخی به برخی رو می کند) و می گوید: این سوره بر ایمان کدام يك از شما افزود؟ و (آیا چیز مهم و مفیدی گفتگو نمود؟)، و اما مؤمنان همان سوره قرآن بر ایمان شان می افزاید و نور آن بیش از پیش راه حق را بدیشان می نماید، و از این نزول قرآن که مایه افزایش ایمان و پرتو جان و سعادت هر دو جهان آنان می شود شادمان می گردد، هم چنان الله متعال می فرماید:

(وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ)^(۲)

ترجمه: در آن روز که رومیان پیروز میگردند مؤمنان شادمان می شود، آری خوشحال می شود از یاری خداوند، خداوند هر کسی را که بخواهد یاری می دهد، و او بس چیره بر دشمنان خود و بسیار مهربان در حق دوستان خویش است، و هم چنان الله متعال در مورد خوشحالی به قرآن و اسلام چنین می فرماید: (قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ)^(۳)

ترجمه: بگو: به فضل و رحمت خداوند به همین نه (چیز دیگری) باید مردمان شادمان شوند، این بهتر از چیزهایی است که از حطام دنیا گرد می آورند، و روی همدیگر می گذارند اما این خوشحالی بطور فخر و افتخار نباشد، و تنها به غرض مال و متاع دنیا نباشد، الله تعالی جَلَّ در این مورد چنین می فرماید: (فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)^(۴)

ترجمه: آنان شاد مانند از آنچه خداوند به فضل و کرم خود بدیشان داده است و خوشحال اند به خاطر کسانی که بعد از آنان مانده اند و هنوز در راه الله می رزمند، و به فوز شهادت نائل نشده اند و بدیشان نپیوسته اند، شادی و سرور آنان از این بابت است، که پیروزی، یا شهادت در انتظار هم کیشان ایشان

۱ - سوره توبه آیه ۱۲۴

۲ - سوره روم آیه ۴ - ۵

۳ - سوره یونس آیه ۵۸

۴ - سوره ال عمران آیه ۱۷۰

است و مقامات برجسته آنان را در آن جهان می بیند و می داند این که ترس و هراسی بر ایشان نیست و آنان اندوهگین نخواهد شد چه نه مکروهی بر سر راه آنان در سرای باقی است و نه برکاری که در سرای فانی کرده اند، و دارائی و عزیزانی را که ترك گفته اند پشیمانند، و هم چنان می فرماید: (يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مَنِ اللَّهُ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ)^(۱)

ترجمه: شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که الله بدانان داده است و فضل و کرمی که او بدیشان روا دیده است، و خوشوقت و مسرورند از این که می بیند خداوند اجر و پاداش مؤمنان را ضائع نکرده و هدر نمی دهد

مطلب هفتم معیت و همراهی با راستگویان:

از صفات ویژه مؤمنان راستگویی است؛ زیرا راستگویی و همراهی با راستگویان یک صفت اخلاقی، اسلامی و خیلی ارزنده ای است و در تشکیل ساختار یک جامعه سعادت مند نقش اساسی را ایفا می نماید، التزام به راستگویی در تمام شؤون زندگی فردی، و اجتماعی امر ضروری است، الله تعالی جَلَّ جَلالُه مؤمنان متقیان را به معیت و همراهی با راستگویان چنین دعوت می نماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)^(۲)

ترجمه: ای مؤمنان از الله بترسید و همگام با راستان باشید.

حقیقت راستگویی:

امام مناوی^(۳) می فرماید: حقیقت راستگویی عبارت است از عدم خلط، عدم خیانت، و عدم فریب در احوال، عدم شک در اعتقاد، عدم عیب در اعمال، راستگویی و همراهی با راستگویان از صفات ویژه یی مؤمنان به شمار میرود؛ زیرا تکمیل ایمان، و کسب بلندترین درجه تقوی به راستگویی تعلق دارد، و همچنان اصل و اساس ایمان راستگویی است، و اصل و اساس نفاق دروغگویی است حتی حد فاصل بین مسلمان و کافر راستگویی است، و فرق بین مؤمن و منافق است، و ممیز بین اهل سعادت و اهل شقاوت است، طوری که الله متعال می فرماید: (وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ)^(۴)

ترجمه: کسانی که حقیقت و صداقت را با خود آورده اند و از سوی خداوند به مردمان ابلاغ کرده اند که پیغمبرانند و کسانی که حقیقت و صداقت را باور داشته اند و برابراش رفته اند، که مؤمنانند آنان

۱- سوره آل عمران آیه ۱۷۱

۲- سوره توبه آیه ۱۱۹

۳ مناوی: زین الدین محمد المدعو بعبد الرؤوف پسر تاج العارفین پسر علی پسر زین العابدین الحدادی باز مناوی، قاهری (متوفی: ۱۰۳۱هـ) در کتاب: التوقیف علی مهمات التعاریف ج/ ۱ ص/ ۲۱۴ ذکر نموده است.

۴- سوره زمر آیه ۳۳

پرهیزگاران واقعی هستند و بلندترین مرتبه پس از نبوت، و رسالت مقام صدیقیت و (راستگویی) است؛ زیرا الله متعال پس از انبیاء صدیقین را از شهداء و صالحین پیش ذکر می کند، الله تعالی جَلَّه می فرماید:

(وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)^(۱)

ترجمه: وکسی که از الله و پیغمبر با تسلیم در برابر فرمان آنان و رضا به حکم ایشان اطاعت کنند او در روز رستاخیز به بهشت رود و همراه و همنشین کسانی خواهد بود که مقرّبان درگاه اند، و خداوند بدیشان نعمت هدایت داده است، و مشمول الطاف خود نموده است، و بزرگواری خویش را بر آنان تمام کرده است، آن مقرّبانی که او همدم شان خواهد بود عبارتند از پیغمبران و راستروان و راستگویانی که پیغمبران را تصدیق کردند، و بر راه آنان رفتند و شهیدان یعنی آنان که خود را در راه خداوند فدا کردند، و شایستگان یعنی سایر بندگان که درون و بیرون شان به زیور طاعت و عبادت آراسته شدند، و آنان چه اندازه دوستان خوبی هستند، و همچنان الله تعالی جَلَّه می فرماید: (وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ)^(۲)

ترجمه: کسانی که به خدا و به پیغمبرانش ایمان بیاورد آنان راستان و گواهان پیشگاه پروردگارشاند و اجر خود را و نور خود را دارد، اما کسانی که کافر بشود و آیات ما را تکذیب کند آنان دوزخیانند، از همین جهت صفت صدیقیت برای ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) که افضل تمام انسانها پس از انبیاء و رسولان بود داده شدند اگر پس از نبوت مقام بلند از صدیقیت می بود، برایشان داده می شد، پس معلوم می شود که پس از نبوت بلندترین مقام و مرتبه صدیقیت است تقوی، پرهیزگاری، و انسانیت به راستگویی، و همراهی با راستگویان، به کمال میرسد، و یگانه چیزی که در روز قیامت برای انسان فایده می رساند، و از عذاب الهی نجات می دهد، سبب رضا مندی پروردگار، و سبب دخول جنت می شود راستگویی است، الله تعالی جَلَّه می فرماید: (قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)^(۳)

ترجمه: در روز قیامت خداوند می گوید: امروز روزی است که تنها درستی کردار و درستی گفتار راستگویان در دنیا هم اینک در عقبی بدیشان سود می رساند، برای آنان باغهایی از بهشت است که در زیر درختان آن جویبارها روان است، ایشان در آنجا جاودانه می مانند، خداوند به سبب اعمال گذشته ایشان از آنان خوشنود، و ایشان هم به سبب اجر و پاداش فراوان و بی پایانی که دریافت داشته اند، از

۱ - سوره نساء آیه ۶۹

۲ - سوره حدید آیه ۱۹

۳ - سوره مائده آیه ۱۱۹

خداوند خوشنودند، این است پیروزی بزرگ و نعمت سترگ و هم چنان الله متعال برای مردان راستگو و زنان راستگو وعده ی مغفرت و اجر بزرگ داده اند الله تعالی جَلَّ مِی فرماید: (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفرةً وَأَجراً عَظِماً)^(۱)

ترجمه: مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان، و زنان با ایمان، مردان فرمانبردار فرمان خدا و زنان فرمانبردار فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که بسیار خدا را یاد می کند، و زنانی که بسیار الله را یاد می کنند، خداوند برای همه بی آنان آمرزش و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است.

مبحث دوم صفات عملی مؤمنان در سوره توبه:

این مبحث دارای پنج مطلب است که در مطلب اول، از آباد سازی و تعمیر مساجد، در مطلب دوم، از برپا داری نماز و داشتن روزه، در مطلب سوم، از جهاد کردن، در مطلب چهارم، از امر به معروف و نهی از منکر، و در مطلب پنجم، از فرمان برداری از الله تعالی و رسولش بحث خواهد شد.

مطلب اول آباد سازی و تعمیر مساجد:

از صفات ویژه عملی مؤمنان آباد سازی و (تعمیر) مساجد است؛ زیرا آباد سازی مساجد کاری مشرکان و کافران نیست، بلکه تنها کاری مسلمان نیک و صالح می باشد مسلمانان باید متولی، منتظم، مسؤل و وظیفه حفظ، نگهداری، و تطهیر مساجد را بر عهده داشته باش، اما آباد سازی مساجد بر دو نوع است: ظاهری، و باطنی:

- آباد سازی ظاهری: یعنی تعمیر مساجد از سنگ، خشت، و سمنت درودیوار آن و پاک صاف نگهداشتن مساجد از هر قسم گنده گی ها شامل است.

- آباد سازی باطنی: یعنی تعمیر معنوی عبارت از ذکر خداوند، تلاوت قرآن کریم، نمازهای فرایض و نوافل، حلقات درسی قرآن و حدیث، و همچنان نگهداشتن مساجد از کفر، شرک، بدعات، از رسوم و رواج های باطل، و از محافل دنیوی و وظیفه مسلمانان است، مقصود اینکه آباد سازی حقیقی مساجد کسی می تواند انجام دهد که از نظر عقیده و عمل پایبند احکام شریعت الهی باشد، بناءً هر دو قسم تعمیر ظاهری و باطنی مربوط مسلمانان می شود، کار کافر، مشرک و مُلحد نیست، در این مورد الله تعالی جَلَّ می فرماید: (مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ)^(۱)

ترجمه: مشرکانی که به کفر خویش گواهی می دهد حق ندارد مساجد خدا را با عبادت یا تعمیر و تنظیم و خدمت آباد کند، آنان اعمال شان هدر و تباه است و اجر و مزدی به کارهای شان تعلق نمی گیرد و جاودانه در آتش دوزخ ماندگار می ماند.

یعنی: مشرکان را نسزد و نرسد که در آباد سازی مادی یا معنوی مساجد سهمی داشته باشد یعنی مشرکان نه حق شرکت در تعمیر و بنای مساجد را دارد و نه حق شرکت در اجتماع و عبادت در آنها را البته کمک مالی یا بدنی آنان در ساختمان مساجد بلامانع است اگرزبان سیاسی یا دینی در آن نباشد^(۲) الله متعال می

^۱ - سوره توبه آیه ۱۷

^۲ - تفسیر المنار صفحه ۲۰۸ جلد ۱۰ اعراف / ۱۷۲ و عادیات / ۷

فرماید: (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ)^(۱)

ترجمه: تنها کسی حق دارد مساجد خدا را با تعمیر یا عبادت آبادان سازد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از خدا نترسد امید است چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشد و همچنان الله متعال می فرماید: (أَجْعَلْنٰمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)^(۲)

ترجمه: آیا رتبه سقایت و آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجد الحرام را همسان مقام آن کسی می شمارید که به خداوند و روز رستاخیز ایمان آورده است، و در راه خداوند جهاد کرده است و به جان و مال کوشیده است؟ هرگز منزلت آنان یکسان نیستند، و در نزد خداوند برابر نمی باشد، و خداوند مردمانی را که به خویشتن به وسیله کفر ورزیدن و به دیگران به وسیله انیت و آزار آنان ستم می کند به راه خیر و صلاح دنیوی و نعمت و سعادت اخروی رهنمود نمی سازد، و همچنان الله متعال می فرماید: (فِي بُيُوتٍ أَدْنَىٰ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)^(۳)

ترجمه: اگر در جستجوی این نور پرفروغ هستید آن را بجوئید در خانه هائی که خداوند اجازه داده است برافراشته شود و در آنها نام الله برده شود، و با ذکر و یاد او و با تلاوت آیات قرآنی و بررسی احکام آسمانی آباد شود خانه‌های مسجد نامی که در آنها سحرگاهان و شامگاهان به تقدیس و تنزیه یزدان می پردازد.

۱- سوره توبه آیه ۱۸

۲- سوره توبه آیه ۱۹

۳- سوره نور آیه ۳۶

مطلب دوم برپاداری نماز و داشتن روزه:

از صفات ویژه و دائمی مؤمنان اقامت نماز و داشتن روزه است برپاداری نماز از جمله صفات ویژه‌ی عملی مؤمنان بشمار می‌رود نماز رکن اساسی دوم دین مقدس اسلام است که بالای همه مردان و زنان مسلمان بالغ و عاقل فرض عین گردیده است که فرضیت آن به قرآن، سنت، و اجماع اُمت ثابت است، الله تعالی جَلَّ اللهُ می‌فرماید: (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (۱)

ترجمه: از جمله اوصاف این مؤمنان و سائرمسلمانان این است که آنان توبه کننده از معاصی پرستنده (دادار) سپاسگزار پروردگار گردنده در زمین و اندیشمند در آفاق و انفس نمازگزار دستور دهنده به کار نیک بازدارنده از کار بد و حافظ قوانین الله می‌باشند، ای پیغمبر! مژده بده به مؤمنان به چیزهایی که خارج از توصیف و تعریف و به دور از فهم مردمان است، و همچنان: (فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (۲)

ترجمه: اگر توبه کردند و از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند، و برای نشان دادن آن نماز خواندند و زکات دادند، دیگر از زمره شماینند و ایشان را رها سازید، و راه را بر آنان باز گذارید، بیگمان خداوند داری مغفرت فراوان برای توبه کنندگان از گناهان، و رحمت گسترده برای همه بندگان است، و هم چنان الله تعالی می‌فرماید:

(إِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (۳)

ترجمه: اگر آنان از کفر توبه کردند و احکام اسلام را مراعات داشتند و از جمله نماز را خواندند، و زکات دادند دست از آنان بردارید؛ چرا که در این صورت برادران دینی شما هستند، و سزاوار همان چیزهایی بوده که شما سزاوارید، و همان چیزهایی که بر شما واجب است بر آنان هم واجب است، ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می‌کنیم و شرح می‌دهیم و همچنان الله متعال می‌فرماید: (وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (۴)

ترجمه: و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از خداوند نترسد امید است، چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشد، و هم چنان الله متعال می‌فرماید: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

۱ - سوره توبه آیه ۱۱۲

۲ - سوره توبه آیه ۵

۳ - سوره توبه آیه ۱۱

۴ - سوره توبه آیه ۱۸

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^(۱)

ترجمه: مردان و زنان مؤمن برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند، همدیگر را به کار نیک می خواند و از کاربرد باز می دارد، و نماز را چنانچه باید می گزارد، و زکاة را می پردازد، و از الله و پیغمبرش فرمانبرداری می کند، ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند این وعده الله است و خداوند به گزاف وعده نمی دهد، و از وفای بدان هم ناتوان نیست چرا که خداوند توانا و حکیم است.

حقیقت نماز در شریعت:

برکتی^(۲) می فرماید: نماز در شریعت عبارت است از ارکان مخصوصه، انکار معلومه، با شرائط معدوده، با صفات معینیه، یا عبارت از افعال و اقوالی است که با تکبیر (الله اکبر) شروع و با سلام دادن خاتمه می یابد، و هم چنان در مورد روزه داران الله متعال می فرماید: (التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)^(۳)

ترجمه: از جمله اوصاف این مؤمنان و سائر مسلمانان این است که آنان توبه کننده از معاصی، پرستنده، (دادار) سپاسگزار پروردگار، گردنده در زمین، یا روزه داران، و اندیشمند در آفاق و انفس، نمازگزار، دستور دهنده به کار نیک، باردارنده از کار بد و حافظ قوانین الله می باشد، ای پیغمبر مژده بده به مؤمنان به چیزهائی که خارج از توصیف و تعریف و به دور از فهم مردمان است یعنی: (السَّائِحُونَ) به معنای (الصَّائِمُونَ) است نزد عموم مفسرین به معنای روزه داران است گرچه در اصل این لفظ از سیاحت مأخوذ است؛ زیرا قبل از اسلام در دین (نصرانیّت) سیاحت را نوعی عبادت پنداشته می شد که انسان خانه و کاشانه خود را ترک داده برای عبادت بیرون برود، در اسلام به چنین عملی (رهبانیت) به طور کلی از آن منع شده است، و به جای آن روزه مقررگشته است؛ زیرا هدف از سیاحت ترک دنیا بود، در روزه چنان چیزی است^(۴) و هم چنان خداوند متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)^(۵)

۱ - سوره توبه آیه ۷۱

۲ برکتی: محمد عمیم الإحسان مجددي البرکتی - : التعريفات الفقهية ج/ ۱ ص/ ۱۲۹

۳ - سوره توبه آیه ۱۱۲

۴ تفسیر معارف القرآن ج/ ۶ ص/ ۳۸۹ سوره توبه ۴

۵ - سوره بقره آیه ۱۸۳

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما روزه واجب شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند واجب بوده است تا باشد که پرهیزگار شوید.

حقیقت روزه:

روزه در شریعت عبارت است از خودداری مخصوص (از نگهداشتن نفس انسان) از خوردنی ها، نوشیدنی ها، خواهشات شهوانی، و امور منفی اخلاقی، که با نیت از طلوع فجر صادق آغاز تا زمانی غروب آفتاب دوام می داشته باشد، روزه سبب قوی شدن ایمان است، روزه باعث سلامتی بدن می گردد و عامل تقویت روح انسان است، روزه باعث شناخت نعمت های الهی می گردد، روزه محیط سازگار اجتماعی برای تربیت بندگی الله متعال می باشد، روزه انسان را صیقل می دهد، روزه سپری برای دفاع از گناهان می باشد، روزه تمرین دوامدار بندهگی آفریده‌گار می باشد، روزه تهذیب طبیعت انسانی است، و سبب محبت الله تعالی جل جلاله، مقابله با شیطان، باعث خشیت الهی، ضامن از وقوع در محرمات، تمرین طولانی، اطاعت و بندگی الله متعال، و علاقه مندی به نیکی ها است.

مطلب سوم جهاد کردن:

از صفات ویژه مؤمنان جهاد کردن در راه خداوند جل جلاله است؛ زیرا جهاد بزرگترین عمل در اسلام است، سربلندی، وقار و عزت اسلام و مسلمانان وابسته به جهاد است تا زمانی که مسلمانان جهاد می کرد بالای تمام نظام های کفری غالب و حکم فرما بودند، و در دنیا عزت و وقار داشتند، اما وقتی که جهاد را ترک کردند دلیل شدند قسمی که در حال حاضر مسلمانان قرار دارد و همچنان مجاهدین از جمله بهترین و نیکوترین بندگان خداوند جل جلاله است، در روی زمین و به نزد خداوند جل جلاله کسانی که جهاد می کند، و کسانی که جهاد نمی کند هرگز برابر نیست، مجاهدین از فضیلت زیادی برخوردار است و جهاد تا روز قیامت ادامه خواهد داشت.

حقیقت جهاد:

امام الزبیدی^(۱) می فرماید: حقیقت جهاد در شریعت عبارت است از رزمیدن در مقابل دشمن با تمام قوت عملی، و قولی خود و بر سه قسم است: اول: جهاد در مقابل دشمن آشکار، دوم: جهاد در مقابل شیطان، سوم: جهاد در مقابل نفس که هر سه قسم جهاد داخل این حکم پروردگار است: (وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ)^(۲)

ترجمه: و در راه خدا جهاد و تلاش کنید آن گونه که شایسته جهاد و بایسته تلاش در راه او است (تا در میدان جهاد اصغر که نبرد با دشمنان دین است، و در پهنه جهاد اکبر که مبارزه با نفس امّاره است، پیروز گردید) الله متعال می فرماید: (أَجْعَلْنُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)^(۳)

ترجمه: آیا رتبه سقایت و آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجد الحرام را همسان مقام آن کسی می شمارید که به الله و روز رستاخیز ایمان آورده است و در راه خداوند جهاد کرده است، و به جان و مال کوشیده است؟ هرگز منزلت آنان یکسان نیست، و در نزد خداوند برابر نمی باشد و خداوند مردمانی را که به خویشتن به وسیله کفر ورزیدن و به دیگران به وسیله اذیت و آزار آنان ستم می کند، به راه خیر و صلاح دنیوی و نعمت و سعادت اخروی رهنمود نمی سازد و همچنان الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ)^(۴)

^۱ الزبیدی: محمد پسر محمد پسر عبد الرزاق الحسینی، أبو الفیض، ملقب بمرتضی، الزبیدی (المتوفی: ۱۲۰۵ هـ -): در کتاب تاج العروس من جواهر القاموس ج/۷ ص/ ۵۳۷ ماده (جهاد)

^۲ سوره حج آیه ۷۸

^۳ سوره توبه آیه ۱۹

^۴ سوره توبه آیه ۲۰

ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند و به مهاجرت پرداخته اند و در راه الله با جان و مال کوشیده اند و جهاد نموده اند دارای منزلت والاتر و بزرگتری در پیشگاه خداوند و آنان رستگاران و به مقصود رسندگان و سعادت‌مندان دنیا و آخرت می باشد و همچنان الله تعالی می فرماید: (قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) (۱)

ترجمه: بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما و اموالی که فراچنگش آورده اید، و بازرگانی و تجارتي که از بی بازاری و بی رونقی آن می ترسید و منازلی که مورد علاقه شما است اینها در نظر تان از الله و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد در انتظار باشید که خداوند کار خود را می کند و عذاب خویش را فرو می فرستد، خداوند کسان نافرمان بردار را به راه سعادت هدایت نمی نمایند و هم چنان الله تعالی می فرماید: (انزُرُوا خِيفًا وَتَقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (۲)

ترجمه: ای مؤمنان هرگاه منادی جهاد شما را به جهاد ندا درداد فوراً به سوی جهاد حرکت کنید سبک بار، یا سنگین بار، جوان یا پیر، مجرد یا متأهل، کم عائله یا پر عائله، غنی یا فقیر، فارغ البال یا گرفتار، مسلح به اسلحه سبک یا سنگین، پیاده یا سواره و... در هر صورت و در هر حال و با مال و جان در راه خداوند جهاد و پیکار کنید، اگر دانا باشید می دانید که این به نفع خود شما است، و همچنان الله متعال می فرماید: (لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالْمُتَّقِينَ) (۳)

ترجمه: آنان که ایمان به الله و روز رستاخیز دارند در انجام جهاد با مال و جان در راه یزدان از تو اجازه نمی گیرند؛ زیرا جهاد واجب است و در اداء واجبات کسب اجازه لازم نیست، این چنین مؤمنان راستینی که برای رفتن به جهاد اجازه نمی گیرند به طریق اولی برای نرفتن به جهاد درخواست اجازه نمی کند و خداوند به خوبی افراد پرهیزگار را می شناسد و از نیات و اعمال آنان کاملاً آگاه است، و هم چنان: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ) (۴)

ترجمه: ای پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و پیکار کن تا ایشان را از کفر و نفاق برگردانی و بر آنان سخت بگیر و با ایشان خشن باش این مجازات کنونی ایشان است و در آخرت جایگاه شان دوزخ است، و چه بد سرنوشت و چه زشت جایگاهی است، و همچنان الله متعال می فرماید: (فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ

۱- سوره توبه آیه ۲۴

۲- سوره توبه آیه ۴۱

۳- سوره توبه آیه ۴۴

۴- سوره توبه آیه ۷۳

خَالَفَ رَسُولَ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ^(۱)

ترجمه: منافقانی که از رفتن به جنگ تبوک سرباز زده اند و در خانه های خود گرفته اند و نشسته اند، این خانه نشینان منافق از این که از رسول الله واپس کشیده اند، شادمانند و نخواستند با مال و جان در راه یزدان جهاد و پیکار کنند، و دین الله را یاری دهد تا می تواند دیگران را از جنگ می ترساند، و با نشستن با خود تشویق می نماید و می گوید: در گرمای سوزان تابستان به سوی میدان نبرد حرکت نکنید، ای پیغمبر! بدانان بگو: اگر دانا بودند می فهمیدند که آتش دوزخ بسیار گرمتر و سوزانتر از گرمای تابستان و از همه آتشیهای جهان است، و همچنان می فرماید: (وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّولِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ)^(۲)

ترجمه: هنگامی که سوره ای نازل گردد و آنان را دعوت کند که در ایمان خود به خداوند اخلاص داشته باشید و به همراه پیغمبرش به جهاد بپردازید، ثروتمندان ایشان از تو اجازه می خواهند که به جهاد نروند و می گویند: بگذار با خانه نشینان معذور در مدینه بمانیم، و همچنان می فرماید: (لَكِنَّ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)^(۳)

ترجمه: ولی پیغمبر و مؤمنانی که با او هستند با مال و جان خود به جهاد می پردازد تا خدا را از خود خوشنود سازد، و دین الله را بالا برد همه خوبیها و نیکیها از قبیل پیروزی و غنیمت دنیا و بهشت و کرامت آخرت از آن ایشان است و آنان بیگمان رستگارانند.

۱- سوره توبه آیه ۸۱

۲- سوره توبه آیه ۸۶

۳- سوره توبه آیه ۸۸

مطلب چهارم امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر هم از صفات ویژه مؤمنان و یک عمل فارق و (متمايز) بين مؤمن و منافق است. یعنی مؤمن را از منافق جدا می سازد و اساس دین مقدس اسلام به امر به معروف و نهی از منکر استوار است، وظیفه و رسالت همه بی پیغمبران و وظیفه همه بی مسلمانان به اندازه توان و طاقت بشری آن است و همچنان پیشبرد وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در جهت تعمیم نیکی ها و جلوگیری از فساد و بدی ها تلاش های پیهم و مستمر را ادامه دادند، از رسالت مهم علماء کرام می باشد برای بیشتر وضاحت باید بدانیم که حقیقت معروف و حقیقت منکر چیست؟

حقیقت معروف و منکر: امام جوهری^(۱) می فرماید: معروف عبارت از اسم جامع شناخته شده برای همه بی طاعة خداوند جله، و تقرب به خداوند جل جلاله، و نیکی با مردم، و تمام آن چیزهای که شریعت آنرا پسندیده و مستحسن گفته معروف است، و منکر: عبارت است از همه بی چیزهای که شریعت آنرا تقبیح نموده، حرام گفته، و آنرا ممنوع قرار داده است، امام طبری^(۲) (رحمه الله) می فرماید: معروف در اصل به همان چیزی گفته می شود که انجام دادن آن در شان مؤمن شایسته و بایسته باشد، از همین جهت به (طاعت) خداوند جله معروف گفته می شود که همه بی مسلمانان آنرا شایسته می دانند، و آنرا به سر و چشم می پذیرند و به تمام ارزشهای مادی و معنوی خود آنرا لیبیک می گویند، و اصل منکر به همان چیزی گفته می شود که خداوند جله آنرا تقبیح نموده، و مسلمانان نیز آنرا به نظر زشت و بد می نگرند، از همین جهت (گناه را) منکر گفته می شود که خداوند جله آنرا تقبیح نموده و همه بی مسلمانان آنرا نیز بد می بینند، و ارتکاب آنرا جرم میدانند امر به معروف و نهی از منکر از جمله فرض کفایی است، همه بی مؤمنان به این حکم ربّانی مخاطب و مکلف اند، اما اگر یک جماعت این عمل را انجام دهد، ذمه دیگران فارغ خواهد شد، اگر برای این وظیفه بزرگ یک نفر عالم داعی بود بر ذمه آن لازم است، تا این کار را انجام دهد، و اگر یک جماعت علماً و داعیان موجود بود مگر مقصود بدون آنها حاصل نمی شد، همه بی آنها مکلف اند، تا این وظیفه مقدس را انجام دهند؛ زیرا اصلاح مسلمانان و بقای دین اسلام به دعوت امر به معروف و نهی از منکر بستگی تنگاتنگی دارد، مادامی که سلسله امر به معروف و نهی از منکر در دنیا موجود باشد، زندگی مسلمانان هدفمند، و با سعادت خواهد بود، اما اگر مسلمانان عمل امر به معروف و نهی از منکر را ترک بگویند، فتنه و فساد در روی زمین به اوج خود خواهد رسید، در این وقت نصیب مسلمانان غیر از پراگندگی، خواری، و ذلت چیزی دیگری نخواهد بود، و دست آورد

^۱ أبو نصر إسماعیل بن حماد الجوهري الفارابي (المتوفى: ۳۹۳هـ) در کتاب: الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية ج/۲ ص/ ۸۳۷

^۲ امام طبری - محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ۳۱۰هـ) - جامع البيان في تأويل القرآن ج/۷ ص/ ۱۰۵

خوبی نخواهند داشت، ضلالت و گمراهی، فتنه و فساد در دنیا فراگیر همه بی انسان ها خواهد شد، امر به معروف و نهی از منکر به قرآن، سنت، و اجماع ثابت است، خداوند متعال صمیمیت و اخلاص مؤمنان را به همین عمل توصیف می نماید: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)^(۱)

ترجمه: مردان و زنان مؤمن برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند همدیگر را به کار نیک می خواند، و از کاربرد باز می دارد، و نماز را چنان که باید می گزارد، و زکات را می پردازد، و از الله و پیغمبرش فرمانبرداری می کند، ایشان کسانی اند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند، این وعده خداوند است و خداوند به گزاف وعده نمی دهد، و از وفای بدان هم ناتوان نیست، چرا که خداوند توانا و حکیم است و همچنان در این آیه هم خداوند متعال مؤمنان را توصیف می نماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَالْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)^(۲)

ترجمه: (از جمله ای اوصاف این مؤمنان و سائر مسلمانان این است که) آنان توبه کننده (از معاصی)، پرستنده (ی دادار) سپاسگزار (پروردگار) گردنده (در زمین و اندیشمند در آفاق و انفس)، نمازگزار، دستور دهنده به کار نیک، بازدارنده از کار بد، و حافظ قوانین خدا می باشد (ای پیغمبر!) مژده بده به مؤمنان (به چیزهایی که خارج از توصیف و تعریف و به دور از فهم مردمان است).

۱- سوره توبه آیه ۷۱

۲- سوره توبه آیه ۱۱۲

مطلب پنجم فرمان برداری از الله تعالی جلاله و رسولش:

فرمان برداری از الله تعالی جلاله و پیروی از رسولش هم از صفات ویژه مؤمنان است؛ زیرا انسان موجود اجتماعی بوده، به تعاملات نیازمند است، و تعاملات به قانون و نظام ضرورت دارد، در اینجا است که موضوع اطاعت مطرح می شود، تا نظام به طور درست پیاده شود در مورد فرمان برداری و اطاعت: خداوند متعال می فرماید: (...وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)^(۱) ترجمه: و از خدا و پیغمبرش فرمان برداری می کند ایشان کسانی که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند این وعده الله است، و خداوند به گزاف وعده نمی دهد، و از وفای بدان هم ناتوان نیست؛ چرا که خداوند توانا و حکیم است.

یعنی: راضی و تسلیم شدن به احکام و فرامین خداوند و رسولش، و عمل نمودن به رهنمودها و ارشادات آنها نه تنها یکی از بزرگترین لوازم ایمان داشتن به خداوند و رسولش به شمار میرود، بلکه اطاعت و پیروی از خداوند و رسولش در انجام دادن همه یی عبادات، احکامات، و سایر شعائر دینی و دومین اساس دین مقدس اسلام نیز به شمار میرود، اساس اول عبادت و (بندگی) خداوند متعال و اساس دوم اطاعت و پیروی نمودن از خداوند و رسولش می باشد، و همچنان یگانه راه رسیدن به هدایت و کامیابی، و نجات از فتنه های گوناگون و بالآخره، نایل شدن به بهشت برین و حیات جاودانی تنها در اثر اطاعت و پیروی از فرامین الله و رسولش صلی الله علیه و سلم تحقق می یابد، و بر همین اساس خداوند متعال در سورت ها و آیتهای متعدد قرآن کریم، و پیغمبر علیه و سلم در احادیث و روایات متعدد با شیوه های مختلف مؤمنان و مسلمانان را به پیروی نمودن از خداوند و رسولش توصیه و تأکید نموده است، در اکثر آیات قرآنی خداوند متعال مسلمانان را یکجا به اطاعت از خودش و اطاعت از پیغمبرش نیز توصیه نموده است.^(۲)

^۱ - سوره توبه آیه ۷۱

^۲ امام أبو جعفر طبری تفسیر طبری ج / ۷ ص / ۱۱۳ - ۱۱۵

مبحث سوم صفات مالی مؤمنان در سوره توبه:

این مبحث دارای سه مطلب می باشد که در مطلب اول، پرداخت زکات، در مطلب دوم مصرف کردن مال در اعمار مساجد و در مطلب سوم انفاق در راه جهاد، بیان خواهد شد

مطلب اول پرداخت زکات:

پرداخت زکات از جمله صفات ویژه مالی ی مؤمنان به شمار می رود چون اسلام به صفت یک مکتب تنها اخلاقی، یا فلسفی، یا اعتقادی ظهور نکرده اند، بلکه به عنوان یک آئین جامع که تمام ابعاد زندگی بشر را دربر گرفته و تمام نیازمندی های مادی و معنوی در آن پیش بینی شده پا به عرصه ی ظهور گذاشته است، و همچنان زکات از پایه های اساسی نظام مالی، و اقتصادی اسلام، و به مثابه ستون فقرات اقتصاد اسلامی به شمار می رود، و نیز در زندگی انسان تأثیر بسیار ارزنده ای دارد، که نفس انسان را از رذائل اخلاقی همانند: بخل، حرص مال، دنیاپرستی، و محبت با مال و متاع دنیا پاک می سازد، و در عین حال سبب پاک شدن مال، و سبب رشد و انکشاف مال می گردد، خیر و برکت را در آن می افزاید، و همچنان روحیه تکافل اجتماعی را قوت می بخشد، و نهال نوع دوستی، همگرایی، حس همکاری، همپذیری، همبستگی، محبت، صمیمیت و توجه به حقوق دیگران را پرورش می دهد، گذشته بر آن مفسد و آلودگی های که در جامعه به اثر فقر و بیچارگی، فاصله طبقاتی، سخت دلی و محرومیت ها توسط گروه از جامعه بوجود آمده به انجام این فریضه الهی برچیده می شود، و توجه خاص به حمایت از محرومان و مبارزه با فاصله طبقاتی دارد، خداوند به توسط این فریضه دلها را از تنگ چشمی پاک می سازد و آنرا رابطه و پیوند مهر و محبت و عطف به همدیگر، و وسیله صمیمت میان افراد جامعه می گرداند، و زندگانی بشریت را تروتازه می نماید، و دلهای انسان ها را به آفریدگارش پیوند می دهد، همان گونه که میان انسان ها و سائرهم نوعانش پیوند می سازد قرآنکریم به این فلسفه اخلاقی اشاره نموده می فرماید: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)^(۱) ترجمه: ای پیغمبر از اموال آنان که به گناه خود اعتراف دارد و در صدد کاهش بدیها و افزایش نیکی های خویش می باشد، زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را از رذائل اخلاقی و گناهان و تنگ چشمی پاک داری، و در دل آنان نیروی خیرات و حسنات را رشد دهی، و درجات ایشان را بالا ببری و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعا و طلب آمرزش تو مایه آرامش دل و جان ایشان می شود، و سبب اطمینان و اعتقاد بیشتر شان می گردد، و خداوند شنوای دعای مخلصان و آگاه از نیات همگان است، و همچنان الله

^۱ - سوره توبه آیه ۱۰۳

تعالی جَلَّ مِی فرماید: (وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يَنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيَدْخِلُهمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (۱)

ترجمه: در میان عربهای بادیه نشین کسانی هم هستند که به الله و روز رستاخیز ایمان دارد، و چیزی را که در راه خدا صرف می کند مایه نزدیکی به الله و سبب دعای پیغمبر در حق خود میداند، و دعای پیغمبر مایه سعادت محسنان و خیر و برکت عُمر و روزی ایشان است، هان بیگمان صرف پول در راه خداوند عاهای رسول مایه تقرب آنان در پیشگاه خداوند است، به طور قطع خداوند آنان را غرق رحمت خود خواهد کرد، چرا که خداوند آمرزنده گناهان و مهربان در حق بندگان است، و هم چنان الله متعال می فرماید: (فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (۲)

ترجمه: اگر توبه کردند و از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند، و برای نشان دادن آن نماز خواندند، و زکات دادند دیگر از زمره شما نبیند، و ایشان را رها سازید، و راه را بر آنان باز گذارید، بیگمان خداوند دارای مغفرت فراوان برای توبه کنندگان از گناهان و رحمت گسترده برای همه بندگان است، و هم چنان الله متعال می فرماید: (فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (۳)

ترجمه: اگر آنان از کفر توبه کردند و احکام اسلام را مراعات داشتند و از جمله نماز را خواندند و زکات دادند، دست از آنان بردارید؛ چرا که در این صورت برادران دینی شما هستند، و سزاوار همان چیزهایی بوده که شما سزاوارید و همان چیزهایی که بر شما واجب است، بر آنان هم واجب است ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می کنیم و شرح می دهیم و هم چنان الله متعال می فرماید:

(إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (۴)

ترجمه: تنها کسی حق دارد مساجد الله را با تعمیر یا عبادت آبادان سازد، که به الله و روز قیامت ایمان داشته باشد، و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از الله نترسد امید است، چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشد و هم چنان الله متعال می فرماید: (...وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (۵)

۱ - سوره توبه آیه ۹۹

۲ - سوره توبه آیه ۵

۳ - سوره توبه آیه ۱۱

۴ سوره توبه آیه ۱۸

۵ - سوره توبه آیه ۷۱

ترجمه: و زکات را می پردازد و از الله و پیغمبرش فرمان برداری می کند، ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند این وعده الله است، و خداوند به گزاف وعده نمی دهد و ازوفای بدان هم ناتوان نیست؛ چرا که خداوند توانا و حکیم است، و همچنان الله متعال در مورد مانعین زکات چنین می فرماید: (وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ)^(۱)

ترجمه: و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می کند، و آن را در راه خدا خرج نمی نماید آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مرده بده و همچنان در مورد مصارف زکات الله متعال می فرماید:

(إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)^(۲)

ترجمه: زکات مخصوص مستمندان بیچارگان گردآورندگان آن، کسانی که جلب محبتشان برای پذیرش اسلام، و سودگرفتن از خدمت و یاریشان به اسلام چشم داشته می شود، آزادی بندگان پرداخت بدهی، بدهکاران صرف در راه تقویت آئین خدا، و اماندگان در راه، و مسافران درمانده، و دور افتاده از مال و منال و خانه و کاشانه می باشد، این يك فريضة مهم الهی است که جهت مصلحت بندگان الله مقرر شده است و الله دانا به مصالح آفریدگان و حکیم در وضع قوانین است.

برخی از فوائد دادن زکات:

- ✓ عمل کردن به یکی از تهادب و رکن بزرگ اسلام.
- ✓ پاک و صاف نمودن مال از حقوق دیگران.
- ✓ حجت و دلیل بر صداقت ایمان، و نگهداری نفس از مرض بخل و حرص مال دنیا.
- ✓ یاری نمودن فقراء و مساکین و محتاجین و پوره کردن حوائج آنان.
- ✓ سبب برکت مال و دفع کردن بلايا و مصیبت ها .
- ✓ تقویه نمودن حس همکاری در بین افراد جامعه .
- ✓ همکاری برای حل معضله فقر و بیچارگی از جامعه.
- ✓ ایجاد ترحم شفقت و مهربانی در جامعه.
- ✓ جلب رحمت پروردگار و دفع کردن قهر و غضب پروردگار .
- ✓ سبب فلاح و کامیابی در دنیا و آخرت.^(۳)

۱- سوره توبه آیه ۳۴

۲- سوره توبه آیه ۶۰

۳ الشیخ/ دكتور صالح بن عبد الله بن حميد إمام وخطيب الحرم المكي - نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم ج/ ۶ ص/ ۲۲۱۶ - ناشر: دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة - الطبعة: الرابعة - عدد الأجزاء: ۱۲

مطلب دوم اعمار مساجد:

اعمار مساجد از جمله صفات ویژه مؤمنان است، الله متعال می فرماید: (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (۱)

ترجمه: تنها کسی حق دارد مساجد خداوند را با تعمیر یا عبادت آبادان سازد، که به الله و روز قیامت ایمان داشته باشد، و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد، و جز از الله نترسد امید است چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشند، همچنان الله متعال می فرماید: (أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (۲)

ترجمه: آیا رتبه سقایت و آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجد الحرام را همسان مقام آن کسی می شمارید که به خداوند و روز رستاخیز ایمان آورده است، و در راه خداوند جهاد کرده است، و به جان و مال کوشیده است؟ هرگز منزلت آنان یکسان نیستند، و در نزد خداوند برابر نمی باشد و خداوند مردمانی را که به خویشان به وسیله کفر ورزیدن و به دیگران به وسیله اذیت و آزار آنان ستم می کند به راه خیر و صلاح دنیوی و نعمت و سعادت اخروی رهنمود نمی سازد. و همچنان از پیغمبر علیه السلام در مورد فضایل اعمار مساجد احادیث آمده اند، می فرماید: (سَمِعَ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ وَإِنِّي سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا - قَالَ بُكَيْرٌ: حَسِبْتُ أَنَّهُ قَالَ: يَبْتَغِي بِهِ وَجْهَ اللَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ مِثْلَهُ فِي الْجَنَّةِ) (۳)

ترجمه: از حضرت عثمان (رضی الله عنه) روایت است او گفت: شنیدم رسول الله ﷺ می فرمود: کسی که مسجدی را خاص برای ضای خداوند بنا کند، خداوند متعال در بهشت خانه ی همانند آن برایش می سازد، خداوند متعال مکانت و جایگاه مساجد را بلند داشته، حتی آنرا برای خود نسبت داده، و خانه های خود در روی زمین گفته است، نصوص شرعی بر اعمار مساجد و خرج نمودن مال در اعمار آن تشویق می نماید، اگر کسی برای رضای خداوند مسجدی را با مال خود اعمار نماید، خداوند متعال در برابر آن قصری در بهشت برایش آمده می سازد؛ بنابر این نخستین عمل و اقدام پیغمبر ﷺ بعد از هجرت به مدینه منوره خریدن زمین و (مکان) مسجد نبوی از دو نفر بنام سهل و سهل و آباد سازی آن بود، و هم چنان حضرت عثمان (رضی الله عنه) بعداً به مال شخصی خود مسجد نبوی را تعمیر نموده، و همه ی مسلمانان قبلی و بعدی در هر عصر و زمان به اعمار مساجد شتافتند، و مالهای خود را در اعمار آن خرج نموده اند، و از جمله افتخارات بزرگی خود حساب نمودند، چون مسجد محل اظهار تمام شرائع اسلام است، و مسلمانان برای انجام دادن امور دینی و دنیوی خویش در مسجد گردهم می آیند سکون، آرامش، و اطمینان

۱- سوره توبه آیه ۱۸

۲- سوره توبه آیه ۱۹

۳ صحیح البخاری (۹۷/۱) و حسن اسناده المنذری فی الترغیب والترهیب ج/ ۷ ص/ ۱۱۳ - شماره حدیث ۲۳۸

خود را در آنجا دریافت می کنند؛ از همین جاست که مساجد در روح و روان مسلمانان و در ساختار اندیشه هایش اثر بزرگی دارد، اعمار مساجد دلیل و نشانه ایمان به خداوند و بروز آخرت است، و مسجد خانه پرهیزگاران است، و هم چنان مسجد کانون فضیلت و تقوی، مانع هر گونه ظلم و ستم، و رهایی از هر گونه ذلت و پستی است.

مطلب سوم انفاق در راه جهاد:

انفاق در راه جهاد یعنی مصرف نمودن مال در راه خداوند جَلَّ از جمله صفات ویژه مؤمنان است، بهترین طاعتی که خدا و رسولش مسلمانان را بدان ترغیب و دعوت نموده است، انفاق در راه خداوند جَلَّ است، چون در این انفاق منافع بزرگی برای انسان مؤمن در دنیا و آخرت است، و همچنان سبب جلب برکت برای ثروت و سبب نجات از آفات و از هلاکت انسان در دنیا خوانده شده است، انفاق در راه خداوند گناهان را از بین می برد، و راهی است برای منفعت مردم و نگهداشت جامعه از فقر و تنگدستی، و وسیله یی است برای ایجاد ترحم و مودت میان افراد جامعه، و عاملی است بازدارنده از انتشار فساد، و فتنه انگیزی در جامعه، از سوی دیگر سبب کسب رضای پروردگار و دافع خشم اوست، و همچنان نگه دارنده ای مؤمنان است از هول و هیبت روز قیامت الله متعال می فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) (۱)

ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند، و به مهاجرت پرداخته اند، و در راه خداوند با جان و مال کوشیده اند، و جهاد نموده اند، دارایی منزلت و الاتر و بزرگتری در پیشگاه خدایند، و آنان رستگاران و به مقصود رسندگان، و سعادت‌مندان دنیا و آخرت می باشد، و همچنان الله متعال در مورد کسانی که در راه خداوند انفاق نمی کند، می فرماید: (بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) (۲)

ترجمه: ای مؤمنان! بسیاری از علماء دینی یهودی و مسیحی اموال مردم را به ناحق می خورد و دیگران را از راه خداوند باز می دارد، و از اطمینان مردمان به خود سوء استفاده می کند، و از پذیرش اسلام ممانعت می نماید، ای مؤمنان شما همچون ایشان نشوید، و مواظب علماء بدکردار و عرفاء ناپرهیزگار خود باشید، و بدانید اسم و رسم دنیا پرستان مال اندوز را تغییر نمی دهد، و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می کند، و آن را در راه خداوند خرج نمی نماید، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی

۱- سوره توبه آیه ۲۰

۲- سوره توبه آیه ۳۴-۳۵

مژده بده، و همچنان الله متعال می فرماید: (يَوْمَ يَحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ فَذَوْقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ)^(۱)

ترجمه: روزی فرا خواهد رسید که این سگه ها در آتش دوزخ تافته می شود، و پیشانیها، پهلوها و پشتهای ایشان با آنها داغ می گردد، و برای توبیخ بدیشان گفته می شود، این همان چیزی است که برای خویشتن اندوخته می کردید، پس اینک بجشید مزه چیزی را که می اندوختید، و همچنان الله متعال می فرماید: (انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)^(۲)

ترجمه: ای مؤمنان هرگاه منادی جهاد شمارا به جهاد ندا درداد فوراً به سوی جهاد حرکت کنید، سبک بار یا سنگین بار، جوان یا پیر، مجرد یا متأهل، کم عائله یا پر عائله، غنی یا فقیر، فارغ البال یا گرفتار، مسلح به اسلحه سبک یا سنگین، پیاده یا سواره، و در هر صورت و در هر حال، و با مال و جان در راه خداوند جهاد و پیکار کنید، اگر دانا باشید، می دانید که این به نفع خود شما است، و همچنان الله متعال می فرماید: (لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ)^(۳)

ترجمه: آنان که ایمان به خداوند و روز رستاخیز دارد در انجام جهاد با مال و جان در راه یزدان از تو اجازه نمی گیرد؛ زیرا جهاد واجب است و در اداء واجبات کسب اجازه لازم نیست، این چنین مؤمنان راستینی که برای رفتن به جهاد اجازه نمی گیرد، به طریق اولی برای نرفتن به جهاد درخواست اجازه نمی کند، و خداوند به خوبی افراد پرهیزگار را می شناسد و از نیات و اعمال آنان کاملاً آگاه است، و همچنان الله متعال می فرماید: (لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)^(۴)

ترجمه: ولی پیغمبر و مؤمنانی که با او هستند با مال و جان خود به جهاد می پردازد، تا الله را از خود خوشنود سازد و دین الله را بالا برد همه خوبی ها و نیکی ها از قبیل پیروزی و غنیمت دنیا و بهشت و کرامت آخرت از آن ایشان است و آنان بیگمان رستگار اند.

۱- سوره توبه آیه ۳۵

۲- سوره توبه آیه ۴۱

۳- سوره توبه آیه ۴۴

۴- سوره توبه آیه ۸۸

فصل سوم:

صفات منافقین در سوره توبه و سرانجام آنان:

این فصل شامل چهارمبحث می باشد که در مبحث اول، صفات عقیدوی و قلبی منافقان در سوره توبه، در مبحث دوم، سلوک و صفات عبادی منافقان در سوره توبه، در مبحث سوم، صفات خُلقی منافقان در سوره توبه، و در مبحث چهارم، سرانجام منافقان در سوره توبه بیان خواهد شد.

مبحث اول صفات عقیدوی و قلبی منافقین در سوره توبه:

مبحث نخست دارایی پنج مطلب است که در مطلب اول، دوستی و محبت با کفار و جاسوسی برای آنها، در مطلب دوم، خوشحالی به شکست مسلمانان و غمگین شدن به کامیابی آنها، در مطلب سوم، دشمنی به الله و پیغمبر او و عدم رضایت به تقسیم الله و رسولش، در مطلب چهارم، تکذیب الله و پیغمبرش و استهزاء به الله، آیاتها و رسولش، و در مطلب پنجم، شک و تردید در دل ایشان و تمرد در فساد و نفاق، بررسی خواهد شد.

تمهید:

موضوع نفاق و منافقین یکی از مباحث مهم و مورد توجه خاص قرآن کریم است، از نظر قرآن کریم نفاق، یک پدیده شوم و دارایی صفات بسیار مذموم می باشد و به عبارت دیگر، نفاق یکی از مهلک ترین امراض اخلاقی و شخصیتی است که ذلت در دنیا و عذاب وحشتناک آخرت را در پی دارد، و منافق یک پدیده بسیار خطرناک است، خطر این پدیده برای هر جامعه از خطر هر دشمنی بیشتراند، قرآنکریم در معرفی نفاق و منافقین برای پیامبر صلی الله علیه و سلم و مسلمانان زیاد تاکید ورزیده است، پس منافقان خطرناک ترین افراد هر اجتماع اند، شناخت و مبارزه با آنها خیلی دشوار است؛ بخاطری که: اول: اینها در متن جامعه و درون آنها زندگی می کنند، و از تمام اسرار و راز جامعه با خبراند، دوم: شناختن آنها همیشه کار آسانی نیست؛ زیرا گاهی خود را چنان در لباس دوست نشان میدهند که انسان به دشمنی آنها باور نمی کند سوم: چون چهره آنها برای بسیاری از مردم ناشناخته است، درگیری مستقیم و مبارزه صریح با آنها کار مشکلی است، چهارم: آنها پیوندهای مختلفی بامؤمنان دارند، پیوندهای سببی و نسبی و... و وجود همین پیوندها مبارزه با آنها را پیچیده تر می سازد. پنجم: آنها از پشت خنجر می زنند و ضربات شان غافل گیرانه است روی همین موارد و جهات دیگری نیز سبب می شود که آنها خسارات جبران ناپذیری برای جامعه به بار آورند؛ لذا برای دفع شرور آنها باید به برنامه های طرح ریزی شده دقیق و وسیعی قرآنکریم توجه نموده، و همچنان موضوع قابل یادآوری این است که مسأله نفاق و منافقین

مخصوص به عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نبوده، بلکه هر جامعه مخصوصاً جوامع انقلابی با آنها روبرو هستند، در هر شرایطی برای ادامه دادن به برنامه های تخریبی شان با تغییر شرایط اینها، استراتژیک، رنگ، لباس و تاکتیک های خود را تغییر می دهد، بدین ملحوظ باید تحلیل ها و موشکافی های قرآن را روی این مسأله نه به عنوان يك مسأله تاریخی بلکه به عنوان يك مسأله عقیدتی، سیاسی، و در عین حال نیاز فعلی جامعه مورد بررسی دقیق قرارداد، و از آن برای مبارزه با روح نفاق و خطوط منافقین در جوامع اسلامی الهام گرفته، و نیز باید نشانه های آنها را که قرآن کریم به طور گسترده بازگو نموده است، دقیق شناخت و از طریق این نشانه ها به نقشه های آنها پی برده، و در نتیجه ریشه ی آنها را در درون خود خشکانده و از بین برده شود.

مطلب اول دوستی و محبت با کفار و جاسوسی برای آنها:

معنای لغوی و اصطلاحی نفاق و منافق در فصل اول مبحث سوم ذکر گردیده است، حالاً تنها صفات ویژه آنها را مورد بحث قرارداد می شود، مفتی شفیع در تفسیر خود می نگارد، با توجه به اینکه قرآن کریم ویژگی های منافقین را نسبت به صفات مؤمنان و کافران به تفصیل و به کثرت بیان نموده است؛ بخاطری که اینها در دشمنی با مؤمنان نهایت سخت هستند؛ زیرا که دشمنی اینها مخفی و پوشیده است، و از نفاق و منافق و موضوع آن به صورت گسترده مطرح شده است^(۱) منافقان همیشه در طول تاریخ دوستی و محبت آنها با کفار و دشمنی آنها با مسلمانان می باشد، خداوند متعال در این مورد می فرماید: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)^(۲)

ترجمه: آیا گمان می برید که به حال خود رها می شوید و مورد آزمایش به وسیله جهاد و غیره قرار نمی گیرید و خداوند به مردم نمی شناساند کسانی از شمارا که به جهاد برخاسته اند بغیر از خدا و پیغمبر و مؤمنان دوست نزدیکی و محرم اسراری برای خود نگرفته اند؟ خداوند از همه اعمالتان آگاه است، و پاداش رفتار و کردار تان را با تمام و کمال می دهد صابونی^(۳) در تفسیر خود می نگارد یعنی گروه مومنان! بلکه شما گمان بردید که بدون امتحان و آزمایش و بدون این که صادق و کاذب معلوم گردد رها می شوید؟ بدون اینکه درست و نادرست شما در دین معین شود؟ و هنوز مجاهد و غیرمجاهد شما معلوم

^۱ عثمانی: مفتی محمد شفیع دیوبندی تفسیر معارف القرآن ج/ ۵ ص/ ۳۳۰ سوره توبه

^۲ سوره توبه آیه ۱۶

^۳ صابونی: شیخ محمد علی صابونی در سال ۱۹۳۰ در شهر حلب سوریه تولد شده - وی آموزش ابتدایی خود را در حضور پدر بزرگوارش شیخ {جمیل صابونی} صابونی یکی از علما مشهور حلب گرفته اند و در مکتب خاتمه شهر حلب قرآن کریم را حفظ نموده و بعد از آن علوم زبان عربی، فرائض، و علوم دینی را فراگرفت از جمله آثار مهمش تفسیر صفوة التفاسیر، وروایع البیان فی تفسیر آیات احکام می باشد. سایت انترنتی: www.sozimhrab.org

نشده است؛ چون خدای متعال از نهان تان آگاه است، پس قصد ابراز چیزی را کرد که آن را میدانست تا درمقابل آن پاداش یا مجازات بدهد، در راه خدا به جهاد برخیزید، و از مشرکین رازدار و دوست برنگیرید، و اسرار مسلمانان را نزد آنان فاش نکنید، خداوند بدون آزمایش و مشخص کردن خوب و بد انسان را رها نمی کند و از تمام اعمال شما آگاه است، و چیزی از آن بر او مخفی نیست^(۱) و هم چنان الله متعال در مورد منافقین چنین می فرماید: (وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أُرْدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ)^(۲)

ترجمه: واز میان منافقان کسانی هستند که مسجدی را بناء کردند، و منظور شان از آن زیان به مؤمنان و کفر ورزی در آن، و تفرقه اندازی میان مؤمنان، و درهم کوبیدن صفوف مسلمانان، و کمین گاه ساختن برای کسی بود که قبلاً با الله و پیغمبرش جنگیده بود، و علم طغیان برافراشته بود سوگند هم می خوردند که نظری جز نیکی نداشته اند، و تنها مراد شان خدمت به مردمان و اقامه نماز در آن بوده و بس: اما خداوند گواهی می دهد که آنان در سوگند خود دروغ می گویند، سعدی^(۳) در تفسیر خود می نگارد: مردمانی از منافقان قباء، مسجدی در کنار مسجد قباء ساختند و منظور شان از ساختن آن، زیان وارد کردن به مومنان و اختلاف انداختن میان آنان بود، و آن را پناهگاه و سنگری برای کسانی قرار دادند که امیدوار بودند روزی با پیامبر خدا خواهند جنگید، و منظور شان این بود که اگر نیازی به پناهگایی داشتند از این مسجد استفاده کنند، پس خداوند رسوایشان ساخت و راز آنها را آشکار کرد و هم چنین منظور شان کمینگاه ساختن، برای کسی بود که از پیش با خدا و پیامبرش جنگیده بودند، یعنی این مسجد را برای کمک کردن به کسانی ساختند که با خدا و پیامبر می جنگیدند، و بیشتر نیز جنگیده و دشمن سرسخت بودند مانند: ابو عامر راهب که فردی از اهل مدینه بود و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه هجرت نمود به وی کفر ورزید، او در جاهلیت وانمود می کرد که اهل عبادت است پس به سوی مشرکین رفت تا از آنان برای جنگیدن با پیامبر کمک بگیرد، و چون نزد مشرکین به خواسته اش دست نیافت به سوی قیصر رفت به گمان اینکه او را یاری کند و این ملعون در راهی که به سوی قیصر می رفت، هلاک شد، در حالی که با منافقان پیمان کمک و یاری بسته بود و مسجد ضرار را به این هدف بناء کردند، و خداوند وحی نازل کرد که آنها برای این هدف مسجد را ساخته اند؛ بنابر این پیامبر صلی الله علیه و سلم کسانی را بسوی مسجد فرستاد تا آن را منهدم نمایند و بسوزاند، و آن مسجد

۱- کتاب صفوة التفسیر: ج/۲ ص/ ۱۸۷

۲ سوره توبه آیه ۱۰۷

۳ سعدی: عبد الرحمن پسر ناصر السعدی متوفی سنه ۱۳۷۶ هجری صاحب تفسیر راستین ترجمه تیسیر الکریم الرحمن (ب، ت) مترجم محمدگل گمشاد زهی از سایت عقیده ایمیل book.aaqeedeh.com

منهدم و سوزانیده شد و بعد از آن به زباله دانی تبدیل گردید^(۱) و همچنان الله متعال در مورد منافقین چنین می فرماید: (لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَفُوا لَكُمْ بَغْيًا وَلَا تَتَرَوُا فِيكُمْ غَيْرًا وَقَدْ أخرجَهُمْ مِنْ دَارِهِمْ لِأَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ) ترجمه: اگر آنان همراه شما برای جهاد بیرون می آمدند چیزی جز شر و فساد بر شما نمی افزودند و به سرعت در میان شما حرکت می کردند، و مشغول آشفتن و گول زدن و برگردانیدن تان از دین می شدند، در میان تان هم کسانی هستند که سخن ایشان را بشنود و دعوت تفرقه آمیز و فتنه برانگیز ایشان را بپذیرد، خداوند ستمگران را خوب می شناسد، و از فاسق و فاجر ایشان آگاه و از رفتار آشکار و نهان شان با خبر است.

یعنی: اگر با شما می آمدند چون جبون و نامرد بودند دیگران را نیز هراسان می کردند میانه های مومنان را بر هم می زدند، غمازی می کردند، در نفاق مسلمین می کوشیدند، به افواه دروغی ایشان را از دشمن به هراس می افکندند، از وجود نحس شان امید خیر و نیکوئی نبود، از ایشان شر و خرابی بر می خاست و فتنه برپا می شد، این بود که خداوند جل جلاله بایشان توفیق رفتن ارزانی فرمود و الله متعال علم کامل به منافقین و مکنونات قلب و نهان و آشکار آن ها دارد^(۲) و همچنان الله متعال در مورد منافقین می فرماید: (لَقَدْ ابْتَعَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ)^(۳)

ترجمه: این گروه منافقان پیش از این هم به فتنه گری و ایجاد فساد در میان شما پرداخته اند، و در جنگ احد و دیگر موارد بر ضدّ شخص پیغمبر و برخی از مؤمنان و خود آئین اسلام توطئه ها چیده اند، و نقشه ها کشیده اند، و رایزنیها نموده اند، و نیرنگها ورزیده اند برای این که جلو اسلام را بگیرند، و کار را بر تو تباه کنند، تا زمانی که علی رغم خواست منافقان و به کوری چشم ایشان یاری خداوند فرا رسید، و آئین اسلام آشکار و پیروز گردید، و دسته دسته مردمان بدان گرویدند، و مزه ایمان را چشیدند، و به حساب منافقان رسیدند.

یعنی از روزی که آنحضرت صلی الله علیه و سلم به مدینه تشریف آورد یهود و منافقان مدینه بر خلاف پیغمبر صلی الله علیه و سلم هر گونه فتنه انگیزند، تقلب کردند و دست و پا زدند تا نگذارند اسلام افزونی گیرد، ولی چون در "بدر" ستونهای کفر و شرک بر افتاد و اسلام غلبه خارق العاده حاصل کرد، عبدالله ابن ابی و رفقای وی در بین خود گفتند: که دیگر نتوان جلو این کار را باز گرفت بسا مردم از روی ترس به خواندن کلمه پرداختند؛ چون در دل شان کفر نهان بود، هنگامی که پیروزی اسلام را می دیدند رشک می بردند، و حسد

^۱ کتاب: تفسیر راستین ج/ ۱ ص/ ۱۲۴ - ۱۲۵

^۲ سوره توبه آیه ۴۷

^۳ - شیخ محمد علی صابونی صفوة التفسیر: ج/ ۲ ص/ ۲۱۷

^۴ سوره توبه آیه ۴۸

میخوردند، وسخت به قهر می آمدند، فتنه انگیزی شان تازه نبود از اول شیوه شان این بود در معرکه احد با جمع خود برگشته بودند، ولی در پایان دیدند که چگونه حق غالب و باطل مغلوب و ذلیل می گردد. (۱)

مطلب دوم خوشحالی به شکست مسلمانان و غمگین شدن به کامیابی آنها:

برخی از صفات زشت طبعی منافقان خوشحالی به شکست و مصیبت مسلمانان دلتنگی و غمگینی به کامیابی آنها می باشد، الله متعال می فرماید: (إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ) (۲)

ترجمه: اگر نیکی به تو رسد و پیروزی و غنیمت یابی این توفیق ایشان را ناراحت می کند، و اگر مصیبتی به تودست دهد، و مثلاً کشته ها و زخمیهائی داشته باشی شادی می کنند و می گویند: ما که تصمیم خود را از پیش گرفته ام و قبلاً خویشتن را بر حذر از این بلا داشته ام و شادان برمی گردد و می رود، خداوند متعال جواب آنها را می دهد، سید قطب شهید رحمه الله (۳) در تفسیرش بیان داشته است منافقان به ظواهر امور نگاه می کنند، و بلا و مصیبت را همیشه و در همه حال بد می دانند و شرّ می انگارند، و گمان می برند که با واپس ماندن و واپس نشستن خوبی و نیکی را بهره خویشتن ساخته اند، دلهاي آنان خالی از تسلیم به خدا، و از خشنودی به قضا و قدر یزدان سبحان، و از اعتقاد به خیر و خوبی در وقوع قضا و قدر ایزد منان خالی است، اما مسلمانان راستین جدّ و جهد و تلاش و کوشش خود را مبذول می دارند، و به کار اقدام می ورزند و به پیش می تازند و ترس و هراسی از کسی ندارند؛ چرا که معتقدند هرچه از خیر و خوبی و شرّ و بلا بدیشان برسد با اراده خداوند انجام می پذیرد و سر می زند، و خدا یار و مددگار ایشان است. (۴) الله متعال می فرماید: (قُلْ لَنْ يَصِيبِنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ) (۵)

ترجمه: بگو: جز آنچه که خدا از خیر یا شر، بیم یا امید و سختی یا آسایش برای ما مقرر فرموده است، چیز دیگری پیش نمی آید، و او یاور و حافظ ما می باشد، و مومنان کار خود را به خدا تفویض کرده و فقط به او توکل می نمایند.

۱- سعدی: عبد الرحمن بن ناصر السعدی تفسیر راستین ج/ ۴ ص/ ۵۲

۲ سوره توبه آیه ۵۰

۳ سید قطب پسر حاجی قطب پسر ابراهیم درنهم اکتوبر ۱۹۰۶ در دهکده قها یکی از روستا های استان اسیوط مصر، زاده شده برادرش محمد و خواهرانش حمیده و امینه نام داشت او در سن ده سالگی قرآن کریم را حفظ نمود و در سایر علوم موفق بود وی در سال ۱۹۴۸ برای تکمیل تحصیلات خود به امریکا سفر نمود و در سال ۱۹۶۵ بازداشت شد در حالیکه سخت مریض هم بود به اعدام محکوم گردید کتابهای زیادی نوشته که مشهور آن: تفسیر فی ظلال القرآن، معالم فی الطریق و... که آثار وی می باشد. آقا محمدی مرتضی {۱۳۹۶} سید قطب کیست؟ ناشر مؤسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر ص ۲

۴- تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۱۵۰

۵ سوره توبه آیه ۵۱

یعنی: مصیبت و راحت به وقت مقدر است فرا می رسد، بطور حتم می آید و نتوان آنرا بازداشت ولی چون ما در ظاهر و باطن خدای بزرگ را پروردگار حقیقی خود می دانیم در برابر حکم او مدام سر تسلیم خم کرده ایم، و هیچ سختی و آزمون ما را از فرمانبری او نتواند باز داشت، ما بر او اعتماد و توکل داریم، سختی های آنی را برای ما در آخرت و بسا اوقات در دنیا به راحت و فرحت بدل میکند، پس شما در حق ما امیدوار یکی از این دو خوبی باشید اگر در راه خدا جَلَّ جَلَّاهُ کشته شویم شهادت و جنت، و اگر سلامت برگشتیم اجر و غنیمت یقیناً برای ما رسیدنی است، خداوند جَلَّاهُ این هارا برای مجاهد تکفل نموده، برعکس ما در باب شما انتظار یکی از دو بدی را داریم که ضرور بشما رسیدنی است، یا از سبب نفاق و شرارت از طرف خداوند جَلَّاهُ مستقیماً عذابی به شما مسلط می شود و یا خدای تعالی از دست ما بشما مجازات سخت می رساند که پرده نفاق تان دریده و خودتان رسوا شوید، بهر حال ما و شما هر دو باید برای دیدن انجام یکدیگر منتظر باشیم، در آخر معلوم خواهد شد که از بین ما و شما کدام یکی زیاد دوراندیش و عاقبت سنج خواهد بود^(۱) و همچنان الله متعال می فرماید: (وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يَنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)^(۲)

ترجمه: برخی از بادیه نشینان منافق عرب، چیزی را که در راه خداوند صرف می کنند زیان می دانند چرا که به ثواب آن ایمان ندارد و چشم به راه حوادث دردناک و بلاها و مصائب خوفناکی هستند که شما را از هر سواحاطه دهند، بلاها و مصیبتها گریبانگیر خودشان باد؛ چون مردمان بدخواه و تنگچشم و منافقی هستند تیره روزیها، و ناکامیها، و بدبختیها تنها به سراغ آنان می روند، خداوند شنوا و دانا است و لذا نیات و اقوال و افعال ایشان را می داند و می شنود.

یعنی: برخی از بادیه نشینان (منافق) عرب، چیزی را که (در راه خدا) صرف می کند زیان می دانند (چرا که به ثواب آن ایمان ندارد) همچون منافقانی ناچار بودند زکات دارائی خود را بپردازد، و برای تظاهر به اسلام مجبور بودند در جنگها همراه با مسلمانان شرکت کند، و به جهاد رود تا از مزایای زندگی در جامعه اسلامی برخوردار شود، و با مسلمانان که در آن زمان صاحبان سلطه و قدرت در جزیره العرب بودند سازش و مدارا نماید، آنان چیزی را که خرج و هزینه می کردند زیان می شمردند، و خسارت می دیدند؛ چرا که آن را از روی ناچاری می دادند و صرف می کردند، نه این که به جنگجویان جهادگر کمک و یاری کند و عشق و محبتی به پیروزی اسلام و مسلمانان داشته باشد.^(۳)

۱- صفوة التفسیر: ج/ ۲ ص/ ۲۱۸ - ۲۱۹

۲ سوره توبه آیه ۹۸

۳ شهید سید قطب تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۲ ص/ ۴۹

مطلب سوم دشمنی بالله و پیغمبر او و عدم رضایت به تقسیم الله و پیغمبرش:

از صفات زشت عقیدوی و قلبی منافقان دشمنی با الله متعال و پیغمبر آن و عدم رضایت به تقسیم الله و پیغمبرش می باشد؛ زیرا دشمنی اینها پوشیده و پنهان است خداوند متعال در این مورد چنین می فرماید:

(أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يَحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ)^(۱)

ترجمه: آیا ندانسته اند که هرکس با خدا و پیغمبرش دشمنی و مخالفت کند سزای او آتش دوزخ است و جاودانه در آن می ماند این گرفتار آمدن به دوزخ رسوائی و خواری بزرگی است، و همچنان الله متعال می فرماید: (وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ)^(۲)

ترجمه: در میان آنان کسانی هستند که در تقسیم زکات از تو عیبجویی می کند و ایراد می گیرد و نسبت بی عدالتی را به تو می دهد اینان جز به فکر حطام دنیا در اندیشه چیزی دیگری نیستند؛ لذا اگر بدانان چیزی از زکات داده شود، خوشنود می شود، و اگر چیزی از آن بدیشان داده نشود هرچه زودتر خشم می گیرد، و همچنان الله متعال می فرماید: (وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ)^(۳)

ترجمه: اگر آنان بدانچه الله و پیغمبرش بدیشان داده است و قسمت ایشان کرده است راضی می شدند و می گفتند: دستور خداوند ما را بسنده است و خداوند از فضل و احسان خود به ما می دهد و پیغمبرش بیش از آنچه به ما داده است این بار به ما عطاء می کند، و ما به فضل و بخشایش پروردگار خود چشم دوخته و تنها رضای خداوند را می جوئیم، اگر چنین می گفتند و می کردند به سود آنان بود.

یعنی: هر کسی که با خدا و رسولش دشمنی و مخالفت کند سزای او آتش دوزخ است، و همیشه در آنجا می ماند و علنش هم این است که وقتی کسی به محبت دنیا و دلبستگی های فریبنده دنیوی مایل شود، خود را در مصیبت و عذاب الهی گرفتار کرده است؛ زیرا کسی که در این خط پایان ناپذیر قدم گذاشت، عشق مال و متاع دنیا آن قدر در عمق دل او جا می گیرد که هر گونه تدبیر را در جهت کسب آن اعمال می دارد و انواع رنج و مشقت را بر خود هموار می سازد و آرامش جسمی و فکری خود را کاملاً از دست می دهد. و بسیار پریشان و آشفته خاطر می باشد پس احمق است آن کسی که وسایل دنیا را راحت تعبیر کرده، و عمر گرانبهای خود را در جهت کسب راحتی کاذب فرسوده می سازد، پس همه ای اینها مخل راحتی اند نه آرامش و آسایش، و در نتیجه سرانجام مقدمه ای مشکلات اخروی را فراهم می سازد، بهتر این است که هرچه را خداوند جلّ به وسیله پیغمبر خویش ارزانی فرموده بر آن شاد و قانع باشد، و بر

۱ سوره توبه آیه ۶۳

۲ سوره توبه آیه ۵۸

۳ سوره توبه آیه ۵۹

خدای متعال توکل کند، و بداند که وی هرچه خواهد به فضل خویش مرحمت می کند، مال و متاع فانی دنیا را نصب العین خویش نگرداند، تنها قرب و رضای ربّ العزت را خواستگار بوده و به دولت ظاهر و باطن که از بارگاه ربّ العزت می رسد مطمئن و خوشحال باشد.^(۱)

مطلب چهارم تکذیب الله جلّ و پیامبرش و استهزاء به الله آیاتها و رسولش:

از صفات زشت عقیدوی و قلبی منافقان دروغ گفتن به الله متعال و پیغمبرش و استهزاء به الله متعال، و آیات او و رسولش است، عادت زشت منافقان دروغ گفتن در باور، گفتار، و در کردار اند، اولین صفت بدی که خداوند متعال در سوره منافقون به منافقین نسبت می دهد، دروغ گفتن است، الله متعال می فرماید:

(وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَكَٰذِبُوْنَ)^(۲)

ترجمه: خداوند گواهی می دهد که منافقان در گفته خود دروغگو هستند؛ چرا که به سخنان خود ایمان ندارند، یعنی در صحبت کردن چیزهایی که به زبان می آورند خودشان ایمانی و اعتقادی به آن سخنان ندارند، و در دل خود می دانند که در حال دروغ و فریبکاری هستند، اینها با دروغگویی حقایق را به نفع خود پنهان می کنند، و همیشه در فسق و فجور، فریبکاری و به مسخره گرفتن الله متعال، و آیات او، و رسولش، و عذر خواهی دروغین، تلاش می ورزند، الله متعال در این مورد چنین می فرماید: (وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)^(۳)

ترجمه: عذر خواهان اعراب بادیه نشین که دارای عذرهای درست و پذیرفتنی هستند به پیش تو آمده اند تا بدیشان اجازه داده شود که در جهاد شرکت نکنند و اما گروه دیگری از آنان که کافرنند حتی زحمت آمدن به پیش شمارا هم به خود نمی دهند، و در خانه نشسته اند و در اظهار ایمان به الله و پیغمبرش دروغ گفته اند، به افراد کفر پیشه آنان عذاب بسیار دردناکی خواهد رسید، و همچنان الله متعال می فرماید: (يَحْذَرُ الْمُنٰفِقُوْنَ اَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُوْرَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ قُلْ اسْتَهْزِئُوْا اِنَّ اللّٰهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُوْنَ)^(۴)

ترجمه: منافقان الله و آیات و پیغمبر او را در میان خود به مسخره می گیرند و می ترسند که سوره ای بر ضد ایشان نازل شود و علاوه از آنچه می گویند آنچه راهم که در دل دارند به رویشان بیاورند و آشکارش سازند، بگو: هر اندازه می خواهید مسخره کنید، بیگمان خداوند آنچه را که از آن بیم دارید و در پنهان

^۱ عثمانی: مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی. تفسیر معارف القرآن ج/ ۶ ص/ ۲۹۳ سوره توبه

^۲ سوره منافقون آیه ۱

^۳ سوره توبه آیه ۹۰

^۴ سوره توبه آیه ۶۴

داشتنش می کوشید آشکار و هویدا می سازد، و همچنان الله متعال می فرماید: (وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِإِنَّهِ وَأَيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ) (۱)

ترجمه: اگر از آنان درباره سخنان ناروا و کردارهای ناهنجارشان باز خواست کنی، می گویند: مراد ما طعن و مسخره نبوده و بلکه با همدیگر بازی و شوخی می کردیم، بگو: آیا با الله و آیات او و پیغمبرش می توان بازی و شوخی کرد؟.

یعنی: این مسأله بیانگر این است که هر کس پنهانی علیه دین خدا نیرنگ کند، و خدا و آیات او و پیامبرش را به باد تمسخر بگیرد، خداوند آن راز را آشکار می نماید، و صاحب آن را رسوا می کند و او را به شدت عذاب گرفتار می سازد نیز بیانگر آن است که هر کس چیزی از کتاب خدا و سنت پیامبر را به تمسخر بگیرد، یا آن را مورد طعنه و عیب جویی قرار دهد، یا پیامبر را عیب جویی و مسخره کند، او به خداوند بزرگ کفر ورزیده است و نیز بیانگر آن است که توبه کردن از هر گناهی پذیرفته می شود گرچه آن گناه بزرگ باشد (۲) و همچنان الله متعال در مورد کسانی که مؤمنان را مورد تمسخر قرار می دهند چنین می فرماید: (الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (۳)

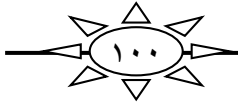
ترجمه: کسانی که مؤمنان ثروتمندی را که مشتاقانه بیش از اندازه به خیرات و صدقات می پردازد و مؤمنان فقیری را که با وجود تنگدستی به کمکهای مختصری دست می یازد مورد تمسخر قرار می دهد خداوند ایشان را با کشف رسوائی ها و پلشتی هایشان در پیش مردم مورد تمسخر قرار می دهد و عذاب بسیار دردناکی خواهد داشت.

یعنی: منافقان این چنین بدگویی می کردند و ناروا می گفتند درباره مؤمنانی که با طیب خاطر و با رضای دل و اطمینان درون و عشق و علاقه کامل در جهاد شرکت می کردند و هر کسی به اندازه تاب و توان خود و در حد سعی و تلاش خویش قدم جلو می گذاشت، و در جهاد سهیم می شد منافقان انگیزه های این رغبت و عشق درونی مؤمنان را درک و فهم نمی کند از احساسات والا و بلند پروازی را درک و فهم نمی کند که ناخود آگاه برانگیخته می شود و اوج می گیرد تا بال و پری بزند و به انگیزه های ایمان و فداکاری و مشارکت در حسنات پاسخ گوید، به همین خاطر است که در باره ثروتمند می گوید: او از روی ریا می بخشد! و در باره نادار می گوید: او برای نام و ننگ می بخشد! از شخص دارا عیبجویی می کند؛ چون زیاد می بخشد از نادار رخنه می گیرد و او را تحقیر می کند چون کم می بخشد هیچ کس از طعنه و رخنه و عیبجویی کردن آنان سالم و در امان نمی ماند، این بجای خود منافقان خودشان دست

۱ سوره توبه آیه ۶۵

۲ السعدی عبد الرحمن بن ناصر السعدی: تفسیر راستین، ترجمه تفسیر تیسیرالکریم الرحمن ج/ ۴ ص/ ۷۴

۳ سوره توبه آیه ۷۹



هایشان را از بذل و بخشش فرو می بندد، و بخیل و تنگچشم می ماند، بذل و بخششی نمی کند مگر از روی ریا، و از انگیزه های درونها چیزی نمی فهمد مگر این انگیزه کوچک ناچیز بی ارزش پست را از اینجا است که این پاسخ قاطعانه بدیشان داده می شود و با این سخن دندان شکن بر سرشان تاخت می رود (۱)

مطلب پنجم شک و تردید در دل ایشان و تمرد در فساد و نفاق:

از صفات زشت عقیدوی و قلبی منافقان شک و تردید در قلب ایشان، سرکشی و تمرد در فساد و نفاق است، الله متعال در این مورد چنین می فرماید: (إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ) (۲)

ترجمه: تنها کسانی از تواجزه می خواهد که در جهاد شرکت نکند که مدعیان دروغین اند و به الله و روز جزا ایمان ندارد و دلهايشان دچار شك و تردد است، و در حیرت و سرگردانی خود بسر می برد. یعنی: چون شک و تردید و دو دلی این منافقان در رفتن و نرفتن به جهاد به اندازه ی رسیده که حتی در شک و تردید متردد بودن، و هر دم تصمیم خود را عوض می کردند؛ از این جهت بود که منافقان چون دشمن مسلمانان می باشند؛ لذا هر پیش آمدی که سبب پیروزی مسلمانان گردد آنها را اندوهگین می سازد (۳) و همچنان الله متعال می فرماید: (لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) (۴)

ترجمه: بنائی را که خودشان برپا کرده اند همواره به عنوان يك عامل شك و تردید یا يك نتیجه شك و تردید در قلوب آنان باقی می ماند، مگر این که دلهايشان پاره پاره شود، و بمیرد و یا این که توبه کند و به سوی الله برگردد و خداوند آگاه از هر چیزی و حکیم در افعال و دادن جزا و سزای هر کسی است، و همچنان الله متعال در مورد کسانی که تمرین نفاق کرده اند در نفاق زیاد ماهر شده اند، می فرماید: (وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ) (۵)

ترجمه: در میان عربهای بادیه نشین اطراف شهر شما و در میان خود اهل مدینه منافقانی هستند که تمرین نفاق کرده اند، و در آن مهارت پیدا نموده اند، تو ایشان را نمی شناسی و بلکه ما آنان را می شناسیم ایشان

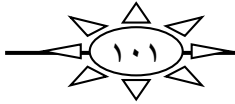
۱- شهید سید قطب رحمه الله تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۸۳

۲ سوره توبه آیه ۴۵

۳ پروفیسور . دکتور فیروز هروی تفسیر نور فروزان ج/ ۷ ص/ ۴۹ - ۵۲ مرکز بینات للدراسات للقرآنیة المملكة الاردنیة الهاشمیة

۴ سوره توبه آیه ۱۱۰

۵ سوره توبه آیه ۱۰۱

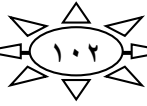


را در همین دنیا دوبار شکنجه می دهیم، يك بار با پیروزی شما بر دشمنان تان که مایه درد و حسرت و خشم و کین آنان می گردد، و بار دوم با رسوا کردن ایشان به وسیله پرده برداری از نفاقشان سپس در آخرت روانه عذاب بزرگی می گردد، و به دوزخ گرفتار می آید.

یعنی: از بادیه نشینانی که در اطراف شما هستند افرادی منافق اند و برخی از اهل مدینه نیز منافق هستند که تمرین نفاق کرده و در آن مهارت پیدا نموده و سرکشی شان بیشتر شده اند تو هر یک از آنان را به طور مشخص نمی شناسی تا مجازات شان کنی و یا به مقتضای نفاقشان با آنان رفتار نمایی؛ چون خداوند در این مورد حکمت آشکاری دارد که دوبار آنان را معذب می سازد که یک عذاب را در دنیا می بیند، و یک عذاب را در آخرت، و عذاب آنها در دنیا غم و اندوه و ناخوشی است که به سبب پیروزی و فتحي که نصیب مسلمانان می شود به آنان دست می دهد، و عذابشان در آخرت آتش جهنم است که بد جایگاهی است، و احتمال دارد منظور از دو بار عذاب دادن این باشد که عذاب آنان را سخت می نماید، و آن را چندین برابر می سازد، و برایشان مکرر می نماید^(۱) و در روز قیامت نیز عذاب آتش را خواهد چشید که خدا آن را برای کافران و فاجران تدارک دیده است.^(۲)

^۱ - تفسیر راستین ترجمه ی تفسیر تیسیرالکریم الرحمن ج/ ۴ ص/ ۱۱۶

^۲ - صفوة التفاسیر: ۲۵۴/۲.



مبحث دوم سلوک و صفات عبادی منافقین در سوره توبه:

مبحث دوم دارایی پنج مطلب است که در مطلب اول: تکلم به کلمه کفر و اعراض از دین اسلام، در مطلب دوم: سستی و تنبلی در نماز و باکراهت و ناخوشی انفاق در راه الله متعال، در مطلب سوم: کراهت و بد دیدن جهاد و مخالفت از خروج به آن، در مطلب چهارم: امر به منکر و نهی از معروف، و در مطلب پنجم: ممانعت از راه الله متعال و اذیت رسول الله صلی الله علیه وسلم، بحث خواهد شد.

مطلب اول تکلم به کلمه کفر و اعراض از دین اسلام:

از صفات زشت و قبیح منافقان تکلم به سخنان کُفر آمیز، اعراض و (روگردانی) از دین مقدس اسلام طغیان و سرکشی در برابر احکام الهی می باشد، الله متعال در این مورد می فرماید: (يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا وَبَعَدَ إِسْلَامَهُمْ وَهُمْ أَوْ بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكْ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعْذَبْنَهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ)^(۱)

ترجمه: منافقان به الله متعال سوگند می خورند که سخنان زنده نگفته اند، در حالی که قطعاً سخنان کفر آمیز گفته اند، و پس از ایمان آوردن به کفر برگشته اند، و قصد انجام کاری کرده اند که بدان نرسیده اند، و آن کشتن پیغمبر صلی الله علیه وسلم به هنگام مراجعه از جنگ تبوک بود، چیزی که این منافقان را بر سرخشم آوردند، و سبب انتقام گرفتن آنان شود وجود ندارد، مگر اینکه الله و پیغمبرش به فضل و کرم خود آنان را با اعطاء غنائم که هدف ایشان در زندگی است بی نیاز گردانیده اند، و این هم نباید مایه خشم و انتقام ایشان شود، اگر آنان توبه کنند خداوند توبه ایشان را می پذیرد، و این برایشان بهتر خواهد بود، و اگر روی بگرداند خداوند آنان را در دنیا و آخرت به عذاب بسیار دردناکی کیفر می دهد، و در سراسر روی زمین نه دوستی و نه یابوری خواهد داشت.

یعنی: پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بسیار با منافقان نرمش نمود، و بسیار از ایشان چشم پوشی کرد، و بسیار از ایشان گذشت کرد، اما هم اینک شکیبائی و نرمش به پایان رسید و کوزه صبر لبریز و سر ریز شده اند، و بزرگواری به نهایت رسیده است، و پروردگار به پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم دستور می دهد که خط سیر جدیدی و روش تازه را با ایشان در پیش گیرد یزدان جهان ایشان را با نص قرآنی به کافران ملحق می گرداند، و پیغمبرش را به جهاد و پیکار آنان موظف می کند، جهاد و پیکار سخت و شدید و تند و تیزی که مهر و عطوفتی و رحمت و سازش و نرمشی در آن نیست، نرمش جایی خود دارد،

و شدت جاي خود دارد هر زمان مدت نرمش به پایان آید، وقت شدت و حدت فرا می رسد، هرگاه روزگار شکیبائی به پایان آید، تندي و برش قاطعانه فرا می رسد هر حرکت مقتضیات خود را دارد، و برنامه مراحل خود را دارد نرمش در برخی از ازمه می آزارد و رنج به بار می آورد، و کار را به تأخیر انداختن و به درازا کشاندن، گاهی زیان می رساند درباره جهاد با منافقان و سختگیری برایشان آراء مختلفی است، آیا جهاد و سختگیری باید با شمشیر و اسلحه باشد؟ بدان گونه که از علی کرم الله وجهه روایت شده است و ابن جریر رضي الله عنه آن را برگزیده است؟ یا جهاد و درشتی باید با رفتار و کردار و رویارویی و بیان اسرار و رموز شان و نشان دادن ایشان به همگان باشد، بدان گونه که از ابن عباس رضي الله عنه روایت شده است؟ آنچه روی داده است و عملاً انجام پذیرفته است، این است که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم همان گونه که در روایات آمده از جهت بعضی مصلحت ها، منافقان را نکشته^(۱) و همچنان الله متعال در مورد کسانی که از احکام پروردگار سرپیچی نموده می فرماید: (فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخُلُواً بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ)^(۲)

ترجمه: اما هنگامی که خداوند از فضل خود ثروت و دارائی بدانان بخشید بخل ورزیدند و چیزی نبخشیدند و به عهد خود وفا نکردند و هم از خداوند وهم از خیرات سرپیچی کردند، و روی گرداندند دکتور فیروز هروی در تفسیر خود می نگارد در سبب نزول این آیه کریمه اکثر مفسران روایاتی را ذکر می کند که مشهورترین آنها قصه یی ثعلبه بن حاطب انصاری رضي الله عنه است که به روایت ابوامامه باهلی رحمه الله ذکر شده است، اما این حدیث آنگاه سند به اتفاق محدثین ضعیف بوده و قابل احتجاج نیست، هرچه معنی و مفهوم این آیه کریمه واضح است و آن اینکه یکبار منافقان با خداوند جلّ جلاله عهد و پیمان بست، که اگر برایش مالی داده و او را غنی بگرداند مانند مردم نیکوکار، حق آن مال را آدا خواهد کرد، ولی بعد از اینکه خداوند برایش مالی داد، به وعده یی خود وفا نکرد و بخل ورزید، و از دادن حق خداوند که زکات مالش باشد إباء ورزید، و در نتیجه به سبب این عمل زشت، خداوند متعال نفاق را در دل شان تا روز قیامت متمکن ساخت.^(۳)

۱- سید قطب شهید تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۶۵ - ۴۶۶.

۲- سوره توبه آیه ۷۶

۳- پروفیسور دکتور فیروز . هروی تفسیر نورفروزان ج/ ۷ ص/ ۱۴۶ - ۱۴۷ سوره توبه

مطلب دوم سستی و تنبلی در نماز و باکراحت و (ناخوشی) انفاق در راه الله متعال:

از صفات زشت و قبیحه منافقان سستی و تنبلی در عبادت است هنگامی که برای نماز برمی خیزد سست و بی حال به نماز می ایستد و همچنان به مال و متاع دنیا خیلی بخیل و حریص می باشد، همیشه از بذل و بخشش در راه خیر و نیکی دست می کشد، و جز از روی ناچاری احسان و بخشش نمی کند، از روی مجبوری باکراحت و ناخوشی یک چیز ناچیز خرچ می کند خداوند متعال در این مورد می فرماید:

(وَمَا مَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ)^(۱)

ترجمه: هیچ چیز مانع پذیرش نفقات و بذل و بخشش هایشان نشده استو جز این که آنان به الله و پیغمبرش ایمان ندارد و کفر هم اعمال را پوچ و بی سود می سازد و جز با ناراحتی و بی حالی و سستی و سنگینی به نماز نمی ایستند، و جز از روی ناچاری احسان و بخشش نمی کنند.

یعنی: هرگاه برای نماز بپا خیزد با تنبلی و بی حالی می ایستد و از بس که آن را سنگین و دشوار می داند نزدیک است آن را انجام ندهد و جز از روی ناچاری احسان و بخشش نمی کند و از این عمل هیچ احساس آرامش، و اطمینانی به آنان دست نمی دهد در اینجا کسی که همانند آنان عمل نماید به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است و شایسته است که بنده با اشتیاق و نشاط بدنی و قلبی به نماز بایستد و با سینه ای فراخ و قلب استوار انفاق کند، و به پاداش و ذخیره شدن آن در نزد خدای یگانه امید داشته باشد، و خود را با منافقان مشابه نگرداند^(۲) و همچنان الله متعال می فرماید: (الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)^(۳)

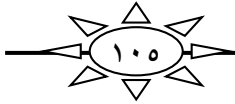
ترجمه: مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه و یک قماش هستند، آنان همدیگر را به کار زشت فرا می خواند و از کار خوب باز می دارد و از بذل و بخشش در راه خیر دست می کشد الله را فراموش کرده اند و از پرستش او روی گردان شده اند، خداوند هم ایشان را فراموش کرده است و رحمت خود را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است، واقعاً منافقان فرمان ناپذیر و سرکش و گناه کار هستند.

یعنی: خداوند متعال صفت مشترک همه بی منافقان را بیان کرده و فرموده اند: به کار زشت که کفر و فسق و گناه است فرمان می دهد، و (مردم را) از کار خوب که ایمان و اخلاق خوب و اعمال صالح و

۱ - سوره توبه آیه ۵۴

۲ - تفسیر راستین: ترجمه ی تفسیر تیسیر الکریم الرحمن ج/۴ ص/ ۵۸ - ۵۹ - ۱۰۱ - ۱۰۲

۳ - سوره توبه آیه ۶۷



آداب نیکو است باز می دارد، و دست هایشان را از صدقه و بخشش واحسان بسته می دارد، پس خداوند آنها را به بخل توصیف نموده است خدا را فراموش کرده اند، و او را جز اندکی یاد نمی کند، پس خداوند هم آنها را فراموش کرده و رحمت خویش را از آنان دریغ داشته، و به آنان توفیق خیر نمی دهد و آنان را وارد بهشت نمی کند بلکه آنان را در پایین ترین طبقه یی جهنم باقی می گذارد، و در آن برای همیشه می ماند بی گمان منافقان فاسق اند «فسق» را در آنان منحصر گرداند؛ زیرا فسق آنان از فسق دیگران بزرگ تر است، به دلیل اینکه عذاب آنان از عذاب دیگران شدیدتر می باشد، و همانا (خداوند) متعال مومنان را به وسیله ی آنان مورد آزمایش قرار داده؛ زیرا منافقان در میان آنان زندگی می کند، و پرهیز از آنان امری سخت و دشوار است^(۱) و همچنان الله متعال می فرماید: (وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يَنْفُقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)^(۲)

ترجمه: برخی از بادیه نشینان منافق عرب چیزی را که در راه خداوند صرف می کنند زیان می دانند چرا که به ثواب آن ایمان ندارند، و چشم به راه حوادث دردناک و بلایا و مصائب خوفناکی هستند که شما را از هر سو احاطه دهد و لوردتان کند بلاها و مصیبتها گریبانگیر خودشان باد، چون مردمان بدخواه و تنگچشم و منافقی هستند تیره روزیها و ناکامیها و بدبختیها تنها به سراغ آنان می رود خداوند شنوا و دانا است؛ لذا نیات، اقوال و افعال ایشان را می داند و می شنود.

یعنی: بعضی از بادیه نشینان روی مصلحت شخصی خود در راه جهاد و در راههای خیر دیگری احیاناً چیزی انفاق می کردند ولی چون این انفاق شان خالصانه نبود آن را توانی به حساب می آوردند، و همیشه انتظار این را داشتند که مسلمانان به مصیبت و حادثه یی ناگواری گرفتار شوند تا مجبور به چنین انفاق کردنی نشود از اینجا بود که چون پیامبر خدا صلی الله علیه و علی آله وسلم از دنیا رحلت نمود، بسیاری از آنها از دادن زکات انکار نمود، ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: به خداوند قسم با کسی که بین نماز و زکات فرق بگذارد و عقالی را یعنی { زانو بند شتری را } که برای پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می دادند برای من ندهد با آنها جنگ خواهم کرد.^(۳)

مطلب سوم کراهت و بد دیدن جهاد و مخالفت از خروج به آن:

از صفات زشت منافقان شادمانی {یعنی خوشی} کردن به عدم شرکت در جهاد و بد دیدن جهاد، و مخالفت با کسانی که در راه خداوند جَلَّ جَلالُه جهاد می کند در حالی که ترک جهاد سبب ذلّت و رسوایی است در دنیا

۱ - تفسیر راستین: ترجمه ی تفسیر تیسیرالکریم الرحمن ج / ۴ ص / ۷۵

۲ - سوره توبه آیه ۹۸

۳ - دکتور فیروز هروی تفسیر نورفروزان ج / ۷ ص / ۲۰۰ سوره توبه

و آخرت و همچنان سبب نزول عذاب الهی می شود در دنیا و آخرت، الله متعال در این مورد می فرماید:
 (فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ)^(۱)

ترجمه: منافقانی که از رفتن به جنگ تبوک سرباز زده اند، و در خانه های خود گرفته اند و نشسته اند این خانه نشینان (منافقان) از این که از رسول الله واپس کشیده اند شادمانند، و نخواستند با مال و جان در راه یزدان جهاد و پیکار کنند و دین الله را یاری دهند تا می توانند دیگران را از جنگ می ترسانند و با نشستن با خود تشویق می نمایند و می گویند در گرمای سوزان تابستان به سوی میدان نبرد حرکت نکنید ای پیغمبر بدانان بگو: اگر دانا بودند می فهمیدند که آتش دوزخ بسیار گرمتر و سوزانتر از گرمای تابستان و از همه آتشیهای جهان است.

یعنی: در اینجا خداوند متعال قباحت منافقان را بیان می کند که از جهاد نفرت دارد، و به مخالفت پیامبر صلی الله علیه و سلم اظهار خوشی می کرد، و دیگران را نیز از رفتن به جهاد منع می کرد، و برایشان می گفت: در این گرمای سوزان به طرف میدان جنگ نه روید در حالی که میوه های تان نیز پخته شده است، چه می دانستند که خویش را از این گرمی نجات میدهد و بسوی آن گرمی می شتابد که بمراتب شدیدتر است، و به آن شبیه است که کسی از حرارت آفتاب بگریزد و به آتش پناه برد^(۲) و همچنان الله متعال می فرماید: (قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ)^(۳)

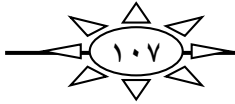
ترجمه: بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و اموالی که فراچنگش آورده اید، و بازرگانی و تجارتی که از بی بازاری و بی رونقی آن می ترسید، و منازلی که مورد علاقه شما است، اینها در نظر تان از الله و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد، در انتظار باشید که خداوند کار خود را می کند و عذاب خویش را فرو می فرستد خداوند کسان نافرمانبردار را به راه سعادت هدایت نمی نماید.

یعنی: این آیه کریمه بزرگترین دلیل بر وجوب مقدم داشتن محبت خدا و پیامبرش بر محبت هر چیز دیگری است و دلیلی است بر اینکه این وعید شدید متوجه کسی خواهد بود که یکی از امور مذکور به نزد خدا و پیامبرش و جهاد کردن باشد و نشانه محبوبیت هر یک از این امور ذکر شده این است که

۱ - سوره توبه آیه ۸۱

۲ - تفسیر المنیر د/ وهبة الزحیلی ج/ ۱۰ ص/ ۳۳۱

۳ - سوره توبه آیه ۲۴



هرگاه دو امر بر وی عرضه شدند، که یکی از آن دو را خدا و رسولش دوست می داشت، و هوای نفس او در آن نبود، و دیگری را خودش دوست داشت و به آن علاقمند بود، و انجام دادن آن منجر به از دست رفتن چیزی می شد که خدا و پیامبرش آن را دوست داشتند، و یا آن را ناقص می گرداند پس در این حالت اگر آنچه را که خود دوست می دارد بر آنچه که خدا و رسولش دوست می دارند مقدم داشت این بیانگر آن است که او ستمگر می باشد، و آنچه را که بر او واجب است ترک نموده است^(۱) و همچنان الله متعال در این مورد می فرماید: (لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ)^(۲)

ترجمه: منافقان اگر غنائمی نزدیک و در دسترس و سفری سهل و آسان باشد به طمع دنیا از تو پیروی می کند و به دنبال تو می آید ولی راه دور و پر دردرس همچون تبوک برای ایشان ناشدنی و نارفتنی است، به الله سوگند می خورند که اگر می توانستیم با شما حرکت می کردیم، آنان در واقع با این عملها و این دروغها خویشتن را تباه و هلاک می کنند و الله متعال می داند که ایشان دروغگویند.

یعنی: مردمان بسیاری در راهی که سر به سوی افقهای والا و ارزشمند دارد، سقوط می کند مردمان بسیاری هستند که در طول راه راست اسلام خسته و درمانده می شود، و از کاروان مؤمنان باز می ماند و به سوی کالای ناچیز دنیا و یا به مطالب بی ارزشی دنیوی می گراید، مردمان زیادی وجود دارند که انسانها آنان را در هر زمانی و در هر مکانی می شناسند ایشان جماعت اندک و ناگهان پدید آمده ای هم نیستند، بلکه آنان گروه نمونه تکرار شونده یی هستند، ایشان در حاشیه یی حیات به زندگی ادامه می دهند، هر چند هم گمان می برد که آنان به منافی دست یافته اند، و به مطالبی رسیده اند، و می انگارد که از پرداخت بهای بالا خویشتن را رها ساخته اند چه با بهای اندک جز کالای اندک را نمی توان خرید، و جز متاع ناچیز نمی آرزند، آنان در واقع با این عملها و این دروغها خویشتن را تباه و هلاک می کند^(۳) و همچنان الله متعال می فرماید: (وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاتِهِمْ فَتَبَطَّهْمُ وَقِيلَ لَهُمْ أَعُدُّوا مَعَ الْفَاعِدِينَ)^(۴)

ترجمه: اگر این منافقان نیت پاک و درستی داشتند و می خواستند برای جهاد بیرون روند توشه و ساز و برگ آن را آماده می کردند، و مسلح و مجهز در خدمت رسول راه می افتادند، اما خداوند می دانست که اگر برای جهاد بیرون می آمدند، جز زیان و ضرر نداشتند، این بود که بیرون شدن و حرکت کردن آنان را به سوی میدان نبرد نپسندید، و ایشان را از این کار باز داشت، و بدیشان گفته شد با نشستگان عاجز

^۱- تفسیر راستین ترجمه ی تفسیر تیسیر الکریم الرحمن: لشیخ عبد الرحمن السعدی ج/ ۴ ص/ ۱۷

^۲ سوره توبه آیه ۴۲

^۳- سید قطب شهید تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۰۵

^۴ سوره توبه آیه ۴۶

و ناتوان از قبیل: بیماران، پیران، کودکان و زنان در خانه بنشینید؛ چرا که شایستگی آن را ندارید که در کارهای بزرگ و راه سترگ الله متعال گام بردارید.

یعنی: خدوند متعال جهت افشای حال منافقان دلیل واضحی را بر اینکه آنان قلباً آمدگی رفتن به جهاد را نداشتند، بیان می دارد، و آن اینکه اگر چنین نیتی می داشتند باید قبلاً زاد و راحله و اسباب سفر را آمده می کرد و چون که چنین نکردند، دلالت بر این دارد که در ذهن آنها تصمیمی در رفتن به جهاد وجود نداشت؛ چون که آنها اصلاً اراده نداشتند^(۱) و همچنان الله متعال می فرماید: (وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةً أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ)^(۲)

ترجمه: هنگامی که سوره نازل گردد، و آنان را دعوت کند که در ایمان خود به الله اخلاص داشته باشید، و به همراه پیغمبرش به جهاد بپردازید، ثروتمندان ایشان از تو اجازه می خواهند که به جهاد نروند و می گویند: بگذار باخانه نشینان معذور در مدینه بمانیم.

یعنی: به این راضی شدند که به یک عمل پر ارزشی {یعنی جهاد} را ترک کند و به همراه خانه نشینان بنشینند و بر دل‌های شان مهر نهاده شده از این جهت نمی فهمند.^(۳)

^۱- دکتر فیروز هروی تفسیر نورفروزان ج/۷ ص/۴۸.

^۲ سوره توبه آیه ۸۶

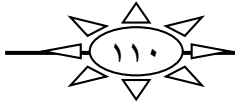
^۳ تفسیر نورفروزان ج/۷ ص/۱۷۹

مطلب چهارم امر به منکر و نهی از معروف:

از صفات زشت منافقان امر به منکرات و زشتی ها و نهی از معروف و نیکی ها می باشد، منافقین می خواهند خرابکاری، زنا، بی بند و باری و بی حجابی گسترش پیدا کند موسیقی و امور غیر شرعی، عکسها و فیلمهای لخت و نیمه لخت، سیگار و تریاک و مخدرات در جامعه انسانی شیوع داشته باشد اینها همه بی از جمله منکرات و بزه کاری ها است، منافق دوست ندارد در جامعه خیر، نیکی، علم، آگاهی مردم رشد کند، و اگر کسی از سر خیرخواهی به او بگوید: این کارها مورد پسند خداوند نیست و پیامبر نهی کرده است، در جواب خواهد گفت لازم نیست تو برای ما درس دین بدهی، ما خودمان از دین اسلام آگاهی کامل داریم، در این مورد الله متعال می فرماید: (الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (۱)

ترجمه: مردان منافق و زنان منافق همه از يك گروه و يك قماش هستند آنان همدیگر را به کار زشت فرا می خوانند و از کار خوب باز می دارند، و از بذل و بخشش در راه خیر، دست می کشند خداوند را فراموش کرده اند، و از پرستش او روی گردان شده اند، خداوند هم ایشان را فراموش کرده است و رحمت خویش را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است، واقعاً منافقان فرمان ناپذیر و سرکش و گناه کار هستند.

یعنی: مردان منافق و زنان منافق دارایی يك خمیره و از يك گل هستند، و سرشت واحدي را دارند، منافقان در هر زمانی و در هر مکانی افعال و اقوال ایشان مختلف و جداگانه است، و لیکن به سرشت یگانه بی بر می گردد، و از سرچشمه یگانه بی ب رمی جوشد بد نهادی، بد اندیشی، عیبجویی، نیرنگ بازی، ناتوانی از رویارویی، و ترس از صراحت گوئی، نشانه های اصلی ایشان است، اما رفتار و کردار شان عبارت است از: امر به انجام بدی، و نهی از کار نیک و تنگچشمی و آزمندی بر مال، مگر این که آن را برای روی و ریای مردمان ببخشد، آنان وقتی که به کار بد دستور می دهند، و زمانی که از کار نیک نهی می کنند، آنها را کاملاً نهان می دارند، و آنها را نیرنگبازانه و پنهانکارانه، و رخنه گرانه و عیبجویانه انجام می دهند؛ زیرا جرأت نمی کنند که آشکارا چنین گویند و کنند مگر زمانی که ایمن باشد و خویشان را کاملاً در امن و امان بدانند چه آنان خدا را فراموش کرده اند (و از پرستش او روی گردان شده اند) ایشان جز مصلحت خود را به حساب نمی آورند، و در نظر نمی گیرند، و از کسی جز انسانهای قلدر و قدرتمند ترس و هراسی ندارند، در برابر این گونه انسانها کرنش می برد و خواری می کشد و با آنان مدارا و سازش می کنند، آنان در دنیا در میان مردمان چنین بی ارج و بی اهمیّت هستند، و در آخرت نیز در پیشگاه خداوند این چنین خواهند بود واقعاً منافقان فرمان ناپذیر، سرکش، گناهکار، بیرون روندگان از



دائرة ایمان، و منحرفان از راه راست هستند، یزدان بدیشان وعده فرجام و سرنوشتی همچون فرجام و سرنوشت کفار را داده است. (۱)

مطلب پنجم ممانعت از راه الله متعال و ادیت رسول الله صلی الله علیه و سلم :

از صفات زشت منافقان ممانعت و جلوگیری مردم از راه خداوند جلّ و از دین اسلام است و همچنان آزار و ادیت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و مؤمنان می باشد، الله متعال در این مورد می فرماید: (اَسْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (۲)

ترجمه: آنان آیات خواندنی قرآن و دیدنی جهان الله را به بهای اندک (کالا و متاع دنیوی) فروخته اند و از راه خداوند بازمانده اند و دیگران را نیز از آن باز داشته اند، آنان کار بسیار بدی کرده اند.

یعنی: منافقان پول اندکی را از کالا و متاع زندگی این جهانی که بدان سخت چنگ زده اند، و از فوت آن هراس و بیم دارد، بر آیاتی که از سوی یزدان سبحان برایشان آمده است، ترجیح داده اند! ایشان می ترسیدند که اسلام چیزی از مصالح و منافعشان را هدر دهد، و از میان ببرد، یا چیزی از اموالشان را از ایشان بخواهد، و آنان را موظف به هزینه آن در راه خدا کند، پس چون آیات خدا را با پول اندکی معاوضه می کردند و می فروختند، هم دیگران و هم خویشان را از راه خدا باز می داشتند، و همان گونه که خواهد آمد، ایشان پیشوایان کفر بشمار می آمدند، اما این کار شان کار بدی است که خداوند بدی اصلی آن را مکرر می فرماید: آنان کار بسیار بدی کرده اند (۳) و همچنان الله متعال می فرماید: (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُّ أَدْنَىٰ خَيْرٌ لَّكُمْ يَوْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (۴)

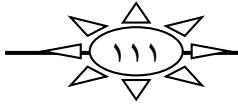
ترجمه: در میان منافقان کسانی هستند که پیغمبر را می آزارد و می گوید: او سراپا گوش است و راست و دروغ را می شنود و همه چیز را باور می کند بگو: او در نهایت لطف و محبت به سخنان خوب و بد شما گوش فرا می دهد، ولی به سخن خوب عمل می کند، و سخن بد را نادیده می گیرد، و بدان عمل نمی کند، و این سراپا گوش بودن او به نفع شما است، او به الله ایمان دارد و همه فرموده های او را تصدیق می کند، و به مؤمنان ایمان دارد، و هر چه بگوید باور می کند، چون معتقد به اخلاص ایشان است، و او برای کسانی که از شما که ایمان آورده اند رحمت است؛ (زیرا ایشان را به راستای خداشناسی

۱ سید قطب شید تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۵۰ - ۴۵۱

۲ سوره توبه آیه ۹

۳ شهید سید قطب تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۱۹۶ - ۱۹۷

۴ سوره توبه آیه ۶۱



آورده است، و راه بهشت را بدانان نموده است) کسانی که فرستاده الله را می آزارد، عذاب دردناکی دارد.

یعنی: از میان این منافقان کسانی هستند که با سخنان زشت، و عیب گرفتن از پیامبر و دینش او را آزار می رسانند و می گویند: او خوش باور است یعنی به اذیت و آزاری که متوجه پیامبر می نمایند بسنده نکرده و می گویند: وقتی که سخنان ما به گوش او رسید پیش او می آییم و عذر می طلبیم و او از ما می پذیرد؛ چون او خوش باور است، و دروغگو و راستگو را تشخیص نمی دهد، و آنها خداوند آنان را خوار بگرداند به این کار اعتنا نکرده، و اهمیت نمی دادند، چون می گفتند: اگر سخن ما به پیامبر نرسد این چیزی است که ما می خواهیم، و اگر به وی برسد فقط با عذر آوردن دروغین اکتفا می کنیم، پس آنها از جهات بسیاری به ساحت پیامبر بی ادبی کردند بزرگترین آن عبارت بود از اینکه آنها خودشان را که برای هدایت و بیرون کردنشان از شقاوت، هلاکت به سوی هدایت، و سعادت آمده بود، اذیت کردند، و این عمل خود را دست کم گرفته و با این کار بر اذیت و آزار شان افزودند، آنان هم چنین عقل و خرد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را زیر سوال برده، و او را به نادانی و عدم تشخیص راستگو از دروغگو متهم می کردند، در حالی که او صلی الله علیه و آله وسلم دارای عقلی کامل بوده، و درک و دریافت بسیار بالایی داشت، و از رای و بینشی نافذ برخوردار بود؛ بنابراین این خداوند متعال فرمود: بگو: گوش خوبی برای شما است، یعنی هر کسی که سخن نیک و راست بگوید از وی می پذیرد، اما روی گرداندن و برخورد کریمانه او نسبت به بسیاری از منافقان که عذرهای دروغین می آوردند، به خاطر اخلاق بزرگی و والای اوست و بدان خاطر است که به آنان اهمیت ندهد و از فرمان و دستور خدا تبعیت کند که می فرماید: «وقتی که به سوی آنان برگردید برای شما به خدا سوگند می خورد، تا از آنها روی بگردانید از آنان روی بگردانید همانا آنان پلیدانند» اما خداوند حقیقت آنچه که در قلب و نظر پیامبر است بیان می دارد: به خدا ایمان دارد و سخن مومنان راستگو و تصدیق کننده را باور می کند، و راستگو را از دروغگو تشخیص می دهد، و از بسیاری از دروغگویان روی بر می تابد و برای مومنان رحمتی است؛ زیرا مومنان به وسیله او هدایت می شود، و از اخلاق او پیروی می کنند، اما کسانی که ایمان ندارند و این رحمت را نمی پذیرند، و آن را رد می کنند، دنیا و آخرتشان را تباه می نمایند، و کسانی که با گفتار و کردار خویش پیامبر خدا را اذیت می کنند، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی دارد و از جمله عذاب دردناک آنها این است که اذیت کننده و ناسزا گوینده پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حتما باید کشته شود.^(۱)

^۱ تفسیر راستین: ترجمه ی تفسیر تیسیر الکریم الرحمن، شیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی ج/ ۴ ص/ ۶۷ - ۶۸ - ۶۹

مبحث سوم صفات خلقی منافقین در سوره توبه:

مبحث سوم دارای شش مطلب است که در مطلب اول: نادیده گرفتن قرابت و دوستی و عهد شکنی، در مطلب دوم: چاپلوسی و به دروغ قسم خوردن، در مطلب سوم: فساد و فتنه انگیزی و تفرقه در میان مسلمانان، در مطلب چهارم: دروغگویی، وعده خلافی، بخیلی و حرص متاع دنیا، در مطلب پنجم: ناسزاگویی، و در مطلب ششم: عذر خواهی به دروغ و راضی نمودن مسلمانان به قسم های دروغین، بحث خواهد شد

مطلب اول نادیده گرفتن قرابت و دوستی و عهد شکنی:

از صفات زشت منافقان نادیده گرفتن قرابت و دوستی و عهد شکنی است یعنی هنگام پیروزی در برابر شما خویشاوندی را در نظر نمی گیرند و عهد و پیمان را نیز رعایت نمی کنند عهد شکنی و تعدی بیماری ای مزمنی برای آنان گشته است، در این مورد الله متعال می فرماید: (كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ)^(۱)

ترجمه: چگونه (عهد و پیمان با شما را مراعات می دارد؟ هرگز! بلکه) اگر بر شما پیروز شود نه خویشاوندی را در نظر می گیرد، و نه عهدی را مراعات می دارد، و در نابودی شما همه توان خود را به کار می گیرد، اگر پیروزی با شما باشد آنان با سخنان (زیبا و شیرین) خود شما را راضی و خوشنود می دارد، ولی دلپایان با زبانهایشان هم آوا نیست، و اندرونشان از کینه شما لبریز است، و از اذعان و اقرار بدانچه می گوید: ابا دارد بیشتر آنان نافرمانبردارند، و عهد و پیمان را نگاه نمی دارد و همچنان الله متعال می فرماید: (لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ)^(۲)

ترجمه: آنان نه تنها در باره شما بلکه در باره هیچ فرد با ایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی کند، و ایشان تجاوز پیشه اند و عهد شکنی و تعدی بیماری مزمنی برای آنان گشته است، و همچنان الله متعال می فرماید: (وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ)^(۳)

ترجمه: و اگر پیمانهای را که بسته اند و مؤکد نموده اند، شکستند، و آئین شما را مورد طعن و تمسخر قرار دادند، اینان سردستگان کفر و ضالانند، و با سردستگان کفر و ضلال بجنگید؛ چرا که پیمانهای ایشان کمترین ارزشی ندارد، شاید در پرتو باز بودن درگاه توبه الله و شدت عمل شما پشیمان شود، و دست

^۱ سوره توبه آیه ۸

^۲ سوره توبه آیه ۱۰

^۳ سوره توبه آیه ۱۲

بردارد، یعنی: آنان (نه تنها در باره شما، بلکه) در باره هیچ فرد با ایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی کند و ایشان تجاوز پیشه اند (و عهد شکنی و تعدی، بیماری برای آنان گشته است)^(۱)

مطلب دوم چاپلوسی و به دروغ قسم خوردن:

از صفات زشت منافقان چاپلوسی و زبان لوسی و به دروغ سوگند خوردن است، یعنی حرفهای بی معنای خود را خیلی بزرگ قلمداد می کند، و به قسم های دروغین حرفهای خود را مزین می سازد، خداوند متعال در این مورد می فرماید: (يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ)^(۲)

ترجمه: برای شما به الله سوگندها می خورد که درباره پیغمبر چیز بدی نگفته اند، و به دروغ از شرکت در جهاد واپس نکشیده اند؛ تا با سوگندهای خود شما را راضی کنند درحالی که شایسته تر این است که الله و پیغمبرش را (با عبادت و طاعت و فرمانبرداری) راضی کنند اگر واقعاً ایمان دارند.

یعنی: چون مؤمن هیچ چیزی را بر رضایت و خشنودی پروردگارش مقدم نمی دارد و این بیانگر عدم ایمان آنها می باشد؛ زیرا خشنودی غیرخدا و پیامبرش را مقدم داشته اند، و این مخالفت و دشمنی با خداست، و خداوند کسی را که با او مخالفت ورزد تهدید نموده و می فرماید: آیا ندانسته اند که هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت ورزد، به این صورت که در سمت و سویی قرار گیرد که او را از خدا و پیامبرش دور نماید، و دستورات خدا را بی ارزش انگارد و بر ارتکاب آنچه او حرام نموده است جرات کند، سزای او آتش دوزخ است، و در آن جاودانه می ماند، و این رسوایی بزرگی است که هیچ رسوایی زشت تر و بدتر از آن وجود ندارد؛ چرا که نعمت پایدار و همیشگی را از دست داده، و به عذاب جهنم گرفتار شده است، از حالت آنان به خدا پناه می بریم.^(۳) و همچنان خداوند متعال می فرماید: (وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مَسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ)^(۴)

ترجمه: هنگامی که ایشان را می بینی، پیکر، و سیمایشان تو را می گیرد، و به شگفت می آورد، و به خود می گوئی: چه انسانهای با وقار و برازنده ای! و هنگامی که به سخن در می آید، به علت حلاوت کلامشان به سخنانشان گوش فرا می دهی با وجود این جذبہ سیما و گیرائی گفتار آنان انگار تخته هائی

^۱ تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۱۴۹

^۲ سوره توبه آیه ۶۲

^۳ تفسیر راستین لشیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی متوفی ۱۳۷۶ — ج/ ۴ ص/ ۷۰

^۴ سوره منافقون آیه ۴

هستند که بر دیوار تکیه داده شده باشد، بی جان، و بی ایمان، هیکلهای خالی، درونهای بی نور، و صفا، نقشهائی بر در و دیوارها، هر فریادی را بر ضدّ خود می پندارد، و هر آوازی را به زیان خویش! آنان دشمنان بشمارد، و از ایشان بر حذر باش خدایشان بگشاد! چگونه از حق برگردانده می شود و من حرف می گردد، و همچنان خداوند متعال می فرماید: (وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ) (۱) ترجمه: به الله سوگند می خورند که آنان از شما نیستند و مسلمانند در حالی که از شما نیستند و مؤمن و مسلمان نمی باشند، و مردمان ترسوئی هستند، و چون از شما وحشت دارند، دروغ می گویند، و نفاق می ورزند.

یعنی: به خدا سوگند می خورند که آنان از شما هستند، در حالی که از شما نیستند، بلکه چیزی که در دلشان آنان را تحریک می نماید تا آن قسم را بخورند این است که از حوادث و پیشامدهای ناگوار می ترسند، و در دلهایشان چنان شجاعتی وجود ندارد و حالات خود را بیان کنند، پس می ترسند که حالت خود را برای شما آشکار کنند، و می ترسند که شما از آنها بیزاری و دوری بجوید، و آنگاه دشمن از هر طرف بر آنان یورش برد کسی که شجاع و استوار باشد، شجاعت و قوت قلب، او را وادار می نماید تا حالتش را چه خوب باشد چه بد بیان کند، اما منافقان خلعت، بزدلی و ترسوئی را پوشیده و با دروغ خود را آراسته اند؛ پس خداوند شدت بزدلی و ترسوئی آنان را بیان کرد و فرمود: اگر پناهگاهی بیابد در آن مستقر گردد، یا محلی را بیابد که در آن داخل شود، و در آنجا پناه بگیرد، که به هنگام سختی ها به آن پناه برد، یا غارهایی بیابد که وارد آن شود شتابان به آن روی می آورد پس آنان نیروی استقامت و پایداری را از دست داده اند. (۲)

۱ سوره توبه آیه ۵۶

۲ تفسیر راستین ترجمه ی: تیسیر الکریم الرحمن ج/ ۴ ص/ ۶۱ تألیف: علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی - رحمه الله - متوفای ۱۳۷۶ هجری قمری [۱۳۳۴ هجری شمسی] { ترجمه: محمد گل گمشاد زهی }

مطلب سوم فساد و فتنه انگیزی و تفرقه در میان مسلمانان:

از صفات زشت منافقان فساد و فتنه برانگیزی و تفرقه اندازی میان مسلمانان می باشد، خداوند متعال می فرماید: (لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ)^(۱)

ترجمه: اگر آنان همراه شما برای جهاد بیرون می آمدند چیزی جز شر و فساد بر شما نمی افزودند و به سرعت در میان شما حرکت می کردند، و مشغول آشفتن و گول زدن و برگرداندن تان از دین می شدند، در میان تان هم کسانی هستند که سخن ایشان را میشنود و دعوت تفرقه آمیز و فتنه برانگیز ایشان را بپذیرد، خداوند ستمگران را خوب می شناسد، و از فاسق و فاجر ایشان آگاه و از رفتار آشکار و نهانشان با خبر است.

یعنی: در اینجا حالت آن منافقان را به تصویر کشیده اند، که با مکر و فریب کسب اجازه کرده بودند، حال آن که نرفتن آنها در جهاد بهتر از رفتن شان بود؛ زیرا که اگر آنها در جهاد شرکت می کردند با طوطئه و اخبار دروغ در میان مسلمانان فتنه و فساد برپا می کردند؛ چرا که در میان مسلمانان، افراد ساده لوحی وجود دارد که با شنیدن اخبار دروغین متأثر می شوند، و همچنان در میان شما بعضی مخبر از آنها وجود دارد که بیش از این در تدابیر فساد مهارت ندارد، و خداوند این ظالمان را کاملاً می شناسد و جزایشان را می دهد،^(۲) و همچنان الله متعال می فرماید: (لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ)^(۳)

ترجمه: این گروه منافقان پیش از این هم به فتنه گری و ایجاد فساد در میان شما پرداخته اند و در جنگ احد و دیگر موارد بر ضدّ شخص پیغمبر علیه السلام و برخی از مؤمنان و خود آئین اسلام توطئه ها چیده اند، و نقشه ها کشیده اند، و رایزنیها نموده اند، و نیرنگها ورزیده اند، برای این که جلو اسلام را بگیرد و کار را بر تو تباه کند، تا زمانی که علی رغم خواست منافقان و به کوری چشم ایشان یاری الله فرا رسید، و آئین اسلام آشکار و پیروز گردید، و دسته دسته مردمان بدان گرویدند، و مزه ایمان را چشیدند و به حساب منافقان رسیدند، و همچنان الله متعال می فرماید: (وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ)^(۴)

^۱ سوره توبه آیه ۴۷

^۲ علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی - تفسیر معارف القرآن ج ۶ / ص ۲۸۳

^۳ سوره توبه آیه ۴۸

^۴ سوره توبه آیه ۵۶

ترجمه: به الله سوگند می خورد که آنان از شما نیستند و مؤمن و مسلمانند در حالی که از شما نیستند و مؤمن و مسلمان نمی باشد و مردمان ترسوئی هستند و چون از شما وحشت دارد دروغ می گوید و نفاق می ورزد، و همچنان الله متعال می فرماید: (وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ) (۱)

ترجمه: واز میان منافقان کسانی هستند که مسجدی را بنا کردند، و منظورشان از آن، زیان به مؤمنان و کفر ورزی در آن و تفرقه اندازی میان مؤمنان، و درهم کوبیدن صفوف مسلمانان و کمینگاه ساختن برای کسی بود که قبلاً با الله و پیغمبرش جنگیده بود، و علم طغیان بر افراشته بود، سوگند هم می خوردند که نظری جز نیکی نداشته اند، و تنها مرادشان خدمت به مردمان و اقامه نماز در آن بوده و بس، اما خداوند گواهی می دهد که آنان در سوگند خود دروغ می گویند.

یعنی: تعبیر شگفت قرآنی در اینجا تصویری را ترسیم می کند که لبریز از حرکت و جنبش است این تصویر زنده و گویا خبر از سرنوشت و فرجام هر مسجد ضراری را می دهد که در نزدیکی مسجد تقوا و پرهیزگاری بنیاد و برپا می گردد، و مراد از آن همان چیزی است که از مسجد ضرار مراد بود این آیات با تصویر رسا و روشن خود، پرده از نهایت و غایت هر تلاش نیرنگبازانه و هر کوشش حيله گرانه ای بر می دارد، که در فراسوی آن نیت پلیدی پنهان و نهان شده باشد، و مسلمانان کوشا و پویای پاک را از هرگونه کید و مکرری اطمینان می بخشد، و خاطر جمع می کند که خواسته شود دچار ایشان گردد، و بر سر آنان رود، هر چند هم همچون نیرنگبازانی و دغلکارانی جامه های مصلحان و خوبان را به تن کرده باشد. (۲)

^۱سوره توبه آیه ۱۰۷

^۲ سید قطب شهید رحمه الله تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۲ ص/ ۹۲

مطلب چهارم دروغ‌گویی، وعده خلافی، بخیلی و حرص متاع دنیا:

از صفات زشت منافقان دروغ‌گویی، وعده خلافی، بخل ورزیدن به ثروت و دارایی دنیوی، پیمان شکنی و زیاد حریص بودن به مال و متاع ناچیز دنیا می باشد، الله متعال می فرماید: (وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ)^(۱)

ترجمه: در میان منافقان کسانی هستند که سوگند می خورند و با الله پیمان می بندند که اگر از فضل خود ما را بی نیاز کند و به نعمت و نوائی برساند بدون شك به صدقه و احسان می پردازیم و از زمره شایستگان درگاه یزدان، و نیکوکاران مردمان خواهیم بود، و همچنان الله متعال می فرماید: (فَلَمَّا آتَاهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ)^(۲)

ترجمه: اما هنگامی که الله از فضل خود ثروت و دارائی بدانان بخشید بخل ورزیدند و چیزی نبخشیدند، و به عهد خود وفا نکردند و هم از الله و هم از خیرات سرپیچی کردند و روی گرداندند و همچنان الله متعال می فرماید: (فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يُلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ)^(۳)

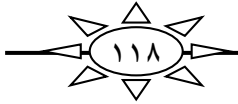
ترجمه: خداوند نفاق را در دل‌هایشان پدیدار و پایدار ساخت تا آن روزی که الله را در آن ملاقات می کنند این به خاطر آن است که پیمان الله را شکستند و همچنین دروغ گفتند.

یعنی: این آیه در مورد مردی از منافقان نازل شده که اسمش ثعلبه بود او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و از ایشان خواست تا برایش دعا کند، که خداوند از فضل خویش به او بدهد و گفت: «اگر خداوند به او مال بدهد حتما صدقه خواهد داد، و پیوند خویشاوندی را برقرار خواهد نمود، و در مصیبت‌ها مردم را یاری خواهد کرد» پس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برایش دعا کرد او گوسفندانی داشت و روز به روز رشد کردند و زیاد شدند تا اینکه مجبور شد گوسفندان خود را از مدینه بیرون ببرد، به گونه ای که فقط برخی از نمازهای پنجگانه را پشت سر پیامبر می خواند، سپس دورتر رفت، و جز روزهای جمعه به نماز نمی آمد پس گوسفندانش بیشتر شده و آنها را دورتر برد و دیگر نه به نماز جماعت می آمد و نه در نماز جمعه شرکت می کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را نیافت، اما وی را از حالتش آگاه ساختند، پس کسی را فرستاد که زکات را از صاحبانش بگیرد گردآورندگان زکات نزد ثعلبه رفتند، و از او خواستند تا زکات را بدهد، ثعلبه گفت: چیزی که شما از من می خواهید جزیه است، و زکات را به آنان نداد آنها برنگشتند و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را از ماجرا با خبر کردند، پس فرمود: وای بر ثعلبه! «سه بار» وقتی این آیه در مورد او و امثالش نازل شد یکی از افراد خانواده اش

^۱ سوره توبه آیه ۷۵

^۲ سوره توبه آیه ۷۶

^۳ سوره توبه آیه ۷۷



پیش او رفت و این آیه را به اطلاع او رسانید، و او زکات خود را آورد و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آن را نپذیرفت، پس از وفات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم زکات را پیش ابوبکر آورد، و ابوبکر نیز آن را نپذیرفت، و بعد از ابوبکر زکات را پیش عمر آورد، و عمر هم آن را نپذیرفت، پس او در زمان خلافت حضرت عثمان به همین حالت وفات نمود.^(۱) همچنان الله متعال می فرماید: (وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ) ^(۲)

ترجمه: به الله سوگند می خورد که آنان از شما نیستند و مؤمن و مسلمانند در حالی که از شما نیستند و مؤمن و مسلمان نمی باشند، و مردمان ترسوئی هستند و چون از شما وحشت دارد دروغ می گوید و نفاق می ورزد، و همچنان الله متعال می فرماید: (أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا) ^(۳)

ترجمه: آنان نسبت به شما بخیلند و برای تهیه ادوات و ابزار جنگی کمترین کمکی نمی کنند، و هنگامی که لحظات بیم و هراس فرا می رسد و جنگجویان به سوی یکدیگر می روند، و چکاچاک اسلحه همدیگر را می شنود، آن چنان ترسو هستند که می بینی به تو نگاه می کند، در حالی که چشمانشان بی اختیار در حلقه به گردش در آمده است، همسان کسی که دچار سكرات موت بوده و می خواهد قالب تهی کند، اما هنگامی که خوف و هراس نماند و جنگ به پایان رسید و زمان امن و امان فرا رسد، زبانهای تند و تیز خود را بی ادبانه بر شما می گشایند، و مقامات شجاعت و یاری خویشان را می ستایند و پر رویانه سهم هرچه بیشتر غنائم را ادعاء می نمایند، و برای گرفتن غنائم سخت حریص و آزمندند آنان هرگز ایمان نیاورده اند و لذا الله اعمال ایشان را باطل و بی مزد می کند و این کار برای الله آسان است.

^۱ سعدی: عبدالرحمن بن ناصر السعدی: تفسیر راستین: ترجمه ی تیسیر الکریم الرحمن ج/ ۴ ص/ ۸۷ - ۸۸ الأحاد والمسائید لابن ابی عاصم رقم ۲۲۵۳ تفسیر الطبری ج/ ۱۱ ص/ ۵۷۸ - ۵۷۹ المعجم الکبیر للطبرانی رقم {۷۸۷۳} اسباب النزول للواحدي ص/ ۲۵۲ این حدیث از نگاه سند به اتفاق محدثین ضعیف بوده و قابل احتجاج نیست.

^۲ سوره توبه آیه ۵۶

^۳ سوره احزاب آیه ۱۹

مطلب پنجم ناسزاگویی:

از صفات زشت منافقان ناسزاگویی و آزار و اذیت پیامبر علیه السلام و رنجاندن قلبهای مؤمنان می باشد
 الله متعال در این مورد می فرماید: (وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ
 إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ) (۱)

ترجمه: و اگر پیمانهای را که بسته اند، و مؤکد نموده اند شکستند و آئین شما را مورد طعن و تمسخر
 قرار دادند، اینان سردستگان کفر و ضلالند و با سردستگان کفر و ضلال بجنگید؛ چرا که پیمانهای ایشان
 کمترین ارزشی ندارد، شاید در پرتو باز بودن درگاه توبه الله و شدت عمل شما پشیمان شود و دست
 بردارد، این کثیر در تفسیر خود می فرماید: کسی که پیامبر صلی الله علیه وسلم را می آزارد {یعنی:
 دشنام دادند} و یا آیین اسلام را مورد طعن و تمسخر قرار دادن. واجب القتل است. (۲)

و همچنان الله متعال می فرماید: (وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمُزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا
 إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ) (۳)

ترجمه: در میان آنان کسانی هستند که در تقسیم زکات از تو عیبجویی می کند، و ایراد می گیرد و نسبت
 بی عدالتی را به تو می دهد! اینان جز به فکر حطام دنیا در اندیشه چیز دیگری نیستند، و لذا اگر بدانان
 چیزی از زکات داده شود خوشنود می شوند، و اگر چیزی از آن بدیشان داده نشود هرچه زودتر خشم
 می گیرد و اخم و تخم می کند.

یعنی: خداوند متعال گروهی از منافقان را وصف می کند که بر پیامبر صلی الله علیه وسلم در توزیع
 زکات خرده گیری نموده و عیبجویی می کردند فکرمی کردند که از فقراء هستند؛ لذا مستحق زکات می
 باشد، از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: در هنگام که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم
 مالی را تقسیم می کردند خرقوص بن زهیر که اصل خوارج است، و برایش ذوالخویصره پی تمیمی
 می گفتند، نزد شان آمد و گفت: یا رسول الله [در توزیع زکات] عدالت کن فرمود: « وای بر تو اگر من
 عدالت نکنم، چه کسی عدالت می کند»، در این وقت عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت: یا رسول الله!
 مرا بگذارید تا این منافق را بکشم، پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: « معاذ الله از اینکه مردم
 بگویند: من صحابه خود را می کشم، این شخص و یاران او قرآن می خواند، ولی [این قرآن خواندن]
 از حنجره های آنها تجاوز نمی کند، و از دین آن گونه به سرعت بیرون می شود که تیر از هدف بیرون

۱ سوره توبه آیه ۱۲

۲ ابن کثیر: الامام الحافظ ابی الفداء اسماعیل ابن کثیر القریشی دمشقی تفسیر ابن کثیر ج/ ۳ ص/ ۳۵۹

۳ سوره توبه آیه ۵۸

می شود»^(۱) و همچنان الله متعال می فرماید: (وَمَنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)^(۲)

ترجمه: در میان منافقان کسانی هستند که پیغمبر را می آزارد و می گوید: او سراپا گوش است و راست و دروغ را می شنود و همه چیز را باور می کند، بگو: او در نهایت لطف و محبت به سخنان خوب و بد شما گوش فرا می دهد ولی به سخن خوب عمل می کند و سخن بد را نادیده می گیرد و بدان عمل نمی کند و این سراپا گوش بودن او به نفع شما است، او به الله ایمان دارد و همه فرموده های او را تصدیق می کند و به مؤمنان ایمان دارد (و هرچه بگوید باور می کند چون معتقد به اخلاص ایشان است و او برای کسانی که از شما که ایمان آورده اند رحمت است؛ زیرا ایشان را به راستای خداشناسی آورده است و راه بهشت را بدانان نموده کسانی که فرستاده الله را می آزارد، عذاب دردناکی دارد.

یعنی: نوع دیگری از منافقان هستند که با وقاحت و بی شرمی تمام، زبان به عیبجویی از پیامبر صلی الله علیه وسلم گشوده و سبب اذیت و آزار ایشان می شد و می گفت: محمد خوش باور است، هرسختی که گفته شود، باور می کند.^(۳)

^۱ دکتور فیروز هروی تفسیر نور فروزان ج/ ۷ ص/ ۷۱ «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ بَيَّيْنَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَقْسِمُ قَسْمًا أَتَاهُ ذُو الْخَوْبِصِرَةِ وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اءَدِلْ فَقَالَ وَبِكَ وَمَنْ يَعْدِلُ إِذَا لَمْ أَعْدِلْ قَدْ خَبَيْتُ وَخَسِرْتُ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَعْدِلُ فَقَالَ عَمْرٌ لَمْ أَكُنْ لِي أَضْرِبْ عَنْقَهُ فَقَالَ دَعُهُ فَإِنَّ لَهُ أَصْحَابًا يَحْفَرُ أَحْدَكُمْ صَلَاتَهُ مَعَ صَلَاتِهِمْ وَصِيَامَهُ مَعَ صِيَامِهِمْ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَةِ يُنْظَرُ إِلَى نَصْلِهِ إِلَى رُصَافِهِ إِلَى نَضْبِهِ وَهُوَ قَدْ حُدَّ إِلَى قُدْحِهِ فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ قَدْ سَبَقَ الْفَرْثُ وَالدَّمَ أَنْتَهُمْ رَجُلٌ أَسْوَدُ إِحْدَى عَضُدَيْهِ مِثْلُ نُدْيِ الْمَرْأَةِ أَوْ مِثْلِ الْبِضْعَةِ تَنْزِدُ وَيَخْرُجُونَ عَلَى حِينِ فِرْقَةٍ مِنَ النَّاسِ» حديث متفق عليه است.

^۲ سوره توبه آیه ۶۱

^۳ تفسیر نور فروزن ج/ ۷ ص/ ۱۰۲

مطلب ششم عذر خواهی به دروغ و راضی نمودن مسلمانان با قسم های دروغین:

از صفات زشت منافقان عذر تراشی به دروغ و راضی نمودن مؤمنان به سوگندهای دروغین خود می باشد، خداوند متعال می فرماید: {يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ} (۱)

ترجمه: وقتی که به سوی آنان از جنگ تبوک برگردید، ایشان شروع به عذر آوری می کند، و دروغها به هم می بافند، بدیشان بگو: عذرخواهی مکنید ما هرگز به شما باور نمی کنیم خداوند ما را از خبرهای تان آگاه ساخته است، و برخی از دروغها و ترفندهای تان را به پیغمبر وحی کرده است، این همه دروغ و عذر خواهی چرا سخن کوتاه کنید و در عمل کوشید که الله و پیغمبرش عمل شما را خواهد دید، اگر کردارتان گواهی بر صلاح و تقوای تان داد و بیانگر توبه حقیقی شما از نفاق گردید، از همان مزایائی برخوردار می شوید که سایر مؤمنان برخوردارند، و اگر باز هم به نفاق خود ادامه دادید، با شما همان شدت و حدت و جهاد و پیکاری خواهد شد که با کافران می گردد، این در این جهان و اما پس از این جهان یعنی در آخرت به سوی الله برگردانده می شوید، که آگاه از پنهان و آشکار همگان و ظاهر و باطن شما منافقان است و شما را از آنچه انجام می داده اید، با خبر می سازد و پاداش و پادافره اعمال و اقوالتان را می دهد، و همچنان الله متعال می فرماید: {لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ يُعَذِّبُ طَائِفَةٌ بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ} (۲)

ترجمه: بگو: با چنین معذرتهای بیهوده عذرخواهی نکنید شما پس از ایمان آوردن کافر شده اید، اگر هم برخی از شما را به سبب توبه مجدد و انجام کارهای شایسته ببخشیم برخی دیگر را نمی بخشیم؛ زیرا آنان بر کفر و نفاق خود ماندگارند و در حق پیغمبر و مؤمنان به بزهکاری خود ادامه می دهند.

یعنی: به سبب همین گناه بزرگ است که یزدان سبحان واژه کفر را برایشان بکار می برد، و رو در روی ایشان می گوید که پس از ایمان آوردنشان ایمانی که آن را اظهار داشته اند، و نشان داده اند کفر را برگزیده اند همچنین یزدان سبحان آنان را از عذابی بیم می دهد و می ترساند که اگر به سبب زود توبه کردن و پشیمان شدن و ایمان درست آوردن، همه ایشان را دربر نگیرد، از برخی از ایشان که بر نفاق خود می ماند و به تمسخر آیات و پیغمبر خدا، و به استهزاء دین خدا را، ادامه می دهد، در نمی گذرد؛ زیرا آنان بر کفر و نفاق خود ماندگارند و در حق پیغمبر و مؤمنان به همین عمل زشت خود ادامه می دهد، هنگامی که روند قرآنی بدین مرز از نشان دادن چنین نمونه هایی از اقوال و اعمال و تفکرات

۱ سوره توبه آیه ۹۴

۲ سوره توبه آیه ۶۶

منافقان می رسد، به حقیقت منافقان به گونه همگانی، و به عرضه کردن صفت‌های اصلی و اساسی ایشان بطور عام می پردازد، صفت‌های بنیادینی که منافقان را از مؤمنان راستین جدا می سازد، و آن گاه عذابی را مشخص می دارد که در انتظار همگی منافقان است^(۱) و همچنان الله متعال می فرماید: (سَيُحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِنُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)^(۲)

ترجمه: هنگامی که به سوی آنان باز گردید برای شما به الله سوگند خواهد خورد، که معذرت‌هایشان راست و درست است، تا از آنان صرف نظر کنید ولی از کار آنان غافل شوید و از آنان درم‌گذرید و از ایشان دوری گزینید، بیگمان آنان پلیدند و دارایی نیت و هدف ناپاکی هستند، و به کیفر کارهایی که می کنند جایگاهشان دوزخ است، و همچنان الله متعال می فرماید: (يُحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ)^(۳)

ترجمه: برای شما سوگندها می خورد تا از آنان درگذرید، و خوشنود شوید تازه اگر هم شما از آنان درگذرید و خوشنود شوید خداوند از ایشان خشمگین است، و از گروهی که سر از فرمان تافته و بردین شوریده باشد در نمی گذرد و خوشنود نمی شود.

یعنی: خلاصه آنچه که خداوند ذکر کرده چنین است: منافقانی که بدون عذر از شرکت در جهاد تخلف ورزیده و به جهاد نرفتند، اگر برای مومنان عذر آوردند، و ادعا کردند که برای شرکت نکردن شان در جهاد عذری داشته اند، به درستی که منافقان می خواهند شما از آنان صرف نظر کنید، و از آنها راضی شوید و عذر آنها را بپذیرید اما شما هرگز نباید عذرشان را بپذیرید، و از آنان خشنود شوید اما آیا از آنان اعراض شود یا نه؟ آری! مومنان باید از آنان اعراض نمایند.^(۴)

^۱ شهید سید قطب تفسیر فی ظلال القرآن ج/۱ ص/ ۴۴۹

^۲ سوره توبه آیه ۹۵

^۳ سوره توبه آیه ۹۶

^۴ شیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی: تفسیر راستین ج/ ۴ ص/ ۱۰۸

مبحث چهارم سر انجام منافقین در سوره توبه:

مبحث چهارم دارایی یازده مطلب است که در مطلب اول: خود را در هلاکت انداختن، در مطلب دوم: احاطه کردن جهنم بالای آنها، در مطلب سوم: گرفتن روح در حالت کفر، در مطلب چهارم: نابود شدن اعمال آنها، در مطلب پنجم: ملعون شدن از طرف الله متعال، در مطلب ششم: خساره مند شدن در دنیا و آخرت، در مطلب هفتم: نداشتن کدام دوست و کمک کننده در آخرت، در مطلب هشتم: معذب شدن به عذاب دائمی و ابدی، در مطلب نهم: جاهل ماندن به دین اسلام، در مطلب دهم: عدم قبول شدن صدقات و نفقات آنها، در مطلب یازدهم: مردار و پلید بودن آنان، بحث خواهد شد.

مطلب اول خود را در هلاکت انداختن:

از صفات زشت منافقان خود را به سوگندهای دروغین و فریبکاری ها در تباهی و هلاکت می اندازد؛ زیرا منافقان با اعمال مزدورانه بی خود درهای رحمت خداوند را بر روی خود بسته اند، و درهای عذاب را به روی خود باز می کنند، خداوند متعال در این مورد می فرماید: (لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِن بَعْدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ) (۱)

ترجمه: منافقان اگر غنائمی نزدیک و در دسترس و سفری سهل و آسان باشد به طمع دنیا از تو پیروی می کنند و به دنبال تو می آیند ولی راه دور و پردردسر همچون تبوک برای ایشان ناشدنی و نارفتنی است به الله سوگند می خورند که اگر می توانستیم با شما حرکت می کردیم آنان در واقع با این عملها و این دروغها خویشتن را تباه و هلاک می کند، و الله متعال می داند که ایشان دروغگویند.

یعنی: اگر بیرون رفتن برای طلب کالای نزدیک و منافع دنیوی، و برای سفری نزدیک و آسان بود قطعا از تو پیروی می کردند؛ به خاطر اینکه مشقت زیادی در آن نبود، ولی مسافت برآنان دور آمد و سفر برایشان مشکل شد؛ بنابر این از تو روی گرداندند، و تنبلی کردند این از نشانه های عبودیت نیست، بلکه بنده ای حقیقی کسی است که در هر حال بندگی پروردگارش را انجام دهد، و عبادت های سنگین و ساده را ادا کند، پس چنین کسی در هر حال بنده خداست و به خدا سوگند می خورد آنها چون عذری داشته اند از آمدن به جنگ بازمانده اند به گونه ای که نتوانسته اند برای جنگ بیرون آیند با نشستن و دروغ گفتن و خلاف واقعیت گفتن، خود را هلاک می نمایند و خداوند می داند که آنان دروغ می گویند این سرزنش منافقان است، کسانی که در غزوه تبوک از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم باز ماندند، و

عذرهای دروغین را پیشه کردند و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فقط به خاطر اینکه عذر آوردند از آنها درگذشت، بدون اینکه آنان را بیازماید تا راستگو و دروغگو برای او مشخص گردد.^(۱)

مطلب دوم احاطه کردن جهنم بالای آنها:

آخرین انجام منافقین در روز قیامت آتش جهنم است که بالای آنها احاطه می کند و آنها را فرامی گیرد، خداوند متعال می فرماید: (وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ اُذْنٌ لِّي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ)^(۲)

ترجمه: بعضی از منافقان می گویند: به ما اجازه بده تا در جهاد با رومیان شرکت نکنیم و ما را دچار فتنه و فساد (جمال ماهرویان رومی) مساز، هان! هم اینک ایشان با مخالفت فرمان خداوند به خود فتنه و فساد افتاده اند. و دچار معصیت و گناه شده اند و در روز قیامت آتش دوزخ، کافران چون ایشان را فرا می گیرد.

یعنی: تعبیر قرآنی صحنه ای را ترسیم می کند که انگار در آن، فتنه و فساد پرتگاهی است که فتنه گران و تباهی پیشه گان بدان فرو می افتند، و دوزخ از هر طرف ایشان را در بر می گیرد، و تمام سوراخ ها و سنبه ها و گوشه و کنارها را از ایشان می گیرد، و آنان نمی توانند فرار کنند این امر کنایه از این است که آنان کاملاً به گناه دست می یازند و مرتکب گناه می شوند، و عذاب حتماً در انتظار ایشان است، و این پاداش دروغگویی و دروغ نامیدن ایشان، و واپس ماندن آنان، و سقوط بدین مرتبه پست معذرت آوردنهای ایشان است، همچنین بیانگر کفرشان و کافر بودنشان است، هر چند که تظاهر به اسلام می کند و در آن هم منافقند آنان نه خیر و صلاح پیغمبر را و نه خیر و صلاح مسلمانان را می خواهند ایشان از این که پیغمبر و مسلمانان به خیر و خوبی برسند بد حال می گردند^(۳) دکتور فیروز هروی در تفسیر خود می نگارد: این کسانی که می گوید: ما را در گناه و فتنه مینداز، و در ظاهر امر ادعا دارد که از گناه و فتنه می ترسد از هم اکنون در گناه و فتنه که سبب آن نفاق و خودداری آنان از همراهی با پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم باشد، غوطه و راند و مصیر چنین اشخاصی جهنم است، به طوری که بر آنها احاطه دارد، و هیچ راه نجاتی برای آنها از این سرنوشت محتوم وجود ندارد.^(۴)

^۱ علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدي - رحمه الله - متوفای ۱۳۷۶ هجری قمری [۱۳۳۴ هجری شمسی] ترجمه: محمد گل گمشا زهی کتاب: تفسیر راستین: ترجمه ی: تفسیر الکریم الرحمن ج/ ۴ ص/ ۵۰ سوره توبه

^۲ سوره توبه آیه ۴۹

^۳ تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۱۴

^۴ دکتور فیروز هروی: تفسیر نور فروطن ج/ ۷ ص/ ۵۶

مطلب سوم گرفتن روح آنها در حالت کفر:

سر انجام منافقین در چند روز دنیا: خاتمه آنها به کفر است، یعنی روح آنها در حالت کفر گرفته می شود. الله متعال می فرماید: (فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ) (۱)

ترجمه: فزونی اموال و اولاد یعنی نیروی اقتصادی و انسانی ایشان تو را به شگفتی نیندازد؛ چرا که خداوند می خواهد آنان را در زندگی دنیا بدین وسیله معذب کند و پیوسته به جمع مال و منال کوشد و همه عمر در راه نگهداری و پاسداری آن تلاش ورزد، و به خاطر دل بستگی فوق العاده به این امور الله و آخرت را فراموش کند، و در حال کفر جان دهد و قالب تهی کند.

یعنی: اموال و اولاد گاهی هم بلایی می گردد که یزدان آن را گریبانگیر بنده ای از بندگان خود می سازد، چه خداوند فساد و تباهی در کاروبار همچون بنده ای سراغ دارد ناگهان هراس بر اموال و اولاد زندگی او را به دوزخی تبدیل می گرداند، و حرص و بخل بر اموال و اولاد او را بیدار و بی خواب نگاه می دارد، و اعصاب وی را از میان می برد در این صورت است که همچون بنده ای وقتی که پولی را خرج می کند بدان گاه که نیاز به خرج کردن دارد آن را تلف می کند، و از دست می دهد و حاصل آن اذیت و آزار خواهد شد و وقتی که فرزندانش بیمار و یا تندرست می گردد در هر دو صورت باعث بدبختی وی می شود. مردمان زیادی هستند به علتی از علل فرزندانشان باعث عذاب ایشان می گردد! همچون کسانی در روزگار پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم وجود داشتند، و امثال آنان در هر زمانی یافته می شود دارای اموال و اولاد هستند ظاهر اموال و اولادشان مردمان را به شگفت می اندازد، در حالی که اموال و اولادشان بلای جان ایشان به شکلی از اشکال است اموال و اولادشان در زندگی دنیا باعث عذاب آنان می شود، و طبق تباهی و فساد که خدا از ایشان سراغ دارد سر انجام به دوزخ درمی افتد، دوزخی که بر اثر کفر بدان گرفتار می آید از همچون سرانجام و سرنوشتی خویشتن را در پناه خدا می داریم تعبیر قرآنی: (وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ) {جان دهد و قالب تهی کند.} هلاک این چنین ارواحی را به تصویر می کشد، تصویر خوفناکی که آرامشی و اطمینانی در آن یافته نمی شود سایه همچون عذابی با سایه عذاب زندگی دنیا که از اموال و اولادشان بدیشان دست می دهد به هم می آمیزد آنچه هست پریشانی و نابسامانی و غم و اندوه دنیا و آخرت است و این غایت عذاب و نهایت عقاب است؛ زیرا کسی که از دنیا کافر برود، به عذاب ابدی در آتش دوزخ گرفتار می شود، و به این طریق مال و اولادشان استدراجی برای آنها است، نعوذ بالله من غضب الله. (۲)

^۱ سوره توبه آیه ۵۵

^۲ شهید سید قطب رحمه الله: فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۲۳ - وهم چنان: تفسیر نورفروطن ج/ ۷ ص/ ۶۶

مطلب چهارم نابود شدن اعمال آنها:

منافقان هر چند در دنیا اعمال خوب همچون: مؤسسات خیریه، شفاخانه ها، مکاتب و... انجام دهد همه ای اینها. پوچ و بیسود خواهد بود؛ زیرا ایمان ندارد. خداوند متعال می فرماید: (كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَآكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ) (۱)

ترجمه: شما ای منافقان همانند کسانی هستید که قبل از شما می زیستند و درنفاق و کفر بر همدیگر سبقت می گرفتند، و جز راه فسق و فجور نمی پوئیدند، آنان از شما نیرومندتر و از اموال و فرزندان بیشتری برخوردار بودند و از قسمت خود در این جهان گذران از لذائذ نامشروع و گناهان بسی استفاده کردند، و عاقبت مردند، و دنیا را به دیگران سپردند و شرمندگی بردند، هم اینک شما نیز همچون ایشان از تقوا و یاد الله دوری گزیده اید، و به راه هواها و هوسها رفته اید، و به گرداب شهوات افتاده اید، و از محرّمات شما هم بهره خود را برده اید، همان گونه که افراد پیش از شما بهره خود را بردند، و به همان چیزی از پلشتیها و زشتیها فرو رفته اید که آنان بدان فرو رفتند، ایشان کردارشان در دنیا و آخرت پوچ و بیسود گشت و زیانبار هر دو جهان شدند، هان اگر به راه آنان روید همچون ایشان شوید.

یعنی: ایشان کردارشان در دنیا و آخرت پوچ و بیسود گشته و اعمالشان از بنیاد باطل می شود و برباد می رود؛ چرا که اعمالشان به گیاهی می ماند که از ریشه برکنده شده باشد و ریشه ای در زمین نداشته باشد همچون گیاهی نه بر جای می ماند، و نه رشد می کند، و نه شکوفه ای می دهد و آنان زیانبار (هر دو جهان) شدند هان اگر به راه ایشان روید، همچون ایشان شوید آنان خلاصه کسانی هستند که همه چیز را از دست داده اند، و دیگر به تعینی و تفصیلی نیازی نیست. (۲)

و همچنان الله متعال می فرماید: (مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ) (۳)

ترجمه: مشرکانی که به کفر خویش گواهی می دهند حق ندارند مساجد الله را با عبادت یا تعمیر و تنظیف و خدمت آباد کنند آنان اعمالشان هدر و تباه است، و اجر و مزدی به کارهایشان تعلق نمی گیرد و جاودانه در آتش دوزخ ماندگار می مانند.

یعنی: اعمال اینان نابود گردیده و به طور جاودانه در آتش می مانند مشرکان اگر اعمال نیکی از قبیل طعام دادن به فقراء، خدمت حجاج، سدانت کعبه معظمه و... امثال اینها انجام بدهند به سبب شرک آنان

۱ سوره توبه آیه ۶۹

۲ تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۵۴

۳ سوره توبه آیه ۱۷

این اعمال آنها حبط و نابود گردیده و از بین می رود، از این اعمال نیک برای آنان مزدی داده نمی شود به طور جاودانه در آتش دوزخ می مانند و از آن نجاتی ندارند.^(۱)

مطلب پنجم ملعون شدن از طرف الله تعالی جلاله:

انجام منافقین: ملعون و نفرین شدن از رحمت پروردگار در روز قیامت است، خداوند متعال می فرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِمٌّ)^(۲)

ترجمه: خداوند به مردان و زنان منافق و به همه کافران وعده ای آتش دوزخ داده که جاودانه در آن می مانند و دوزخ برای (عقاب و عذاب) ایشان کافی است، علاوه از آن خداوند آنان را نفرین و از رحمت خود به دور داشته و دارایی عذاب همیشگی خواهند بود.

یعنی: خداوند آنان را نفرین و از رحمت خود بدور داشته است، آنان از رحمت یزدان مطرود و محروم هستند، و دارایی عذاب همیشگی خواهد بود این سرشت بزهدار و کجرو و گمراه، تازگی ندارد چه در تاریخ بشریت دارایی نظائر و امثالی است تاریخ بشریت پیش از اینان نمونه های زیادی از این دسته و از این نوع به خود دیده است.^(۳)

^۱ تفسیر ابن کثیر ج/ ۷ ص/ ۱۵۸

^۲ سوره توبه آیه ۶۸

^۳ تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۵۲

مطلب ششم خساره مند شدن در دنیا و آخرت:

انجام منافقین تاوانی و زیانبار شدن در دنیا و آخرت، یعنی از جمله راه یافتگان طریق حق و حقیقت بشمار نمی آید: خداوند متعال می فرماید: (كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ)^(۱)

ترجمه: شما ای منافقان همانند کسانی هستید که قبل از شما می زیستند و در نفاق و کفر بر همدیگر سبقت می گرفتند و جز راه فسق و فجور نمی پوئیدند، آنان از شما نیرومندتر، و از اموال و فرزندان بیشتری برخوردار بودند، و از قسمت خود در این جهان گذران از لذائذ نامشروع و گناهان بسی استفاده کردند و عاقبت مردند و دنیا را به دیگران سپردند و شرمندگی بردند، هم اینک شما نیز همچون ایشان از تقوا و یاد الله دوری گزیده اید، و به راه هواها و هوسها رفته اید، و به گرداب شهوات افتاده اید، و از محرمات شما هم بهره خود را برده اید، همان گونه که افراد پیش از شما بهره خود را بردند، و به همان چیزی از پلشتیها و زشتیها فرو رفته اید، که آنان بدان فرو رفتند، ایشان کردار شان در دنیا و آخرت پوچ و بیسود گشت و زیانبار هر دو جهان شدند هان اگر به راه آنان روید همچون ایشان شوید و هم چنان الله متعال می فرماید: (أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ)^(۲)

ترجمه: اینان رهنمودهای پروردگار را به (بهای) گمراهی فروخته اند. و چنین بازرگانی و معامله آنان سودی دربر ندارد و راه یافتگان طریق حق و حقیقت بشمار نمی آید.

یعنی: آنها هدایت را خرج کرده و در برابر آن گمراهی را بدست آورده اند این است بازرگانی و تجارت شوم که بسیار تجارت بدی است؛ زیرا اگر کسی دیناری را در مقابل درهمی بدهد ضرر می کند، پس چگونه است کسی که گوهری را در مقابل درهمی بفروشد؟ و چگونه خواهد بود کسی که هدایت را خرج کرده و گمراهی را خریداری کند، و شقاوت را بر سعادت برگزیده، و به کارهای فرومایه علاقمند شود، و کارهای خوب و عالی را ترک نماید؟! مسلماً تجارت و بازرگانی چنین کس سودی نخواهد داشت، بلکه در این کار بزرگترین ضرر را متحمل خواهد شد، و هم چنان خداوند متعال در سوره ای زمر می فرماید: «همانا خسارتمندان (حقیقی) کسانی هستند که جان و اهل شان را در قیامت از دست داده اند» هان! این است زیان و خسارت آشکار.^(۳)

^۱ سوره توبه آیه ۶۹

^۲ سوره بقره آیه ۱۶

^۳ تفسیر راستین چ/ ۱ ص/ ۲۹ (إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ) [الزمر: ۱۵]

مطلب هفتم نداشتن کدام دوست و کمک کننده در آخرت:

انجام منافقین در روز قیامت نه دوستی دارد که از عذاب الهی نجات دهد و نه کدام یآوری خواهد داشت. خداوند متعال می فرماید: (يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعْذَبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ)^(۱)

ترجمه: منافقان به الله سوگند می خورند که سخنان زنده ای نگفته اند در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته اند و پس از ایمان آوردن به کفر برگشته اند و قصد انجام کاری کرده اند که بدان نرسیده اند، و آن کشتن پیغمبر به هنگام مراجعه از جنگ تبوک بود چیزی که این منافقان را بر سر خشم آورد و سبب انتقام گرفتن آنان شود وجود ندارد مگر این که الله و پیغمبرش به فضل و کرم خود آنان را با اعطاء غنائم که هدف ایشان در زندگی است بی نیاز گردانده اند، و این هم نباید مایه خشم و انتقام ایشان شود اگر آنان توبه کند خداوند توبه ایشان را می پذیرد و این برایشان بهتر خواهد بود و اگر روی بگردانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت به عذاب بسیار دردناکی کیفر می دهد، و در سراسر روی زمین نه دوستی و نه یآوری خواهد داشت.

یعنی: منافقان اگر توبه کند برای شان بهتر است و اگر روی بگردانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت به عذاب سخت و دردناکی گرفتار می سازد، و برای آنان در روی زمین هیچ یار و یآوری نخواهد بود.^(۲)

^۱ سوره توبه آیه ۷۴

^۲ دکتر فیروز هروی تفسیر نور فروزن ج/ ۷ ص/ ۱۴۱

مطلب هشتم معذب شدن به عذاب دائمی و ابدی:

انجام منافقین در آخرت: معذب شدن اینها به عذاب دائمی و همیشگی در آتش دوزخ خداوند متعال می فرماید: (وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ)^(۱)

ترجمه: خداوند به مردان و زنان منافق و به همه کافران وعده آتش دوزخ داده که جاودانه در آن می مانند. و دوزخ برای (عقاب و عذاب) ایشان کافی است، (علاوه از آن) خداوند آنان را نفرین و از رحمت خود به دور داشته، و دارایی عذاب همیشگی خواهد بود.

یعنی: خداوند به مردان و زنان منافق، و به همه ای کافران وعده ای آتش دوزخ داده که جاودانه در آن می مانند و دوزخ برای (عقاب و عذاب) ایشان کافی است، دوزخ منافقان را بس است، دوزخ کیفر همسنگ گناهان است و دارایی عذاب همیشگی است، و خداوند آنان را نفرین و از رحمت خود بدور داشته است، آنان از رحمت یزدان مطرود و محروم هستند.^(۲) و همچنان الله متعال می فرماید: (مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ)^(۳)

ترجمه: مشرکانی که به کفر خویش گواهی می دهد حق ندارد مساجد الله را با عبادت یا تعمیر و تنظیف و خدمت آباد کند آنان اعمالشان هدر و تباه است، و اجر و مزدی به کارهایشان تعلق نمی گیرد، و جاودانه در آتش دوزخ ماندگار می ماند.

^۱ سوره توبه آیه ۶۸

^۲ شهید سید قطب: تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۵۲

^۳ سوره توبه آیه ۱۷

مطلب نهم جاهل ماندن به دین اسلام:

از مواصفات زشت منافقان جاهل ماندن به دین اسلام است، آگاهی نداشتن از احکام دین و نداشتن برنامه‌ی زندگی‌ی خدایسندانه منافق به علوم تجربی و دنیوی علاقه دارد و یاد می‌گیرد، اما از درک حقایق دین، احکام الهی، و روز سزا و جزاء قاصر و عاجز است، این تنها بدین خاطر است که خودش نمی‌خواهد بفهمد و خداوند نیز بر دل‌های آنها مهر می‌زند منافق دوست ندارد در مجالس از عبادت و از احکام الهی بحث و مباحثه صورت گیرد؛ چون فکر می‌کند چیزی از آن نمی‌داند، و مایه‌ی سر افکندگی اوست اما مؤمنان واقعی همیشه به دنبال کسب و حصول علم شرعی و احکام دینی است تا در هر کار خیر و صلاح جامعه از آن استفاده‌ی درست نماید، خداوند متعال در این مورد چنین می‌فرماید: ﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (۱)

ترجمه: و هرگاه آنان در مجلس پیغمبر باشد و سوره‌ای نازل گردد، برخی به برخی می‌نگرد و با اشاره به همدیگر می‌فهماند که آیا کسی شما را می‌بیند و متوجه ما می‌باشد؟ همین که اطمینان یافتند مؤمنان به سخنان پیغمبر سرگرم و سراپا گوشند آن وقت از مجلس بیرون می‌رود و ندای هدایت را نمی‌شنود؛ چراکه تحمل شنیدن پیام آسمانی را ندارد، و از ایمان و ایمانداران بیزارند از آنجا که قوم بی‌دانش و نافهمی هستند، خداوند دل‌هایشان را از حق بگردانیده است.

یعنی: منافقانی که می‌ترسیدند سوره‌ای در رابطه به آنها نازل شود و آنچه را که در دل‌هایشان است فاش کند، هرگاه سوره‌ای نازل شود تا به آن ایمان بیاورد و به مضمون و محتوای آن عمل کند، برخی به برخی دیگر می‌نگرد در حالی که تصمیم قطعی دارد که به آن عمل نکند، و منتظر فرصت هستند تا از نگاه مومنان پنهان شود، و می‌گویند: آیا کسی شما را می‌بیند؟ آنگاه دزدکی بیرون می‌رود، و در حالی که روی گردان هستند به عقب بر می‌گردند پس خداوند آنها را با سزایی از نوع عملشان مجازت نموده، و همانطوری که از عمل کردن به آن سوره برگشتند خداوند نیز دل‌هایشان را برگرداند یعنی آن را از حق بازداشت و خوار نمود؛ چرا که آنان گروهی نادان و نافهم هستند، و دانش و علمی نافع به دست نیآورده‌اند؛ زیرا اگر آنان فهم و شعوری داشتند، وقتی که سوره‌ای نازل می‌شد به آن ایمان می‌آوردند و از فرمان آن اطاعت می‌کردند منظور بیان شدت نفرت آنها از جهاد و دیگر شرایع و قوانین ایمان و اسلام

است.^(۱) و همچنان الله متعال می فرماید: (هُمُ الَّذِينَ يُقُولُونَ لَا تَنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَيَلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ)^(۲)

ترجمه: آنان کسانی هستند که می گویند: به آنانی که از مگه به مدینه مهاجرت کرده اند و نزد فرستاده الله هستند بذل و بخششی نکنید و چیزی ندهید، تا پراکنده شود، و برود (غافل از این که) گنجینه های آسمانها و زمین از آن الله است، و به هر کس که بخواهد از آنها بدو عطاء می کند و لیکن منافقان نمی فهمند؛ زیرا فهم، دانش و شعور ایمانی و اسلامی ندارند.

مطلب دهم عدم قبول شدن صدقات و نفقات آنها:

انجام منافقین در دنیا هیچ عملی نیک و خیریه و صدقات آنها به نزد پروردگار قابل قبول نیست؛ زیرا ایمان ندارند خداوند متعال می فرماید: (قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يَقْبَلَ مِنْكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ)^(۳)

ترجمه: ای پیغمبر به منافقانی که برای پنهان داشتن نفاق خود به بذل و بخشش می پردازند بگو: چه از روی اختیار و چه از روی اجبار به بذل و بخشش بپردازید در هر حال از شما پذیرفته نمی شود؛ چرا که شما قوم فاسقی هستید و بر دین الله می شورید، و از فرمان او به در می روید، و نفاق تان اعمال نیکتان را پوچ و بیسود می گرداند، و همچنان الله متعال می فرماید: (وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ)^(۴)

ترجمه: هیچ چیز مانع پذیرش نفقات و بذل و بخشش هایشان نشده است جز این که آنان به الله و پیغمبرش ایمان ندارند و کفر هم اعمال را پوچ و بیسود می کند، و جز با ناراحتی و بی حالی و سستی و سنگینی به نماز نمی ایستند و جز از روی ناچاری احسان و بخشش نمی کنند.

یعنی: برخی از این منافقانی که به عذر آوری می پرداختند و واپس می نشستند و در انتظار بلا و بدی برای مسلمانان بودند، اموال خویش را پیش می کشیدند و تقدیم می داشتند، تا بدین وسیله از جهاد عذر بخواهد و به جهاد نروند، و عصارا از وسط بگیرند همان گونه که پیشه ای همه منافقان در هر زمانی و در هر مکانی است، اما یزدان جهان مانور آنان را مردود می دارد، و پیغمبر خود را وامی دارد که اعلان کند بذل و بخشش ایشان نامقبول و ناپذیرفتنی در پیشگاه خداوند است، چه آنان اموالشان را از روی ریا و هراس می بخشند، نه از روی ایمان و اعتقاد ایشان چه اموال خود را با رضا و رغبت ببخشند و آن اموال را وسیله ای برای فریب مسلمانان کنند، و چه آن را ناخشنودانه به سبب هراس از آشکار

^۱ شیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی: تفسیر راستین ج/ ۴ ص/ ۱۵۲

^۲ سوره منافقون آیه ۷

^۳ سوره توبه آیه ۵۳

^۴ سوره توبه آیه ۵۴

شدن کارشان بذل و بخشش کنند، در هر دو حال کارشان ناپذیرفتنی و اموالشان برگشت دادنی است نه سزا و جزائی به اموالشان تعلق می گیرد، و نه ثواب و پاداشی در پیشگاه خداوند برایشان نوشته می شود، و به حسابشان گرفته می شود.^(۱)

مطلب یازدهم مردار و پلید بودن آنان:

منافقان به اعتبار ظاهر پاک معلوم می شوند اما به اعتبار عقیده، نیت، قلب و هدف خیلی ناپاک و پلیدی هستند، خداوند متعال می فرماید: (سَيُخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِنَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)^(۲)

ترجمه: هنگامی که به سوی آنان بازگردید برای شما به الله سوگند خواهند خورد که معذرت‌هایشان راست و درست است. تا از آنان صرف نظر کنید ولی از کار آنان غافل مشوید، و از آنان درمگذرید و از ایشان دوری گزینید، بیگمان آنان پلیدند، و دارایی نیت و هدف ناپاکی هستند، و به کیفر کارهایی که می کنند جایگاه شان دوزخ است.

یعنی: آنان گاهی پروردگارش او را رهنمود می فرماید که فعلاً از ایشان صرف نظر نمایید، و لیکن نه این که ایشان را ببخشاید، و از آنان گذشت نماید بلکه بدین معنی که کارشان را به عقب بیندازد و از آنان دوری و اجتناب کند؛ زیرا آنان کثیف و ناپاکند، و باید از کثیف و ناپاک کناره گیری و پرهیز کرد و از ایشان دوری گزینید، بیگمان آنان پلیدند (ودارایی نیت و هدف ناپاکی هستند) این بند، پلید معنوی را در قالب پلید محسوس مجسم می کند چه منافقان از لحاظ تن و پیکر پلید، یعنی ناپاک نبودند بلکه از نظر ارواح و اعمال پلید بودند و لیکن تصویر برجسته، زشتی و پلشتی را بهتر نشان می دهد، و پلیدی و ناپاکی را خوبتر و روشن تر پیش چشم می دارد، و نیک تر و گویاتر انسان را به بیزاری و پرهیز فرا می خواند، و هم چنین انسان را بیشتر به تحقیر و گریز وامی دارد و همچون کسانی پلید و ناپاک هستند در این باره شک و تردیدی نیست آنان پلیدند و ارواح را آلوده می کند، و می آلاینند ایشان ناپاک هستند و عواطف و احساسات را می آزند، آنان به لاشه گندیده ای می ماند که در میان مردمان باشد، لاشه گندیده ای که قطعاً می آزند، و بیماری‌هایی آن سرایت می نماید! و به کیفر کارهایی که می کند، جایگاه ایشان دوزخ است.^(۳) و همچنان الله متعال می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ

^۱ شهید سید قطب تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۱ ص/ ۴۱۹

^۲ سوره توبه آیه ۹۵

^۳ تفسیر فی ظلال القرآن ج/ ۲ ص/ ۳۳

فَلَا يَفْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^(۱)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید بیگمان مشرکان به سبب کفر و شرکشان از لحاظ عقیده پلیدند؛ لذا نباید پس از امسال (که نهم هجری است) به مسجد الحرام وارد شوند اگر بر اثر فقر و قطع تجارت آنان با شما از فقر و تنگدستی می ترسید (نترسید که) خداوند اگر بخواهد شما را به فضل و رحمت خود (از خلق و از مشرکان) بی نیاز می گرداند؛ چراکه خداوند آگاه از کار شما است، و برای گرداندن آن دارایی کمال عنایت و حکمت است فقر و تنگدستی شما را دور می سازد.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب.

نتیجه گیری

صفات نیکو عامل محبوبیت و برخورداری از موقف ارزنده در جامعه برای انسان می باشد که همه بی اینها از صفات ویژه مؤمنان است و برعکس آن اخلاق زشت و صفات مذموم و برخوردهای ناپسند عامل سقوط وزن و اهمیت انسان در جامعه و سبب نارسایی های اخلاقی و رفتاری خود شخص و دیگران در جامعه می شود، از جمله صفاتی که سبب نارسایی ها و مشکلات در جامعه و موجب عداوت، دشمنی، ویرانی و بدبختی مردم می شود پدیده نفاق است، ناهنجاری ها و نارسایی ها در جامعه برخلاف طبیعت بشر و برخلاف فطرت انسانی بوده، و با فطرت انسان سازگار نیست، از این جهت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وسلم) از صفات منافقین بشدت منع فرموده است؛ بناءً از تحلیل و بررسی این مونوگراف در میابیم که:

۱. بارزترین صفت از صفات مؤمنان مخلص خوف و خشیت الهی است و همچنین از مواصفات ویژه مؤمنان خوشی به پیروزی و (کامیابی) مسلمانان و خوشی بر شکست کافران است.
 ۲. از صفات ویژه بدنی مؤمنان آباد سازی و (تعمیر) مساجد است؛ زیرا آباد سازی مساجد کار مشرکان و کافران نیست، بلکه تنها کار مسلمان نیک و صالح می باشد.
 ۳. جهاد کردن با نفس و امر به معروف و نهی از منکر از صفات بدنی مؤمنان بشمار می رود. که جهاد با نفس بلندترین درجه و معززترین عمل انسانها است و امر به معروف و نهی از منکر هم یک عمل فارق و متمایز بین مؤمن و منافق، یعنی مؤمن را از منافق جدا می سازد.
 ۴. فرمان برداری از الله تعالی جله و پیروی از رسولش، انفاق در راه جهاد یعنی مصرف نمودن مال در راه خداوند جله هم از صفات ویژه مؤمنان است؛ زیرا انسان، موجود اجتماعی بوده به تعاملات نیازمند است. بهترین طاعتی که خدا و رسولش مسلمانان را بدان ترغیب و دعوت نموده است، همانا انفاق در راه خداوند جله می باشد.
 ۵. ایجاد محبت و صمیمیت در بین مؤمنان، بالخصوص در بین خانواده ها، در بین اقوام، در بین همه ای افراد جامعه کار ضروری است؛ زیرا تحقق روابط نیک و دوستانه بین افراد جامعه، خیرخواهی و نصیحت برای مردم کار ضروری است.
- موضوع نفاق و منافقین یکی از مباحث مهم و مورد توجه خاص قرآن کریم است. از نظر قرآن نفاق یک پدیده شوم، و دارایی ویژگی بسیار مذموم می باشد، و به عبارت دیگر نفاق یکی از مهلک ترین امراض اخلاقی و شخصیتی است، که خواری در دنیا و عذاب وحشتناک آخرت را در پی دارد. و منافق یک پدیده بسیار خطرناک است. خطر این پدیده برای هر جامعه از خطر هر دشمنی بیشتر است، قرآن کریم در معرفی نفاق و منافقین برای پیامبر صلی الله علیه وسلم و مسلمانان تاکید زیادی کرده

اند. پس منافقان خطرناک ترین افراد هر اجتماع اند شناخت و مبارزه با آنها خیلی دشوار است که بعضی از صفات آن ها قرار ذیل است:

۱. منافقان سُستی و تنبلی در عبادت دارد. هنگامی که برای نماز بر می خیزد سُست و بی حال به نماز می ایستد، و همچنان به مال و متاع دنیا خیلی بخیل و حریص می باشد، همیشه از بذل و بخشش در راه خیر و نیکی دست می کشد، و جز از روی ناچاری احسان و بخشش نمی کند از روی مجبوری با کراهت و ناخوشی یک چیز ناچیز خرج می کند.
۲. بد دیدن جهاد و مخالفت با کسانی که در راه خداوند جَلَّ جَلالُه جهاد می کند در حالی که ترک جهاد سبب ذلّت و رسوایی در دنیا و آخرت، و همچنان سبب نزول عذاب الهی در دنیا و آخرت می شود.
۳. ممانعت و جلوگیری مردم از راه خداوند جَلَّ جَلالُه و از دین اسلام است، و همچنان آزار و اذیت پیغمبر صلی الله علیه و سلم و مؤمنان می باشد.
۴. دوستی و محبت با کفار و جاسوسی برای آنها، دشمنی با الله جل جلاله و پیغمبرش، خوشحالی به شکست مسلمانان، و عدم رضایت به تقسیم الله و رسولش، و تکلم به کلمه کفر و اعراض کردن از دین اسلام.
۵. نادیده گرفتن قرابت و دوستی و عهد شکنی، دروغگویی و چاپلوسی، بخیلی و حریص بودن به مال و متاع دنیا، و ناسزاگویی.
۶. احاطه کردن جهنم بالای آنها، خود را در هلاکت انداختن، نابود شدن تمام اعمال نیک آنها، و معذّب شدن به عذاب دائمی، و ملعون شدن از جانب الله تعالی ...

پیشنهادهات

در اخیر این پایان نامه که روی صفات مؤمنین و منافقین در سوره توبه بحث شد، می‌خواهم پیشنهاداتی داشته باشم، قسمی که شناخت صفات مؤمنین برای ایجاد تقوی، پرهیزگاری، صداقت، عدالت، صمیمیت و اخلاص برای مردم در جامعه ضروری بوده، اما شناخت صفات منافقین خاصه در سوره توبه زیاد ضروری است؛ زیرا چهره های اصلی منافقین برای بسیاری از مردم ناشناخته است، حتی بعض مردم اصلاً احساس دشمنی با آنها نمی‌کند، اگر صفات مؤمنین و منافقین را خود و جامعه ما بطور درست شناسایی و عملی نماییم، حتماً به قلّهای کامیابی دنیوی و اخروی نایل می‌شویم؛ بناء چند پیشنهاد بطور مختصر دارم:

۱- از تمام دعوتگران، مربیان، علمای کرام و استادان می‌خواهم که صفات ویژه مؤمنان و همچنان صفات ذمیمه منافقان را در دعوت و تدریس خویش و در برنامه های دعوتی شان اساس قرار داده، و رسایل دعوتی در پرتو این سوره ترتیب دهند، تا در جامعه خود به ایمان شناسی رشد داده، و مردم خود را از پدیده شوم و از مرض مهلك نفاق نجات دهیم.

۲- از پوهنتون ها و از مؤسسات علمی می‌خواهم که در پژوهش های محصلین کار بیشتر پیرامون صفات مؤمنین و منافقین را در نظر گیرند.

۳- از وزارت اطلاعات و فرهنگ خصوصاً از بخش نشرات و تلویزون ها می‌خواهم که موضوعات مهم و کلیدی این سوره را که همانا صفات مؤمنین و منافقین است، برای مردم به نشر برساند، تا مردم از آن مستفید شوند.

۴- از وزارت ارشاد، حج و اوقاف می‌خواهم در عناوینی که برای خطبایی مساجد جامع می‌دهند، مطالب مهم این سوره را که همانا صفات مؤمنین و منافقین است، نیز در آن بگنجانند، تا مردم از آن آگاهی حاصل نمایند.

۵- از تمام اکادمی علوم در مجموع، و از تمام علمای جيد کشور بالخصوص خواستارم تا کتاب هایی را که علماء به زبان عربی در مورد صفات ویژه مؤمنین، یا صفات زشت منافقین در سوره توبه نوشته اند، به زبان دری و پشتو ترجمه نمایند، تا مردم از آن کتب بطور آسانی استفاده نمایند.

فهرست آیت های قرآنی

سوره بقره			
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...	۳	۳۵
۲	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ	۸	۴۵، ۴۹
۳	أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ	۱۶	۱۲
۴	صُمٌّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ	۱۸	۵۲
۵	... فَأَمَّا يَا تِيبُكُم مِّنِي هُدَىٰ فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ...	۳۸	۶۲
۶	أَفْتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ...	۷۵	۳۰
۷	قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا...	۱۳۶	۳۲
۸	أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ	۱۵۷	۶۳
۹	إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ...	۱۵۹	۶۲
۱۰	يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...	۱۸۳	۷۴
۱۱	اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...	۲۵۷	۳۹
۱۲	... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ	۲۵۸	۶۱
۱۳	آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...	۲۸۵	۳۵

سوره آل عمران

شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	... قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ ...	۷۳	۶۲
۲	... وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ	۱۰۳	۶۲
۳	وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ	۱۰۴	۶۵
۴	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ	۱۱۰	۵۶
۵	فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	۱۷۰	۶۹
۶	يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ	۱۷۱	۷۰
۷	إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	۱۷۵	۶۰

سوره النساء

شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	فَكَفَيْتَ إِذَا جُنْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجُنْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا	۴۱	۳۶
۲	وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا	۶۹	۷۱
۳	... فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا	۱۰۳	۶۵
۴	إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ...	۱۴۵	۵۷

۵	۱۴۶	۵۳	إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ...
			سوره المائدة
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...	۵۴	۵۴ ۶۵
۲	... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ	۱۰۸	۶۴
۳	قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ	۱۱۹	۷۱
			سوره انعام
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	... فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ...	۳۵	۴۳
۲	فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ	۴۴	۶۰
۳	فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	۴۵	۶۱
۴	أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبْهَاتُهُمْ أَقْتَدِهِ...	۹۰	۶۳
			سوره اعراف
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	وَكَتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ...	۱۵۶	۶۳
۲	وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ	۱۵۹	۶۲
			سوره انفال
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ	۲	۳۷
۲	الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ	۳	۳۷
۳	أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ	۴	۳۷
۴	... سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...	۱۲	۴۱
۵	وَأَلْفَ بَيْنٍ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ	۶۳	۶۵
			سوره توبه
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
	آیات : بدون تکرار		
۱	... فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَنِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ	۴	۷۴
۲	... فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۵	۸۵
۳	... فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ	۷	۱۱۰

١١١	٨	كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ	٤
١٠٩	٩	اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	٥
١١١	١٠	لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ	٦
٨٥	١١	فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَتَفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	٧
١١٨	١٢	وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ	٨
٥٩	١٣	... اتَّخَشَوْهُمْ فَانَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	٩
١٢٧	١٦	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ	١٠
١٢٩	١٧	مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ	١١
٨٧	١٨	إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ	١٢
٨٧	١٩	أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ	١٣
٨٨	٢٠	الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ	١٤
١٠٥	٢٤	قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ	١٥
٦١	٣٣	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ	١٦
٨٨	٣٤	... وَالَّذِينَ يَكْتِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ	١٧
٨٩	٣٥	يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتِزُونَ	١٨
٦١	٣٧	... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ	١٩
٧٩	٤١	انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ	٢٠
١٢٢	٤٢	لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ السَّيِّئَةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ	٢١
١٣١	٤٣	عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَكَ الدِّينَ صَدَقُوا وَتَعَلَّمَ الْكَاذِبِينَ	٢٢
١٣١	٤٤	لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ	٢٣
٩٩	٤٥	إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ	٢٤

٢٥	٤٦	١٠٦	وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاتَهُمْ فَتَبَطَّهْمُ وَقِيلَ أَعْدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ
٢٦	٤٧	١١٤	لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ
٢٧	٤٨	١١٤	لَقَدْ ابْتِغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارَهُونَ
٢٨	٥٠	٩٤	إِنْ نُصِيبَكَ حَسَنَةً تَسْأَلْهُمْ وَإِنْ نُصِيبَكَ مُصِيبَةً يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ
٢٩	٥١	٩٤	قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
٣٠	٥٣	١٢٨	قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ
٣١	٥٤	١٠٣	وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارَهُونَ
٣٢	٥٦	١١٧	وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْهُمْ لَمَنْكُمْ وَمَا هُمْ بِمَنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ
٣٣	٥٨	١١٨	وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ
٣٤	٥٩	٩٦	وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ
٣٥	٦٠	٨٦	إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبَهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْعَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
٣٦	٦١	١١٩	وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذنٌ قُلْ أذنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
٣٧	٦٢	١١٢	يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ
٣٨	٦٣	٩٦	أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ
٣٩	٦٤	٩٦	يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ
٤٠	٦٥	٩٨	وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ
٤١	٦٦	١٢٠	لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نَعَذِبُ طَائِفَةَ الَّذِينَ كَانُوا مُجْرِمِينَ
٤٢	٦٧	١٠٨	الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ
٤٣	٧١	٨٥	وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
٤٤	٧٣	٧٩	يَأْيُهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ
٤٥	٧٤	١٢٨	يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ
٤٦	٧٥	١١٦	وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ يَنْزِلَ عَلَيْهِمْ لَنْصَدَّقَنَّ وَلَنْكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ
٤٧	٧٦	١١٦	فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ

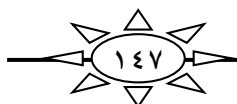
٤٨	٧٧	١١٦	فَأَعْتَبَهُمْ نَفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْفَوْا لِلَّهِ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ
٤٩	٧٩	٩٨	الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
٥٠	٨٠	٧٦	اسْتَغْفِرَ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ
٥١	٨١	١٠٥	فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ
٥٢	٨٤	٧٦	وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ
٥٣	٨٦	١٠٧	وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّولِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ
٥٤	٨٨	٨٠	لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
٥٥	٩٠	١٣٢	وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
٥٦	٩٤	١٢٠	يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهَ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
٥٧	٩٥	١٢١	سَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
٥٨	٩٦	١٢١	يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ
٥٩	٩٨	١٠٤	وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمْ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
٦٠	٩٩	٥٨	وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
٦١	١٠١	٩٩	وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ
٦٢	١٠٣	٨٤	خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
٦٣	١٠٤	٥٤	أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
٦٤	١٠٧	١١٥	وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
٦٥	١٠٨	٨٢	... فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ
٦٦	١٠٩	٦١	... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
٦٧	١١٠	٩٩	لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً إِلَّا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۸۲	۱۱۲	التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ	۶۸
۷۰	۱۱۹	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ	۶۹
۵۹	۱۲۲	وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ	۷۰
۶۹	۱۲۴	وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَأَدْتُهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ	۷۱
۶۷	۱۲۵	وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَأَدْتُهُمْ رَجْسًا إِلَى رَجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ	۷۲
۶۴	۱۲۸	لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ	۷۳
۶۷	۱۲۹	فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ	۷۴
سوره یونس			
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۶۹	۵۸	قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ	۱
سوره یوسف			
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۳۰	۱۸	... وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ	۱
۶۳	۵۲	... وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ	۲
سوره الرعد			
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۶۲	۷	... وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ	۱
۳۹	۲۸	الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ	۲
سوره نحل			
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۶۲	۱۶	... وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ	۱
سوره اسراء			
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۴۴	۱۰۰	... لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ	۱
سوره كهف			
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۶۳	۵۵	وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى...	۱
سوره مريم			
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۶۱	۲۶	... فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ أَنْسِيًّا	۱

۶۲	۷۶	وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى... ۲
۶۵	۹۶	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ۳
سوره طه		
صفحه	شماره آیه	آیات
۶۳	۵۰	... رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ۱
۶۳	۱۲۳	... فَأَمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ۲
سوره حج		
صفحه	شماره آیه	آیات
۶۲	۶۷	... إِنَّكَ أَعْلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ ۱
سوره مؤمنون		
صفحه	شماره آیه	آیات
۳۸	۱	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۱
۳۸	۲	الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۲
۳۸	۳	وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۳
۳۸	۴	وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ۴
۳۸	۵	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَقْرَبِهِمْ حَافِظُونَ ۵
۳۸	۸	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۶
۳۸	۹	وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۷
۳۸	۱۰	أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۸
۳۸	۱۱	الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۹
سوره نور		
صفحه	شماره آیه	آیات
۷۴	۳۶	فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۱
سوره قصص		
صفحه	شماره آیه	آیات
۶۲	۲۲	... عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ۱
۶۳	۵۷	وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا... ۲
سوره الروم		
صفحه	شماره آیه	آیات
۶۹	۴	... وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۱
۶۹	۵	بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۲
سوره السجده		
صفحه	شماره آیه	آیات

۳۹	۱۵	أَنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ	۱
۳۹	۱۶	تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ	۲
۶۲	۲۳	... وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ	۳
۶۲	۲۶	أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ...	۴
سوره احزاب			
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	وَأَذِ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا	۱۲	۱۱۵
۲	أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْنَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَاقُوكُمْ بِالسِّنَةِ جِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَبَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا	۱۹	۱۱۷
۳	إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا	۳۵	۷۲
سوره سباء			
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	أَنحُنُّ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ	۳۲	۶۲
سوره یاسین			
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ...	۴۷	۴۳
سوره ص			
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	... وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ	۲۲	۶۲
سوره الزمر			
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ	۳۳	۷۰
سوره غافر			
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	... وَقَابِلِ التَّوْبِ...	۳	۱۶
۲	وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى...	۵۳	۶۳
سوره فصلت			
شماره	آیات	شماره آیه	صفحه
۱	وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى...	۱۷	۶۲

۳۲	۳۰	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...	۲
		سوره الزخرف	
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۶۳	۲۲	...وَأَنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ	۱
		سوره جاثیه	
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۵۹	۲۴	وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ	
		سوره محمد	
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۴۱	۳	...الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ...	۱
		سوره فتح	
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۴۰	۴	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ...	۱
۶۳	۲۸	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ...	۲
۶۴	۲۹	مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...	۳
		سوره حجرات	
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۳۹	۱۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِمَّنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا...	۱
۴۷	۱۴	قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...	۲
		سوره النجم	
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۶۳	۲۳	...وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ	۱
		سوره حديد	
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۷۱	۱۹	وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ	۱
		سوره حشر	
صفحه	شماره آیه	آیات	شماره
۳۵	۲۳	هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ...	۱



سوره منافقون		
شماره	آیات	شماره آیه صفحه
۱	إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ	۱ ۹۷
۲	وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خَشَبٌ مُسْتَدَّةٌ يُحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْيُّ يُوْفِكُونَ	۴ ۱۱۲
۳	هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَاللَّهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ	۷ ۱۳۱
سوره التغابن		
شماره	آیات	شماره آیه صفحه
۱	...وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ	۱۱ ۶۳
سوره طلاق		
شماره	آیات	شماره آیه صفحه
۱	...وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...	۳ ۶۷
سوره نوح		
شماره	آیات	شماره آیه صفحه
۱	وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا	۷ ۴۰
سوره بروج		
شماره	آیات	شماره آیه صفحه
۱	وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوُدُودُ	۱۴ ۶۱
سوره قريش		
شماره	آیات	شماره آیه صفحه
۱	و آمنهم من خوف	۵ ۳۰

فهرست احادیث

احادیث			
شماره	حدیث	شماره	منبع
۱	أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...	۱۲۹۵	سنن ابن ماجه
۲	الْحَلَالُ بَيِّنٌ، وَالْحَرَامُ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا مُشَبَّهَاتٌ...	۱۹۴۶	صحیح البخاری - ط - ابن کثیر
۳	آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ...	۲۶۸۲	صحیح البخاری
۴	أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا...	۲۳۲۷	صحیح مسلم
۵	يَا رَسُولَ اللَّهِ اعْدِلْ فَقَالَ وَيْلَكَ وَمَنْ يَعْدِلُ إِذَا لَمْ أَعْدِلْ...	۳۶۱۰	صحیح البخاری
۶	إِنَّ أَحَدَنَا لِيَجِدُ فِي نَفْسِهِ مَا لَيْسَ يَخْرُجُ مِنَ السَّمَاءِ...	۵۱۱۱	سنن ابی داود
۷	أَلْتَدُمُ تَوْبَةَ...	۴۲۵۲	سنن ابن ماجه
۸	مَنْ بَنَى مَسْجِدًا...	۲۳۸	صحیح البخاری

فهرست اعلام

شماره	علم	صفحه
۱	د/ خرم دل	۸
۲	ابن کثیر	۲۷
۳	ابن عاشور	۲۴
۴	امام مقاتل بن سلیمان	۲۶
۵	امام الوسی	۱۷
۶	اکرام الدین بدخشانی	۴۹
۷	امام الجوزی	۲۳
۸	امام الرازی	۱۶
۹	امام الزحیلی	۳۱
۱۰	عثمانی	۱۴
۱۱	جلال الدین السیوطی	۲۲
۱۲	امام طنطاوی	۲۰
۱۳	امام قرطبی	۱۸
۱۴	شهید سید قطب	۵۵
۱۵	د/ فیروز هروی	۹۹
۱۶	ابن فارس	۱۵
۱۷	ابن منظور	۱۶
۱۸	امام غزالی	۱۷
۱۹	ابن تیمیه	۵۲
۲۰	ازهری	۴۳
۲۱	امام شعرای	۳۷
۲۲	ابو هلال عسکری	۵۰
۲۳	امام الراغب	۶۰
۲۴	امام مناوی	۷۰
۲۵	امام طبری	۸۱
۲۶	امام صابونی	۹۱
۲۷	امام السعدی	۹۲
۲۸	امام بخاری	۲۱
۲۹	امام مسلم	۵۰
۳۰	ابن ماجه	۱۶

فهرست مراجع و مصادر

قرآنکريم.

- ابن فارس: ابوالحسن احمد بن زكريا بن محمد بن حبيب القزويني الرازي، أبو الحسين (متوفى: ٣٩٥هـ)
١. معجم مقاييس اللغة، محقق: عبد السلام محمد هارون - ناشر: دار الفكر بيروت لبنان عام النشر: ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م. تعداد اجزاء: ٦.
- ابن منظور: محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي (متوفى: ٧١١هـ)
٢. لسان العرب. چاپ سوم، تعداد اجزاء ١٥ ناشر: دارصادر - بيروت لبنان.
- ابن ماجة أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني. وماجة اسم أبيه يزيد (متوفى: ٢٧٣هـ) (ب.ت).
٣. سنن ابن ماجه، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء الكتب العربية. ج/٢ ص/٤٠٧. باب التوبة. عدد الأجزاء: ٢.
- ابن عاشور محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (متوفى : ١٣٩٣هـ)
٤. التحرير والتنوير «تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد» - ناشر: الدار التونسية للنشر - تونس - سنة النشر: ١٩٨٤ هـ - عدد الأجزاء : ٣٠
- ابن كثير أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (متوفى: ٧٧٤هـ)
٥. تفسير القرآن العظيم، محقق: سامي بن محمد سلامة، چاپ دوم ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩ م، ناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع - بيروت لبنان .
- ابن تيمية: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحراني (متوفى: ٧٢٨هـ)
٦. مجموع الفتاوى (١٤١٦هـ/١٩٩٥م) محقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم . ناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية
٧. مجموعة الرسائل والمسائل. چاپ دوم (١٤١٢هـ - ١٩٩٢). محقق: السيد محمد رشيد رضا - محمد الأنور أحمد البلتاجي - ناشر: مكتبة وهبة - القاهرة.
- ابن قيم الجوزية: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (متوفى: ٧٥١هـ).
٨. مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين، چاپ سوم (١٤١٦هـ - ١٩٩٦م) محقق: محمد المعتصم بالله البغدادي، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت لبنان.

- ابن جوزی: جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (متوفى: ٥٩٧هـ)
٩. زاد المسير في علم التفسير، چاپ اول (١٤٢٢ هـ) - محقق: عبد الرزاق المهدي - ناشر: دار
الكتاب العربي - بيروت.

- ابن شهاب الزهري محمد بن مسلم بن عبدالله بن عبدالله بن شهاب بن عبدالله بن الحارث
بن زهره بن كلاب بن مره الامام عالم حافظ الزمان ثقة ابوبكر القرشي الزهري المدني سنه تولد
٥٠١-٥٠٠هـ وسنه وفات آن ١٢٤ هجرى است.

١٠. التراجم والطبقات. چاپ دوم (١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م) ناشر: دار الغرب الاسلامي، بيروت - لبنان

- ابن دريد: أبو بكر محمد بن الحسن بن دريد الأزدي (متوفى: ٣٢١هـ)
١١. جمهرة اللغة. چاپ اول (١٩٨٧م). محقق: رمزي منير بعلبكي - ناشر: دار العلم للملايين -
بيروت.

- ابن عجلان: محمد بن احمد بن عثمان ابو عبدالله بن القيسي الغزي سال تواد ٦٤٨ در
نزدیک های ايليه. (متوفى: ٧٢٤).

١٢. المقفى الكبير. چاپ دوم: ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م. محقق: محمد اليعلاوي. ناشر: دار الغرب
الاسلامي، بيروت - لبنان.

- ابن القاضي: محمد بن علي ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر الفاروقي الحنفي
التهانوي (متوفى: بعد ١١٥٨هـ)

١٣. موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم. چاپ اول - ١٩٩٦م. تحقيق: د / علي دحروج . ناشر:
مكتبة لبنان ناشرون - بيروت.

- ابن وهب: وهب ابوالبختري ابن كثير عبدالله بن ربيعه بن الاسود ابن المطلب بن اسد بن
عبد العزى قرشى قاضى در بغداد سنه وفات ٢٠٠.

١٤. كتاب الجرح والتعديل ابن ابى حاتم التراجم والطبقات.

- ابن القاسم: يوسف بن القاسم ابن الفارسي بن سوار الميانجي قاضى دمشق الشافعي ابى
الحسن على بن نعمان (ت ٣٧٥ هـ).

١٥. وفيات الأعيان. محقق: إحسان عباس. ناشر: دار صادر - بيروت.

- أبو هلال العسكري: الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران العسكري
(متوفى: نحو ٣٩٥هـ)

١٦. معجم الفروق اللغوية: حقه وعلق عليه: محمد إبراهيم سليم. ناشر: دار العلم والثقافة للنشر والتوزيع،
القاهرة - مصر

- ابو داود: سليمان بن الاشعث ازدي سجستاني ت (٢٧٥).

١٧. سنن ابى داود: محقق محمد محيى الدين عبد الحميد، ناشر: دار الفكر، بيروت.

- ابو عصمه: نوح ابن ابى مریم یزید بن جعونة المرزى خراسانى القاضى فى مرو.
١٨. الاستغناء في معرفة المشهورين من حملة العلم بالكنى. چاپ اول ، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م دراسة وتحقيق : عبد الله مرحول السوالة وأصل الكتاب: رسالة دكتوراه في الشريعة الإسلامية بجامعة أم القرى بمكة المكرمة. ناشر: دار ابن تيمية للنشر والتوزيع والإعلام، الرياض - المملكة العربية السعودية.
- ابو الحجاج: مجاهد بن جبر التابعي المكي القرشي المخزومي (متوفى: ١٠٤ هـ)
١٩. تفسير مجاهد: چاپ اول. (١٤١٠ هـ - ١٩٨٩ م). محقق: الدكتور محمد عبد السلام أبو النيل. ناشر: دار الفكر الإسلامي الحديثة، مصر.
- ابو مالك: غزوان بن عتبه بن غزوان الغفارى الكوفى تابعى محدث ثقه.
٢٠. تهذيب الكمال في أسماء الرجال: چاپ اول (١٤٠٠ - ١٩٨٠). محقق: د. بشار عواد معروف. ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت.
- أبو الحسن: مقاتل بن سليمان بن بشير الأزدي البلخي (متوفى: ١٥٠ هـ)
٢١. تفسير مقاتل بن سليمان: چاپ اول. (١٤٢٣ هـ). محقق: عبد الله محمود شحاته. ناشر: دار إحياء التراث - بيروت.
- أبو بكر الأنباري: محمد بن القاسم بن محمد بن بشار، أبو بكر الأنباري (متوفى: ٣٢٨ هـ)
٢٢. الزاهر في معاني كلمات الناس. چاپ اول (١٤١٢ هـ - ١٩٩٢). محقق: د. حاتم صالح الضامن. ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت.
- ابو البقاء: أيوب بن موسى الحسيني القريني الكفوي، أبو البقاء الحنفي (متوفى: ١٠٩٤ هـ)
٢٣. الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية. محقق: عدنان درويش - محمد المصري، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت.
- ابو الفداء: إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي الحنفي الخلوتي ، المولى أبو الفداء (المتوفى: ١١٢٧ هـ)
٢٤. تفسير روح البيان. ناشر: دار الفكر - بيروت
- الوسى: شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألووسي (متوفى: ١٢٧٠ هـ)
٢٥. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. چاپ اول (١٤١٥ هـ). محقق: علي عبد الباري عطية. ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.
- اخفش: أبو الحسن المجاشعي بالولاء، البلخي ثم البصري، المعروف بالأخفش الأوسط (متوفى: ٢١٥ هـ).
٢٦. تفسير معاني القرآن. چاپ اول. (١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م). تحقيق: الدكتورة هدى محمود قراعة. ناشر: مكتبة الخانجي، القاهرة.
- ازهرى: محمد بن أحمد بن الأزهرى الهروي، أبو منصور (متوفى: ٣٧٠ هـ)

٢٧. تهذيب اللغة. چاپ اول (٢٠٠١م). محقق: محمد عوض مرعب. ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

- بخارى: ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن المغيرة الجعفي، ت (٢٥٦) ٢٨. الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله صلى الله عليه وسلم، وسننه وايامه = صحيح البخارى. چاپ اول (١٤٢٢هـ ق). محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، ناشر: دارطوق النجاة.

- بدخشاني، فضيلت الشيخ محمد اكرام الدين، بدخشاني. ٢٩. ازهر البيان فى تفسير كلام الرحمن، چاپ: اول، تعداد: ١١٠٠، تاريخ چاپ: ١٣٩٠هـ ش، محل چاپ: مكتبه اسلاميه، لاهور، باكستان.

- البيهقي: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (متوفى: ٤٥٨هـ) ٣٠. السنن الكبرى: چاپ سوم (١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م). محقق: محمد عبد القادر عطا. ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان.

- برکتی: محمد عميم الإحسان المجددي البرکتی ٣١. التعريفات الفقهية چاپ اول (١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م). ناشر: دار الكتب العلمية (إعادة صف للطبعة القديمة في باكستان ١٤٠٧هـ - ١٩٨٦م).

- جرجاني: علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني (متوفى: ٨١٦هـ) ٣٢. التعريفات. چاپ اول (١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م). محقق: ضبطه وصححه جماعة من العلماء بإشراف الناشر. ناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان.

- خارجه ابن الحارث ابن رافع بن مكيت الجهنى . ٣٣. التذييل علي كتب الجرح والتعديل. چاپ دوم ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٤م ناشر: مكتبة المثنى الإسلامية - حولي شارع المثنى

- راغب: أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني (متوفى: ٥٠٢هـ) ٣٤. المفردات في غريب القرآن. چاپ اول (- ١٤١٢هـ). محقق: صفوان عدنان الداودي. ناشر: دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت.

- راغب: أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني (متوفى: ٥٠٢هـ) ٣٥. الذريعة إلى مكارم الشريعة / چاپ اول (١٤٢٨هـ - ٢٠٠٧م) تحقيق: د. أبو اليزيد أبو زيد العجمي. ناشر: دار النشر: دار السلام - القاهرة.

- رازي: زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي الرازي (متوفى:

٦٦٦هـ)

٣٦. مختار الصحاح: چاپ اول (١٤٢٠هـ / ١٩٩٩م). محقق: يوسف الشيخ محمد - ناشر: المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بيروت - صيدا .

- راجحی: عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن الراجحي

٣٧. شرح تفسير ابن كثير. مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، سايت عقيدته.

- الرازى: الإمام العالم العلامة والخبير البحر الفهامة .أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن

بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري (متوفى: ٦٠٦هـ)

٣٨. مفاتيح الغيب = التفسير الكبير. چاپ سوم: (- ١٤٢٠ هـ). ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

- زبيدي : محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي

(متوفى: ١٢٠٥هـ)

٣٩. تاج العروس من جواهر القاموس. محقق: مجموعة من المحققين. ناشر: دار الهداية

- زجاجي: عبد الرحمن ابن اسحاق النهاوندى ابوالقاسم الزجاجى النحوى ت(٣٤٠)

٤٠. حاشية جمل على الجلالين: مطبعه عيسى الحلبي

- زحيلي : دوهبة بن مصطفى الزحيلي.

٤١. التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج. چاپ دوم، ١٤١٨ هـ. ناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق.

- سيد محمود آلوسى (: ١٠٨٣).

٤٢. ارشاد الاذهان الى تفسير القرآن

- سيد محمد حسين شيرازى (: ١١٠٨).

٤٣. شرح. تفسير روح البيان (: ١١٠٨).

- سيد قطب شهيد بن حاجى قطب بن ابراهيم . ت (١٩٦٥) .

٤٤. تفسير فى ظلال القرآن، ناشر مؤسسه مطالعات راهبردى اسلام معاصر. سايت عقيدته

<http://www.altafsir.com>

- السوالة د/ عبد الله مرحول السوالة.

٤٥. البركة في الرزق والأسباب الجالبة لها في ضوء الكتاب والسنة. چاپ اول ١٤٢٣هـ/٢٠٠٣م. ناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة.

- سعيد ابن جبیر ابو عبدالله بن هشام الاسدى مولى بنى والية بن حارث .

٤٦. طبقات المفسرين للداوودي چاپ اول ١٣٩٦. ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

- سيوطى : عبد الرحمن بن ابي بكر، جلال الدين السيوطي (متوفى: ٩١١هـ)
٤٧. الإتقان في علوم القرآن . چاپ اول . (١٣٩٤هـ / ١٩٧٤ م) . محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم .
ناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب

- سعدى : عبد الرحمن بن ناصر السعدى متوفى (١٣٧٦ هـ)
٤٨. تفسير راستين ترجمه تيسير الكريم الرحمن {ب، ت} مترجم محمدگل گمشاد زهى ازسايت عقيدہ
ايميل book.aaqeedeh.com

- شعراوى : محمد متولى الشعراوي (متوفى: ١٤١٨هـ)
٤٩. تفسير الشعراوي - الخواطر. ناشر: مطابع أخبار اليوم سنة ١٩٩١ القاهرة.

- شوکانى : محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوکاني اليميني (متوفى: ١٢٥٠هـ).
٥٠. تفسير فتح القدير الجامع بين فني الرواية و الدراية من علم التفسير، چاپ اول (١٤١٤هـ) ناشر: دار
ابن كثير، دار الكلم الطيب - دمشق، بيروت.

- الشيخ/ دكتور/صالح بن عبد الله بن حميد إمام وخطيب الحرم المكي.
٥١. نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم . الطبعة : الرابعة. ناشر : دار
الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة.

- صابونى : محمد علي الصابونى .
٥٢. صفوة التفاسير . چاپ اول (١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م) . ناشر: دار الصابونى للطباعة والنشر والتوزيع
- القاهرة.

- فضيلة الشيخ : صالح بن عبد العزيز بن الشيخ عبد الرحمن بن الشيخ حسين بن
شيخ الاسلام بن عبد الوهاب قاضى الرياض
٥٣. النفاق خطره واضراره. دار التوحيد - الرياض

- محمد سيد طنطاوى () ١٣٥٨.
٥٤. التفسير الوسيط للقرآن الكريم : چاپ اول ناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة
- القاهرة.

- طبرى : محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري (متوفى:
٣١٠هـ)

٥٥. تفسير الطبري = جامع البيان عن تأويل آي القرآن . چاپ اول (١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م) تحقيق:
الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي . بالتعاون مع مركز البحوث والدراسات الإسلامية بدار هجر
الدكتور عبد السند حسن يمامة . ناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان.

- عمر ، اشقر :

٥٦. بنيان إيمان : جامعه المدينة، نشر عقده مترجم احمد الحامد سال ١٩٨٥ .

- عبد الله حيدري ت (١٩٨٥)

٥٧. ارکان ايمان : مركز پژوهشهای اسلامي دانشگاهاسلامي مدينه منوره

- عبد القادر بن ملا حويش السيد محمود ال غازي العاني . ت (١٢٩٨ هجرى).

٥٨. كتاب العاني، بيان المعاني مرتب حسب ترتيب النزول، ط١، مطبعة الترقى: دمشق.

- عثمانى: علامه مفتي محمد شفييع عثمانى ديوبندى / (١٨٧٩-١٩٧٦)

٥٩. تفسير معارف القرآن: / مترجم محمد يوسف حسين پور . چاپ اول انتشارات شسخ الاسلام احمد جام

١٣٧٧ - ١٣٧٩ - ١٣٨٠

- عويضة : د/ محمد نصر الدين محمد عويضة

٦٠. فصل الخطاب في الزهد والرقائق والآداب عدد الأجزاء . highsneakers@hotmail.com.

- عبدالحكيم بن ابى الحسن بن عبدالمالك بن يحيى من اهل المعرفة واهل العلم فقيه

وعالم بالاصول (ت ٧٢٣م)

٦١. التراجم والطبقات .

- غزالي : أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (متوفى: ٥٠٥هـ)

٦٢. إحياء علوم الدين . ناشر: دار المعرفة - بيروت.

- پروفيسور دكتور فيروز . هروى

٦٣. تفسير نور فروزان

- فارابى : أبو نصر إسماعيل بن حماد الجوهري الفارابي (متوفى: ٣٩٣هـ)

٦٤. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية . چاپ اول (١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م). تحقيق: أحمد عبد الغفور

عطار. ناشر: دار العلم للملايين - بيروت

٦٥. منتخب من صحاح الجوهري

- قيومى : أحمد بن محمد بن علي القيومى ثم الحموي، أبو العباس (متوفى: نحو ٧٧٠هـ)

٦٦. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير. ناشر: المكتبة العلمية - بيروت.

- قرطبي : أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس

الدين القرطبي (متوفى: ٦٧١هـ)

٦٧. الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي. چاپ دوم، (١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م). تحقيق: أحمد البردوني

وإبراهيم أطفيش . ناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة.

- ملكاوي، محمد أحمد محمد عبد القادر خليل. ت (١٤٠٥هـ).

٦٨. عقيدة التوحيد في القرآن الكريم، مكتبة دار الزمان.

- محمد محسن ناصري.

٦٩. نقش ايمان در زنده گي.

- منذرى : عبد العظيم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين المنذري

(متوفى: ٦٥٦هـ)

٧٠. الترغيب والترهيب من الحديث الشريف. چاپ اول، (١٤١٧). محقق: إبراهيم شمس الدين .
ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت .

- مناوي : زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين

العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (متوفى: ١٠٣١هـ)

٧١. التوقيف على مهمات التعاريف. چاپ اول، (١٤١٠هـ-١٩٩٠م). ناشر: عالم الكتب ٣٨ عبد الخالق
ثروت-القاهرة.

- محمد رشيد بن علي رضا بن محمد شمس الدين بن محمد بهاء الدين بن منلا علي

خليفة القلموني الحسيني (متوفى: ١٣٥٤هـ)

٧٢. تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار) چاپ اول (١٩٩٠ م). ناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

- امام مبرد: محمد بن يزيد المبرد، أبو العباس (متوفى: ٢٨٥هـ)

٧٣. الكامل في اللغة والأدب. چاپ سوم: (١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م) محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم. ناشر:
دار الفكر العربي - القاهرة

- محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي

(متوفى : ٥١٠هـ)

٧٤. معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي چاپ اول (١٤٢٠ هـ). محقق : عبد الرزاق المهدي
ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت.

- مودودي : سيد ابو الاعلى مودودي .

٧٥. مبادئ اسلام . پشاور نشر عقیده سال . ١٩٦٧

- نسائي : أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (متوفى:

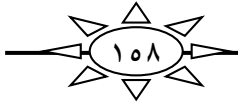
٣٠٣هـ)

٧٦. السنن الكبرى. چاپ اول . (١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م) . ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت.

- يحيى بن سلام بن أبي ثعلبة، التيمي بالولاء، من تيم ربيعة، البصري ثم الإفريقي

القيرواني (متوفى: ٢٠٠هـ)

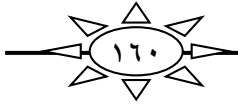
٧٧. التصاريف لتفسير القرآن مما اشتبهت أسمائه وتصرفت معانيه. چاپ اول . (١٩٧٩ م) وحقته: هند
شليبي . ناشر: الشركة التونسية للتوزيع.



Summary of the Research:

However, the third part of this realization is the subject of the master's course from the part of the subject. That Al-Rara is under the power of the believers and those who believe in surah Tawbah and with the advice of the honorable and the head and foot of Mohammad Ismail Labib Balkhi and I have chosen it. I have dedicated my patch to three chapters. I have divided the chariot into three parts. The second topic is about wealth and taste, and the third topic is about the hypocrites and the hypocrites. I have discussed the financial issues of the believers at the same time and in one third, I have divided the material into four tours with the all following in the form of articles in Mooreh Looneh and Marr al-Halm al-Malm. I have discussed the nation of Ali Mashadan on the subject of the evil of the hypocrites and in the fourth period the end of the elders in surah. In the hope that will be useful for the readers, we will try to research a surah R and the scientific salt is very high and we consider ourselves incapable of it, but I have still tried to read as much as I can and as a human being. I really hope that God Almighty Knew this action of this league for as, but a new small category for the community of security, the subject of this is that the chapter of repentance is the time, the illusion of God and the sign of your fists in the ways He has stated that a province can basically use the links of the believers and sort out the ugly and indecent attributes of the believers, and because human life together is based on only one joke, that all his movements. Sightseeing , sitting and rising The palm of the hand is weighed , and in this respect morality and self-eco carry the limitations and enjoyment of the values owed to society for human beings, all of which are the special property of the believers. The importance of the province in the society and the cause of moral and visual inadequacies of Rana

Shehtman and others in Jamnia Among others things, Safaei Ka has caused a lesson in the society and caused a textual enmity in Rabar. In the court of the three in the society, contrary to the evil nature the poisonous heart of Bushehri is forbidden for the Holy Prophet of Islam (PBUH). According to Kishan and the people of the society, the same educational points of this surah did not oblige kerman to face individual and social problems in his society. However, this issues is a repetition of the pilgrims and is not the subject of the good treatise. The research of the thirty-three –wheeled trailer gives practical work and the important findings of the study of the lily of the valley and the year in surah Tawbah that God Almighty through this case can train a circuit that no terrace knot is looser than itself. Let us not have brotherly as nd colored remnants of Tasnim,an object that we can think of three times and do not think badly about the image of the deaf, unless the hidden cause of the Muslims is revealed to Tala O Munawwar after the death of their deed. Let it be known that the read text is the benefit of the torch and death in the righteous deeds, and it is the male of the day until the end. It is ten that we will have some color-color antals of Trent Wai one, but on the day after resurrection of Baitullah, the general model of entering the attributes of ves



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Tafseer &

Islamic Emarat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic affairs

evil of the hypocrites & in the fourth period the & of the elders in surah

A Master's Thesis

Submitted By: AHMAD SHAKER RAHIMI

Supervisor: Dr. MOHAMMAD ISMAIL LABIB BALKHI

Year ۲۰۱۸



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Tafseer
& Hadith



Islamic Emarat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic affairs

evil of the hypocrites & in the fourth period the & of the elders in surah

A Master's Thesis

Submitted By: AHMAD SHAKER RAHIMI

Supervisor: Dr. MOHAMMAD ISMAIL LABIB BALKHI

Year ۲۰۱۸